

۱۳۰۴
۱۳۰۵
۱۳۰۶

اسناد / ۶۳

به تازگی منتشر شده است:

- نهضت جنگل
- تاراج میراث ملی (جلد اول)
- هیأت فوق العاده تفقازیه
- فهرست اسناد مکمل (دوره قاجاریه) - جلد اول (۵-۱)
- گزیده اسناد روابط ایران و آلمان (جلد چهارم)
- روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۲۴۸ ق - ۱۳۷۷ ش / ۱۸۳۲-۱۹۹۹ م)
- تاریخ سیاسی نخجوان (از چیرگی روسها تا سقوط بالشویکها)

اسناد روابط ایران

و عربستان سعودی

(۱۳۰۴-۱۳۵۷ ه. ش)

به کوشش علی محقق

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
نمایشگاه و فروشگاه مرکزی: صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳
بها: ۱۶۰۰۰ ریال

اسناد روابط ایران و عربستان سعودی

به کوشش علی محقق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه ایران و همسایگان (عربستان سعودی / ۱)

اسناد

روابط ایران و عربستان سعودی

۱۳۰۴-۱۳۵۷.ش

به کوشش:

علی محقق

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

تهران-۱۳۷۹

اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ه. ش / به کوشش علی محقق؛ [برای] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی [وزارت امور خارجه]. - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.

شصت و چهار، ۳۲۶ ص.: مصور، نمونه. - مجموعه ایران و همسایگان (عربستان سعودی/۱)
بها: ۱۶۰۰۰ ریال
ISBN 964-5572-86-X:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)
ص. ع. به انگلیسی:

Ali Mohaghegh

Documents on Iran & Saudi Arabia Relations (1925-1979)

۱. ایران - روابط خارجی - عربستان سعودی - اسناد و مدارک. ۲. عربستان سعودی - روابط خارجی - ایران - اسناد و مدارک. ۳. ایران - تاریخ پهلوی - ۱۳۰۴-۱۳۵۷. ۴. ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۰۴-۱۳۵۷. الف. ایران. وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. ب. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. ج. عنوان.

۲۲۷/۵۵۰۵۳۸

DSR ۱۴۸۹ / ۵ / ۳ م

۱۳۰۰۷ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ه. ش)

به کوشش: علی محقق

چاپ اول: ۱۳۷۹

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

نمایشگاه و فروشگاه مرکزی و مرکز پخش: تهران، خیابان آیت‌اله طالقانی بعد از تقاطع بهار، شماره ۵۱۷

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳ تلفن: ۳، ۷۶۸۵۸۲ - ۷۵۰۶۱۰۰، ۷۵۰۶۰۴۴

دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶ تلفن: ۵۹-۲۸۰۲۶۵۸، فاکس: ۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۹۲۲۷۰

فهرست مندرجات

- پیشگفتار..... هفده
- ایران و عربستان «بررسی تطبیقی شکل‌گیری دو نظام جدید»..... نوزده
- یادداشتها..... پنجاه و پنج
- بازنویسی اسناد..... ۱
- فصل اول: اسناد روابط سیاسی..... ۳
۱. یادداشت وزارت خارجه حکومت هاشمی به وزارت امورخارجه در باب تعیین منتخب‌الدوله به عنوان سرپرست اتباع ایران.
۲. گزارش منتخب‌الدوله به وزارت امورخارجه در باب ملاقات با ملک حسین.
۳. گزارش منتخب‌الدوله به وزارت امورخارجه در باب ملاقات با ملک حسین درباره مبادله سفیر.
۴. یادداشت نمایندگی دولت عربی هاشمی در مصر به سفارت ایران در باب گسترش روابط ایران با دولت هاشمی.
۵. گزارش علی اکبربهمن از سفارت ایران در مصر به وزارت امورخارجه در باب ملاقات با نماینده ملک حسین.
۶. مراسله عین‌الملک به وزارت امورخارجه در باب دعوت ابن‌السعود از علما و حکومت ایران برای شرکت در تعیین امور حجاز.
۷. سواد اخطار عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل‌السعود به اهالی جده.
۸. سواد ترجمه نامه ملک علی به جلال‌السلطنه در باب ارسال پیامی توسط شیخ فوادالخطیب.
۹. مراسله وزیر امور خارجه حجاز به وزیر مختار ایران در مصر در باب پیام ملک علی.

۱۰. پیام ملک علی برای غفار خان جلال السلطنه که توسط رئیس حزب وطنی حجاز تدوین شده در باب اوضاع حجاز.
۱۱. مراسله ملک علی به غفارخان جلال السلطنه درباره کناره گیری از قدرت.
۱۲. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب وقایع حجاز.
۱۳. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب ملاقات با ابن السعود.
۱۴. سواد ترجمه اعلامیه عبدالعزیز در روزنامه ام القری مبنی بر تشکیل حکومت.
۱۵. سواد ترجمه مراسله ملک عبدالعزیز به حکومت‌های متحابه در باب تشکیل حکومت.
۱۶. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب متحدالمال ابن السعود به نمایندگان خارجه پس از استیلا برجده.
۱۷. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب ممنوعیت رفتن به حج و مراسله نمایندنده ابن السعود در این باره.
۱۸. یادداشت کنسول سلطان نجد در دمشق به کنسول ایران در دمشق و دعوت حجاج ایرانی به انجام فریضه.
۱۹. مراسله وزارت امور خارجه به عین الملک در بابت تلگراف تبریک ابن السعود به رضاشاه و دستور به وی جهت دیدار با ملک عبدالعزیز.
۲۰. سواد نامه ملک عبدالعزیز به کنسولگری ایران درجده مبنی بر آزادی اجرای مناسک اسلامی و اوضاع حجاز.
۲۱. مراسله رئیس الوزرا به وزارت امور خارجه در باب ادامه ممنوعیت عزیمت به حج.
۲۲. اعلامیه عمومی از سوی رئیس الوزرا در باب محکومیت اعمال وهابیان.
۲۳. گزارش کنسولگری ایران درجده به سفارت ایران در مصر در باب حمله به مجلس عزاداری امام حسین (ع).
۲۴. گزارش کنسولگری ایران در جده به سفارت ایران در مصر در باب سختگیری مأمورین حجاز نسبت به حجاج ایرانی.

۲۵. گزارش سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه در باب سختگیری مأمورین حجاز نسبت به حجاج ایرانی.
۲۶. ترجمه جریده الوطن بغداد ارسالی از سفارت ایران در بغداد به وزارت امور خارجه در باب شناسایی دولت حجاز و نجد از طرف ایران.
۲۷. عهدنامه مودت بین مملکت ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن.
۲۸. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب ورود به حجاز و استقبال از وی.
۲۹. گزارش از سفارت ایران در حجاز و نجد به وزارت امور خارجه در باب دیدار هویدا با ملک عبدالعزیز.
۳۰. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب مقدمات ملاقات با ملک عبدالعزیز.
۳۱. متحدالمال وزارت امور خارجه به سفارت ایران در حجاز و نجد مبنی بر درخواست ارسال صورت جامعی از کنسولگریهای ایران در آن کشور.
۳۲. مراسله حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب عدم وجود کنسولگری در حجاز و نجد.
۳۳. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب دیدار با ملک ابن السعود.
۳۴. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب حج.
۳۵. تلگراف ارسالی از فیصل ولیعهد نجد و حجاز به وزیر امور خارجه در باب تشکر از پذیرایی در طول دیدار از ایران.
۳۶. مراسله وزارت امور خارجه به حبیب الله هویدا در باب نشانهای، هدایی به امیر فیصل.
۳۷. مراسله هویدا به وزارت امور خارجه در باب القاب و عناوین جهت ارسال نشانها.
۳۸. گزارش حبیب الله هویدا به وزارت امور خارجه در باب ورود شش کشتی جنگی ایران به بندر جده.
۳۹. نامه ملک عبدالعزیز به رضاشاه در باب قدردانی از حبیب الله هویدا در طول مأموریتش.
۴۰. گزارش از قربانی، سفارت ایران در مصر به وزارت امور خارجه در باب حاجی مقتول ایرانی.

۴۱. یادداشت اعتراض سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه عربستان سعودی در باب قتل حاجی ایرانی.
۴۲. ترجمه یادداشت وزارت امور خارجه عربی سعودی به سفارت ایران در قاهره در پاسخ یادداشت اعتراض سفارت ایران.
۴۳. یادداشت سفارت ایران در قاهره به سفارت عربی سعودی در پاسخ به یادداشت وزارت خارجه عربی سعودی در باب قتل حاجی ایرانی.
۴۴. گزارش سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه در باب تلاشهای وزارت خارجه و نخست وزیر مصر جهت حل و فصل اختلافات ناشی از قتل حاجی ایرانی.
۴۵. ترجمه یادداشت وزارت خارجه عربی سعودی به سفارت ایران در قاهره از بابت حاجی مقتول ایرانی.
۴۶. ترجمه تلگراف ملک عبدالعزیز به محمدرضا شاه مبنی بر تبریک سال نو.
۴۷. تلگراف محمدرضا شاه به ملک عبدالعزیز در پاسخ به تلگراف وی.
۴۸. تلگراف ملک عبدالعزیز به محمدرضا شاه و درخواست حل اختلافات فیما بین.
۴۹. تلگراف از کاظمی به ساعد در باب قطع رابطه با کشور سعودی.
۵۰. مراسله سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه در باب قطع رابطه با عربستان.
۵۱. مراسله سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه در باب اقدامات آن سفارت و قطع رابطه.
۵۲. ترجمه نامه ملک عبدالعزیز به محمدرضا پهلوی در باب تجدید روابط دوستانه و برقراری مجدد رابطه.
۵۳. نامه محمدرضا پهلوی به ملک عبدالعزیز در پاسخ به نامه وی در باب رفع سوء تفاهمات.
۵۴. مراسله وزیر امور خارجه به نخست وزیر در باب جواز یا عدم جواز سفر حج.
۵۵. یادداشت وزارت امور خارجه ایران به سفارت کشور عربی سعودی در تهران و درخواست تدابیر مقتضی از سوی دولت عربی سعودی جهت آنکه حجاج ایرانی از آسایش و اطمینان کامل برخوردار باشند.

- برخوردار باشند.
۵۶. یادداشت سفارت عربی سعودی در تهران به وزارت امور خارجه در باب تدابیر مقتضی جهت آسایش حجاج.
۵۷. گزارش سفارت ایران در امان به وزارت امور خارجه در باب انعکاس خبر مأموریت ظهیرالاسلام به عربستان سعودی در جراید.
۵۸. سواد نامه محمدرضا پهلوی به ملک سعود پادشاه کشور عربی سعودی جهت دعوت از وی به ایران.
۵۹. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه در باب سفر ملک سعود به ایران.
۶۰. یادداشت سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه عربی سعودی و اعتراض به ذکر نام مجعول خلیج عربی در رادیوی عربستان.
۶۱. نامه محمدرضا پهلوی به ملک سعود و پذیرش دعوت وی برای سفر به عربستان.
۶۲. نامه ملک سعود به محمدرضا پهلوی پس از بازگشت شاه از سفر به عربستان.
۶۳. ترجمه یادداشت وزارت خارجه عربی به سفارت ایران در جدّه مبنی بر درخواست محدودیت تبلیغات برای اسرائیلیها در ایران.
۶۴. نامه ملک سعود به محمدرضا پهلوی در پاسخ به پیام وی که توسط محمود صلاحی سفیر فوق العاده به ملک مسعود تسلیم شده.
۶۵. مراسله سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه در باب مسأله نمایندگی اسرائیل در ایران.
۶۶. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه در باب انعکاس آشوبهای ایران در جراید سعودی.
۶۷. ترجمه استوارنامه شیخ یوسف الفوزان.
۶۸. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه درباره مصاحبه مطبوعاتی زاهدی در جدّه.

۶۹. یادداشت سفارت ایران درجده به وزارت امورخارجه درباب اعلامیه رسمی سفر ملک خالد به ایران.
۷۰. نامه محمدرضا پهلوی به ملک خالد.
۷۱. گزارش سفارت ایران در بیروت به وزارت امورخارجه در باب انعکاس دیدار شاه و ملک خالد در جرأید عربی.
۷۲. مراسله وزیر امورخارجه به سفارت ایران در جده در باب انعکاس سفر ملک خالد به ایران در مطبوعات عربی.
۷۳. بخشنامه وزارت خارجه ارسالی به سفارت ایران درجده در باب استرداد خلبان و لاشه هواپیمای ایرانی.
۷۴. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امورخارجه در باب انعکاس خبر وساطت عربستان بین ایران و یمن جنوبی.
۷۵. گزارش وزارت امور خارجه به شرکت ملی نفت، وزارت اطلاعات و جهانگردی و ساواک در باب اختلاف ایران و عربستان در باب قیمت نفت.

- فصل دوم: اسناد روابط اقتصادی ۱۵۹
۷۶. ترجمه یادداشت سفارت عربی سعودی به وزارت کشور ایران مبنی بر درخواست اجازه خروج دو هزار تن برنج خریداری شده.
۷۷. یادداشت وزارت امورخارجه به سفارت کشور عربی سعودی در باب برنجهای درخواستی.
۷۸. ترجمه یادداشت وزارت امور خارجه عربی سعودی به سفارت ایران در جده در باب حمل و نقل حجاج با هواپیما.
۷۹. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امورخارجه در باب توسعه روابط اقتصادی باکشور عربی سعودی.
۸۰. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امور خارجه شامل لیست صادرات ایران به عربستان سعودی.

۸۱. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امور خارجه در باب تجار سعودی که با ایران تجارت می‌کنند.
۸۲. مراسله وزارت امورخارجه به اداره کل هواپیمایی کشوری در باب افتتاح سرویس هفتگی هواپیمایی بین ایران و عربستان.
۸۳. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امورخارجه مبنی بر پیشنهاد قرارداد بازرگانی و تأسیس شعبه برای فرش ایران در جده.
۸۴. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امور خارجه شامل لیست کالاهای صادره به عربستان و بالعکس.
۸۵. گزارش سفارت ایران در جده به وزارت امورخارجه در باب توسعه روابط بازرگانی بین ایران و عربستان.
۸۶. موافقتنامه بازرگانی بین دولت ایران و دولت عربستان سعودی.
۸۷. تلگراف سفارت ایران در جده به مدیر کل سیاسی وزارت امورخارجه در باب افتتاح شعبه بانک ملی ایران در جده.

- فصل سوم: اسناد روابط فرهنگی ۱۹۳
۸۸. مراسله وزارت امورخارجه به سفارت ایران در حجاز در باب آبروه کردن روزنامه «ام القرى».
۸۹. مراسله وزیر مختار سعودی در لندن به وزیر مختار ایران در لندن مبنی بر دعوت از وی به عضویت کمیته اجرایی مرکز تربیت اسلامی لندن.
۹۰. مقاله یک تبعه سعودی در باب سفرش به ایران، مندرج در روزنامه «الندوه» چاپ مکه، ارسالی از سفارت ایران در جده به وزارت امورخارجه.
۹۱. ترجمه مراسله سفارت ایران در جده به صالح محمد جمال، سردبیر روزنامه «الندوه» چاپ مکه در باب نقد یک مقاله چاپ شده در آن روزنامه.
۹۲. مراسله وزارت امورخارجه به اداره کل انتشارات و رادیو در باب پخش موسیقی ایرانی از رادیو جده.

۹۳. مراسله سفارت ایران در جدّه به مدیر جریده «مدینه منوره» در جدّه در باب انتشار مقاله‌ای درباره ابن سینا در آن روزنامه.
۹۴. مراسله سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه در باب سفر هیأتی از بانوان آموزگار جدّه به ایران.
۹۵. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به راهکارهای توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور.
۹۶. قرارداد ایران و عربستان سعودی جهت تأسیس دانشکده پزشکی در ریاض.
۹۷. تلگراف سفارت ایران در جدّه به وزیر دربار، اسداله علم، راجع به سفر هیأت فرهنگی ایران به عربستان و امضای توافقنامه فرهنگی.
۹۸. تلگراف سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به اعتبار قرارداد فرهنگی و اعزام دانشجویان پزشکی عربستان به ایران.
۹۹. طرح موافقتنامه فرهنگی بین دولت ایران و دولت عربستان سعودی.
۱۰۰. تلگراف سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به فرمان ملک فیصل مبنی بر موافقت با قرارداد فرهنگی بین دو کشور.
۱۰۱. مراسله اسداله علم به شیخ حسن آل شیخ راجع به همکاری دو کشور در باب تأسیس دانشکده پزشکی ریاض.
۱۰۲. تلگراف کشف از سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به مقاله روزنامه «الندوه» چاپ مکه در مورد بهایی‌گری.
۱۰۳. مراسله وزارت امور خارجه به سفارت ایران در جدّه راجع به دعوت از دکتر سیدجعفر شهیدی از سوی دانشگاه ملک عبدالعزیز جهت سخنرانی.
۱۰۴. مراسله وزارت امور خارجه به وزارت آموزش و پرورش راجع به درخواست مستشار فرهنگی عربستان سعودی جهت تأسیس یک باب مدرسه عربی در شیراز.
۱۰۵. مراسله وزارت آموزش و پرورش به وزارت امور خارجه مبنی بر اجازه تأسیس مدرسه

عربی در شیراز به شرط عمل متقابل.

۱۰۶. مراسله سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به سفر یک هیأت پنجاه نفره از استادان و دانشجویان دانشگاه ملک عبدالعزیز به ایران.
- فصل چهارم: اسناد قبور متبرکه بقیع، موقوفات، متفرقه ۲۴۷
- الف) تعمیر قبور ائمه بقیع و مسجدالحرام ۲۴۷
۱۰۷. گزارش سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه راجع به تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه بقیع.
۱۰۸. گزارش سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه راجع به پیگیری وعده ابن السعود در مورد تعمیر قبور بقیع.
۱۰۹. تلگراف از سفارت ایران در جدّه به دفتر مخصوص شاهنشاهی راجع به تشکر بابت موافقت با ساختن سایبان در بقیع.
۱۱۰. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به تعمیر قبور بقیع و پیشنهاد کمک ایرانیان.
۱۱۱. مراسله وزیر امور خارجه به سفارتخانه‌های ایران در قاهره - کراچی - جدّه راجع به استعلام در باب اخبار مربوطه به تعمیر قبور بقیع.
۱۱۲. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به ضریح قبور ائمه بقیع (علیهم السلام).
۱۱۳. گزارش اداره اول سیاسی در باب مذاکره با رایزن سفارت عربستان سعودی در ایران درباره تعمیر قبور بقیع.
- ب) اسناد موقوفات ۲۶۳
۱۱۴. ترجمه مراسله محمد نصیف به سفارت ایران در مصر راجع به موقوفات آل معصوم در مکه و طائف.

۱۱۵. وکالتنامه سید احمد مهذب به محمودجم سفیر ایران در مصر در مورد موقوفات آل معصوم در مکه و طائف.
۱۱۶. گزارش سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه راجع به خرید زمین در مدینه جهت حجاج ایرانی.
۱۱۷. تلگراف از کمیسیون دائمی حج به سید مصطفی العطار در مدینه راجع به آماده کردن مقدمات ساخت زمین ایتاعی.
۱۱۸. خرید یک قطعه زمین در مدینه جهت اسکان حجاج ایرانی.
۱۱۹. ترجمه یادداشت وزارت امور خارجه کشور عربستان سعودی به سفارت ایران در جدّه در باب دادگاه فرجام مکه درباره موقوفات آل معصوم.
۱۲۰. یادداشت سفارت ایران در جدّه به وزارت امور خارجه عربستان سعودی راجع به موقوفات آل معصوم.
۱۲۱. مراسله مشاور قضایی وزارت جنگ به سفارت ایران در جدّه راجع به بررسی موقوفات آل معصوم از بُعد حقوقی و تاریخی.
۱۲۲. مراسله لواسانی به سفارت ایران در جدّه شامل گزارش از پرونده‌های سالهای ۴۲ و ۴۳ موقوفات آل معصوم.
۱۲۳. یادداشت سفارت ایران در جدّه به وزارت خارجه عربی سعودی راجع به وجوه و عواید موقوفات آل معصوم.
۱۲۴. ترجمه یادداشت وزارت خارجه عربستان سعودی به سفارت ایران در جدّه در باب تقاضای مال الاجاره موقوفات.
- ج) اسناد موقوفه ۲۸۷
۱۲۵. مراسله علی اکبر بهمن به شیخ عبدالله سلیمان راجع به دزدیدن تعدادی از اطفال بلوچستان توسط گروهی و انتقال آنها به عربستان بعنوان برده.
۱۲۶. یادداشت سفارت ایران در جدّه به وزارت خارجه عربی سعودی راجع به انعقاد قرارداد استرداد مجرمین.

۱۲۷. یادداشت سفارت عربستان در تهران به وزارت امور خارجه مبنی بر تقاضای اقامت بیش از شش ماه برای اتباع سعودی.
۱۲۸. مراسله رئیس اداره گذرنامه و روادید به شهربانی کل کشور در باب صدر پروانه اقامت یک ساله جهت اتباع سعودی.
۱۲۹. مراسله وزارت امور خارجه به سفارت ایران در جدّه در باب سفر دو تن از شاهزادگان سعودی به ایران جهت شکار.
- ضمائم ۲۹۵
- تصاویری از اسناد ۳۰۳
- اسامی نمایندگان سیاسی ایران در عربستان سعودی ۳۲۷

پیشگفتار

ایران و همسایگان عنوان مجموعه‌ای است که سعی دارد به بررسی تاریخ و روابط سیاسی ایران با کشورهای پیرامونی بپردازد. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه با درک ضرورت شناخت افزونتر از کشورهای همسایه سعی دارد با هدایت محققان و پژوهشگران ایرانی امکانی را فراهم آورد که ادبیات جدیدی در حوزه شناسی همسایگان ایجاد شود. از آنجایی که سرزمینهای پیرامونی ایران در گذشته‌ای نه چندان دور یا خود به نحوی از انحاء وابستگی و تعلق تاریخی و جغرافیایی به ایران داشته‌اند و یا تحولات آنها مورد توجه زمامداران وقت ایران بوده‌است، لذا توجه به اوضاع و احوال این سرزمینها و ارسال گزارشهای دقیق از تحولات درونی این مناطق خود اولویتی برای کارگزاران سیاست خارجی دولتهای وقت ایران بوده‌است. این توجه سبب گردیده تا آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران مشحون از اسناد و مدارکی گردد که بررسی و ارزیابی آنها می‌تواند تصویر روشنتری را از تاریخ این مناطق ارائه نماید.

شکل‌گیری دولت عربستان سعودی در آغاز قرن بیستم و همزمانی این تحول با روی کار آمدن سلسله پهلوی سبب شد که مناسبات دولت عربستان سعودی و دولت وقت ایران با یکدیگر تقارن زمانی یابد. نیاز به مشروعیت برای هر دو حکومت جدید از یک سو، مسأله همسایگی و نقشی که دو کشور می‌توانستند در جهان اسلام ایفا کنند از دیگر سو سبب گشت که مناسبات سیاسی به سرعت گسترش یافته و رشد یابد.

اسناد روابط ایران و عربستان سعودی در حقیقت تلاش دارد منتخبی از مجموعه پرونده‌ها و مدارک متعدد این دوره تاریخی را جهت شناخت بیشتر تحولات عربستان سعودی طی قرن اخیر در معرض دید محققان و پژوهشگران مسائل خاورمیانه قرار دهد.

سیدعلی موجانی

دبیر مجموعه

ایران و عربستان

«بررسی تطبیقی شکل‌گیری دو نظام جدید»

کشور عربستان سعودی به‌طور کلی شامل دو بخش «نجد»^(۱) و «حجاز»^(۲) است. ناحیه نجد در دوره‌ای که مورد توجه ماست، دارای تاریخ مدونی نیست و حکومت آن همیشه در دست عشیره‌ای بوده که در نتیجه جنگ و کثرت افراد، بر قبایل دیگر فائق می‌آمده‌است. آل سعود تا پیش از ۱۷۴۱ م، جزو قبایلی بودند که در نتیجه تاخت و تازها، گاهی بر برخی از شهرهای نجد استیلا می‌یافتند. در ۱۷۴۱ م، که محمد بن عبدالوهاب به عنوان مصلح مذهبی عقایدی را مطرح کرد، عده‌ای علیه او برخاستند و حتی در مقام سوء قصد به او هم برآمدند، و او سرانجام به حکام شهرهای نجد پناهنده شد و محمد بن سعود که حاکم درعیه^(۳) بود با وی همپیمان شد، رفته رفته قلمرو حکومت آل سعود توسعه یافت، تا اینکه بر غالب اراضی نجد مستولی شدند. دولت عثمانی که خود را مالک حقیقی شبه جزیره عربستان می‌دانست، در ۱۸۱۸ م، قشونی تحت فرماندهی ابراهیم پاشا والی مصر با تجهیزات کامل به نجد فرستاد و او بر آل سعود غلبه کرد. در ۱۸۳۴ م، شخصی به نام فیصل بن ترکی با قشون عثمانی جنگید و زمام امور نجد را به دست گرفت. پس از او، چهار فرزندش به دلیل اختلافات داخلی، نتوانستند حکومت مقتدری تشکیل دهند و آل رشید^(۴) ریاض را فتح کرد. عبدالرحمن یکی از فرزندان فیصل بن ترکی از ریاض به کویت گریخت و در آنجا اقامت گزید. عبدالعزیز دومین فرزند عبدالرحمن گروهی را به گرد خود جمع کرده و به ریاض حمله کرد و آنجا را به تصرف خویش درآورد. عبدالعزیز در پی شکست آل رشید کوشید قدرت سیاسی خود را بر شبه جزیره عربستان گسترش دهد. وی در ۱۳۰۰ ش / ۱۹۱۲ م، در نجد حکومت سلطنتی برپا کرد و خود را سلطان نجد و ملحقات آن نامید. در اواخر ۱۳۰۴ ش، وی ملک علی پادشاه حجاز را شکست داد و قلمرو وی را به تصرف خویش درآورد.

نجد و حجاز تحت حکومت عبدالعزیز به هم پیوسته و زیر سیطره حکومتی واحد درآمدند. این کشور نوظهور را تا ۱۹۳۱ م، که استان عسیر^(۵) در جنوب حجاز به آن ملحق شد «پادشاهی حجاز، نجد و ملحقات آن» می‌نامیدند و در ۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲ م، سراسر کشور، به عنوان «پادشاهی عربی سعودی» خوانده شد.

ایران در ۱۳۰۴ ش دستخوش تحول سیاسی در ساختار حکومتی بود. رضاخان که در ۱۲۹۹ ش پس از یک کودتای بدون خونریزی قدرت را به دست گرفت، در ۱۳۰۴ ش سلسله قاجار را منقرض کرد و به عنوان «رضاشاه پهلوی» تاج بر سر نهاد. می‌دانیم که رضاخان سخت تحت تأثیر آتاتورک قرارداد داشت و می‌کوشید جامعه‌ای براساس تمدن ایران قبل از اسلام مبتنی بر تفکر جدایی دین از سیاست ایجاد کند.

یکی از مسائل مهمی که در بررسی روابط ایران و عربستان در این دوره باید مورد توجه قرارگیرد، شباهت دو کشور در روند توسعه سیاسی بود. هر دو کشور در حال ایجاد و پی‌ریزی ساختار سیاسی خاصی بودند. این روند در عربستان پس از تصرف کامل حجاز و به دست نیروهای سعودی در ۱۹۲۶ م / دی ماه ۱۳۰۴ ش آغاز شد و تا پیش از آن، حکومت آل سعود، چنانکه گفته شد، محدود به نجد بود؛ منطقه‌ای که نفوذ بیگانگان در آنجا اندک بود و سیاستها براساس ساختار قبیله‌ای و شریعت اسلامی تعریف و تبیین می‌شد. سلطان نجد به نظام اداری پیچیده‌ای نیاز نداشت و سلطان عبدالعزیز قادر بود تنها با تعدادی همکار قابل اطمینان، امور کشور را اداره کند.

بافتح حجاز، پادشاهی تازه تأسیس شده با وضعیت جدیدی روبرو شد. ساختار حکومتی حجاز و دیوانسالاری آن بسیار پیچیده‌تر از نظام حکومتی فردی در نجد بود. عبدالعزیز همچنین با نظام حقوقی دیگری نیز روبرو شد و آن، قانون عهد عثمانی بود که از زمان حکومت عثمانیها در حجاز اجرا می‌شد. به علاوه او می‌بایست اداره امور حج را نیز بر عهده می‌گرفت^(۶). مسأله مهمی که عبدالعزیز در آغاز با آن روبرو شد، اعلام ممنوعیت سفر حج در تعدادی از کشورهای اسلامی بود. مفتی مصر در ۱۳۰۴ ش به ندادن جواز زیارت بیت‌الله‌الحرام فتوا

داد^(۷) و دولت ایران هم سفر حج را ممنوع اعلام کرد^(۸) و این موضوع برای عبدالعزیز بسیار مهم بود، زیرا حج یکی از منابع اصلی درآمد حجاز به شمار می‌آمد و ممنوعیت سفر حج به مشروعیت حکام جدید شبه جزیره در جهان اسلام خدشه وارد می‌کرد. به همین سبب، حکام جدید کوشیدند نظر مثبت کشورهای اسلامی را در رفع ممنوعیت سفر حجاج، به دست آورند. به عنوان نمونه باید به نامه نماینده ابن السعود به کنسول ایران در سوریه اشاره کرد که در آن کوشش شده تا نظر مثبت دولت ایران جلب شود:

«... مقصود این است که دولت معظمه ایران و رعایای آن از هر محل و مکانی که در این سال در صدد ادای مراسم حج برآیند اطلاع بهم رسانند که سلطان متبوع فوق‌العاده مایل و مشتاق می‌باشند که موجبات رفاهیت و راحتی رعایای دولت علیه را فراهم ساخته و مسافرت آنان را در حجاز تأمین کنند.»^(۹)

همچنین در ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ ش نامه‌ای از ملک عبدالعزیز به جنرال قونسولگری ایران در جده ارسال و در آن اعلام شد که در حجاز امنیت کامل وجود دارد و مردم در اقامه مناسک اسلامی و زیارت مسجد رسول‌الله (ص) آزادند و اینکه هدف دشمنان وی از تبلیغات و انتشار شایعات، به تعطیل کشاندن شعائر اسلامی است^(۱۰).

قدم بعدی عبدالعزیز برای اتحاد کشور، تصرف امارت عسیر در بخش جنوب غربی شبه جزیره عربستان بود. در ۱۹۳۱ م عبدالعزیز عسیر را که شامل دو شهر نجران و جیزان می‌شد، تصرف کرد. اقدام او براساس معاهده ۱۹۲۶ م میان وی و حاکم عسیر، الأدریس انجام گرفت که براساس آن، عسیر تحت‌الحمايه سعودیها درمی‌آمد^(۱۱). در ۱۹۳۱ م الأدریس معاهده را ملغی اعلام کرد و عبدالعزیز با تمسک به همین موضوع منطقه مذکور را متصرف شد. در سپتامبر ۱۹۳۲ م - شهریور ۱۳۱۱ ش، ملک عبدالعزیز طی حکمی، نام کشورش را به «پادشاهی عربی سعودی» تغییر داد^(۱۲).

می‌توان گفت که رضاخان نیز، گرچه در مسیری متفاوت با آنچه در عربستان واقع شده بود، همین روند را در ایران پی گرفت. اولین چالشی که وی با آن روبرو شد، تغییر ساختار

سیاسی بود. در اواخر سال ۱۳۰۲ ش، در مجلس ایران، بحثی جدی، دربارهٔ قانون اساسی و ساختار سیاسی کشور جریان داشت و سیرآن تا ۱۳۰۴ ش، ادامه یافت. علی‌رغم مخالفت رهبران مذهبی، که نگران بودند اسلام در ایران با همان سرنوشتی روبرو شود که در ترکیه، از سوی آتاتورک^(۱۳) پیش آمد، رضاخان و اطرافیان او برای تغییر پادشاهی به جمهوری، سخت در حال تلاش و تکاپو بودند.

یکی از اقدامات رضاخان در این دوره، حل مسألهٔ خوزستان بود، زیرا یک حاکم محلی منطقهٔ خوزستان به نام شیخ خزعل^(۱۴) مدتی به ایجاد حکومتی خود مختار در این ناحیه می‌اندیشید و انگلیسیها از وی به عنوان وسیله‌ای برای توطئه چینی و جدا کردن این استان از ایران و در نتیجه به دست گرفتن کنترل منابع نفت آن، استفاده می‌کردند. رضاخان برای کسب مشروعیت داخلی نیروهای خود را به خوزستان فرستاد و با شکست دادن شیخ خزعل، آنجا را تحت تسلط خود درآورد. رضاخان به تحکیم قدرت خویش پرداخت و در مهرماه ۱۳۰۴ ش با یاری بیگانگان و پاره‌ای نیروهای اجتماعی حامی خود، توانست شاه قاجار را خلع کند و خود قدرت را به دست گیرد. در این هنگام، مسألهٔ بحرین قدری بر روابط دو کشور ایران و عربستان تأثیر نهاد. ایران از مدتها پیش حاکمیت و مالکیت بر بحرین را همچون دیگر اجزای دیگر سرزمین ایران در اختیار داشت.

در خرداد ۱۳۰۶ ش / می ۱۹۲۷ م ملک عبدالعزیز با انگلیسیها توافقنامه‌ای امضا کرد که بر اساس آن امارتهای خود خواندهٔ بحرین، کویت، قطر و دولت عمان معاهدات منعقد می‌نمایند. عربستان با بریتانیا را به رسمیت می‌شناختند. ایران قرارداد مذکور سعودی - انگلیسی را دخالت آشکار در امور داخلی خود تلقی کرد و در پاسخ به این رفتار، رضاشاه به نمایندگی خود در قاهره دستور داد که یادداشت اعتراض آمیزی تسلیم نمایندهٔ دولت سعودی کند^(۱۵). به همین سبب، در نوامبر ۱۹۲۷ م ایران، اعتراض رسمی خود را تسلیم دبیرخانهٔ جامعهٔ ملل کرد. این منازعهٔ ارضی تا سال ۱۹۶۸ م - که محمدرضا پهلوی با ملک فیصل ملاقات کرد - همچنان موضوعی غامض در روابط ایران با عربستان بود، اما طی دیدار مذکور، طرفین به نوعی توافق و تفاهم دست یافتند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که روابط ایران و عربستان طی نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۰۰ ش، دارای نقطه اشتراک بود و آن اینکه هر دو کشور، روندهای تحکیم قدرت سیاسی را به نحو مشابهی تجربه می‌کردند. اما روابط دو جانبهٔ آنها را در دورهٔ پس از تثبیت، می‌باید در دو بُعد دوستی و رقابت بررسی کرد: مصداق بارز جنبهٔ دوستی انعقاد معاهدهٔ مودت در شهریور ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م بود و عرصهٔ رقابت، در اختلاف دو کشور بر سر بحرین نمایان شد.

رضا شاه و ملک عبدالعزیز هر دو، به مسائل مربوط به امنیت ملی کشورشان توجه بسیار مبذول می‌داشتند و البته هر یک از دیدگاه خود، سیاستهای متفاوتی را دنبال می‌کردند. در اینجا می‌کوشیم به‌طور مختصر، رفتار دو کشور را در ربط با مسألهٔ امنیت، در دو بُعد داخلی و خارجی بررسی کنیم.

ایران و عربستان هر دو در آن هنگام دارای جامعه‌هایی با بافت سنتی بودند، اگرچه ایران به لحاظ قریب به سه هزار سال سابقه تمدنی از سنتی متکی بر فرهنگی کهن برخوردار بود، اما کماکان سنن ملی و شعائر مذهبی بر اصول مدرن مورد اقبال آن دوران رجحان داشت، بنابراین، رابطهٔ میان حکومت و قبایل و عشایر در روند ایجاد ساختار جدید حکومت طی آن دوران اهمیت چشمگیر داشته‌است. البته باید یادآوری کرد که اساساً ساختار قبیله‌گرایی در هر دو کشور بسیار متفاوت بود، زیرا شبه جزیره در طول تاریخ خود، پیش و پس از اسلام، دارای ساختار پر قدرت نظام قبیله‌گرایی بود و ایران در قرون اخیر از تاریخ خود، درگیر مسألهٔ قبیله‌گرایی شد. با اینهمه قبیله‌گرایی از دیدگاه هر دو پادشاه مشکل امنیتی بالقوه بوده‌است. ملک عبدالعزیز دربارهٔ قبیله‌گرایی دیدگاه خاصی داشت؛ و به همین سبب، قبیله و ساختار قبیله‌گرایی را جزئی از ساختار حکومت خویش قرار داد. او نخست کوشید جنبش‌ها و یابیگری را در میان قبایل گسترش دهد و برای تحقق این هدف و آموزش قبایل مختلف بر طبق تعالیم محمد بن عبدالوهاب، مبلغان مذهبی به نزد آنها گسیل کرد. سپس یک ارتش بدوی (اخوان) بنیان نهاد و برای اطمینان از وفاداری سیاسی رؤسای قبایل مهم و شیوخ آنها، با دختران یا خواهران آنها پیمان ازدواج بست. آنگاه طرح اسکان قبایل را در مناطق حاصلخیز برای کشاورزی، به اجرا درآورد و سرانجام

سیاست گشاده دستی و بخشش را همچون ابزاری برای پیروزی و سلطه بر قلوب و افکار رهبران قبایل در پیش گرفت (۱۶).

در مورد بُعد خارجی امنیت باید گفت که در سالهای بین ۱۳۰۴ ش تا ۱۳۱۱ ش امنیت منطقه‌ای خلیج فارس، برخلاف دوره جنگ جهانی اول و دوم، موضوع مهم بین‌المللی تلقی نمی‌شد. در این دوره، اغلب تهدیدهای امنیتی خارجی برای کشورها، درون منطقه‌ای بود و به منازعات سرزمینی و مرزهای «تعیین حدود نشده» مربوط می‌شد. علامت‌گذاری مرزهای خاکی و راههای آبی خلیج فارس، با اکتشاف نفت اهمیت بسیار یافت.

در روزگار ما، مرزهای عربستان سعودی همه علامت‌گذاری شده‌اند و دست کم به‌طور جدی مورد منازعه نیستند، هرچند عربستان اختلافاتی با بعضی همسایگان خود دارد (۱۷)، اما در سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ ش وضع اینگونه نبود. بنابراین، ایجاد مرزهای امن، دومین وظیفه اصلی عبدالعزیز شمرده می‌شد. رضاشاه هم با مشکل اختلافات ارضی دست به‌گریبان بود و همانند عبدالعزیز به حل منازعات مرزی با کشورهای همسایه ایران، به منظور دستیابی به امنیت خارجی و ثبات داخلی اهمیت بسیار می‌داد (۱۸).

چنانکه اشاره کردیم روند ایجاد ساختار جدید سیاسی در ایران و عربستان ویژگیهای مشابه داشت و البته اختلافات عمده‌ای هم میان دو کشور مشهود بوده‌است. رضاشاه می‌کوشید کشوری مدرن تأسیس کند و در این راه از ضدیت با مذهب و سنتهای جامعه رویگردانی نداشت؛ اما عبدالعزیز تغییرات مورد نظر خود را براساس فرهنگ بدوی جامعه عربستان زمینه‌های مذهبی و سنت سیاسی پیش می‌برد.

مناسبات سیاسی ایران و عربستان

در آستانه سقوط حکومت هاشمی

وقتی شریف حسین (۱۹) ادعای خلافت کرد و خود را «خلیفه مسلمین» خواند، در همین زمینه با دولت ایران مذاکراتی انجام داد و مقصود خود را به اطلاع دولت ایران رسانید و مصمم بود تا حمایت ایران را جلب کند؛ چنانکه در نامه وزارت امور خارجه حکومت هاشمی، در پاسخ به نامه وزارت امور خارجه ایران در باب تعیین منتخب الدوله به عنوان سرپرست اتباع ایران آمده‌است:

«حکومت هاشمیه آنچه لازم است خواه در معاملات رسمی و خواه خصوصی درباره ایشان به عمل آورده‌است، چنانچه از تلگراف جناب معزی الیه مستحضر شده‌اند، در مسائلی که به‌طور خصوصی مذاکره گردید منتظر جواب آن فخامتمآب هستم و به این وسیله صراحتاً تأکید می‌کنم که حکومت هاشمیه حاضر است آنچه دولت علیه ایران برای منافع انبای دین و صیانت آنها و مملکتشان از حوادث ایام مناسب می‌داند به عمل بیاورد...» (۲۰)

پس از آنکه منتخب الدوله، در ۱۶ تیرماه ۱۳۰۳ ش به سمت سرپرست اتباع و حجاج ایرانی وارد مکه شد، بارها با شریف حسین ملاقات کرد و طی گفت و گوها، طرفین خواستار مبادله هیأت‌های دیپلماتیک و مبادله سفیر میان دو کشور شدند. در یکی از این ملاقاتها، وقتی ملک حسین از پاسخ دولت ایران درباره مسئله خلافت استفسار می‌کند، منتخب الدوله با زیرکی اظهار می‌دارد:

«... و راجع به امر خلافت هیچ اعتراض و مخالفتی هم ندارد ولی چون مسئله دینی و

بسته به عقاید مردم است نمی‌توانند مداخله کرده و رأی بدهند...» (۲۱)

طرح مسئله مذکور نشان دهنده اهمیت نظر مثبت ایران در این قضیه، برای حکومت هاشمی است. همچنین شریف حسین بر مبادله سفیر میان دو کشور اصرار می‌ورزید، چنانکه منتخب الدوله در گزارشی به وزارت امور خارجه درباره ملاقات خود با شریف حسین

می‌نویسد:

«... در ضمن صحبت اظهار می‌کردند که دیگر لازم است دولت علیه ایران یک شخص مهمی را که دارای مقام وزارت باشد به اینجا بفرستد... از قرینه اظهارات ملک حسین چنین استنباط کردم که نماینده دولت علیه ایران را میل دارند به عنوان سفارت معین و معرفی شود...»^(۲۲)

شریف حسین در ۹ شهریور همان سال شیخ فؤاد الخطیب را به سمت سفیر فوق‌العاده به ایران اعزام کرد که دربارهٔ مسائل مورد علاقه مذاکراتی انجام دهد^(۲۳)، که البته شروع جنگ مانع از رسیدن وی به ایران گردید^(۲۴).

پس از شروع جنگ و منازعه بین ملک علی (وی پسر شریف حسین بود که، شریف حسین پس از تصرف طائف به دست عبدالعزیز، به نفع وی از قدرت کناره‌گیری کرد) و عبدالعزیز پس از تصرف مکه و مدینه توسط عبدالعزیز حاکم نجد، بر نگرانیهای کشورهای اسلامی از جمله ایران نسبت به موضوع افزوده شد. علت اصلی نگرانی، سرنوشت و آینده دوشهر مقدس و خبرهایی بود مبنی بر تخریب اماکن مقدس دو شهر مدینه و مکه که از آن کشور می‌رسید^(۲۵).

ترس بعضی از کشورهای اسلامی از این بود که وهابیون و اخوانیهای متعصب زیارت حرمین شریفین را به کسانی که از نظرات ایشان حمایت می‌کنند منحصر کنند. ملک عبدالعزیز تمام این اخبار را تکذیب کرد^(۲۶) و اعلام داشت که با اعزام گروه‌های تحقیق و بررسی به وضع اماکن مقدسه از سوی هر کشور مسلمان موافق است. وی بارها اعلام داشت که دشمنان وی در صدد مخدوش نمودن چهرهٔ حکومت وی هستند. منظور وی از دشمنان، ملک فؤاد^(۲۷) در مصر و شریف حسین پادشاه قبلی حجاز بود. وی از حکومت‌های مسلمان دعوت کرد که به منظور بررسی این موضوع هیأت‌هایی به حجاز بفرستند. ایران از اولین کشورهای بود که هیأتی به مکه و مدینه جهت بررسی مسائل مربوطه اعزام داشت. به نظر می‌رسد این عمل رضاشاه بیشتر از روی اغراض سیاسی بود. هیأت ایرانی در ۲۴ مهرماه ۱۳۰۴ش وارد جده شد. این هیأت شامل

غفارخان جلال السلطنه (وزیر مختار ایران در مصر) و حبیب‌الله خان هویدا^(۲۸) بود. پذیرایی ملک عبدالعزیز از این هیأت بسیار خوب و دوستانه توصیف شده است. وی اتومبیل‌های خویش را جهت مسافرت هیأت ایرانی به مکه اختصاص داد^(۲۹). وی در گفت و گوهایش با هیأت ایرانی موضع خویش را در آمادگی برای پذیرایی از هیأت‌های هر کشور مسلمان دیگری که برای بررسی این مسائل به عربستان بیایند ابراز کرده است. عبدالعزیز در این دیدارها همچنین اظهار تمایل زیادی به نزدیکی با ایران از خود نشان داده است. چنانچه در گزارش حبیب‌الله هویدا آمده است:

«... یکشنبه روز در بحره متوقف و دو دفعه با ابن‌السعود ملاقات شد، فوق‌العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرب به دولت علیه می‌کرد و می‌گفت ما با دولت ایران همجواریم و به قدر سی هزار نفر شیعه در نجد و حساء نزد من هستند. می‌توانید از آنها تحقیق نمایید، آنچه در حق ما شهرت می‌دهند اکثر تهمت و افتراست. ان‌شاءالله شما به مدینه رفته خواهید دید که آنچه گفته‌اند دروغ است. من صریحاً به شما می‌گویم و شما هم به دولت علیه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارسم مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است...»^(۳۰)

وی همچنین در جایی دیگر اظهار می‌دارد:

«خیلی شایق و آرزومندم که بین ما و دولت علیه ایران روابط محبت و ودادیه مستقیم برقرار شود و از شما خواهشمندم در این زمینه اقدام نمایید و مرا مطلع سازید.»^(۳۱) یکی از نکات قابل توجه حضور انگلیسیها برای عقد معاهده با ملک عبدالعزیز است.

هویدا در گزارش خود می‌نویسد:

«...در بین جده و مکه در محلی که به اسم بحره معروف است برای پذیرایی از نماینده انگلیس مستر کلایتون^(۳۲) که برای عقد معاهده آمده بود چادرهای متعدد افراشته بود و خود نیز چون آنجا بود اول برای ملاقات او رفته...»^(۳۳)

عبدالعزیز در دیدارش با هویدا به دو مسألهٔ دیگر اشاره می‌کند، یکی تخریب قبور و

دیگری شیعیان نجد و حساء. وی درباره تخریب قبور اظهار می‌دارد:

«...بلی وهاییها اعتقاد به تعمیر قبور و قبه‌ها ندارند و بدعت می‌دانند و خیرالقبورالدوارس را حدیث معتبر می‌شناسند، مع هذا بعد از ورود خودم فوراً جلوگیری کرده‌ام و حالیه نیز با کمال اصرار و الحاح منتظم که دول و ملل اسلامی نماینده‌های خود را بفرستند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز اگر مصمم شوند مخالفت نمی‌کنم سهل است، مساعدت خواهم کرد...»^(۳۴)

وی همچنین درباره شیعیان نجد می‌گوید:

«... قریب بیست، سی هزار رعایای شیعی مذهب در نجد و حساء دارم. سؤال کنید همگی در نهایت آزادی و آسودگی و راحتی مشغول کسب و کار خود هستند و هیچ فشاری نه مذهبی و نه غیر مذهبی بر آنها نبوده و نیست...»^(۳۵)

بدین ترتیب با دلجویی و وعد و وعید سعی می‌کند از اثرات رفتارهای نابخردانه و

نکوهیده تندروان وهابی بکاهد. همچنین وی به هویدا اظهار می‌دارد که:

«... و با اصرار و الحاح از شما می‌طلبم که ان‌شاءالله دولت علیه دعوت مرا بزودی قبول و نمایندگان سیاسی و دینی برای اخذ تصمیم در امور حجاز خواهند فرستاد...»^(۳۶)

عبدالعزیز زیرکانه مواظب بود که روابط خود را با تمام رهبران کشورهای اسلامی حفظ کند. در همین راستا وی از همه رهبران کشورهای اسلامی جهت شرکت در یک کنفرانس اسلامی دعوت به عمل آورد. دولت ایران طی اعلامیه‌ای که در اول تیرماه ۱۳۰۵ ش منتشر ساخت، مراتب اعتراض رسمی خود را نسبت به تخریب قبور ائمه بقیع (علیهم‌السلام) اعلام داشت و از شرکت در این کنفرانس امتناع کرد. در این اعلامیه آمده است:

«ولی برخلاف انتظار، عملیاتی اخیراً منافی با مواعید خود از آنها به ظهور رسید که قلوب اسلامیان را متأثر و متألم نمود و سبب گردید که دولت ایران دعوت ابن‌السعود را برای شرکت در مجمع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته و رد نماید.»^(۳۷)

پس از عزیمت غفارخان جلال السلطنه از حجاز به مصر، ملک علی پیامی را توسط وزیر خارجه خود، شیخ فؤادالخطیب برای غفارخان فرستاد و از وی خواست که دولت ایران را در جریان آن قراردهد. این پیام که در شانزده صفحه تهیه شده بود اوضاع حجاز، جنگ با سعودیها و مشکلات پیش آمده را شرح داده و خواستار مساعدتهای دولت ایران به حکومت هاشمی در مقابل سلطان نجد شده است.^(۳۸) وی در این نامه با تمجید از نمایندگان ایران اظهار می‌دارد که حجاز تحت محاصره اقتصادی قراردارد بطوری که حتی از نزدیکترین کشورها نیز غذایی به حجاز نمی‌رسد. در این نامه آمده است:

«... ما بر این اعتقادیم که دولت علیه ایران صرفاً شما را تنها برای مشاهده نشانه‌های ویرانگری بدینجا اعزام نکرده تا طبق شئونات هیأت‌های باستان‌شناسی تنها به دیدن پردازید، بلکه شما را فرستاده تا به تحقیق پیرامون اوضاع و صحنه‌هایی پردازید که نتیجه بعدی و عملی آن شایسته شرف و افتخار کشور گسیل‌کننده و شخص فرستاده باشد.»

در نهایت ملک علی مجبور به کناره‌گیری از قدرت شد و در اول دی ۱۳۰۴ ش به طرف بغداد حرکت کرد. وی در نامه‌ای که چند روز قبل از عزیمت از حجاز به غفارخان جلال السلطنه می‌نویسد اظهار داشته است که:

«... چون مداومت به جنگ با تنگدستی باعث خسران اهالی از حیث جان و مال و تحمل زحمات و صدمات و مشکلات به ملاحظه خیرخواهی و محبت من نسبت به اهالی بوده لهذا... بهتر دانستم کناره گرفته و حکومت موقتی اهلی تشکیل گردید...»^(۳۹)

پس از خروج ملک علی از حجاز و سیطره کامل عبدالعزیز، وی در ۱۷ دی ۱۳۰۴ ش اعلامیه‌ای صادر کرد و اعلام داشت که چون کشورهای اسلامی به دعوت وی پاسخ نداده‌اند، بنا به درخواست اهالی حجاز مسئولیت تشکیل حکومت را پذیرفته است:

«... و از وقتی که به این کار مبادرت کردیم مصمم بودم آنچه را که عالم اسلامی که اهل

حجاز، رکنی از آن است راجع به آینده این بلاد مقدسه حکم نمایند اجرا شود و مکرر عموم مسلمانان را دعوت کردم که مجمع اسلامی تشکیل داده آنچه مصلحت آینده این بلاد است مقرر دارند. سپس به دعوت عام و خاص پرداخته به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۴ به حکومتها و شعب اسلام نوشتجات، چنانچه در جراید عالم نیز انتشار یافت فرستاده شد. دو ماه گذشت جوابی از احدی نرسید جز جمعیت خلافت در هند... اهالی حجاز دسته دسته و یک یک آمدند و آزادانه تشکیل مملکت را چنانچه وعده شده بود درخواست کردند و چاره‌ای جز قبول خواهشهای مکرره آنها نیافتیم»^(۴۰)

و در اعلامیه‌ای دیگر در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۰۴ اعلام شد:

«به فضل و عنایت پروردگار اهل حجاز اجتماع و به پادشاهی ما بر حجاز بر طبق کتاب‌الله و سنت حضرت رسول (ص) و خلفای راشدین و تأسیس حکومت موروئی که امور حجاز با اهل حجاز باشد بیعت کردند... پس لقب ما (جلالة ملک الحجاز و سلطان نجد و ملحقاتها) می‌باشد...»^(۴۱)

شروع مناسبات جدید دیپلماتیک ایران و عربستان

بعد از تاجگذاری رضاشاه (۱۳۰۵ ش)، تلگراف تبریکی از سوی ملک عبدالعزیز به رضاشاه ارسال شد، اما از آنجا که دولت ایران هنوز حکومت جدید عربستان را به رسمیت نشناخته بود، تلگرافی به عین‌الملک ارسال گردید و به وی دستور داده شد نزد ملک عبدالعزیز رفته و از جانب رضاشاه اظهار دوستی کند. در این تلگراف چنین آمده است:

«...مقرر فرمودند شما خودتان نزد او رفته و از جانب اعلیحضرت اظهار امتنان و ملاطفت کنید و خاطر نشان کنید که اعلیحضرت و دولت و ملت ایران نسبت به حجاز و مدینه و مکه که قبله‌گاه مسلمین است علاقه تام دارند و مایلند روابط دوستانه صمیمی با دولت حجاز برقرار شود و مأمور و نماینده روانه نمایند.»^(۴۲)

اولین مراوده رسمی دیپلماتیک بین ایران و حکومت عبدالعزیز در خرداد ماه سال ۱۳۰۸ ش اتفاق افتاد، یعنی زمانی که حبیب‌الله هویدا نامه رضاشاه را تسلیم ملک عبدالعزیز کرد و گفت و گوهایی لازمه را جهت تأسیس روابط دیپلماتیک بین دو کشور انجام داد^(۴۳).

بلافاصله ملک عبدالعزیز نمایندگانی انتخاب کرده و به ایران اعزام داشت. این نمایندگان روز ۲۱ مرداد ۱۳۰۸ ش حضور شاه رسیده نامه ابن‌السعود را تسلیم و تقاضای افتتاح روابط دوستانه را کردند. این اولین قدمی بود که برای ایجاد ارتباط بین دو کشور ایران و سعودی برداشته شد و هیأت سعودی با گرمی پذیرایی شدند. اعضای هیأت عبارت بودند از: شیخ عبدالله‌الفضل فرزند دوم سلطان عبدالعزیز نایب السلطنه، شیخ محمد عبدالرواف و سعید افندی. در تعقیب این مراسم دولت ایران دستور داد که دولت حجاز از همان روز به رسمیت شناخته شود^(۴۴).

نقطه عطف در روابط سیاسی ایران و عربستان، امضای معاهده مودت بین ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن بود که در شهریور ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م در تهران منعقد گردید^(۴۵). در واقع معاهده مودت، اصول اساسی برای ایجاد روابط سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی بین دو کشور را پایه‌ریزی کرد. در فروردین ۱۳۰۹ ش حبیب‌الله هویدا به عنوان نماینده دولت ایران و با سمت کاردار^(۴۶) وارد جده شد و مورد استقبال مقامات کشوری و لشکری قرار گرفت^(۴۷).

تأسیس سفارت و همچنین تعیین هویدا به عنوان کاردار موجبات خشنودی ملک عبدالعزیز را فراهم کرد. روز بعد از مراسم تسلیم استوارنامه کفیل وزارت خارجه به سفارت می‌آید. هویدا به نقل از وی می‌نویسد:

«... و ذکر کرد که هیچ وقت اعلیحضرت را تا این درجه شاد و مسرور ندیده بودیم که امروزه از ملاقات شما و وصول نامه همایون شاهنشاهی اظهار شادی و سرور علنی می‌فرمودند و پس از رفتن شما اعلیحضرت ماها را جمیعاً احضار کردند و فرمودند که نماینده ایران عین‌الملک با ما بسیار محبت و دوستی دارد و در تأسیس روابط ودادیه بین ما و ایران و ازاله سوء تفاهم جدیت و خدمت کرده است...»^(۴۸)

اینکه چه سوء تفاهمی بین دو کشور وجود داشته است که هویدا در ازاله آن جدیت و خدمت کرده است جای سؤال می‌باشد. لازم به ذکر است که هویدا یکی از دو نماینده ایران برای بررسی وضعیت حجاز در اثر حمله وهابیه و تخریب اماکن مقدسه بوده است که گزارشهای وی اساس تصمیم‌گیری ایران در قبال آن مسأله بوده، همچنین باید در نظر داشت که براساس اسناد موجود وی از بهائیان شناخته شده بوده است (۴۹). حال چنانچه سوء تفاهم یادشده، اشاره به مسأله تخریب اماکن مقدسه مسلمانان و اهانت به قبور متبرکه ائمه (علیهم السلام) باشد، نشان‌دهنده نقش پنهانی و جدیت هویدا برای نادیده گرفتن این مسأله و توجه نکردن جدی به آن از سوی مقامات ایرانی می‌باشد (۵۰). جالب توجه است که ملک عبدالعزیز نیز در جریان این جدیت و خدمت هویدا بوده است (۵۱).

در دیدار دیگری ملک عبدالعزیز به هویدا اظهار می‌دارد که:

«... ما شما را از خود می‌دانیم. شما نیز خود را مثل سایر نمایندگان اجانب ندانید. هیچ وقت لزوم به تحصیل اجازه نیست. هر وقت که میل دارید بدون هیچ ملاحظه به دیدن ما بیایید، چه در مکه چه در اینجا. ما همیشه آماده ملاقات شما هستیم. شما نماینده یک دولت دوست صمیمی ما هستید. روابط ما با دولت علیه ایران فقط سیاسی و همجواری نیست، بلکه در روحانیات نیز شریک و سهم هستیم...» (۵۲)

روابط ایران و عربستان سعودی در سالهای بین ۱۳۱۱ ش تا ۱۳۵۷ ش را به لحاظ شکلی می‌توان به چهار دوره اصلی مطابق با حکومتهای ملک عبدالعزیز، ملک مسعود، ملک فیصل و ملک خالد تقسیم کرد و همچنین می‌توان این دوره را به دو بخش یعنی دوره سلطنت رضاشاه و دوره محمدرضا شاه تقسیم کرد.

۱. دوره ۱۳۳۲ - ۱۳۱۱ ه. ش / ۱۹۴۱ - ۱۹۳۲ م

این دوره را می‌توان «دوره فراز و نشیبها» (۵۳) نامید و در واقع می‌توان آن را در دو بخش مشخص تمیز داد. بدین ترتیب که از ۱۳۱۱ ش تا ۱۳۲۰ ش یعنی پایان حکومت رضا شاه و از

۱۳۲۰ ش تا ۱۳۳۲ ش که ملک عبدالعزیز فوت کرد.

چنانچه قبلاً ذکر شد، روند ایجاد کشور عربستان، در سال ۱۳۱۱ ش منجر به تشکیل پادشاهی عربستان سعودی گردید. ملک عبدالعزیز توجه خویش را، از طریق اصلاحات داخلی و توسعه روابط خارجی، صرف تحکیم دستاوردهای خویش کرد. وی با تشخیص اینکه عربستان نیاز مبرم به مشارکت در مسائل جهانی دارد، بر روابط دو جانبه بین پادشاهی تازه تأسیس خود با کشورهای مهم همسایه از جمله ایران، تأکید کرد (۵۴). در این دوره ملک عبدالعزیز در صدد بود تا با دوری‌گزیدن از دشمنی با رضاشاه، امضای معاهده مودت و تأسیس سفارت، موقعیت منطقه‌ای خود را تحکیم کند. ملک عبدالعزیز در یک تلاش دیگر جهت تقویت و تحکیم روابط بین دو کشور، شاهزاده فیصل ابن عبدالعزیز فرزند خود را در یک سفر حسن نیت شش روزه در ۱۳۱۱ ش به تهران اعزام کرد. سفر شاهزاده فیصل اولین دیدار یک مقام بلند پایه میان دو کشور بود و اثرات خوبی بر جای نهاد. در این سفر شاهزاده فیصل با رضاشاه ملاقات کرد و پیام شخصی ملک عبدالعزیز را به وی تسلیم کرد. وی همچنین در دیدار با مقامات بلند پایه از جمله وزیر خارجه درباره روابط سیاسی دو جانبه و سفر حجاج ایرانی به حرمین شریفین گفت‌وگوهایی انجام دادند که محافل دیپلماتیک آن را موفقیت‌آمیز و مثمر ثمر خواندند. در همین سال (مهرماه ۱۳۱۱ ش) شش فروند کشتی جنگی ایرانی در یک عمل سمبلیک و دوستانه وارد بندر جده شدند و مورد استقبال گرم مقامات حکومت حجاز و نجد قرار گرفتند. هویدا در گزارش خود در این خصوص می‌نویسد:

«... رئیس قشون ابن‌السعود بیاناتی راجع به خوش آمدگویی و اظهار مسرت از ورود اولین کشتیهای دولت اسلامی دوست به بندر جده از طرف دولت ابن‌السعود اظهار داشت و پس از صرف شربت و چای عودت نمود...» (۵۵)

همچنین در جای دیگر می‌نویسد:

«... و امیر جده عبدالعزیزین معمر با نهایت احترام استقبال نمود و از طرف خود و حکومت و دولت حجاز خیلی اظهار خوشی و شادمانی نمودند که این اولین دفعه‌ای

است که کشتیهای جنگی دولت دوست و همعهد ما، ما را زیارت می نماید و باعث

فخر و مباهات ما می شود». (۵۶)

روابط ایران و عربستان در سالهایی که می رفت تاجنگ جهانی دوم شروع شود به طور فعال ادامه یافت و دو کشور در ارتباط با موضوعات دو جانبه و منطقه ای همواره در تماس بودند.

در ۱۳۱۴ ش سفارت ایران در جده تعطیل و سفیر ایران در مصر به عنوان سفیر آکر دیته در عربستان انتخاب شد. در واقع پس از خاتمه مأموریت هویدا در ۱۳۱۲ ش نمایندگی ایران در جده تعطیل شد.

در ۱۳۱۸ ش ایران و عربستان سعودی، با اتخاذ مواضع یکسان، بی طرفی خود را نسبت به جنگ و ملل در حال جنگ اعلام کردند، ولیکن قدرتهای اروپایی درگیر در جنگ از جمله اتحاد شوروی و بریتانیا بی طرفی ایران را با منافع استراتژیک و نظامی خود در تقابل دیدند و با نقض بی طرفی ایران و اشغال آن، حاکمیت سیاسی ایران را مخدوش کردند. اما عربستان از خطرات ناشی از جنگ به دور ماند و متفقین امکان دسترسی به نفت و بندرهای آن کشور در دریای سرخ و خلیج فارس را پیدا کردند و از آن بهره مند شدند (۵۷). ایران طی سالهای جنگ و در مدت اشغال نظامی، به دلیل اینکه نیروهای انگلیسی و روسی، ایران را از جنوب و شمال در اشغال خود داشتند و همچنین وضعیت وخیم اقتصادی ناشی از همین مسأله و تبعات اجتماعی حاصل از جنگ و همچنین وقوع قضایای آذربایجان، فرصت لازم برای پرداختن به روابط همسایگان و از جمله عربستان سعودی و تعمیق آن را نداشت.

جنگ جهانی دوم یک آزمون مهم برای دولت های ایران و عربستان سعودی در دو زمینه سیاسی و نظامی بود. پادشاهی عربستان سعودی در حالی جنگ را پشت سر گذاشت که به موقعیت بهتری در صحنه بین المللی دست یافته بود، در حالی که دولت ایران در موقعیت بسیار دشواری قرار داشت. اشغال ایران توسط متفقین، جایگاه سیاسی شاه بی تجربه جدید را - که در وضعیت ترحم آوری قرار گرفته بود - متزلزل می ساخت. ایران بعد از جنگ به کشوری با اقتصاد

ویران، ارتشی از هم پاشیده و مستعد بی ثباتی سیاسی، تبدیل شده بود.

روابط سیاسی ایران و عربستان سعودی تا ۱۳۲۲ ش محدود، اما ثابت باقی ماند. در ۱۳۲۱ ش به واسطه مشکلاتی که در اثر جنگ برای تشریف به مکه معظمه برای حجاج پیش آمده بود، تصمیم گرفته شد که برای مسافرت حجاج گذرنامه صادر نشود. در ۱۳۲۲ ش نیز دولت ایران از دادن گذرنامه به حجاج خودداری می کرد و در ایام حج نیز امیرالحجاج معرفی نکرده است، اما در حدود شش هزار نفر از ایران عازم حج شدند که از راه کویت و یا پس از زیارت عتبات به حجاز رفتند (۵۸). در این سال پلیس سعودی یک حاجی ایرانی را در مسجدالحرام دستگیر کرد و طی یک محاکمه سریع، وی را مجرم شناخته و در ملاء عام گردن زد و ایران را به نوعی در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

شاید عکس العمل ملت و دولت ایران نسبت به قتل یک تبعه ایران به خصوص در حال انجام مراسم حج، که احساسات مذهبی و ملی ایرانیان را خدشه دار کرد، برای مقامات سعودی قابل پیش بینی نبود. رفتار سیاسی مقامات سعودی در ماهها و سالهای پس از حادثه نشان داد که ایشان نیز از این اتفاق دل نگران بودند و بیم آن داشتند که این حادثه باعث شود که دولت ایران نسبت به مقامات سعودی بی اعتماد شود و این حادثه تأثیر زیادی در روابط دو کشور برجای نهد. سید ابوطالب یزدی که با عیال خود به حج مشرف شده بود، در حلال طواف و در نتیجه گرمی هوا و بیماری حالت تهوع به وی دست می دهد و برای اینکه زمین آلوده نشود، در دامن لباس احرام تهوع می کند. عده ای از حجاج نادان و متعصب او را در این حال مشاهده می کنند و باتوجه به ذهنیتهای نادرستی که نسبت به شیعیان در بین گروهی از پیروان محمد بن عبدالوهاب وجود داشته به او حمله کرده و وی را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و دامن احرام از دست حاجی ایرانی رها شده و استفراغ روی زمین حرم می ریزد. همان عده علیه وی شهادت می دهند که وی از روی عمد حرم را ملوث کرده است. سفارت ایران در قاهره نسبت به این مسأله شدیداً انتقاد کرده، طی یادداشتی که در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۲۲ ش به وزارت خارجه عربستان سعودی ارسال داشته، آورده است:

«سفارت شاهنشاهی ایران شدیداً نسبت به این کار غیرقانونی و مخالف شرع و انسانیت که علیه یکی از حجاج ایرانی و از اتباع دولت مسلمان و دوست که با هزاران آرزو خواستار انجام فریضه حج و زیارت کعبه را دارند به مورد اجرا گذاشته اعتراض کرده و در انتظار دریافت جزئیات خبر و پاسخ وزارت امور خارجه می‌باشد. این سفارت تمامی حقوق دولت ایران نسبت به این حادثه تأسفانگیز را محفوظ می‌دارد.»^(۵۹)

در پاسخ به یادداشت سفارت ایران، وزارت خارجه عربی سعودی یادداشتی به سفارت ایران در مصر فرستاد که در آن چنین آمده است:

«سفارت ایران جرمی را که یکی از حجاج ایرانی مرتکب شده، به نحوی که خواسته تصویر نموده و آن را مخالف شرع و قانون انسانی تشخیص داده است و اگر سفارت ایران راجع به امر بازجویی می‌نمود و به حقیقت آن پی می‌برد، در ارسال این یادداشت تسریع نمی‌نمود.»^(۶۰)

دولت ایران این یادداشت را به هیچ وجه قابل قبول ندانسته و در یادداشت دیگری که شانزدهم بهمن ۱۳۲۲ ش توسط سفارت ایران در قاهره به سفارت سعودی تسلیم کرد، نسبتی را که به حاجی ایرانی داده‌اند جداً تکذیب کرد. در آن یادداشت چنین آمده است:

«تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خاک دولت عربی سعودی محفوظ نباشد و استرضای خاطر دولت ایران و جبران این رفتار که در مناسبات بین‌المللی اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد به عمل نیاید، دولت ایران خود را مجبور خواهد دید در ادامه مناسبات خود با دولت سعودی تجدید نظر نماید.»^(۶۱)

در اینجا باید متذکر شد که یکی از مسائلی که گاهی باعث ایجاد اختلاف بین حجاج شیعه و حکومت حجاز می‌شده مسأله رؤیت هلال ماه ذی‌الحجه بوده که شیعیان چون هلال را ندیده بودند روز بعد از وقوف بقیه حجاج در عرفات، خواستار وقوف در آنجا می‌شدند که حکومت به شدت با این امر برخورد می‌کرده است. در گزارشی که سفارت ایران در مصر به

وزارت امور خارجه فرستاده آمده است که:

«در این سال در کشورهای ایران، افغانستان، عراق و سوریه و حتی مصر روز چهارشنبه عید قربان بوده و تنها در حجاز روز سه شنبه را عید گرفتند. حجاج غیر شیعه اول ماه را مطابق محل قبول کردند، اما شیعیان خواستار وقوف در عرفات در فردای وقوف بقیه شدند و عده‌ای از ایرانیان عریضه‌ای به ملک‌ابن‌السعود نوشته و تقاضا کردند که به آنها اجازه دهد روز چهارشنبه برای وقوف به عرفات بروند. ملک عبدالعزیز از این تقاضا به شدت ناراحت شد و وقتی که بعد از ظهر چهارشنبه، از وقوف عده‌ای در عرفات مطلع شد دستور داد به هر وسیله‌ای که شده آنها را بازگردانند. این مسأله باعث کدورت و عصبانیت مقامات سعودی شد و قربانی نویسنده گزارش آن را زمینه‌ساز اعدام حاجی ایرانی می‌داند.»^(۶۲)

وزارت خارجه عربی سعودی در یادداشت‌های متعدد سعی کرد که مسأله را به نوعی فیصله دهد و مواردی را در این زمینه یادآوری کرد، اشاره به کمکهایی که به حجاج ایرانی ارائه کرده بود و ذکر این مطلب که منظور دولت عربی سعودی خدشه رساندن به روابط دوستانه دو کشور یا لطمه وارد آوردن به حیثیت ملت ایران نبوده، نشانه همین تمایل سعودی‌هاست.

دولت ایران پیشنهاد نخست وزیر مصر مبنی بر صدور اهلامیه سه جانبه از سوی سه کشور را جهت فیصله دادن به این قضیه نپذیرفت و اعلام داشت که چنانچه اقدام مساعدی در رفع این توهین و جبران قتل ابوطالب یزدی نشود دولت مصمم به قطع روابط خود با دولت سعودی می‌باشد^(۶۳).

این مسأله در نهایت باعث شد که روابط دو کشور در تابستان ۱۳۲۳ ش قطع شود و مصر حفاظت منافع ایران در عربستان را به عهده گرفت و لبنان هم حافظ منافع عربستان در ایران گردید. البته ملک عبدالعزیز به دلیل تمایل زیادی که به حفظ روابط با ایران داشت، در فروردین ۱۳۲۳ ش به مناسبت عید نوروز پیام تبریکی برای شاه فرستاد^(۶۴).

وی در تلگراف دیگری ضمن تکرار ادعاهای قبل سعی کرد از قطع روابط جلوگیری کند.

در این تلگراف آمده است:

«...اشخاصی که مایل هستند از آب گل آلود ماهی بگیرند سعی در کدورت روابط بین دو کشور می نمایند و پس از وقوف به نیک خواهی و صداقت ما یقین حاصل خواهید فرمود که اقدام ما از روی اضطراب و طبق نظامات کشور خودمان بوده است...»^(۶۵)

این مسأله نیز قابل ذکر می باشد که در میان کارگزاران سیاست خارجی در باب قطع رابطه دو نظر وجود داشت. گروهی معتقد بودند با توجه به جو به وجود آمده در داخل کشور و کوتاه نیامدن سعودیها باید قطع رابطه انجام شود مانند کاظمی^(۶۶)، اما گروهی نیز معتقد بودند که تلگراف ملک عبدالعزیز به شاه در فروردین ۱۳۲۳ ش را باید با حسن نظر پذیرفت و مسأله را مسکوت گذاشت. سفیر ایران در مصر از نظر دوم حمایت کرد، که البته در نهایت روابط قطع گردید^(۶۷).

قطع روابط تا ۱۳۲۶ ش ادامه داشت تا اینکه در خرداد آن سال ملک عبدالعزیز نامه ای به شاه نوشته و خواستار تجدید روابط و حل سوء تفاهمات شد. در آن نامه آمده است:

«... لهذا موجب کمال مسرت ماست که مناسبات دوستی قدیمی خود را که گردی از فترت بر آن نشسته بود با دولت آن اعلیحضرت تجدید نموده که آنها به مجاری سابق خود بازگردد و برای وصول به این منظور مقرر داشتیم در همین نزدیکی یعنی پس از بازگشت وزیر امور خارجه از امریکا وزیر مختاری در دربار آن اعلیحضرت معین و برقرار نماییم که دوستی بین دو ملت را وصل و تشیید نماید، همچنانکه خوشوقت خواهیم شد چنانچه آن اعلیحضرت هم عین همین عمل را اجرا بفرمایند...»^(۶۸)

با توجه به ندامت طرف سعودی بود که در مهرماه همان سال و پس از ورود هیأت عربستان روابط دو کشور مجدداً (در سال ۱۳۲۶ ش) از سر گرفته شد.

وزارت امور خارجه ایران در ۱۳۲۷/۴/۲۰ ش طی یادداشتی به سفارت دولت عربی

سعودی اعلام داشت که:

«... نظر به تعهد دولت سعودی در تسهیل مسافرت حجاج ایرانی، دولت شاهنشاهی

انتظار دارد تدابیر مقتضی از طرف مأمورین دولت عربی سعودی اتخاذ گردد که حجاج ایرانی از حداکثر تسهیلات ممکنه استفاده کرده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچ گونه مشکلی ایجاد شود و وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نماید.»^(۶۹)

و بدین ترتیب از سال ۱۳۲۷ ش ممنوعیت حج برداشته شد.

بین سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۲ ش روابط بین دو کشور تقویت شد و دلیل این امر منافع مشترکی بود که در روابط بین دو کشور به وجود آمد. یکی اینکه ایران هم به طور جدی تر خود را به غرب و به ویژه امریکا نزدیک کرده و در شمار متحدین آنها درآمد، دیگر اینکه چون دو کشور صنایع نفتی خود را توسعه دادند، اغلب با مسائل و مشکلات مشترک روبرو می شدند و برای حل آنها ناچار به همکاری متقابل بودند.

در اردیبهشت ۱۳۲۶ ش / مه ۱۹۴۷ م که مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیسیون را مأمور مطالعه بحران سیاسی بین یهودیان و مسلمانان فلسطینی کرد، ایران به عنوان عضو این کمیسیون در یافتن راه حلی برای مسأله فلسطین تلاشهایی انجام داد. مهمتر از آن قطع رابطه با اسرائیل توسط حکومت دکتر مصدق، شرایط بسیار مناسبی را برای گسترش مناسبات بین ایران و کشورهای عربی فراهم ساخت. انحلال جنرال سرکنسولگری ایوان در بیت المقدس در تیرماه ۱۳۳۰ ش بازتاب گسترده ای در جهان عرب به نفع نهضت ملی ایران داشت و از اقدام مصدق به عنوان یک اقدام تاریخی تقدیر و تمجید شد^(۷۰).

ملک عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفیصل آل سعود، پایه گذار پادشاهی عربی سعودی در ۱۳۳۲ ش / ۱۹۵۳ م درگذشت و روی کار آمدن فرزند وی خبر از شروع دوره جدیدی در روابط ایران و عربستان سعودی می داد.

۲. دوره ۱۳۴۳ - ۱۳۳۲ ه. ش / ۱۹۶۴ - ۱۹۵۳ م

این دوره را می توان دوره گسترش رابطه و تمایل به همکاری نامید. بازگشت شاه به ایران

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش با جانشینی ملک سعود، پسر بزرگتر ملک عبدالعزیز تقارن یافت و دوره جدیدی در روابط دو کشور آغاز گردید. ملک سعود نیز مانند پدرش، اهمیت ادامه روابط خوب بین ایران و عربستان را درک کرده بود و شاه هم مشتاق تحکیم روابط بین دو کشور بود. علاوه بر این هر دو کشور دریافتند که ایران و عربستان نه تنها در زمینه صنعت نفت بلکه در زمینه مسائل سیاسی منطقه‌ای مانند نقش انگلیس در خلیج فارس، جنبش ناصر^(۷۱) در مصر و موقعیت سیاسی در کشورهای هلال حاصلخیز^(۷۲) می‌توانند منافع مشترکی داشته باشند.

اتحادی که بین مصر، سوریه و عراق پس از انقلاب، در مبارزه با حکومت ایران به وجود آمده بود و تشدید درگیری بین ناسیونالیسم مورد نظر شاه ایران و ناسیونالیسم عربی مصر، باعث شدند که شاه تلاشهایی را برای نزدیکی با عربستان و شیخ نشینهای خلیج فارس به عمل آورد. بدین منظور از پادشاه عربستان سعودی برای دیدار از تهران دعوت کرد. ملک سعود در پاسخ به دعوت رسمی شاه در مردادماه ۱۳۳۴ ش وارد تهران شد. این اولین ملاقات شاه با پادشاه عربستان سعودی بود که راه را برای گسترش روابط بین دو کشور هموار ساخت^(۷۳). در طی این دیدار رؤسای دو کشور درباره موضوعات متنوع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی بحث و گفت و گو کردند. خطرات کمونیسم، اتحاد با غرب، حل منازعات منطقه‌ای توسط کشورهای منطقه، پیمان بغداد و مسأله تعیین خط فاصل قلات قاره با احتساب پنجاه درصد از جزیره خارک، موضوعاتی بودند که در این سفر مطرح شدند^(۷۴). در نتیجه سفر ملک سعود همچنین سطح روابط دیپلماتیک دو کشور ارتقا یافته و به درجه سفارت کبرا رسید و بدین ترتیب مناسبات سیاسی ایران و عربستان وارد یک مرحله جدی حسن همجواری گردید. در پایان این دیدار بیانیه‌ای مشترک از سوی دو پادشاه مبنی بر تکرار دوستی دو ملت و دعوت به همکاری بیشتر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی منتشر شد^(۷۵).

یکی از زمینه‌های قابل توجه برای همکاری طرفین، سازمان ملل بود. در ژانویه ۱۹۵۶م عربستان سعودی در تلاشی موفقیت‌آمیز، توانست حمایت ایران را هنگام طرح ادعای عربستان نسبت به واحه «بوریمی»^(۷۶) در شورای امنیت، کسب کند. این واحه بین عربستان سعودی،

سلطان‌نشین عمان و امارت ابوظبی واقع شده است. در همین زمان ایران نیاز به حمایت سعودی در طرح شکایت‌هایش درباره رفتار انگلیس با ایرانیان بحرین و سایر قسمت‌های منطقه خلیج فارس داشت^(۷۷).

ملک سعود در ۱۳۳۵ ش از شاه ایران جهت دیدار از عربستان دعوت رسمی به عمل آورد. این سفر در اسفند ۱۳۳۵ ش انجام شد. در این سفر مسائل بسیاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت، از جمله مقابله با کمونیسم، نگرانی از سرنگونی رژیم پادشاهی عراق و جایگزینی آن توسط یک رژیم جمهوری انقلابی و همچنین مقابله با ناصریسم^(۷۸). در دهه ۱۳۴۰ ش داشتن دشمن مشترک و انقلابی یعنی ناصر که مخالف رژیم‌های پادشاهی و ارتجاعی بود، همگی پیوندهای دو حکومت پهلوی و آل سعود را محکمتر کرده بود و بر همین اساس سعودیها با دقت وقایع داخلی ایران و قیام مردم را با حساسیت دنبال می‌کردند.

مسأله اسرائیل یکی از مسائل مهم روابط ایران و عربستان در این دوره بود. روابط شاه و اسرائیل و همچنین فروش نفت ایران به اسرائیل در این دوره باعث شد در مناسبات ایران و اعراب مشکلاتی بوجود بیاید^(۷۹).

وقایع یمن شمالی باعث تحکیم روابط ایران و عربستان شد. در ۱۳۴۱ ش / ۱۹۶۲ م یک کودتای نظامی در یمن شمالی حکومت را سرنگون کرد و سیستم جمهوری را جایگزین کرد. وقتی ایران و عربستان متوجه شدند که کودتا با تحریکات و کمک‌های ناصر انجام شده رژیم جدید را به رسمیت نشناختند و در مقابل مداخله نظامی ناصر در یمن، ایران و عربستان نیز کمک‌های سیاسی و نظامی به امام قبلی یمن که در حال جنگ برای به دست آوردن مجدد سلطنت بود، ارائه دادند^(۸۰).

با به قدرت رسیدن شاهزاده فیصل در فروردین ۱۳۴۳ ش / مارس ۱۹۶۴ م دوره ویژه‌ای از روابط ایران و عربستان سعودی آغاز شد.

۳. دوره ۱۳۵۴ - ۱۳۴۳ ش / ۱۹۷۵ - ۱۹۶۴ م

بروز ناسیونالیسم افراطی در دهه ۱۳۳۰ ش / ۱۹۵۰ م که منادی آن در میان اعراب جمال عبدالناصر^(۸۱) بود توجه ایران را به عربستان سعودی به عنوان یک بازیگر و مؤلفه عمده در معادله اعراب سوق داد، زیرا ناصر، سعودیها را نیز تهدید کرده بود و نگرانی از بابت گسترش افکار تندرو عرب در منطقه خلیج فارس به دلمشغولی مقامات ریاض و تهران تبدیل شده بود. از یک سو رهبران تهران و ریاض احساس می‌کردند که نیاز به روابط نزدیکتر دارند تا بتوانند سیاستهای نفتی خود را در قالب سازمان اوپک^(۸۲) هماهنگ کنند و همچنین تحرکات ناصر در منطقه خلیج فارس را متوقف کنند و به طور کلی صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه را حفظ کنند. از سوی دیگر همکاری کامل بین دو کشور امکان‌پذیر نبود، زیرا دیدگاههای رهبران دو کشور در بعضی مسائل متفاوت بود. شاه ایران مایل بود که با اسرائیل رابطه داشته باشد، در حالی که ملک فیصل بر اساس تفکر پان‌اسلامیستی رابطه ایران و اسرائیل را یک مانع واقعی در روابط دو کشور می‌دانست. گذشته از این، چشم‌اندازهای دست‌کشیدن بریتانیا از ایفای نقش امنیتی خود در خلیج فارس، دولت ایران را به درک ضرورت سازگاری با عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس رهنمون شد، زیرا برای ایران قابل تحمل نبود که این کشورها به دست نیروهای تندرو عرب بیفتد^(۸۳).

ملک فیصل در سالهای ۶۷ - ۱۹۶۵ م یک سفر دوره‌ای به کشورهای اسلامی انجام داد و هدف وی طرح سیاست وحدت اسلامی بود و ایران به دلیل موقعیت ممتاز منطقه‌ای و اسلامی‌اش یکی از اولین منزلگاههای این سفر بود. سفر ملک فیصل به ایران در ۱۳۴۵ ش و به دنبال سفر وزیر خارجه وقت ایرن به عربستان انجام شد. وی در انجام این سفر سه هدف را دنبال می‌کرد:

۱. هماهنگ ساختن سیاست دو کشور اسلامی در آستانه خروج بریتانیا از منطقه.
۲. بررسی امکان تشکیل یک بلوک کشورهای محافظه‌کار اسلامی.
۳. تعیین خط مرزی در آبهای بین دو کشور.

هرچند در این سفر شاه اشتیاق خود را نسبت به طرح ملک فیصل اظهار داشت، اما به نظر می‌رسد نسبت به تلاش عربستان در بهره‌گیری از وحدت اسلامی به منظور استقرار امنیت منطقه‌ای بدبین بود. نگرانی شاه از بابت بهره‌گیری ریاض از پتانسیلهای اسلامی، مضاعف بود^(۸۴). در اعلامیه مشترک شاه و ملک فیصل آمده است:

۱. دو کشور از حقوق ملت فلسطین برحسب تصمیمات سازمان ملل طرفداری کامل خود را ابراز می‌دارند.

۲. از حقوق ملت یمن برای تعیین مسالمت‌آمیز سرنوشت خود بدون هیچ‌گونه نفوذ خارجی طرفداری شده است.

۳. شاه ایران و ملک فیصل از سران کشورهای اسلامی دعوت کردند برای کسب وحدت نظر و دفاع از مصالح مشترک خود کنفرانسی تشکیل دهند^(۸۵).

با خارج شدن انگلیس از منطقه^(۸۶)، شاه آماده شد که به وسیله نیروهای نظامی، نقش ژاندارمی را در منطقه خلیج فارس ایفا کند. ایران با به عهده گرفتن نقش ژاندارمی منطقه مدعی بود که مسئولیت حفظ ثبات سیاسی و نظامی رژیمهای منطقه تنها به عهده اوست، بر همین اساس است که زاهدی در سفرش به عربستان در مصاحبه مطبوعاتی در فرودگاه جده، به خبرنگاران گفت: «ایران آرزو دارد رفاهیت و استقرار در منطقه خلیج فارس برقرار و تحقق پذیرد. ایران آماده است همه‌گونه کمک به امارات شیخ نشینها بنماید و از استقلال آنها پشتیبانی کند... زاهدی تأکید کرد که خروج نیروی انگلستان از خلیج فارس ضرورت دارد»^(۸۷). بدین خاطر با هر حرکت و جنبشی که احتمالاً موقعیت استراتژیک ایران را تضعیف می‌کرد به مبارزه برمی‌خاست. تأمین ایمنی رفت و آمد نفت‌کشها نیز موجب شده بود که ایران هیچ نوع خرابکاری و ناآرامی در منطقه را تحمل نکند^(۸۸)، پس اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه خلیج فارس را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

۱. حفظ وضع موجود در منطقه و جلوگیری از تغییر و تحولات منطقه‌ای به وسیله تهدیدهای خارجی یا انقلابهای داخلی.

۲. حفظ و حراست حق کشتیرانی آزاد در خلیج فارس، تنگه هرمز و شمال غربی اقیانوس هند.

دولت ایران سعی می‌کرد در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ ش با بکارگیری روشهای سیاسی در کشورهای منطقه به اهداف مذکور دست یابد^(۸۹).

یکی از اختلافات شاه با ملک فیصل، چگونگی استفاده از قدرت و زور برای فرونشاندن منازعات منطقه‌ای بود؛ به عنوان نمونه نیروهای ایرانی به درخواست سلطان عمان جهت سرکوبی شورشیان مارکسیست (و ضد سعودی) مورد حمایت جمهوری دموکراتیک خلق یمن، در استان ظفار وارد عمل شدند. باتوجه به درکی که ایران از نقش خود در تعادل منطقه‌ای در خلیج فارس داشت، این اقدام بیشتر اهمیتی نمادین می‌یافت. عربستان سعودی برای سرکوب کردن این جنبش چریکی، که از نظر ایدئولوژیکی دشمن عربستان سعودی نیز بود و پیروزی آنها می‌توانست پیامدهای ناخوشایندی برای این کشور داشته باشد، عملاً هیچ کمکی به عمان نکرد^(۹۰).

در خلال نیمه اول دهه ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۰ م شاه، زمامداران وقت عراق را رقیب اصلی و خطر بالقوه علیه منافع منطقه می‌دانست. در آن دوره با رضایت خاطر پذیرفته شده بود که ایران و عربستان سعودی دارای حساسیتهای منطقه‌ای مشترکی هستند که عبارت بودند از:

۱. تکیه بر امریکا و روابط خوب با غرب؛

۲. مبارزه با کمونیسم؛

۳. حذف گروه‌های انقلابی که می‌توانستند ثبات منطقه را به خطر بیندازند؛

۴. بی‌اعتمادی نسبت به عراق؛

۵. تضمین امنیت آبراه خلیج فارس.

با این حال، این منافع دو جانبه با دیگر علایق دو کشور سنخیتی نداشت. از این رو در پایان سال ۱۳۵۳ ش / ۱۹۷۴ م رقابت فزاینده، مانع همکاری شده بود و عربستان از اهداف ایران در منطقه بیم‌نشان می‌داد و سوءظن خود را ناشی از دو مورد می‌دانست:^(۹۱)

۱. تقویت فزاینده توان نظامی ایران؛

۲. حضور ایران در عمان و تحکیم کنترل بر تنگه هرمز.

از طرفی اصرار کشورهای عرب و از جمله عربستان به استفاده از عنوان مجعولی به جای خلیج فارس باعث ایجاد تنش در روابط ایران و اعراب می‌گردید.

۴. دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۴ ش / ۱۹۷۹-۱۹۷۵ م

در فروردین ۱۳۵۴ ش ملک فیصل ترور شد^(۹۲) و با به قدرت رسیدن ملک خالد دوره دیگری در روابط ایران و عربستان سعودی آغاز گردید. شاه در همان ماه یک سفر دو روزه به عربستان انجام داد. طی این سفر وی تسلیت خود را به مناسبت فوت ملک فیصل به ملک خالد ابراز داشت. وی همچنین مذاکرات و گفت‌وگوهایی در رابطه با مسائل دو جانبه بین‌المللی و مسائل جهان اسلام با پادشاه جدید عربستان سعودی انجام داد. بعد از مرگ ناصر در ۱۳۴۹ ش، عربستان و مصر کشورهای عربی بودند که ایران روابط ویژه‌ای با آنها داشت. البته ایران با سایر کشورهای عربی مانند مراکش و اردن نیز روابط خوبی داشت، اما ویژگی روابط با عربستان و مصر به دلیل تنوع منافع مشترک و اهمیت این دو کشور در خاورمیانه بود^(۹۳).

از دیدگاه سعودیها سفر سال ۱۳۵۴ ش شاه به عربستان به معنی اطمینان مجدد شاه به سعودیها بود، مبنی بر اینکه وی روابط ویژه خود با عربستان را ادامه خواهد داد و اینکه وی خواستار تقویت تفاهم دو جانبه درباره بعضی مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی، هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی با عربستان بود. از جمله این مسائل می‌توان مسائل امنیت خلیج فارس، منازعه اعراب و اسرائیل و سیاستهای اوپک را نام برد. در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش قیمت نفت ناگهان افزایش یافت و این افزایش سریع قیمت نفت، ایران و عربستان را قادر ساخت که طرحهای بزرگی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند که هدف آن طرحها مدرنیزه کردن کشور بود و در همین حال دو کشور در مسائل اقتصادی و سیاسی خود فعالیت عمل کردند^(۹۴).

سفر ملک خالد به ایران در اوایل سال ۱۳۵۵ ش، به همراه تعدادی از وزرای دولت عربستان به تقویت روابط ایران و عربستان کمک زیادی کرد. در این دوره تفاهم و توافق تا حد

زیادی بین دو کشور وجود داشت. به عنوان مثال در مورد باقی ماندن امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس که نمونه بارز آن وساطت و نقش میانجی‌گرانه عربستان با مدیریت ملک فهد در قضیه سقوط هواپیمای ایرانی توسط یمن جنوبی بود، که می‌توانست سبب بروز بحران گردد^(۹۵). همچنین تقویت و افزایش روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای غربی و به ویژه آمریکا و مبارزه با کمونیسم و جلوگیری از نفوذ آن در جهان اسلام، دیگر مواردی بودند که دو کشور در آن توافق و تشریک مساعی داشتند.

شاه در پیامی که برای ملک خالد پس از سفرش به ایران فرستاد نوشت:

«و یقین دارم که این دیدار و تبادل نظری که درباره مسائل مورد علاقه فیما بین داشتیم در توسعه و تحکیم بیش از پیش مناسبات، حسن همجواری و رشته‌های همکاری میان ایران و عربستان سعودی تأثیر بسزایی داشته‌است. ما نیز به نوبه خود امیدواریم که در پرتو هوشیاری کامل و همکاری صمیمانه میان ایران و عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس مبانی صلح و ثبات و امنیت در منطقه حساس بیش از پیش تحکیم یابد... برای من موجب کمال خوشوقتی بود که در مذاکرات فیما بین در مورد کلیه مسائل من جمله آرزوی باطنی ما نسبت به تحکیم همبستگی اسلامی و مسائل مربوط به گسترش همکاری دو جانبه و نیاز مبرم به استقرار صلح در لبنان و حفظ وحدت آن کشور و تحکیم حقوق حقه مردم فلسطین و خطرات ناشی از نابسامانی و تشنج در این منطقه اتفاق نظر داشتیم»^(۹۶).

شاه در دیدارش با ملک خالد در رابطه با قضیه فلسطین و منازعه اعراب و اسرائیل مذاکراتی انجام داد و در مصاحبه با روزنامه «عکاظ» چاپ عربستان اظهار داشت:

«چنانچه کشورهای عربی همزمان با خروج اسرائیل از سرزمینهای اشغالی عربی، این کشور را به رسمیت شناسند متحمل هیچ گونه زبانی نخواهند شد، زیرا که موجودیت اسرائیل یک واقعیت انکارناپذیر است»^(۹۷).

وی همچنین درباره نقش ایران در منطقه گفت:

«ایران مصمم است یک کشور قدرتمند شود، به اندازه‌ای که بتواند در صورت لزوم

دفاع از منطقه را به عهده گیرد ... خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران یک گذرگاه حیاتی است، و در صورتی که این منطقه در معرض خطر قرارگیرد زندگی ما به خطر خواهد افتاد.»

روزنامه «الکفاح العربی» نوشت: ملک خالد هیچ‌گونه واکنشی نسبت به بیانات شاه نشان نداده و بدین ترتیب روشن گردید که دولت عربستان حقیقت روش سیاسی خود را نسبت به اسرائیل پنهان می‌نموده‌است زیرا ادعا می‌کرده که مخالف به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل می‌باشد^(۹۸).

در ۱۳۵۷ ش، قیام مردمی علیه شاه به اوج خود رسید و در نهایت باعث فرار شاه از کشور شد و انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش / ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ م، به پیروزی رسید.

روابط اقتصادی

قبل از سال ۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲ م روابط اقتصادی بین ایران و شبه جزیره عربستان محدود به داد و ستدهای تجاری در ایام حج بوده‌است که مربوط به یک فصل خاص از سال بوده و سازماندهی نداشته‌است. حجاج ایرانی که به طور سالیانه برای زیارت به حجاز می‌رفتند کالاهای تجاری خود را در بازارهای حجاز به فروش می‌رساندند. کالاهای ایرانی مثل برنج، نخ، عبا، قالی و قالیچه، حبوبات، اغنام و احشام و خشکبار مورد نیاز بازارهای حجاز بودند.

در ۱۳۰۸ ش، معاهده مودت بین دو کشور به امضا رسید که - چنانچه قبلاً نیز اشاره شد - نقطه عطفی در روابط دو کشور بوده‌است. این معاهده اساساً بر تأسیس روابط دیپلماتیک بین دو کشور متمرکز شده بود، اما به سایر جنبه‌های روابط دو کشور نیز اشاره کرده‌است. در ماده چهارم معاهده مذکور آمده‌است:

«طرفین معظمین متعهدین مایل هستند که در موقع مناسب به تکمیل مذاکرات و

عقد قراردادهای سیاسی و تجاری و اقتصادی و غیره اقدام نمایند.»^(۹۹)

بنابراین در حالی این معاهده هیچ مورد مشخص تجاری یا اقتصادی را نام نمی‌برد، اما

زمینه را برای توسعه روابط دو جانبه، به خصوص در زمینه اقتصادی، مهیا می‌کند.

یکی از مشکلات اصلی در زمینه روابط اقتصادی و تجاری دو کشور، مشکل حمل و نقل و فقدان یک ناوگان تجاری بوده و اینکه کالاها در اثر بارگیریهای متوالی صدمه زیادی می‌دیدند. در این زمینه در یکی از گزارشهای سفارت ایران در جده آمده است:

«خطوط مواصلات و وسایل حمل و نقل بین ایران و کشور عربی سعودی بسیار نامنظم و پرزحمت و پردردسر است و در حقیقت غالباً تجار را از معامله مستقیم با ایران بیزار می‌کند، زیرا یا باید کالاها به ترتیب ترانزیت از راه عراق و شام و لبنان حمل شود و چندین بار دست به دست گردد و پایین وبالا شود و گاه در کامیون و گاه در قطار و گاه در کشتی حمل گردد یا اینکه از راه خلیج فارس با وسایل کهنه قدیمی امر حمل و نقل به عمل آید و اگر این مشکل نبود، با نزدیکی این دو کشور به هم، دایره روابط بازرگانی بین دو کشور بسیار توسعه پیدا می‌کرد... از این رو اگر در خلیج فارس کشتیهای تجاری بزرگ و کوچک از طرف ایران به کار بیفتند سود فراوانی بار خواهد آورد و به طور قطع علاوه بر تجارت کالاهای فوق که فوق‌العاده توسعه خواهد یافت کالاهای صادراتی دیگر از قبیل اقسام کنسروها و صنایع دستی ایران و میوه و سبزیها و غیره بازار خوب و تشویق کننده در کشور عربی سعودی پیدا خواهد کرد. به وجود آمدن یک خط هوایی منظم بین دو کشور نیز به این مقصود کمک بسیار خواهد کرد.» (۱۰۰)

گذشته از مشکلات موجود در سر راه روابط تجاری بین دو کشور، مزیت‌هایی در این زمینه وجود داشته است. در این زمینه کافی است که به گفته‌های آقای راسم‌الخالدی اشاره کنیم. وی مدیر «بنگاه پول» سعودی بوده و مدتی نیز ریاست بانک عرب را در جده به عهده داشته است. وی در ملاقاتی با جعفر رائد، کاردار ایران در جده، اظهار می‌دارد که:

«برای توسعه روابط تجاری بین ایران و کشور عربی سعودی مجال وسیعی وجود دارد و این رابطه تجاری در درجه اول به نفع ایران است، زیرا دولت سعودی صادراتی ندارد که به ایران بفرستد و در مقابل کالاهایی که از ایران می‌خرد ناچار ارز خارجی (دلار آمریکایی یا استرلینگ)

می‌پردازد. سپس اضافه کرد: اما دولت ایران در ترتیب پذیرفتن ارز و تعیین بهای آن باید تسهیلاتی قائل شود تا سعودیها بهتر تشویق و ترغیب گردند.» (۱۰۱)

در اینجا باید متذکر شد که رقیب ایران در زمینه بازرگانی در این کشور، ترکیه بوده است. در دیدار رائد (۱۰۲) و راسم‌الخالدی شخص اخیر این نکته را متذکر می‌شود:

«در ضمن نامبرده به طور خصوصی و محرمانه اظهار داشت که دولت ترکیه سعی فراوان بکار می‌برد که تجارت خود را با کشورهای عربی سعودی توسعه دهد و چون کالاهای صادراتی ترکیه از قبیل خشکبار و اغنام و احشام از جنس مشابه کالاهای صادراتی ایران است و در واقع ترکیه از این حیث رقیب ایران به شمار می‌رود، لذا اگر ترکیه بتواند، چنانکه مایل است و آرزو دارد تجارت خود را با کشور عربی سعودی توسعه کامل بدهد راه را بر ایران قطع خواهد کرد و تجارت ایران با کشور عربی سعودی بسیار محدود و ناچیز خواهد شد.» (۱۰۳)

و این نشانه تمایل و علاقه سعودیها به تجارت و داشتن روابط اقتصادی با ایران بوده است.

در دو دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ ش، گزارشهای زیادی از سفارت ایران در عربستان به وزارت امور خارجه ارسال شده که در آنها ضمن ارائه توضیحاتی درباره وضعیت گذشته و موجود روابط تجاری بین دو کشور و برشمردن مشکلات موجود در سر راه تجارت بین دو کشور و همچنین مزایای توسعه صادرات و تسهیل و تشویق تجار به انجام آن، از وزارت خارجه خواسته شده که زمینه انعقاد قرارداد بازرگانی بین ایران و عربستان را فراهم کنند. در گزارش مورخ ۱۳۴۰/۶/۲۱ از سفارت ایران در جده به وزارت خارجه آمده است:

«... و همچنین برخی دیگر از بازرگانان سعودی و حتی بعضی از ادارات مربوطه سعودی علاقه فراوانی در برقراری روابط بازرگانی و در بسط و ترویج کالاهای ایرانی و صنایع ایران در کشور سعودی نشان می‌دهند و اصرار زیادی در عملی شدن این منظور دارند. به عقیده این سفارت کبرا به منظور استفاده و بهره‌مند شدن و برای ازدیاد منافع صادراتی ایران و حسن جریان و نظم و ترتیب مبادله کالا و بازرگانی بین

روابط فرهنگی - مذهبی

روابط فرهنگی ایران و عربستان تابعی از روابط سیاسی دو کشور بوده است و از آنجا که سیاست خارجی هر کشوری، ادامه سیاست داخلی آن کشور است، به این نتیجه می‌توان رسید که روابط فرهنگی ایران و عربستان نیز ادامه سیاستهای فرهنگی و مذهبی داخلی حکومت ایران بوده است. از آنجا که حاکمان وقت ایران بیشتر به دنبال مطرح کردن ایران باستان بودند و توجه و دلبستگی چندانی به مسائل اسلامی نداشتند، به روابط مذهبی ایران و عربستان توجه زیادی مبذول نمی‌داشتند.

مهمترین موضوع مذهبی در روابط طرفین، حج بود که گاهی اختلافات مذهبی در ایام حج بروز می‌کرد. یکی دیگر از مسائلی که همیشه در روابط مذهبی طرفین اهمیت داشته است، مسأله بقاع متبرکه بقیع و تعمیر آنها بوده است. این موضوع بارها در مذاکرات فیما بین دو کشور مطرح شده (۱۰۷) و گاهی نظر موافق مسئولان عربستان نیز جلب شده (۱۰۸) اما در مرحله عمل هیچ‌گاه اقدامی صورت نگرفته است.

در دوره حکومت‌های ملک عبدالعزیز و ملک سعود، کار جدی در زمینه روابط فرهنگی دو کشور انجام نشد. با به قدرت رسیدن ملک فیصل تحرکی در روابط فرهنگی به وجود آمد. برای اولین بار در ۱۳۴۳ ش، سفارت ایران طی گزارشی پیشنهاد می‌کند که فعالیت‌های فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرند و اینکه سفارت ایران در نظر دارد یک خانه فرهنگ در محل سفارت تأسیس کند و همچنین کلاسهای آموزش زبان فارسی دایر کند. در این گزارش آمده است:

« اینجانب در نظر دارد یک خانه فرهنگی در این محل تأسیس کند که مجهز به کتابخانه و سالن سینما و قرائتخانه باشد و فرهنگیان و ارباب مطبوعات و مأموران دولت سعودی و دانشجویان و دیپلمات‌های خارجی را برای استماع سخنرانیهای مربوط به ایران و دیدن فیلم‌های ایرانی مرتباً دعوت نماید و اگر عده کافی دانشجوی پیدا شود کلاسهای خارجی نیز دایر گردد.»

همچنین پیشنهاداتی جهت فعالیت‌های مذهبی ارائه داده شد:

دو کشور ایران و سعودی خوب باشد که ادارات وابسته ایرانی اقداماتی برای انعقاد یک پیمان بازرگانی بین دو کشور بنمایند. گویا این سفارت کبرا هم در سنوات قبل چنین پیشنهادی کرده و در این باره گزارشی به وزارت متبوعه تقدیم کرده و تقاضا کرده است دستور فرمایند موافقت وزارت اقتصاد ملی ایران را در انعقاد چنین پیمانی جلب نمایند» (۱۰۴).

تلاشهایی که با هدف توسعه و بسط روابط اقتصادی و رشد روابط تجاری بین دو کشور انجام شد در ۲۵ فروردین ۱۳۵۰ ش / ۱۴ آوریل ۱۹۷۱ م به ثمر نشست و دو کشور در این تاریخ اولین موافقتنامه بازرگانی خود را در جده امضا کردند. این موافقتنامه تجارت بین دو کشور را تشویق کرده و برگزاری نمایشگاهها در کشور دیگر و مبادله هیأت‌های بازرگانی و ایجاد طرح‌های مشترک در آن پیش بینی شده بود. در ماده ۲ این موافقتنامه آمده است: «به منظور بسط و توسعه بازرگانی بین دو کشور طرفین متعهدین برگزاری نمایشگاهها در کشورهای خود را به طرف دیگر اجازه داده و توسعه چنین نمایشگاههایی را در حدود قوانین و مقررات جاری مورد تشویق قرار خواهند داد. همچنین طرفین موافقتنامه مبادله هیأت‌های بازرگانی را تشویق خواهند کرد.» (۱۰۵)

همچنین در ماده ۵ این توافقنامه تشکیل کمیته مشترک مرکب از نمایندگان ایران و عربستان سعودی در سطح وزیران مورد توافق قرار گرفت که سالیانه حداقل دو بار متناوباً در تهران و ریاض تشکیل جلسه دهند.

در آذر ماه همان سال (۱۳۵۰/۹/۱۷ ش) نخستین شعبه بانک ملی ایران در جده افتتاح گردید که خود گام دیگری به سوی ایجاد روابط اقتصادی قویتر و توسعه آن بین دو کشور بود (۱۰۶).

افزایش سریع درآمد نفت از ابتدای دهه ۱۳۳۰ ش، دو کشور را در وضعیت اقتصادی خوبی قرار داده بود و یکی از عوامل توسعه تجارت بین دو کشور را می‌توان ناشی از همین مسأله دانست. ظهور ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت تولیدکننده نفت در اوپک هم در جای خود باعث توسعه روابط اقتصادی دو کشور شد.

«مغرضین اراجیفی درباره بی‌اعتنایی ایرانیان به شریعت مطهره اسلامی و تمایلات یهودی و زردشتی در ایران منتشر کرده‌اند، متأسفانه این تبلیغات در اذهان ساده بعضی کارگر افتاده ... اگر کتابهای درجه اول شیعه اعم از فقه و اصول و کلام و حدیث و تفسیر مثل اصول اربعه و مؤلفات مدون [علمایی چون] علامه حلی و خواجه نصیرالدین طوسی و العباقت و نظائر آن که منطقی و استدلالی و عاری از دشنام و مطالب خام و بی‌اساس است در کتابخانه سفارت کبرا باشد و به اهل علم امانت داده شود خدمت بزرگی به مذهب تشیع در عربستان سعودی شده است»^(۱۰۹).

و پیشنهاد تهیه پیش نویس قرارداد فرهنگی را نیز ارائه داده است.

باید متذکر شد که در این مقطع تاریخی به دلیل دشمنی و تبلیغات سرسختانه جمال عبدالناصر علیه حکومت‌های محافظ کار ایران و عربستان، روابط دو کشور بیش از پیش ترقی کرده و زمینه هرگونه همکاری بین دو کشور فراهم شده بود.

در ۱۳۴۶ ش، قرارداد فرهنگی - که طرح آن هنگام مسافرت ملک فیصل به ایران تهیه شده بود - در ۱۳۴۶/۸/۲۳ در تهران به امضای وزرای آموزش و پرورش ایران و سعودی رسید، به این ترتیب که در فروردین ماه سال ۱۳۴۶ ش، دکتر هادی هدایتی وزیر آموزش و پرورش ایران بنا به دعوت وزیر فرهنگ سعودی در رأس هیأتی به عربستان رفت و در ریاض پیش‌نویس قرارداد فرهنگی را پاراف کرد و با دعوت متقابلی که از وزیر فرهنگ سعودی (شیخ حسن آل‌الشیخ) به عمل آمد، نامبرده در آبان ماه ۱۳۴۶ ش، به تهران آمد و قرارداد فرهنگی را به نمایندگی دولت سعودی امضا کرد. در همین موقع موافقتنامه تأسیس دانشکده پزشکی و ساختمان بیمارستان سیصد تخت‌خوابی نیز که در ریاض از طرف دانشگاه پهلوی شیراز دائر خواهد شد از طرف اسدالله علم رئیس آن دانشگاه و وزیر فرهنگ سعودی به امضا رسید. علت این خواسته مقامات سعودی شاید این بود که پس از تیرگی روابط مصر و عربستان سعودی، مقامات سعودی به این فکر افتادند که از اعزام دانشجوی به قاهره خودداری کرده و آن عده‌ای را نیز که در دانشکده‌های مصر مشغول تحصیل بودند فرا خوانند. دولت ایران هم موافقت کرد که

دانشجویانی که از مصر بازگشتند در دانشگاه پهلوی شیراز به تحصیل خود ادامه دهند.

امضای موافقتنامه فرهنگی بین دولتین ایران و عربستان سعودی نقطه عطف روابط فرهنگی بین دو کشور می‌باشد. این موافقتنامه توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور را تشویق کرده و زمینه را برای تقویت مناسبات معنوی بین دو کشور در زمینه فرهنگ فراهم آورد که شامل مبادله کتب، استفاده از کتب خطی، اجرای برنامه‌های فرهنگی و ورزشی، برپا کردن نمایشگاهها، نمایش فیلمهای فرهنگی و تسهیل مسافرتهاى دسته جمعی فرهنگیان می‌باشد. در بند چهارم تدریس زبان و ادبیات دو کشور در مؤسسات آموزشی یکدیگر تشویق شده است^(۱۱۰).

در ماده ششم این موافقتنامه آمده است: «طرفین متعهدین نشر اطلاعات منطبق با سوابق و حقایق تاریخی و جغرافیایی را در کلیه کتب و من جمله کتب درسی و اسناد و مطبوعات خود نسبت به کشور متعاقد دیگر ملحوظ خواهند داشت تا اتباع دو کشور تصور ذهنی صحیحی درباره کشور یکدیگر تحصیل کنند»^(۱۱۱).

اسناد این کتاب سعی دارد تا با ارائه یک تصویر مستند، زمینه مطالعه و پژوهش محققان دو کشور را در حوزه مناسبات دو جانبه تسهیل کرده، به دور از پیش‌داوریها، اهم مباحث مطروحه در این مناسبات را مورد توجه قرار دهد. نظر به حوزه‌های مختلف موضوعات، اسناد کتاب به چهار بخش موضوعی تفکیک شده تا پژوهشگران بتوانند مباحث را بر اساس نوع فعالیت‌های انجام شده دنبال کنند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همکاری صمیمانه همکاران محترم در اداره اسناد و آرشیو وزارت امور خارجه که طی دوره‌ای نسبتاً طولانی از همکاری دریغ نورزیدند ابراز امتنان و سپاس نموده، مراتب قدردانی خود را از مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی که زمینه توجه به حوزه مباحث اسنادی را برای تولید منابع اولیه تحقیق، محور فعالیت خود قرارداده، اعلام کنم.

یادداشتها

۱. نجد: در اصطلاح لغوی به معنای «سرزمین بلند» است و از نظر جغرافیایی به ایالتی در عربستان گفته می‌شود که بخش اعظم وسط جزیره عربی را فراگرفته است. نجد از شمال به عراق و اردن، از خاور به سرزمین احساء، از بخش جنوب به ریگستان معروف ربع الخالی و از باختر به حجاز محدود است. ریاض پایتخت عربستان سعودی در این منطقه واقع شده است. وهابیان (حکمرانان سعودی) از این سرزمین برخاستند و حکمرانی آنجا را از جنگ آل رشید بیرون آوردند. نک: غلامرضا علی بابایی، فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه، مؤسسه فرهنگی رسا، تهران: ۱۳۷۴، جلد چهارم، ص ۷۹۸.
۲. حجاز: ایالتی است در شمال غربی عربستان سعودی که از شمال به خلیج عقبه، از غرب به دریای سرخ، از شرق به نجد و از جنوب به عسیر محدود می‌گردد. قسمت اعظم این منطقه را کوهها (کوههای سراه) تشکیل می‌دهند. شهرهای مکه، مدینه، جده، طایف، جوف و تبوک جزو حجاز هستند. حجاز تا ۱۹۱۶ م تابع دولت عثمانی بود و در این سال امیر آن (شریف مکه - حسین بن علی) اعلان استقلال کرد و خود را پادشاه آنجا خواند. نک: پیشین، علی بابایی، جلد چهارم، ص ۶۱۷.
۳. شهری در نجد که خاندان سعودی در آنجا حاکم بودند.
۴. خاندان رشید سلسله‌ای از امرای عرب از قبیله شمر (از قبایل شبه جزیره عربی) بودند که از آغاز قرن هیجدهم بر سرزمین شمر، امارت داشتند و پس از چندی حکومتی مرکزی در بخشی از سرزمین نجد تأسیس کردند. مرکز ایشان شهر «حایل» بود و دوازده امیر از این خاندان به حکومت رسیدند و روزگار ایشان نزدیک به یک صد سال (از ۱۸۳۵ تا ۱۹۲۱ م) طول کشید. امرای رشیدی اغلب با خاندان سعودی در زد و خورد بودند و حکومتشان همواره گرفتار نوسانها و فراز و نشیبهای سیاسی گوناگون بود. عبدالعزیز (پسر عبدالرحمن الفیصل آل سعود) نبرد با خاندان رشیدی را با شدت بسیار دنبال کرد. در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن، انگلیسیها به خاندان سعودی و شریف مکه (امیرحجاز) کمک کردند تا آل رشید را، که دست نشانده و طرفدار عثمانیها بودند، از میان بردارند. واپسین امیر این خاندان، محمد بن طلال در ۲ نوامبر ۱۹۲۱ م به دست عبدالعزیز آل سعود از پای درآمد و سلسله رشیدی برافتاد. نک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، «آل رشید».
۵. عسیر: منطقه‌ای در جنوب غربی عربستان سعودی و شمال یمن. حدود صد هزار کیلومتر مربع مساحت دارد

و منطقه‌ای کشاورزی بوده که تحت حکومت خلفای عباسی قرار داشته و توسط حکام زیدی یمن اداره می‌شده است. در جنگ جهانی اول یک قیام محلی به رهبری محمد بن علی الادریس به پیروزی رسید و وی حکومت این منطقه را به دست گرفت. نک: Britanica, Vol.1.p.634

6. Saeed M. Badeeb "SAUDI - IRANIAN RELATIONS 1932- 1982": center for Arab and Iranian studies. London, 1993, p.20.

۷. گزارش نمره ۲۲، مورخ ۲۶ حمل ۱۳۰۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن شماره ۳۰، پرونده ۹، سند شماره ۱۷ کتاب حاضر.

۸. گزارش نمره ۱۴۹۰۶، مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۹، سند شماره ۲۱ کتاب حاضر.

۹. گزارش نمره ۱۲۷، مورخ ۱۲ نisan ۱۹۲۵، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۹، سند شماره ۱۸ کتاب حاضر.

۱۰. نامه ابن السعود به کنسولگری ایران، مورخ ۲۵ رجب ۱۳۴۴ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۲، سند شماره ۲۰ کتاب حاضر.

11. Ibid. p. 21.

12. Ibid. p. 22.

۱۳. مصطفی کمال ملقب به آتاتورک، بنیانگذار و نخستین رئیس جمهور ترکیه نوین. وی در ۱۸۸۱ م در سالونیک متولد، و پس از طی مراحل تحصیلی، از دانشکده نظامی استانبول فارغ التحصیل شد. او در ابتدا از «ترکهای جوان» پشتیبانی می‌کرد، اما رفته رفته از آنها فاصله گرفت و در ۱۹۱۹ م دست به تشکیل جنبش مقاومت ملی در آناتولی زد و ملیون را علیه متفقین و دولت عثمانی به کار گرفت تا آنها را در جنگ استقلال و اعلام جمهوری ترکیه رهبری کند. وی به عنوان نخستین رئیس جمهوری ترکیه برگزیده شد و این عنوان را تا هنگام مرگش (۱۹۳۸ م) حفظ کرد. نک: غلامرضا علی بابایی، پیشین، جلد ۳، ص ۹.

۱۴. شیخ خزعل خان، پسر حاج جابر خان نصره‌الملک، متولد ۱۲۸۰ ق از طایفه اعراب بنی کعب، عرب خوزستان، ملقب به نصره‌الملک، معز السلطنه، سردار ارفع، سردار اقدس و امیر نویان و دارای نشانها و حمایل نظامی، که از طرف دولت انگلستان لقب «سر» نیز داشته است. حکمران معروف بسیار با نفوذ و متمول محمره (خرمشهر) که پس از مرگ شیخ مزعل، برادرش، در ۱۳۱۵ ق حاکم خرمشهر و اطراف آن شد و بیست و نه سال حاکم خوزستان بود. در این مدت حکومت خوزستان از لحاظ اسمی، مأموران اعزامی از مرکز بودند، لکن

حکومت رسماً با خود شیخ خزعل بود. در ۴-۱۲۹۳ ش / ۱۹۱۴ م و آغاز جنگ بین الملل اول، دولت انگلستان پیمانی با خزعل امضا کرد و سفارت انگلیس در تهران مراتب را به وزارت خارجه اطلاع داد. پس از جنگ جهانی اول، وی به امید انتزاع خوزستان و تشکیل سلطنتی مستقل، سلسله جنیان قیام سعادت خوزستان شد. در ۱۳۰۴ ش، پس از جنگی کوتاه مدت دستگیر و به تهران منتقل گردید. نک: مأخذ پیشین، جلد ۳، ص ۱۲۲.

15. Ibid. p.22.

16. Ibid. p.23.

۱۷. نمونه اختلافات مرزی عبارتند از: اختلافات مرزی سعودی با کویت، عراق، موضوع «واحه بریمی» و مرزهای سعودی - یمن.

۱۸. دو نمونه از اختلافات مرزی وی عبارتند از: مرزهای ایران و عراق و مسأله بحرین.

۱۹. شریف حسین (حسین بن علی: ۱۹۳۱-۱۸۵۴ م): حسین بن علی هاشمی معروف به شریف حسین و ملک حسین اول و شریف مکه و پدر انقلاب عربی، در شهر استانبول به دنیا آمد، اما در محیط بدوی پرورش یافت و در عین حال مدتی طولانی از عمر خود را در پایتخت عثمانی گذراند. ابتدا به تمشیت امور مذهبی در مکه و مدینه اشتغال داشت و از هدایای زائران مکه روزگار می‌گذراند، اما رفته رفته کارش بالا گرفت و به مدد نیروی مالی، گروهی از بدویان و افراد قبایل مختلف را گرد خود جمع کرد و در ۱۹۰۸ م از طرف دولت عثمانی به امارت مکه منصوب شد و با گسترش نفوذ و تحکیم موقعیت خود، حکومتی قوی در حجاز تأسیس کرد. پس از حملات سعودیها وی سلطنت را به پسرش واگذار کرده و به بندر عقبه پناه برد و از آنجا توسط انگلیسیها به جزیره قبرس تبعید شد و در آخر عمر به امان رفت و در آنجا درگذشت و در مسجد الاقصی مدفون شد. نک: مأخذ پیشین، جلد سوم، ص ۱۱۴-۱۱۳.

۲۰. گزارش نمره ۷۹۴، مورخ ۱۹ ذیقعدة ۱۳۴۲ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ ش، کارتن ۶۵، پرونده ۱۵، سند شماره ۱ کتاب حاضر.

۲۱. گزارش نمره ۲۵، مورخ ۱۹ برج سرطان ۱۳۰۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ ش، کارتن ۶۵، پرونده ۱۵، سند شماره ۲ کتاب حاضر.

۲۲. گزارش نمره ۳۰، مورخ اول برج اسد ۱۳۰۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ ش، کارتن ۶۵، پرونده ۱۶، سند شماره ۳ کتاب حاضر.

۲۳. گزارش نمره ۲۹۲، مورخ یازدهم برج سنبله سجعان ثیل ۱۳۰۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۳ ش، کارتن ۶۵، پرونده ۱۶، سند شماره ۵ کتاب حاضر.

۲۴. نامه ملک علی به غفارخان جلال السلطنه، نمره ۷۱۴ مورخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱ سند شماره ۱۰ کتاب حاضر.

۲۵. سند پیشین.

۲۶. نامه ابن السعود به کنسولگری ایران، مورخ ۲۵ رجب ۱۳۴۴ ق، همان.

۲۷. شاه فؤاد (فؤاد یکم: ۱۹۳۶-۱۸۶۸ م): سلطان مصر از ۱۹۱۷ م تا ۱۹۲۲ م و پادشاه ابن کشور از ۱۹۲۲ م تا ۱۹۳۶ م. در ایتالیا تحصیلات نظامی را به پایان برد و چندی وابسته ارتش عثمانی در وین بود. پس از مرگ برادرش حسین کامل به فرمانروایی رسید. انگلیسیها به او خوشبین بودند اما او در میان مردم هیچ گونه محبوبیت نداشت. دوره فرمانروایی او از نگاه بیداری مصریان اهمیت فراوان دارد، چه کسانی مانند سعد زغلول پاشا نبرد در برابر استعمار انگلیس را آغاز کردند و در اثر همین پیکارها انگلستان در ۱۹۲۲ م استقلال مصر را به رسمیت شناخت. نک: علی بابایی، پیشین، جلد سوم، ص ۲۲۸.

۲۸. میرزا حبیب الله خان بهاء السلطان (عین الملک) که بعدها نام خانوادگی هویدا را برای خود برگزید در سال ۱۲۵۰ ش متولد شد. پدر وی میرزا محمدرضای شیرازی نام داشت و مادرش گوهر خانم، متولد بیروت بود. همسر وی فاطمه (ملقب به افسرالملوک) نام داشت که دختر سلیمان خان ادیب السلطنه و خواهر یحیی سرداری، رئیس اداره سرکلانتری تهران بوده است.

حبیب الله هویدا صاحب دو فرزند به نامهای عباس و فریدون بود. وی ابتدا در مدارس رشدیه عثمانی و بعد در مدرسه دارالفنون امریکا در بیروت به تحصیل پرداخت و با زبانهای عربی، ترکی، فرانسه و انگلیسی آشنایی کامل داشته است. وی صاحب تألیفاتی چند بوده از جمله کتابهای: بیوه باکره، کشتی هوایی یا آسمان پیمان...

بهاء السلطان در ماه حمل سال ۱۳۲۹ ق، به موجب توصیه سفیرکبیر عثمانی داخل خدمت در وزارت امور خارجه شد و همان زمان به سمت نیابت سوم، مأمور به مصر شد. سپس وی به سمت جنرال قونسول ایران در شام و لبنان و فلسطین منصوب شد. در ۱۳۰۸/۲/۴ ش از محل مأموریتش در بیروت به تهران فراخوانده شد و در ۱۳۰۸/۴/۲۱ ش منتظر خدمت شد. در ۱۳۰۸/۱۱/۹ به سمت کاردار در حجاز و نجد منصوب شد و از ۱۳۱۲/۱/۱ ش به درجه وزیر مختاری در حجاز و نجد رسید. وی مجدداً در ۱۳۱۲/۱۰/۱۸ منتظر خدمت وزارت امور خارجه شد. وی در مجموع ۲۶ سال در وزارت خارجه خدمت کرد. سپس به بیروت رفت و پس از مدتی بیمار شد و تقریباً یک سال مریض و بستری بود و پس از چندین دفعه عمل جراحی در ۱۳۱۴/۱۲/۲۳ در بیروت درگذشت. وی را در شهر عکا، واقع در فلسطین، به خاک سپردند.

۲۹. گزارش نمره ۲۱۱، مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۲ کتاب حاضر.

۳۰. سند پیشین.

۳۱. گزارش نمره ۲۱۲، مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۳ کتاب حاضر.

۳۲. سرگیلبرت کلایتون (۱۹۲۹-۱۸۷۵ م): نظامی و سیاستمدار انگلیسی که در ۱۸۹۵ م وارد ارتش انگلستان شد و مدتی در ارتش مصر خدمت کرد و مدتی نیز با حکومت سودان همکاری کرد. وی مدیر اینتلیجنت سرویس در مصر نیز بوده و در ۱۹۱۶ م تا ۱۹۱۸ م مأموریتهایی در حجاز داشت. بعد از مدتی نیز که در مصر و فلسطین مسئولیتهایی داشت از ۱۹۲۵ م تا ۱۹۲۷ م مأمور خدمت در حجاز بود و در عقد قرارداد ۱۹۲۷ م جده نقش اصلی را بر عهده داشت. نک: علی بابایی، همان، جلد سوم، ص ۲۵۵.

۳۳. گزارش نمره ۲۱۱، مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴ ش، پیشین.

۳۴. سند پیشین.

۳۵. سند پیشین.

۳۶. گزارش نمره ۲۱۲، مورخ ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴ ش، پیشین.

۳۷. اعلامیه دولت ایران در مورد تجاوزات وهابیها، مورخ اول تیرماه ۱۳۰۵، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۵ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۳، سند شماره ۲۲ کتاب حاضر.

۳۸. نامه ملک علی به غفارخان جلال السلطنه، نمره ۷۱۴، مورخ ۱۱ ربیع الثانی، ۱۳۴۴ ق، پیشین.

۳۹. نامه ملک علی به غفارخان جلال السلطنه، نمره ۴۳۸، مورخ ۳ جمادی الثانی ۱۳۴۴ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۱ کتاب حاضر.

۴۰. ابلاغیه عام عبدالعزیز، چاپ شده در روزنامه «ام القری»، شماره ۵۴، مورخ ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۴۴ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۴ کتاب حاضر.

۴۱. ابلاغیه پادشاهی سعودی به حکومتهای متحابه، مورخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۴ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۵ کتاب حاضر.

۴۲. تلگراف نمره ۵۸۸، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۰۴ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴ ش، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۹ کتاب حاضر.

۴۳. ترجمه جریده الوطن، مورخه ۲۰ ربیع الاول ۱۳۴۸ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۲ ش،

کارتن ۱۱، پرونده ۲۳، سند شماره ۲۶ کتاب حاضر. همچنین ر.ک به حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۵، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۴۴. حسین مکی، پیشین، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۴۵. عهدنامه مودت بین ایران و عربستان، مورخ دوم شهریور ۱۳۰۸ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۲۷ کتاب حاضر.

46. charge d'affaires.

۴۷. گزارش نمره ۲، مورخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۰۹ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۱، پرونده ۱، سند شماره ۲۸ کتاب حاضر.

۴۸. گزارش نمره ۱۰۹، مورخ ۸ خردادماه ۱۳۰۹ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۹ ش، کارتن ۱، پرونده ۱، سند شماره ۳۰ کتاب حاضر.

۴۹. علی اکبر ولایتی، «ایران و مسئله فلسطین»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۶، ص ۹۲.

۵۰. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به: مقاله «مدرس و کمیسیون دفاع حرمین شریفین»، سیدعلی موجانی، ارائه شده به دبیرخانه سمینار مدرس، برگزارکننده: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵.

۵۱. گزارش نمره ۱۰۹، مورخ ۸ خرداد ماه ۱۳۰۹ ش، پیشین.

۵۲. گزارش نمره ۴۸ مورخ اول اردیبهشت ۱۳۱۰ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۰ ش، کارتن ۱۱، پرونده ۲۱۲، سند شماره ۳۳ کتاب حاضر.

53. A Period of Ups and Downs.

54. Ibid. p. 48.

۵۵. گزارش نمره ۱۶۲، مورخ ۱۳۱۱/۷/۲۸، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۱ ش، کارتن ۴، پرونده ۹-۱، سند شماره ۳۸ کتاب حاضر.

۵۶. سند پیشین.

57. Ibid. p.49.

۵۸. گزارش نمره ۱۶۴/ح/۷۷، مورخ ۱۳۲۲/۹/۳۰، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، شماره ۴۰ کتاب حاضر.

۵۹. یادداشت سفارت ایران در قاهره به وزارت امور خارجه سعودی، مورخ آذر ۱۳۲۲، بایگانی اسناد امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۴۱ کتاب حاضر.

۶۰. یادداشت وزارت خارجه عربی سعودی به سفارت ایران در مصر، نمره ۱۷۰، مورخ ۳ محرم الحرام، ۱۳۷۳ م، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۴۲ کتاب حاضر.

۶۱. یادداشت سفارت ایران در قاهره به سفارت عربی سعودی در قاهره، مورخ ۱۳۲۲/۱۱/۱۶، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۱-۲۵ اسناد نمایندگی فلسطین، کارتن ۴۳، پرونده ۲۷۰، سند شماره ۴۳ کتاب حاضر.

۶۲. گزارش نمره ۱۶۴/ح/۷۷، مورخ ۱۳۲۲/۹/۳۰، پیشین.

۶۳. گزارش شماره ۲۲۴/ح/۷۷، مورخ ۱۳۲۲/۱۲/۱۶، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۴۴ کتاب حاضر.

۶۴. تلگراف عبدالعزیز به شاه مورخ فروردین ۱۳۲۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۴۶ کتاب حاضر.

۶۵. تلگراف عبدالعزیز به شاه مورخ فروردین ۱۳۲۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۴۷ کتاب حاضر.

۶۶. گزارش شماره ۲۵۱/ح/۲۷، مورخ ۱۳۲۳/۲/۱۴، بایگانی اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۵۰ کتاب حاضر.

۶۷. سند شماره ۲۵۸/ح/۷۷، مورخ ۱۳۲۳/۳/۸، بایگانی اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۲۳ ش، کارتن ۵، پرونده ۱۱، سند شماره ۵۱ کتاب حاضر.

۶۸. نامه عبدالعزیز به شاه مورخ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۶۶ ق، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۵-۲۶، کارتن ۳۱، پرونده ۱-۲۵۲، سند شماره ۵۲ کتاب حاضر.

۶۹. یادداشت شماره ۱۴۸۸/۱۶۰۶۰ مورخه ۲۷/۴/۲۰ وزارت امور خارجه به سفارت عربی سعودی، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۷ ش، کارتن ۴۰، پرونده ۲-۵۲۱، سند شماره ۵۵ کتاب حاضر.

۷۰. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران، دولت دست نشاندۀ ۱۳۵۷-۱۳۳۰، انتشارات قومس، تهران ۱۳۷۶ ص ۳۸۳.

۷۱. در این باره ر.ک به: غلامرضا علی بابایی، پیشین، جلد ۳، ص ۲۱۴-۲۰۹. همچنین ر.ک به: پیترو منسفیلد، ناصر، ترجمه محمدرضا جعفری، انتشارات امیرکبیر تهران: ۱۳۵۰ و همچنین ر.ک به: آنتونی ناتینگ، ناصر، ترجمه عبدالله گله داری، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۵۳.

۷۲. هلال حاصلخیز (Fertile crescent): منطقه‌ای در خاورمیانه، که تمدنهای خاورمیانه و حوزه مدیترانه از

آنجا شروع شده‌اند، این اصطلاح بوسیله خاورشناس امریکایی، جیمز هنری بویستد بکار برده شد. هلال حاصلخیز یک منطقه هلالی شکل نسبتاً حاصلخیز است که بین صحرای عرب در جنوب، کوههای ارمستان در شمال، کوههای زاگرس در شرق و سوریه و فلسطین در غرب گسترش یافته و شامل صحرای سینا و دره رود نیل نیز می‌شود.

73. Ibid. p 52.

۷۴. علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۳۸۵.

75. Ibid, p.53.

۷۶. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به: همان ص ۲۶-۲۷.

77. Ibid. p 53.

78. Ibid. p 54.

۷۹. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به:

SOHRAB SOBHANI, " the pragmatic Entente, ISRAELI - IRANIAN RELATIONS, 1984 - 1988" Library of congress cataloging-in- publication Data, NEW YORK. 1989.

80. Ibid. p 56.

۸۱. جمال عبدالناصر ر.ک به: غلامرضا علی بابایی، فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه، نشر رسا، جلد سوم، تهران: ۱۳۷۴. همچنین ر.ک به: «احزاب سیاسی مصر»، دفتر برنامه ریزی و خدمات آموزشی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و نشر وزارت امور خارجه. تهران: ۱۳۷۳ ص ۹۷-۷۷.

۸۲. دربارهٔ اوپک ر.ک به: پی برتریزیان، «داستان اوپک»، ترجمه عبدالرضا غفرانی، انتشارات فراندیش، تهران، ۱۳۶۷.

۸۳. گراهام فولر، *قبله عالم*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران: ۱۳۷۷، صفحه ۱۲۷.

۸۴. پیشین، ص ۱۲۷.

۸۵. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد نمایندگی اسرائیل، سال ۴۹-۱۳۳۸، کارتن ۶، پرونده ۳۹.

۸۶. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به: هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی*.

۸۷. گزارش شماره ۱۳۰۸ مورخ ۱۳۴۹ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه سال ۱۳۴۹، کارتن ۱۸، پرونده ۱۹، سند شماره ۶۸ کتاب حاضر.

۸۸. علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۳۸۵.

۸۹. پیشین. ص ۳۸۵.

۹۰. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به: گراهام فولر، پیشین، ص ۱۲۸.

۹۱. گراهام فولر، پیشین، ص. ص ۱۴۳-۱۴۱.

۹۲. ملک فیصل در ۵ فروردین ۱۳۵۴ ش/ ۲۵ مارس ۱۹۷۵ م به دست یکی از برادرزادگانش به قتل رسید. اگر چه انگیزه اصلی این اقدام به خوبی مشخص نشده، اما چنین استنباط می‌شود که با سیاست تقریباً مستقلی که فیصل در قبال جهان اسلام و مسائل نفتی داشت و موضع سرسختانه وی در مقابل رژیم اشغالگر قدس، امریکاییها و کشورهای غربی و دستگاههای جاسوسی صهیونیستی در این ترور دست داشتند.

93. Ibid, p.66.

94. Ibid, p.66.

۹۵. گزارش نمره ۴۰۹۶ مورخ ۱۳۵۵ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۵۵ ش، کارتن ۲۶، پرونده ۴، سند شماره ۷۴ کتاب حاضر.

۹۶. پیام شاه به ملک خالد در ۱۳۵۵ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۲۵۳۵ ش، کارتن ۲۶/۱، پرونده ۱۱، سند شماره ۷۰ کتاب حاضر.

۹۷. تلگراف شماره ۳۰۲، مورخ ۱۳۳۵، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۲۵۳۵، کارتن ۲۶/۱، پرونده ۱۱، سند شماره ۷۱ کتاب حاضر.

۹۸. سند پیشین.

۹۹. قرارداد مودت ایران و عربستان، مورخ ۱۳۰۸/۶/۲، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۸، سند شماره ۲۷ کتاب حاضر.

۱۰۰. سند شماره ۱۲۰، مورخ ۱۳۳۲ ش، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۲، کارتن ۵۳، پرونده ۴۵، سند شماره ۷۹ کتاب حاضر.

۱۰۱. سند پیشین.

۱۰۲. وی سفیر وقت ایران در عربستان سعودی بوده است.

۱۰۳. سند پیشین.

۱۰۴. سند شماره ۸۱۲، مورخ ۴۰/۶/۲۱، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۰، کارتن ۷/۱، پرونده ۳۱، سند شماره ۸۵ کتاب حاضر.

۱۰۵. قرارداد بازرگانی ایران و عربستان، مورخ ۱۳۵۰/۱/۲۵، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۸۶ کتاب حاضر.

۱۰۶. تلگراف شماره ۳۱۰۶، مورخ ۱۳۵۰/۹/۱۷، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۵۰، کارتن ۱۹، پرونده ۱۲/۱، سند شماره ۸۷ کتاب حاضر.
۱۰۷. سند نمره ۱۳۵، مورخ ۱۳۲۲/۶/۲۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۱۵ ش، کارتن ۵، پرونده ۶، سند شماره ۱۰۷ کتاب حاضر.
۱۰۸. سند نمره ۱۳، مورخ ۱۳۳۱/۲/۳، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۱، کارتن ۶، پرونده ۷، سند شماره ۱۰۹ کتاب حاضر. همچنین سند نمره ۲۱۱، مورخ ۱۱ دی ۱۳۰۴، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴، کارتن ۳۰، پرونده ۱، سند شماره ۱۲ کتاب حاضر.
۱۰۹. سند پیشین.
۱۱۰. طرح توافقنامه فرهنگی، مورخ ۲۳ آبان ۱۳۴۶، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۴۶ ش، کارتن ۱۴، پرونده ۱۰، سند شماره ۹۹ کتاب حاضر.
۱۱۱. سند پیشین.

فصل اول - اسناد روابط سیاسی

عنوان سند

سند شماره ۱

تاریخ سند: ۱۹ ذی قعدة ۱۳۴۲

فرستنده: وكالة خارجيه حكومت هاشميه حجاز

گیرنده: وزارت خارجه

موضوع: پاسخ نامه وزارت خارجه در باب تعیین منتخب الدوله به عنوان سرپرست اتباع

ایرانی

نمره: ۷۹۴

وزارت خارجه دولت علیه ایران

فخامت مآبا، بعد از ادای تحیت و سلام و تقدیم احترامات عرض می نماید که مرقومه مورخه ۲۰ شوال ۱۳۴۲ مطابق پنجم برج جوزا ۱۳۰۳ را دایره احساسات یگانگی و همدینی و جامعیت اسلامیت و متضمن تعیین منتخب الدوله از مأمورین وزارت خارجه به سرپرستی اتباع دولت علیه ایران با کمال احترام دریافت کردم. از فیض و کرم خداوند متعال مسئلت می نمایم که ما را در راه سعادت مملکت و حفظ عباد از مصائب دنیا موفق فرموده و الطافش در کلیه کارها شامل ما باشد.

حکومت هاشمیه آنچه لازم است خواه در معاملات رسمی و خواه خصوصی درباره ایشان بعمل آورده است، چنانچه از تلگراف جناب معزی الیه مستحضر شده اند در مسائلی که به طور خصوصی مذاکره گردید منتظر جواب آن فخامت مآب هستم و به این وسیله صراحتاً تأکید می کنم که حکومت هاشمیه حاضر است آنچه دولت علیه ایران برای منافع ابنای دین و صیانت آنها و مملکتشان از حوادث ایام مناسب می داند بعمل بیاورد.

به این وسیله احترامات خود را تکرار نموده و از خداوند متعال موفقیت [شما را] می خواهم.

محل امضا

سند شماره ۲

تاریخ سند: ۱۹ برج سرطان ۱۳۰۳

فرستنده: منتخب الدوله

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات منتخب الدوله با ملک حسین

نمره: ۲۵

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکتها

روز چهارم ذی الحجه محفل مصری از جدّه به مکه مکرمه وارد شده از طرف حکومت حجازیه احترامات لازمه بعمل آمده و چون حکومت در آن روز مشغول تشریفات محفل بود، لذا ملاقات بنده با ملک حسین به روز پنجم افتاد و در روز مزبور یک ساعت قبل از ظهر خدمت ایشان رسیده و مفاد تلگراف رمز نمره ۷۷۴ را ابلاغ و عرض نمود که دولت علیه متبوعه بنده حاضر است که هر موقعی که هیأت محترمه اعزام شوند آنها را بپذیرد، ملک اظهار تشکر کرده جواب دادند چون وقت تنگ و موقع حج نزدیک است ان شاء الله بعد از ادای فریضه حج هیأت معینه را اعزام خواهم نمود و چون در موقع این صحبت هر دو تنها بوده و ثالثی در میان نبود موقع را مغتنم شمرده عرض کردم که دولت علیه متبوعه در ضمن این مأموریت بنده که سرپرستی حجاج ایرانی است دو وظیفه دیگر نیز به عهده بنده واگذار فرموده اند که وظیفه اول ابلاغ احساسات دولت و ملت ایران و درخواست اعزام هیأتی از طرف حکومت حجازیه به دربار ایران است که الحمدلله پذیرفته شده و دوم آنکه دولت و وزارت متبوعه به بنده مقرر فرموده اند که راجع به تلگراف جلالت الملک در موضوع امر خلافت حضورتان عرض نمایم که دولت علیه ایران از این مسأله بسیار خوشوقت است که حق دوباره به مرکز خود قرار گرفته و امر خلافت دو مرتبه به این خانواده جلیله که ارثاً هم حق اوست برگردیده است و از اینکه حرمین

شریفین هم در تحت اوامر آن حضرت اداره می شود نیز کمال خوشوقتی را دارند و راجع به امر خلافت هیچ اعتراض و مخالفتی هم ندارند، ولی چون مسأله دینی و بسته به عقاید مردم است نمی توانند مداخله کرده و رأی بدهند. برای استحضار خاطر مبارک معروض داشت.

امضا: منتخب الدوله

سجع مهر: منتخب الدوله

حاشیه: به عرض می رسد ۷/۲۹

سند شماره ۳

تاریخ سند: اول برج اسد ۱۳۰۳

فرستنده: جنرال قونسولگری دولت علیه ایران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات منتخب الدوله با ملک حسین درباره مبادله سفیر

نمره: ۳۰

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکتها

نظر به طول توقف بنده در مکه معظمه هر دو روز یک مرتبه با حضرت ملک حسین ملاقاتی می‌شد. در ضمن صحبت اظهار می‌کردند که دیگر لازم است دولت علیه ایران یک شخص مهمی را که دارای مقام وزارت باشد به اینجا بفرستد، اگر هم در ضمن برای کارهای اتباع ژنرال قونسول یا قونسولی هم بخواهند تعیین کنند مختارند. از قرینة اظهارات ملک حسین چنین استنباط کردم که نماینده دولت علیه ایران را میل دارند به عنوان سفارت معین و معرفی شود. آن وقت بنده در جواب عرض کردم که چنانکه عرض شده فکر دولت علیه ایران هم همین است که میل دارند از طرف حکومت حجازیه هم یک نماینده سیاسی در طهران باشد. آن وقت در جواب گفتند البته البته باید اینطور باشد و عقیده فدوی هم این است که برای سال آینده یک مأمور فوق العاده که دارای رتبه سفارت باشد اعزام فرمایند و بلکه دائمی هم باشد.

امضا

منتخب الدوله

سج مهر: منتخب الدوله

حاشیه:

۱. به عرض می‌رسد ۷/۲۹.

۲. اداره اول.

سند شماره ۴

تاریخ سند: ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۴۲

فرستنده: نمایندگی دولت عربی هاشمی در مصر

گیرنده: سفیر دولت ایران در مصر

موضوع: گسترش رابطه ایران با دولت هاشمی و سایر کشورهای عرب

نمره: ۱/۵۶۹

نمایندگی دولت عربی هاشمی در مصر

در مورخه ۲۶ ذی‌الحجه ۱۳۴۲، شماره ۱/۵۶۹، ۲۹ ژولای ۱۹۲۴

حضور جناب سفیر دولت علیه ایران در کشور مصر

باکمال احترام مرقومه شریفه حضرتعالی که در مورخه ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۴۲ و تحت شماره ۲۱۱ تنظیم شده بود را مطالعه نمودم، ضمن تشکر و امتنان فراوان از بذل توجه و عنایتتان، موضوع جنابعالی را که حاکی از نظر وزارت خارجه در طهران پیرامون اعزام نماینده حجاز به پایتخت ایران بود را به استحضار جناب آقای ملک حسین رساندم و معظم له مرا مکلف فرمودند که ضمن پاسخ به این امر، مراتب خشنودی ایشان را به اطلاع شما برسانم که نظر اعلیحضرت، اولویت قائل شدن به این امر می‌باشد، بطوری که معظم له تصمیم به اعزام نماینده، در اواخر ماه محرم سال ۱۳۴۳ نمودند که بیانگر علاقه‌مندی ایشان به تحکیم و گسترش مناسبات دو کشور که ضامن حسن اعتماد و تبادل منافع طرفین است می‌باشد. لذا خواهشمند است ضمن اعلام مراتب تشکر اعلیحضرت از احساسات پاک و خالصانه، نظر عالی ایشان را در این خصوص به وزارت امور خارجه ایران ابلاغ فرمایید.

و لازم است جنابعالی به یاد داشته باشید که به همین مناسبت، معظم له مرا به ابلاغ این

امر به شما در اواخر مارس سال ۱۹۲۴ و هنگامی که خلاصه مطالب را به سمع مبارک معظم له رساندم مکلف فرمودند، که اینجانب ایشان را در جریان عواطف و تلاشهای صمیمانه شما در رابطه با بعضی از مسائل مربوط به شرایط و روند روابط بین مصر و ایران قرار دادم و در آن زمان به جنابعالی گفتم که معظم له با گشاده رویی پیشنهادات مرا پذیرفتند و ایشان همیشه از برقراری بهترین روابط مستحکم بین ایران و اعراب استقبال می نمایند و همه تلاشها در این زمینه را ارج می نهند زیرا معظم له، کشور ایران را به عنوان یک کشور دیرینه اسلامی که دارای تاریخ درخشانی است محترم می شمارند و نسبت به ایرانیها به عنوان ملت عزیز که از دیر زمان به مودت و محبت مشهور بوده اند به دیده احترام و محبت می نگرند و همان طور که گفتم معظم له اهمیت خاصی در رابطه با پیشنهادی که در مورد عراق به ایشان دادم قائل شدند و تلگراف مهمی برای فرزند خود جناب ملک فیصل در بغداد فرستادند و وی را تشویق به انجام اقدامی نمودند که شایسته بهبودی روابط و پیوند با ایران باشد و از آنچه که بعضی از روزنامه های بغداد به آن پرداخته بودند و هیچ نفعی برای دو کشور همسایه نیز نداشته ابراز تأسف و تأثر نمودند و جناب ملک فیصل نیز ضمن پاسخ به تلگرام معظم له، از احساسات پاک ایشان در رابطه با ایرانیان ابراز همدلی نموده و بر پایداری پیوندها و روابط حسنه بین دو کشور تأکید کردند و اعلام نمودند که در رابطه با برخورد با روزنامه های مذکور اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد.

کلیه این مطالب را اینجانب پنج ماه قبل به طور شفاهی به استحضار حضرتعالی رساندم و لذا لازم است این علاقه مندی معظم له، اثر بسیار مثبتی در بهبودی روابط بین بغداد و تهران گذاشته باشد.

ضمناً همان طور که همگی ما آرزو مندیم، امیدوارم این روابط روز به روز مستحکم تر از گذشته گردد، زیرا هر چه قدر این روابط کنونی دوستانه بین ایران و اعراب توسعه یابد به نفع و مصلحت همه ما خواهد بود که امیدواریم طی یک توافقی این امر نیز در آینده نزدیک تحقق یابد و بیشتر از همه هر دو کشور پادشاهی از منافع ماهوی و مشترک آن برخوردار گردند.

فرصت را برای تجدید احترامات فائقه خود مغتنم می شمارم و شخصاً از تلاشهای

محبت آمیز و احساسات پاک شما قدردانی می نمایم و برای دولت علیه ایران آرزوی ثبات و پیشرفت دارم.

جناب سفیر احترامات مرا پذیرا باشید.

نماینده دولت عربی هاشمی

در کشور مصر

امضا: عبدالملک خطیب

سند شماره ۵

تاریخ سند: یازدهم برج سنبله سچان ثیل ۱۳۰۳

فرستنده: سفارت ایران در مصر

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات با نماینده سلطان حسین در محل سفارت

نمره: ۲۹۲

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب راپورت‌های متواتر خود راجع به مسأله حجاز خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که دیروز نماینده حجاز از طرف سلطان حسین پادشاه حجاز به سفارت آمده و پس از اظهار مقام دوستی و مودت و بیانات مرحمت‌آمیز از طرف سلطان حسین نسبت به فدوی که در استحکام روابط مودت نهایت درجه کوشیده اظهار نمود که جناب اشرف الشیخ فؤاد الخطیب وزیر امور خارجه مملکت حجاز به سمت سفارت فوق‌العاده از طرف سلطان حجاز مأمور دربار ایران گردید که در مسأله معاهده و روابط تجارتي و غیره مذاکرات لازمه با دولت علیه نموده و در عقد معاهده لازمه اقدامات را بنماید.

روز اول ماه سپتامبر که مطابق با نهم سنبله است از جدّه حرکت کرده و از راه شام و بغداد عازم طهران است. این است که مراتب را به عرض می‌رساند و البته لازمه مهمان نوازی و محبت را از سرحد ایران حسب الامر مبارک در حق مشارالیه معمول و مجرا خواهند فرمود و چنانچه سابقاً خاطر نشان آن مقام منبع نمود هر قدر از مشارالیه پذیرایی و مهربانی و رسماً محبت شود آنقدر در مسأله عقد معاهده ممکن است بیشتر موفقیت حاصل شود. اهالی حجاز خیلی مقید به تعارفات شرقی و در این موضوع اهمیت زیاد می‌دهند. این است که این نکته را مخصوصاً به عرض مبارک می‌رساند که مقرر فرمایند کاملاً دقت شود و اگر مشارالیه تمام مدت مهمان دولت

باشد بهتر است هر قدر در این موضوع توجه شود نتیجه آن بیشتر خواهد بود.

فدوی علی اکبر بهمن

حاشیه:

۱. اوضاع حجاز و سلطان حسین که بکلی تغییر نمود باید منتظر وضعیت آتیه حجاز و استقلال

آن بود.

۲. اداره اول.

۳. به عرض می‌رساند ۲۲ میزان.

۴. به عرض می‌رسد ۷/۱۳.

سند شماره ۶

تاریخ سند: ۲۰ عقرب ۱۳۰۳

فرستنده: عین الملک

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: دعوت ابن السعود از علما و حکومت ایران

برای شرکت در تعیین امور حجاز

نمره: ۱۲۶

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

از قرار نشریات تمام جراید عربی، امیر نجد از دولت علیه ایران و علمای ایران دعوت نموده است که برای شرکت در تعیین امور حکومتی حجاز سیاسی و دینی نماینده گسیل دارند. یک نسخه از آن را لفاً تقدیم داشته جسارت به عرض می‌نمایم که موقع خیلی مهم و شایسته بذیل [بذل] توجه و اهتمام است و هر چند فرستادن نمایندگان برای دولت مخارج زیاد دارد ولیکن این مخارج در مقابل منافع معنوی و مادی دولت علیه که بایستی محفوظ بماند قابل ذکر نیست. دیگر امر، امر مبارکست.

فدوی

امضا: عین الملک

حاشیه:

۱. ملفوف ترجمه شود.

۲. به عرض رسید.

۳. اداره اول.

سند شماره ۷

تاریخ سند: ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳

فرستنده: عبدالعزیز بن الرحمن آل سعود

گیرنده: اهالی جدّه

موضوع: اخطار به اهالی جدّه

نمره: ۱۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل السعود به قاطبه اهالی جدّه

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته، بدیهی است که به اطلاع شما رسیده است که غالب امم اسلام عدم رضایت خود را از اینکه حسین و اولاد او در حجاز حکومت بنمایند اظهار داشته و بی میلی خود را در این خصوص گوشزد نموده‌اند و نظر به اینکه فوق العاده مایل و شایق می‌باشم که مسائل به طریق مسالمانه حل گردیده و خونریزی بعمل نیاید، لهذا به شما اظهار می‌داریم که هرگاه به اهل مکه تأسی کرده و رفتار خود را موافق رویه آنها قرار دهید مال و جان شما در امن و امان خواهد بود و چون امیر علی که قاطبه عالم اسلامی نسبت به او خوشبین نبوده و او را طرف نفرت خود قرار داده‌اند در میان شما می‌باشد به شما اخطار می‌نمایم یا بایستی از این شهر خارج شده و به محل دیگری رفته و یا به مکه رهسپار شوید و یا آنکه شریف علی‌الحسین را توقیف نموده و او را از شهر خود خارج سازید، اگر غیر از این اقدامی از شما ناشی شده و یا آنکه نسبت به مشارالیه مساعدت و همراهی نمایید ما در مقابل عالم اسلامی از هرگونه حوادث سویی که شما بدان دچار خواهید شد معذور می‌باشیم، چه خود مسبب آن گردیده‌اید.

(مهر) عبدالعزیز بن عبدالرحمن السعود

حاشیه:

۱. آقای معاون کل اگر صلاح است قسمتی از این اخبار به جراید داده شود و الا در دوسیه مربوطه ضبط نمایند. ۱۳۰۳/۱۲/۹
۲. کابینه - اداره اول به عقیده اینجانب ترجمه کاغذی که خطاب به اهل جده شده مقتضی نیست به جراید داده شود، ولی کاغذ قونسولها و جواب آن را عیب ندارد به جراید بدهید. ۱۰ حوت
۳. مراسله قنسولها و جواب آن به جراید داده شود. ۱۴ حوت ۱۳۰۳ اردشیر

سند شماره ۸

تاریخ سند:

فرستنده: ملک علی

گیرنده: جلال السلطنه وزیر مختار ایران در مصر

موضوع: ارسال پیام

نمره:

حضرت عزیزم، جلال السلطنه محترم

پس از تقدیم تحیات آنکه حامل این مکتوب شیخ فؤاد خطیب وزیر امور خارجه را فرستادم که پیغام شفاهی اظهار دارد و امیدوار چنان است که بزودی موجبات خوشوقتی و مسرت اینجانب از مساعدتهای حضرت عالی و دولت علیه ایران از مشارالیه شنیده شود و از خداوند تبارک و تعالی موفقیت جمیع را بر آنچه رضای اوست از کریم عمیمش درخواست می نماید.

امضا
علی

حاشیه: با ترجمه مطابق است

حسن پیرنظر نایب اول سفارت

سند شماره ۹

تاریخ سند: ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۴

فرستنده: وزیر امور خارجه حجاز فؤاد خطیب

گیرنده: وزیر مختار دولت علیه ایران در مصر

موضوع: ارسال نامه تدوین شده توسط رئیس حزب وطنی حجاز

نمره: ۸۶

وزیر مختار دولت علیه ایران در مصر

عالیجناب،

باکمال توقیر و احترام یادداشت ملفوف را که توسط رئیس حزب وطنی حجاز تدوین گردیده است تقدیم و متمنی است به دولت متبوعه خود برسانید و مخصوصاً اظهار نمایید که لازم است مدلول آن بکلی مکتوم و مخفی بماند. هرگاه موقع مقتضی شود و لزوم آن مشوش گردد مبادرت به اشاعه آن خواهد گردید. لزوماً حکومت حجاز تمام مدلول آن را تصدیق و تأیید می نماید.

یادداشت مزبور را خدمت جنابعالی ارسال و خواهش دارم رسید آن را مرحمت فرمایید، ضمناً مراتب احترامات فائقه را تقدیم می نماید.

امضا

وزیر امور خارجه

فؤاد الخطیب

سند شماره ۱۰

تاریخ سند: ۲۹ اکتبر ۱۹۲۵

فرستنده: رئیس حزب وطنی حجاز

گیرنده: غفار خان جلال السلطنه

موضوع: اوضاع حجاز

نمره: ۷۱۴

عالیجناب غفار خان جلال السلطنه

وزیر مختار دولت علیه ایران در مصر

عالیجناب،

خداوند را سپاسگزارم که به خیر و سلامت به مقصد رسیدید. به کشور حجاز نیز در مورد اهتمام و عنایت عملی دولت علیه و ملت شریف ایران به سرزمینهای مقدس اسلامی که دلها شیفته آن است تبریک می گویم. در اینجا بر دولت شما تأکید می کنم که حجازیانی که خداوند خدمت به این سرزمین مطهر را برایشان آسان و سهل گردانیده و آن را زادگاه و وطن آنان قرار داده، از سوی خود و سایر برادران خود، مسلمانان جهان، از شما می خواهند که بالاترین مراتب تشکر و امتنان آنان را به محضر دولت علیه و ملت سخاوتمند ارسال دارید، چرا که فردی پر آوازه همچون شما و همکار محترمتان جناب حبیب الله خان عین الملک جنرال قونسول دولت علیه ایران در سوریه را برگزیده اند. آنچه که به طور پیاپی از فضائل شخصی شما نقل شده این اطمینان را می دهد که حقیقت به دور از هرگونه رنگ و چهره خارجی و تأثیر نفسانی تجلی خواهد کرد. به اعتقاد اهل حجاز این نمایندگی جدای از سایر نمایندگیهای سیاسی است، زیرا آن را از آن خدا و پیامبرش می دانند. آنان معتقدند این نمایندگی نیامده است تا در امر دنیا و سیاست

به تجارت پردازد و خصوصاً اینکه دولت علیه ایران از استقلال تام و مطلق برخوردار بوده و هیچ‌گاه به طور مستقیم و یا با واسطه در معرض سلطه اجانب نبوده است.

جای تأسف است که تعداد اینگونه دولتهای اسلامی که دارای این موقعیت ممتاز هستند از انگلستان دست تجاوز نمی‌کند. در خارج از جزیره العرب سه کشور ایران، افغانستان و ترک، و در سرزمینهای عربی نیز حجاز و یمن هستند. پیش از آنکه وارد موضوع اصلی شویم مایلیم نظر خود را در مورد مسائل زیر به سمع شما برسانیم:

۱. مقاومت خارجی که حجاز درگیر آن است.
۲. نظر امت حجاز در خصوص امور داخلی خود.
۳. نظر امت حجاز در مورد متجاوز جنگ طلب.
۴. آمال و امیدهایی که به دولت علیه ایران و ملت شریف و بزرگ آن بسته شده است.

مقاومت خارجی

حجاز تحت پوشش عدم بیطرفی با شدیدترین نوع مقاومت خارجی درگیر است، بطوری که حتی از نزدیکترین کشورها به آن نیز غذایی به مرزها نمی‌رسد. البته چنانچه این مرزها در دست دشمن محارب حجاز باشد، کشتیها و شرکتها برای رساندن انواع غذا و سلاح بر یکدیگر پیشی می‌گیرند تا بر اساس اخبار خصوصی، استقلال حجاز را به دلایلی که ما بر آن اعتقادیم نابود کرده و از بین برند.

۱. وجود دولتی با استقلال تمام برای حجاز موجب می‌شود تا هیچ دولت طمع ورزی یا هیچ امیر عربی همچو امام که شروط استقلال را مانند حجاز ندارد همپیمان نشوند. دولت حجاز بدین ترتیب اندیشه استقلال را در میان اعراب و به ویژه در میان امرای عرب که می‌بایست موضعی در ازای دولت مستقل حجاز اتخاذ کنند ایجاد کرده است. اینان نیز که می‌بایست در همسایگی حجاز باشند می‌بایست به چیزی کمتر از آن که حجاز به آن دست یافته، و آن همان استقلال کامل است، دست یابد.

۲. وجود دولتی اینگونه که از استقلال کامل برخوردار باشد، حجت و دلیلی برای سایرین است تا وضع مشابهی از آن را در کشورهای برادر همانند عراق، سوریه، فلسطین، شرق اردن و دیگر کشورهای شرقی مجاور داشته باشند. در مقابل، زوال و نابودی این دولت مستقل مایه یأس و دلسردی همه آنها خواهد شد. از سوی دیگر این امر دلیل و حجتی در دست طمع‌ورزان دشمن خواهد بود که می‌گویند اعراب و مسلمانان ممکن نیست با یکدیگر به توافق برسند و یا اینکه بر روی پاهای خود بایستند. لذا می‌بایست یک طرف خارجی بیاید و دست آنان را بگیرد و مشکلاتشان را حل کند.

۳. وجود دولتی که اینگونه از استقلال کامل برخوردار بوده، استوار و موفق و کامیاب باشد، بهانه‌ای می‌شود تا برخی از ذی‌نفوذان و طرفداران بشریت در توده مردم، اخیراً در جامعه ملل به بهانه ابراز محبت و همدردی بر آنان به حمایت و یاری کسانی بشتابند که به دنبال کسب حقوق و استقلال خود هستند. نابودی دولت مستقل در حجاز - خدای نکرده - راه را بر تمامی این چهره‌ها و افراد خواهد بست.

۴. وجود دولتی مستقل در حجاز موجب می‌شود آنانی که به مسائل اسلامی می‌پردازند در جوی به دور از هرگونه تأثیر خارجی به دور یکدیگر جمع شوند و به حمایت از قداستی پردازند که از یک سو استقلال و از سوی دیگر قداست استقلالش را تأمین کند. لذا نیاز بود تا شناخت حاصل شده و بررسی پیرامون امور انجام گیرد.

۵. بقای یک دولت مستقل راه را برای درخواست پیمانها و وعده‌های بسته شده در مقابل اعراب از طریق حجاز همواره باز نگاه می‌دارد. اعتراض زنده به هرگونه اختلال در آنچه که ذکر شده نمونه‌ای از آن است، زیرا این دولت بر اساس اصول به رسمیت شناخته شده در طول جنگ پایه ریزی شده است.

۶. صاحبان اغراض و اهداف سیاسی یا افراد رام و مطیع آنان تلاش دارند - دانسته یا ندانسته - حجاز را به یک پیکر بی‌حرکت تبدیل کنند که با آن کلیه خواستاران استقلال را بترسانند. آنان به دنبال چیزی بیش از به ذلت کشانیدن مسلمانان و از بین بردن استقلال قبله‌اشان

به دست خودشان از طریق انواع حمایتها و کنفرانسها، می‌باشند. البته این جنجال امری است که حجاز از اخزم می‌دانسته است.

۷. تهاجم وهابیان به حجاز موجب تحریک اذهان مسلمانان شده است. به بیانی دیگر این امر آنان را دچار اضطراب و نابسامانی و در نتیجه نپرداختن به امور داخلی و شخصی خود کرده است. آراء و نظرات آنان در مورد کشور و سرزمین مقدسشان تقسیم شده است. نتیجه‌ای که از این نابسامانی و تفرقه حاصل شده، ایجاد فرصتی خوب برای استراحت و نفس‌گیری این سیاست در سرزمین تحت اشغال آن است. پنهان نماند که شرایط سیاسی در جهان اقتضای آن را دارد. در عین حال این یک فرصت مناسب در جهت این سیاست است که خود را آماده کرده تا با دست مسلمانان استقلال حرمین را از بین برده و آن دو را تنها یا به صورت (دو مسجد در بیابان) قرار دهد یا با واسطه بر سرزمینهای مقدس مسلط شده و زمام امور دینی مسلمانان را در دستی قرار دهد که جزیی از آن (وهابیت) و برای آن باشد. بهترین دلیل در این مورد وضعیت مسلمانان از زمان ورود وهابیت به حجاز تا کنون و تحولات سیاسی ناشی از آن است. هر چند این جنگ طولانی‌تر شود، رنجها و مشکلات نیز افزون خواهد گشت.

۸. تهاجم ابن سعود به حجاز این کشور را در معرض وحشیانه‌ترین حوادث خارجی قرار داده است. این بدین معنی است که او دادن امتیاز به خارجیان را در سرزمینی تقویت کرده و ریشه‌دار نموده که در گذشته حتی دادن یک وجب از آن به خارجیان و تملک آنان امری ناپسند بشمار می‌رفت، و پیش از این هیچ سابقه نداشته است. در حالی که پس از ورود ابن سعود به مکه او طی نامه شماره ۱۱۴ مورخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ برابر با ۲۱ نوامبر ۱۹۲۵ به تمامی قونسولها نوشت: به منظور علاقه به حفظ اتباع شما و محافظت از جان و مال آنان در مقابل آسیبها و زیانهای احتمالی مایل بودیم موارد زیر را به اطلاع برسانیم:

۱. مکان خاص و مناسبی را به اتباع خود در درون جده یا خارج از آن برگزینید و به ما اطلاع دهید.

۲. چنانچه مایل باشید آنان را به مکه بفرستید تا در جوار حرم الهی به دور از آثار و جنجالها

و خطرات جنگ باشند، با کمال میل آنان را پذیرفته و در جایگاه شایسته آنان مسکن خواهیم داد. وی این نکته را به عنوان تملق و چاپلوسی و نشان دادن چهره‌ای و ظاهری مدنی و ساختگی در نامه‌های دیگر خود نیز آورده است، امری که موجب شد تا این جنجال در سرزمینهای مقدس تثبیت شود و دولت حجاز در مقابل این عمل دست بسته بماند. این امر به جهان فهماند که کافر و کافرزاده در نظر ابن سعود مسلمان است که از استقلال کامل برخوردار است، اما کسی که به خدا و پیامبر و آخرت ایمان آورده مسلمان است که نیروی استعمارگر می‌بایست از او حمایت کند. این امر یک ضربه دردناک و فجیع بود و هنگامی به اوج خود رسید که این کشور در مقابل تهاجم وهابیها به لرزه درآمد. داغ این ننگ را تا ابد ما بر پیشانی ابن سعود زده‌ایم.

۹. چنانچه این دولت مستقل در حجاز نابود شود بر این سیاست سهل و آسان است که سایر اماکن بخصوص یمن و سرزمینهای دیگری همچو نجد و امثال آن را نابود کرده، در زیر یوغ نفوذ خارجیان درآورده و از تمامی امور ممنوعه در گذشته رهایی دهد.

هر چند علی‌رغم تمامی مقاومت‌های انجام شده دولت مستقل حجاز توانسته است تا به امروز به لطف خدا زنده و پایدار بماند، اما این سیاست تاب صبر بر آن را نداشته و تقسیم را پیش از پایان جنگ آغاز نموده است. ما این قسمت را به حجاز اختصاص می‌دهیم.

سرزمین حجاز

تقسیم شده

حمله وهابیها به حجاز به جدا شدن ایالت معان انجامید، که ما در اینجا چگونگی این امر را تشریح می‌کنیم:

ایالت معان به طور مستقیم به حجاز وابسته بود و بخشی از آن بود. ارتش حجاز با نثار خون آن را گشوده، حفظ نموده و از هنگام تسلط و حاکمیت بر آن تا زمان جدایی آن، اداره آن را برعهده داشته است. در گذشته نیز درخواست اعاده آن مطرح شده بود که دولت حجاز از تسلیم

در مقابل این درخواست سر باز زده بود، تا اینکه وهابیه‌ها به حجاز حمله بردند و کار آنان بالا گرفت. آنان هیچ‌گونه صلحی را که بر آنان عرضه شده بود نپذیرفته، و به نتایج وخیم ناشی از ادامه این جنگ بی توجه بوده و به آن وقعی نمی‌نهادند. جنگ فرصتی بود تا معان از حجاز جدا گردد. دولت بریتانیا به ملک حسین هشدار داد تا از آن خارج گردد. یک نسخه از هشدار دولت بریتانیا به عنوان اطلاعات به دولت حجاز نیز داده شد. در این هشدار و اعلان آمده بود که: «جناب سلطان نجد یک نیروی مهاجم را برای حمله به عقبه ارسال داشته و دلایلی را دارد که اینگونه از آن فهمیده می‌شود که حضرتعالی (ملک حسین) و دولت حجاز در معان و عقبه سخت مشغول انجام تحرکاتی علیه او هستید.» سپس در اعلان آمده بود که: «نظر به بی‌ثباتی اوضاع در حجاز انجام مذاکرات غیر ممکن تشخیص داده شد» این اعلان می‌افزاید: دولت اعلیحضرت تدابیری برای تأسیس و تشکیل حاکمیت اداری شرق اردن در منطقه‌ای که خود را مسئول آن می‌داند و معان و عقبه نیز بخشی از آن است، اتخاذ نموده است. این امر حاکمیت شرق اردن را واداشته تا از اعلیحضرت دعوت کند تا پیش از اینکه حضور شما موجب بروز دشواریهایی میان دولت اعلیحضرت و سلطان نجد گردد از آن خارج شوید.

دولت حجاز در روز پنجشنبه ۶ ذی‌قعدة ۱۳۴۳ برابر با ۲۹ مه ۱۹۲^(۱) به اعلان ارسال شده اینگونه پاسخ داد:

«دولت حجاز، معان و عقبه را جزئی از سرزمین حجاز بشمار آورده و هزینه‌های گزافی را در جهت اداره آن از زمان بیرون راندن ترکها تاکنون صرف کرده است. در آنجا نهادها و مؤسسات مهمی از جمله بی‌سیم و غیره را در اختیار دارد. بالاتر از این، کشور در حال دفاع از موجودیت خود است و جدا کردن این منطقه موجب انزوای شهر و قرارگرفتن آن در معرض شدیدترین شرایط سخت و دشوار و به منزله نابودی آن خواهد بود. این شهر مقدس دیگری خواهد بود که نمی‌توان با آن تماس حاصل نموده و ارتباط برقرار کرد، که حقیقتاً این امر در شرایط کنونی یک

شکست همه جانبه برای تمامی حجاز می‌باشد. چنانچه اجرای اعلان با زور اقتضاء دارد حجاز چیزی برای مقابله ندارد. تعیین مرزها حمله دشمن را - چنانچه درست باشد - دور نمی‌گرداند، زیرا مرزها مرتبط با طبیعت آن هستند، خواه دشمن پیش آید و یا عقب نشیند همان مشکل به دلیل موقعیت جغرافیایی به وجود خواهد آمد. مرزهای مشخص در گذشته نیز هیچ‌گاه مانعی برای تهاجم دشمن به شرق اردن و غیره نبود و چندین بار این حرکت رخ داده است.

دولت حجاز هیچ پاسخی در مورد این اعتراض دریافت نکرد و ایالت معان با زور جدا گشت. در این مورد هیچ توافقی از سوی دولت حجاز به طور قطع انجام نشد، دولتی که خود را نماینده و جانشینی موقت برای مجلس شورا می‌دانست و می‌بایست کارهای مربوط به جنگ را در آینده مورد بررسی قرار داده حق داشت به این امور و سایر مسائل رسیدگی کند.

موضع این سعود

در مورد شکست معان

در خط ۳۳ ستون اول صفحه سوم شماره ۲۶ روزنامه «ام القری» که در تاریخ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۳ منتشر گردید از زبان سردبیر اینگونه نوشت: بیش از آنکه وسیله آماده شود و من قصد بازگشت کنم از برخی از افراد حاضر در قرارگاه دریافتیم که دستوراتی به امیر خالد و سعود بن عبدالعزیز صادر شده تا حمله آنان را به عقبه و معان متوقف کند. هنگامی که این دستورات رسید دریافتیم که جناب سلطان افرادی خاص را به برخی جهات در عقبه و معان فرستاده و به ابن نهیر که با سپاهی عظیم از حائل می‌آمد امر کرده است که به مرزهای عقبه و معان تعرض نکرده و تا رسیدن دستور در مرزهای عنزة مستقر شود و منتظر بماند. از این دستور و خبر تعجب کرده و خواستم در مورد مسائل جدید از جناب سلطان سؤال کنم. اجازه خواستم و پس از اجازه وی در مورد آنچه که مطلع شده بودم سؤال کردم. ایشان گفتند بله این دستور به آنان داده شده است. گفتم چگونه این امر ممکن است در حالی که حسین در عقبه است و هر حيله و نیرنگی که توان انجام آن را داشته باشد انجام می‌دهد، او سرباز و تجهیزات و مهمات جنگی گسیل می‌دارد و

۱. تاریخ در متن اصلی ناقص است (م).

تمامی شرق اردن امروز به بخشی از یک جبهه جنگ تبدیل شده است که سربازان جناب سلطان در آن مقاومت می‌کنند. سلطان پاسخ گفت که حسین بزودی از عقبه خارج شده و شرق اردن دیگر از امروز به بعد هیچ کمک، پول، سلاح و سربازی را گسیل نخواهد نمود و از آنجا هیچ چیز به سوی این جبهه‌ها عبور نکرده و در این جنگ کوچکترین نقشی نخواهد داشت. از سلطان خواستم بیشتر پیرامون دلایلی سخن بگویم که موجب ایجاد این شرایط برای حسین و شرق اردن می‌گردد. ایشان به گفتن همین نکته اکتفا کردند که به شما می‌گویم که این امر درست و واقعی است و خبر آن را بزودی خواهید دریافت. از این پاسخ شادمان گشته و با تمجید و امتنان از حضور ایشان مرخص شده و به ام‌القری برگشتم و با آنان در مورد این دیدار سخن گفتم.

ابن سعود در نامه رسمی خود به شماره ۱۶۹ مورخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۴۳ برای این نکته تأکید کرده است. چه بسا مردم عمق فاجعه‌ای را که بر سر حجاز آمد و بدین ترتیب ایالت معان از آن جدا شد درک نکردند، زیرا آنان ندانستند که این ایالت بیش از یک قطعه زمین جغرافیایی و به عنوان حاصلخیزترین بخش سرزمین حجاز است و بیش از چهار هزار مایل مربع می‌باشد. آنچه در زیر می‌آید جزئیات و مشخصات این ایالت است.

مرزهای ایالت معان

مرزهای میان شرق اردن و حجاز به شرح ذیل است:

از نیمه راه میان «البصیره» و «الشوبک» خرابه‌ای موسوم به «السمرا» وجود دارد. خط فاصل میان ما و شرق اردن از «خرابه السمراء» به سمت شرق و تا جایی است که راه آهن دو ایستگاه «جرف الدراویه» و «عنز» را به یکدیگر متصل می‌کنند. از آنجا نیز امتداد یافته و از سمت غرب در یک خط مستقیم به «دره الغمر» کشیده و سپس «دره الغمر» را در سمت جنوب قطع کرده تا به آخر «دره الغمر» جایی که به دو راهی آب می‌رسد و از آنجا تا نیمه «دره العربیه» می‌باشد، تا اینکه در خلیج «العقبه» در نقطه‌ای که مسافت آن دو یا سه مایل از سمت شمال غربی همان شهر می‌باشد می‌ریزد. مرزها از سمت غرب مرزهای طبیعی بوده و کاملاً روشن و

واضح است. مساحت منطقه از شرق به غرب حدود شصت مایل و از شمال به جنوب حدود هشتاد مایل می‌باشد.

بنابراین مجموع تمامی مساحت بیش از چهار هزار مایل مربع می‌باشد.

مشهور است که ابن سعود بر جدا شدن و تقسیم این ایالت از ربیع‌الاول سال ۱۳۴۳ ه. ق برابر با اکتبر ۱۹۲۴ م موافقت نموده است که برای افراد منصف جای تأمل است.

ابن سعود علی‌رغم این شکست بر استمرار جنگ و کشتار اصرار ورزید که در نتیجه آن این قبیله به کشور خودش نیز رسید و از شمال شروع و از سمت دره سرحان به میز مذاکره نهاده شد و خدا می‌داند که این قبیله در کجا کار خود را به پایان برد بر سر نجد، و از دیگر جهت‌های هم مرز با خلیج فارس و مرزهای عراق و مسقط چه می‌آید.

اما اهمیت دره سرحان در نزد کارشناسان که به مسأله حجاز به صورت خاص و مسائل اعراب به طور عام رسیدگی می‌کنند مشخص و واضح است. این بیانیه‌ای است که در آن آمده است:

دره سرحان قطعه زمینی حاصلخیز است که دارای امتیازهای زیاد جغرافیایی بوده و متشکل از چند روستای سرشار از معادن نمک می‌باشد.

در این بیانیه اطلاعات و آبهای موجود در آن اینگونه آمده است:

وادی سرحان از منطقه «کاف» که اولین روستا از «روستاهاى دارای نمک» است شروع می‌شود. تا فاصله دو ساعت تا جنوب آن روستای «الغطی» سپس «منوة» و «وشواش» قرار دارد. در شمال آن «اثره» و در جنوب آن به فاصله دو ساعت «القصبیه» سپس «النبک» قرار دارد که این روستا از اهمیت بسزایی برخوردار نیست.

آبهای این دره

(۱) الدریق (۲) جرجر (۳) البیضاء و سپس از آن منطقه بدون آنکه روستایی باشد خارج می‌شود. (۱) المهیدر (۲) المعاصر (۳) النبک - که در آن آب وجود دارد - (۴) میسری (۵) شیبیه

(۶) حلیمیم (۷) جراوی (۸) مقوی. سپس به «الجوف» و در شرق الجوف روستای «القارة» و «طوبر» و «سکاکه» می‌رسد.

در روزهای آینده روشن خواهد شد که مسأله ابن سعود در رابطه با قرارداد مشخصی که رسماً میان وی و کشور شرکت کننده پیرامون کشورش و منضمات آن و سایر کشورهای عرب حتی کشورهایی که در قلب جزیره العرب واقع شده‌اند و دارای مرزهای ویژه هستند مانند بحرین، قطر، کویت به امضا رسیده چه خواهد کرد. برای توضیح بیشتر، متن قرارداد نجد را به شرح ذیل می‌آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم

هنگامی که دولت بریتانیای کبیر از یک سو و عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل السعود حاکم نجد، احساء، قطیف، جبیل و کشورها و بنادر تابع آن و وراث، جانشینان آنها و قبایل آنها، از سوی دیگر مایل به تأیید و تقویت روابط دوستانه موجود میان خود شدند از زمانهای دور و برای تصفیه منافع خاص، بریتانیا سرهنگ پرسی کوکس اس.اس.ای. ک.س.ای.ئی را به عنوان نماینده و سفیر تام‌الاختیار خود در خلیج فارس جهت عقد قرارداد با عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل السعود تعیین کرد. سرهنگ نامبرده، سر پرسی کوکس و عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل السعود که در متن از آن به نام ابن سعود یاد می‌شود بر موارد ذیل توافق کردند:

دولت بریتانیا اعتراف کرده قبول دارد که نجد، احساء، قطیف، جبیل و سرزمینهای منضمه و بنادر آن در سواحل خلیج فارس، کشور ابن سعود و اجداد او می‌باشد و ابن سعود حاکم مستقل و رئیس مطلق این قبایل و پس از او فرزندان و نسل وی موروثی خواهد بود. البته انتخاب جانشین توسط حاکم زنده انجام می‌گردد به شرط آنکه او در هیچ حال و شرایطی یا شروط مندرج در قرارداد، دشمن و مخالف دولت بریتانیا نباشد.

به عنوان مثال در صورتی که یک کشور خارجی بدون مشورت با دولت انگلیس به سرزمینهای ابن سعود تجاوز کند و به دولت انگلیس فرصت مذاکره با وی را جهت حل مسأله ندهد دولت بریتانیا ابن سعود را به نحوی که مناسب می‌داند پس از مشورت با او، در جهت حمایت و پشتیبانی از منافع و کشورش به طور مؤثر یاری می‌نماید.

۳

در این قرارداد ابن سعود موافقت نمود و وعده کرد که از اقدام به مذاکره و عقد قرارداد و موافقتنامه با هر کشور یا دولت خارجی اجتناب و مقامات سیاسی دولت بریتانیا را در جریان هرگونه تلاشی از سوی هر دولتی جهت مداخله در امور سرزمینهای مورد اشاره قرار دهد.

۴

ابن سعود بدین وسیله متعهد می‌شود که هیچ یک از اراضی مورد اشاره یا بخشی از آن را از دست نداده، نفروشد، رهن یا اجاره نداده، تصرفی در آن نکرده و به هیچ دولت یا اتباع دولتی بیگانه بدون موافقت دولت بریتانیا امتیازی در چارچوب آن ندهد. کما اینکه می‌بایست بدون هیچ قید و بندی توجیهات آن را اجرا کند به شرط آنکه به منافع ویژه خود آسیبی نرسد.

۵

ابن سعود بدین وسیله متعهد می‌شود که راههای منتهی به اماکن مقدس را همواره باز نگاه داشته و از حجاج به هنگام رفتن به اماکن مقدس و بازگشت از آن محافظت نماید.

۶

ابن سعود همچون اجداد وی در گذشته، متعهد می‌شود که از هرگونه تجاوز یا دخالت در

امور اراضی کویت، بحرین و شیوخ قطر و ساحل عمان که تحت الحمايه بریتانیا می‌باشند و روابط الزام‌آور با آن دارند اجتناب ورزد. مرزهای این سرزمینها در آینده تعیین می‌گردد.

۷

دولت بریتانیا و ابن سعود بر عقد قرارداد مفصل دیگری پیرامون مسائل مربوط به دو طرف توافق نمودند: این قرارداد در ۱۸ صفر ۱۳۳۴ ه. ق برابر با ۲۶ دسامبر ۱۹۱۵ م به رشته تحریر درآمد.

مهر و امضا - عبدالعزیز ابن السعود

امضا - سرهنگ کوکس، نماینده بریتانیا در خلیج فارس

امضا - آقای جلمسفورد معاون پادشاه و حاکم کل هند

این قرارداد از سوی معاون پادشاه و فرماندار کل هند در مجلس در سملا روز ۱۸ ژوئیه

سال ۱۹۱۶ به امضا رسید.

امضا - ا. کرانت

دبیر دولت هند - اداره خارجی و سیاسی

دیدگاه امت پیرامون مسائل داخلی

سپاس خدای را که امت حجاز معنای غیرت را نسبت به دین حنیف و جایگاه کشورش در میان مسلمانان درک می‌کند و با تمام وجود مفهوم قومگرایی و حاکمیت ملی را می‌فهمد. با هرگونه تعرضی نسبت به این دو رکن، دین اسلام و کیان ملی، در این ملت، روحیه غیرت و شجاعت زنده می‌شود و بهترین دلیل آن صبر و استقامت آنها در برابر گرسنگی، تشنگی، بیماری و نیاز و مقاومت آنها در برابر بیگانه می‌باشد، بدون آنکه قد خیم کنند. این ملت از صبر خود، ارتش و فرزندان داوطلب خود که در تمامی آنچه ذکر شد شرکت می‌کنند و از سرزمین مقدس خودشان که از استقلال تام و کامل برخوردار است دفاع می‌کنند، افتخار می‌کنند.

لذا این مسأله خیانت است که آنان متهم شوند که به نوع حکومت و حاکم خودشان اهمیتی نمی‌دهند. این امر یک دسیسه خارجی جهت پیشبرد اهداف آزمندانه علیه تصمیم‌گیری و استقلال آنها می‌باشد. این تهمت به هر کس که افترا می‌زند بازگشته و شرافتمندان به قضاوت در مورد گوینده - هر کس که باشد - خواهند پرداخت. ارتش امت حجاز هنگامی که در ابتدای جنگ پراکنده شد و توانش را از دست داد و تمامی مناطق طعمه گروه‌ها شد، دوباره گرد هم شده و یکصدا با اعلیحضرت، پادشاه فعلی خود، که امیدش به ملی‌گرایی صادقانه او و دینداری استواری او قطع نشده بود بیعت کرد. ایشان این بیعت را پذیرفته و فشار آن را در هنگامی که همه چیز حتی کوههای حجاز و دره‌های آن متزلزل شده بود، پذیرفت. امت برای اعلیحضرت خود این منت صادقانه و افتخار شایسته را که همان انتصاب به خاندان نبوت باشد حفظ کرد. امت به اعلیحضرت تمسک جست، زیرا او را مظهر افتخار و استقلال کشور از طریق ارث و لیاقت یافته بود.

در آن هنگام اکثریت مطلق امت حجاز که از تمامی مناطق حجاز جمع شده بودند در جده مجالس متعددی تشکیل دادند. اکثریت شرکت‌کننده تصمیم گرفتند که با اعلیحضرت، پادشاه کنونی، بیعت کنند. آنان دروازه‌های شهر را بستند و به ایشان برای پذیرش این مسئولیت خطرناک اصرار کردند. او نیز در آن شرایط سخت و دشوار که در آن دشمن می‌توانست هر کاری که می‌خواهد انجام دهد و با حتی گروهی اندک حمله نماید، این مسئولیت را پذیرفت. شرف اعلیحضرت و اعتماد مردم به او نه تنها مانع نشد که از این مسئولیت امتناع نماید، بلکه او با اراده و ذکاوت در جهت دفاع از دین، استقلال و میهن تمامی سختیها را متحمل گردید. این لحظه دشوار که امت حجاز با بیعت خود بپاخواست دلیلی محسوس بر این آگاهی بود که این امت زنده و مستقل است. نشان داد که این امت دارای اراده‌ای قابل احترام است که از غفلت یا بی‌احساسی سرچشمه نمی‌گیرد کما اینکه تهمت زندگان می‌خواستند بگویند که این امت به نوع حکومت و حاکم خودشان هر کس که باشد اهمیتی نمی‌دهند.

پس از فارغ شدن از مشکلات جنگ تمامی امت بر نوع حکومت آینده کشور اتفاق نظر کرد و دولت حجاز در کتاب قرمزی که در چهارم رجب ۱۳۴۳ برابر با ۲۰ ژانویه ۱۹۲۵ چاپ شد آورده که نوع حکومت پادشاهی است و از استقلال کامل برخوردار می‌باشد، و با هیچ دولت غیرمسلمانی از طریق هیچ قراردادی که به استقلال کامل آن خدشه وارد سازد ارتباط ندارد. این دولت به صورت شورایی است و در برابر مجلس شورای آینده مسئول می‌باشد.

نظر امت حجاز پیرامون امور داخلی به صورت خلاصه در کتاب قرمز مذکور که سندی رسمی است و کشور را مقید و محدود ساخته بیان شده است. دولت نمی‌تواند حتی سرسوزنی از آن منحرف شود.

متجاوزی که سرستیز با ما دارد

ملت حجاز و در رأس آن جناب پادشاه آن، تا به امروز و تا زمانی که خداوند بخواهد از حریص‌ترین افراد حفظ اتحاد بین امرا در کل جزیره عربی بویژه ابن سعود بوده‌اند و با ایمان به منافع اعراب و مسلمانان در راستای اعتماد به آنها همگان بر این باورند که ادامه جنگ به نفع غیر مسلمانان و بیگانگان است، اما همه آمال و آرزوها بر باد رفت و مسائل به صورت انتقام شخصی از گروه‌ها تبدیل شد بدون اینکه توجیهی برای اعمال خود داشته باشد. ابن سعود دارای آوازه و شهرت جنگی است و ما مایل بودیم از صمیم قلب، امت عرب از چنین وضعیتی نهایت استفاده را بنماید، اما به این نکته توجه ننمودند و با تمام توان و قدرت خود به مدت چند ماهی به شهر جده یورش بردند، این شهر متحمل خسارت‌های زیادی گردید، اما موضوع به این صورتی که بعضی از افراد تصور می‌کنند نیست و ابن سعود می‌توانست جده را فتح کند، اما از پیامدهای آن به دلیل وجود بیگانگان و خارجیها در آن ترسید و در واقع این همان عواطف و احساساتی است که ابن سعود از آن به نفع خود استفاده می‌نماید، در صورتی که ارتش ابن سعود به صورت کورکورانه در کشتارهای طائف و امثال آن نیز مشارکت داشته است، بنابراین در رابطه با جده نیز ادعاهای ابن سعود دروغ ساختگی و محض است، زیرا توپهای آن نه تنها از صبح تا

غروب آفتاب به شهر جده قطع نشد و حتی یک بمب بر سر قهرمانان مدافع در سنگرهایشان ریخته نشد بلکه این بمبها مانند باران بر منازل، خانه‌ها و خیابانهای ریخته شد که در آن لحظه تشخیص دادن بیگانه و خارجی از هموطن ممکن نبود و بسیاری از افراد ابن سعود به منازل کنسولهای کشورهای مختلف وارد شدند در حالی که ابن سعود با این شدت به شهر جده حمله توپخانه‌ای نمود و در برابر صفوف افراد جنگجو نتوانست کاری پیش برد.

بنابراین، هدف از طرح این مسائل، گمراه نمودن و یا اهداف دیگر سیاسی است که بر هیچ عاقلی پوشیده نیست و برای ابن سعود چنین ناامیدی و یأسی در مدینه منوره که هیچ بیگانه‌ای از آنچه وهابیت و چه غیره بجز رسول خدا(ص) و اهل بیت و اصحاب ایشان حضور نداشتند و ما خلاصه‌ای از حقایق ابن سعود را در ذیل، می‌آوریم:

۱. قدرت نظامی ابن سعود یک قدرت خیالی می‌باشد و در برابر هیچ نظامی یارای مقاومت ندارد هر چند آن نظام از قدرت بالا نیز برخوردار نباشد و در واقع ابن سعود هیچ کاری را از زمان ورود خود به حجاز نتوانست انجام دهد، بطوری که با ذلت و سرافکنندگی و پس از تلاشهای مستمر و با بکارگیری کلیه نیروهای خود در طی چندماه از جده بازگشت و حتی پس از بازگشت خود از جده نتوانست به مدینه منوره حمله کند که در آنجا نیز حملات نیروهایش با شکست مواجه گردید و همین تجربه را مجدداً در شهر ینبع بکار گرفت و علی‌رغم ادعاهای بعضی از مدعیان که ادعا نموده بودند در آنجا بیگانگان نیز مقیم بودند هیچ فرد خارجی در آنجا نبود و آنجا نیز همان نتیجه قبلی تکرار شد، بطوری که نیروهای نظامی حجاز همان درسی را که در مدینه منوره به نیروهای ابن سعود داده بودند، در شهر ینبع آن را تکرار کردند.

و اما تسلط و تصرف طایف نیز آن طور که خودشان چندبار در روزنامه «ام القرای» خود به آن اشاره کردند قابل پیش بینی نبود بلکه شرایط داخلی به آنان کمک نمود که این منطقه را به تصرف خود درآورند، در رابطه با مکه معظمه نیز هیچ نیرویی صورت نگرفت بلکه با توجه به اینکه دولت حجاز به طور داوطلبانه از آنجا به جده عقب نشینی نموده بود وهابیها نتوانستند از این فرصت استفاده کنند و با نیروی بسیار کم خود و با تکیه بر قبایل بادیه‌نشین پا به این منطقه گذارند.

۲. ابن سعود قادر به اداره هر کشوری که در آن پا گذاشته‌اند نمی‌باشد، زیرا آنان علاوه بر اینکه نمی‌توانند با اهالی هیچ شهر و دیاری ارتباط برقرار کنند، قادر به اقامت طولانی در یک کشور نیستند و به سرعت آنجا را ترک می‌کنند در غیر این صورت به جهت ترس از تماس بادیه‌نشینانی که از آنها کورکورانه اطاعت می‌کنند با افراد و آحاد ملت تلاش می‌کنند مسلمانان را در چشم آنان، مشرک و نامود کرده و خون آنان را حلال می‌کنند و به آنها تلقین می‌کنند که با چنین افرادی واجب است جهاد کنند. لذا وهابیت به عنوان یک وسیله مخربی است که هدفش تحریک نیروها به سوی شر و بدی است و این عبارت بیانگر صداقت و درست بودن این سخن می‌باشد که جنگهای متوالی و پی در پی ابن سعود در حائل و عسیر و همچنین اعمال و رفتار ابن سعود در اطراف و اکناف کشور و حملات آنان به عراق و کویت و همچنین شرق اردن و حجاز حاکی از مخرب بودن دستگاه وهابیه می‌باشد.

۳. سیستم مدیریت ابن سعود یک سیستم ابتدایی و عقب‌گرا می‌باشد و چنانچه نجد موافقت خود را با کناره‌گیری از تمدن، آبادانی و تماس با ملت‌های متمدن اعلام نماید در آن صورت برای مسلمانان و اعراب حجاز مصیبتی خواهد بود که خدای ناکرده چنین مصیبتی انحطاط آنان را در بر خواهد داشت که با قداست و کرامت جهان اسلام سنخیتی نخواهد داشت.

۴. چنانچه ابن سعود به اندازه یک تار مو از آداب و سنن وهابیه‌گری خود منحرف شود و تلاش نماید که به سیستم کلاسیک روی آورد حاکمیت خود را بر قوم خود از دست خواهد داد و لذا از این قبیل مانورها جزئی از قانون وهابیت بشمار می‌رود، بطوری که از نظر وهابیه همه عامه مردم به جز وهابیه‌ها مشرکند و اگر ابن سعود گرایش واقعی به نظم داشت پس چرا این کشور در امور ابتدایی و پیش پا افتاده مانند تلگراف، تلفن و پست و بهداشت و آموزش و امثال آن پیشرفتی نداشته است، بنابراین یک شخص مستبد تحت پوشش دین، حکومت را بدست گرفته و از دین به عنوان وسیله‌ای برای برآورده نمودن شهوات سیاسی خود استفاده می‌نماید.

۵. وهابیه‌گری قادر به درک مفهوم آثار کنونی نیست، زیرا این مذهب با توجه به طبیعت و خوی ویرانگری خود همیشه در صدد از بین بردن آثار مقدس چه در زمینه‌های تاریخی و چه در

زمینه‌های علمی بوده و در جنایت خود سعی در حمله به احساسات اکثریت مطلق مسلمانان جهان داشته است، در صورتی که دیگر ملت‌های متمدن به حفظ آثار پیشینیان خود حتی بت پرستان قبل از خودشان علاقه‌مند می‌باشند تا چه رسد پیامبران بزرگوار و اهل بیت عزیز و یاران بزرگوارشان.

و در ذیل لیستی از آثار مقدسی که توسط این طاغیان ویران گشته برای اطلاع شما می‌آوریم:

- در مکه معظمه - زیارتگاه مادر مؤمنین خانم خدیجه در معلا
- در مکه معظمه - زیارتگاه خانم آمنه مادر گرامی پیامبر در معلا
- در مکه معظمه - زیارتگاه عبدالرحمن بن ابی بکر در معلا
- در مکه معظمه - زیارتگاه بنی هاشم اجداد پیامبر اکرم در معلا

- مسجد جن در خریق

- مسجد ابی قیس بر روی کوه ابی قیس نزدیک صفا

- محل تولد پیامبر اکرم (ص) در شعب بازار اللیل

- خانه پیامبر که محل سکونت حضرت خدیجه و محل میلاد حضرت فاطمه زهرا در کوچه

حجر بود.

محل میلاد حضرت علی (کرم الله وجهه) در شعب *

محل میلاد ابوبکر صدیق در مسفله

زیارتگاه عبدالله بن زبیر در معلا

مقبره شهدای اهل بیت در ضاحیه الشهداء و وادی فح مسجد جبل النور (حراء) در بالای

مکه.

در منی

مسجد انا اعطیناک الکوثر

محل ذبح گوسفندی که به جای اسماعیل ابراهیم ذبح شد.

در طائف

دو ضریح مربوط به دو تن از فرزندان پاک پیامبر.

ضریح سرورمان عبدالله بن عباس.

قبر محمد بن حنیفه

قبر محمد بن مبارک

مقبره دوازده تن از شهدا خارج دیوار طائف

مدینه منوره

گلوله باران نمودن گنبد سبز پیامبر اکرم

از بین بردن قبر حضرت حمزه عموی پیامبر اکرم (خارج از شهر مدینه منوره)

۶. فرق زیادی میان دولت حجاز و وهابیت وجود دارد و از اصول اساسی دولت حجاز، دادن آزادی مذهبی به همه مسلمانانی است که برای کشور خود فداکاری می‌کنند، اما وهابگیری از بادیه‌نشینان بی‌برنامه و بی‌نظمی هستند که اصول اساسی آنها، مجبور کردن کلیه مسلمانان به تبعیت و پیروی از راه و روش آنهاست و در واقع با شمشیر خود به جنگ مسلمانان می‌روند و کشورهای مقدس مسلمانان را مقرر تبلیغات وهابگیری خود قرار می‌دهند و در واقع با دیگر مذاهب اسلامی موجود به نبرد می‌پردازند و همه آنها را بدون استثناء خطری برای مسلمانان وانمود می‌کنند.

۷. دولت گذشته حجاز هر چقدر هم خیر و یا شری با خود آورده باشد برای زمان حال حجت نیست، اما اعتراض ابن سعود به آن دولت در واقع سوء استفاده از کینه‌های گذشته‌ای است که برای اتخاذ مواضع حال خود به آن متمسک می‌شود و چنانچه چیزهایی را که به دولت گذشته حجاز منتسب می‌کنند چه ارتباطی به نقل و قول آن چیزها به مواضع کنونی ابن سعود دارد؟ و چرا اینها نصایح نصیحت‌کنندگان را نمی‌شوند؟ و به لجاجت خود تا ویرانی منطقه نجد و حجاز ادامه می‌دهند و آیا می‌توان این وضعیت را با آن وضعیتی که از آن شکایت داشتند

مقایسه کرد، بنابراین مردم را باید به وجود فرق بین این وضعیت و آن حالت آگاه نمود تا مزیت این حالت بر آنان مشخص شود که این شیوه در واقع نه تنها باعث نابینایی بصری می‌گردد بلکه دلها را نیز کور می‌نماید.

۸. گفته‌ها و کردارهای ابن سعود سرشار از یک سلسله تناقضاتی است و این امر را نه به جهت آگاهی از بولتنها و اظهارات مدون آنها در روزنامه رسمی «ام القری» بیان می‌کنم، بلکه آنچه که باعث تعجب بسیار است مطالبی است که از طریق ملت حجاز و توسط نامه‌های مختلف آنها به مقامات رسمی به ما می‌رسد و لذا ظواهر نشان می‌دهد ابن سعودی که کینه شخصی خود را به قول خودشان کنار گذاشته‌اند هرگز در صدد اتحاد نبوده و نیستند.

آرمانهای مورد نظر دولت علیه و ملت نجیب ایران

فاجعه حجاز اگر چه زیانهای جانی و مالی و خسارتهای تجاری و عمرانی و باستانی در برداشت، اما خالی از منفعت و سود برای اهل آن و مسلمانان نبود بطوری که این رویداد باعث گردید که اهل حجاز قبل از هر چیزی و بعد از توکل به خداوند متعال به بازوهای خود تکیه کنند و دوست و دشمن را از هم بشناسند و ابعاد منفی امور داخلی خود را نیز درک کرده و در جهت رفع آن به میزانی که شرایط جنگ اجازه می‌داد تلاش نمایند و در واقع غائله حجاز، برای خود مسلمانان و دیگر ملتها، محک و معیار خوبی بود، بطوری که ایشان آستینهایشان را جهت خروج حرمین شریفین از شراره آتشی که ابن سعود بر پا کرده بود بالا زدند.

گویی عنایت و تقدیر الهی بر این قرار گرفته که احساسات حساس مسلمانان تحریک شود و کعبه مقدسشان را در معرض خطر ببینند تا شاید از این طریق در جهت به دست گرفتن سرنوشت خویش قدم بردارند.

بنابراین آشنایی و اتحاد در این سرزمین مبارک حجاز عاملی برای وحدت مسلمانان خواهد بود و بر این اساس از دولت علیه شما اجازه می‌خواهم تا موارد ذیل را بیان نمایم:

۱. مشارکت در یاری و کمک رساندن به حجاز مقدمه بزرگی برای ایجاد یک آشنایی

اسلامی است که در آن قدرت اتحاد سیاسی متبلور است که این امر منجر به از بین رفتن اختلافات مذهبی و ایجاد نزدیکی مطلوب خواهد شد بطوری که می توان در جهت ریشه کن کردن مبالغه جاهلی ابن سعود و قوم آنها اقدام کرد و بدین صورت مسلمانان از حداقل قدرت و نیروی مطلوب در میان خود و دیگر ملتها برخوردار خواهند بود.

۲. دخالت دولت علیه ایران در این امر با توجه به شناختی که از انگیزه مثبت آن و ارادت ملت نجیب آن به خداوند، پیامبر اکرم و اهل بیت عظیم ایشان داریم، ملت حجاز و کلیه ملل اسلامی با خشنودی و رضایت کامل از این وساطت استقبال خواهند کرد، زیرا این وساطت و دخالت برخاسته از عقیده راسخ دینی است.

۳. معروف است که دولت علیه ایران دولتی برخوردار از استقلال کامل بوده و در عمل و حکومت از اندک کشورهای مستقل مسلمان است. لذا حجاز از دخالت مستقیم این کشور چنانچه بخواهد نه تنها هیچ بیمی به خود راه نمی دهد، بلکه آن را امین استقلال خود می داند و اذعان دارد که دستی که برای برطرف کردن این رنج و محنت دراز شده دست دیگری را در خفا ندارد.

۴. دولت ایران قدیمی ترین دولت در سرزمینهای اسلامی است که نسبت به حجاز اهتمام می ورزد. بیانیه این دولت در صفر ۱۳۴۴ که توسط نمایندگان بزرگوارش منتشر گردید کاملاً روشن است. در این بیانیه با کمال جرأت و شرافت گفته شده که: «هنگامی که وهابیه قصد تعرض به ملک حسین و حمله به کعبه اسلام را در مکه مکرمه داشتند، دولت اسلامی علیه ایران نسبت به این امر اهتمام ورزیده، شیخ ابن سعود را نصیحت کرده و او را از حمله به بیت الله الحرام و ریختن خون مسلمانان باز داشت. دولت ایران برای رسانیدن نصایح خود از ابزارهای مختلفی استفاده کرد، تا جایی که دولت و ملت ایران همبستگی و همدلی خود را با کلیه مسلمانان جهان در این مصیبت شوم اعلام کرده و ابراز داشت که با صداقت اعتراض شدید خود را به ابن سعود و اعوان وهابی او اعلام می دارد.» در ادامه بیانیه آمده است که دولت ایران بزودی تدابیر قاطعی را در این امر دردناک اتخاذ نموده و به زودی آن را اعلام می دارد. مسائل دیگری نیز در این

بیانیه تاریخی جاودان درج گردیده است.

۵. دولتهای اسلامی مستقل و به ویژه دولت علیه ایران در مقابل سایر مسلمانان مسئول یاری رساندن به حجاز هستند، زیرا دیگران چه به شکل ضعیف یا قوی، چه علنی یا نقابدار و پنهان به دلیل اینکه در زیر سلطه غیر اسلام بسر می برند آزادی فعالیت را ندارند. متأسفانه این جنگ شاهدهی برای خواری و شکست مسلمانان و از هم گسیخته شدن اتحاد آنان است، زیرا آنان پس از اعلام بی طرفی خود و دولتهایشان از قیله خود جدا شدند در حالی که این مسأله جزئی از آنان و برای آنان بوده است. آنان بی طرفی را حتی تا سرحد داوطلب شدن و یا ارائه هرگونه کمک عملی نیز پذیرفتند.

۶. دولت علیه ایران شایسته ترین دولتی است که منظور ابن سعود از پیشنهادش را به خوبی می داند. پیشنهادی که بر اساس آن وی در چهره یک امیر سرکش و عصیانگر بر تمام جهان اسلام ظاهر خواهد شد، مگر اینکه مسلمانان در مقابل اراده او سر تسلیم فرود آورده، مطیع او باشند و کنگره و نشستی را تشکیل دهند که اوامر خودکامه او برای اخراج خانواده شریفها را اجرا کرده و یک حاکم مسلمان دیگری را که تحت حمایت دولتهای اسلامی - خواه مستقل و وابسته و یار رام و مطیع - باشد انتخاب نمایند تا این حاکم استقلال کشور را به فراموشی بسپارد. او با طرح این تفکر بحق که دین همه از آن خداوند است، قصد باطلی دارد و می خواهد هدف حقیقی خود را که برای آن مبارزه کرده پنهان کند. به عبارتی روشنتر او قصد دارد به مذهب وهابیت عمل کند و در فرمان کنگره و نشست به هدف بالاتری دست یابد. این هدف عبارت است از استفاده از عامل زمان برای انجام یک حرکت ناگهانی که در آن بتواند با استقلال که این سعود آن را نمی خواهد به ستیزه برخاسته و براساس کینه های شخصی خود و نیت و قصدی که از سازندگی عاجز است به انتقامجویی پرداخته و برای ویرانی و تخریب تلاش کند. ما به این استکبار و غرور آلوده به گناه پاسخ داده به دولت شما و جهان می گوئیم که هیچ اجنبی و خارجی در زیر آسمان توان آن را ندارد که یک حجازی را از کشورش حجاز بیرون کند. نه تنها این برای حجاز یک ذلت است که تلاشی به امر یک اجنبی برای اخراج حجازیان انجام دهد، بلکه این

امری است که اهل حجاز از عمل به آن اجتناب می‌کنند، حتی اگر به قیمت جانشان تمام شود. آنان آن را عار و ننگ دانسته و مسئولیت آثار و نتایج این تجاوز دون و پست را برعهده کسانی می‌گذارند که برای آن بسیج شده، به آن تمایل داشته و به آن تمسک می‌جویند.

کشور حجاز اشرف از آن است که اهل آن کالایی در دست طاغوتیان و ابزاری در میان اهداف منحنی شخصی دست بدست گردد. کسی که این جملات زشت را اعلام می‌کند از معنای آن بی‌خبر است و براحتی آن را بکار می‌برد، زیرا در گوشه خانه خود و در میان چهار دیواری کشورش در ذلت به دنیا آمده است. او باید بداند که حجاز باارزشتتر و عزیزتر از آن است که یک حجازی از حرمتها و نوامیس مردمش همان‌گونه دفاع می‌کند که یک ماده شیر از فرزندان خود حمایت می‌کند. تا اینکه خداوند امر خود را حاکم گرداند، چرا که او بهترین یاری دهنده و یاور است.

افراد رفتنی هستند، اما کشور و وطن جاودانه و باقی است. اگر فغان و شیونی از توطئه‌های محسوس برمی‌آوریم تنها به دلیل غیرتی است که به باقی‌مانده وطن و کشور احساس می‌کنیم. چرا که انتقال کشور از شرایطی به شرایط دیگر در اوضاع آشفته کنونی جهان طبیعتاً کشور را در معرض دسائس و خطراتی قرار می‌دهد. لذا نمی‌توان نه تنها به حقوق مؤکد آن از جمله استقلال تام، حرمت، ناموس و حقوق طبیعی تمامی افراد، بلکه با حقوق یک فرد نیز بازی کرده و به نظاره نشست.

دولت علیه ایران عظمت و سختی این حکم و نتایج آن مبنی بر تحقیر مردم حجاز که همواره با شرف، مجد و شکوه ملی و رشد در فضای آداب دینی و اخلاق اسلامی همراه بوده، درک کرده و می‌داند. ما در حضور آن و بوسیله آن صدای اعتراض خود را به تمامی جهان رسانده و تحقیری را که نسبت به اهل حرمین شریفین روا داشته و حقوق طبیعی آنان در کشورهایشان به فراموش سپرده شده بیان می‌داریم و سپس از عاقبت این تجاوز و سرکردگان و مسئولیت آن به خدای سبحان پناه می‌بریم و خواستار آنیم که مردم ایران در این مسأله مهم و خطیر به صورت شایسته‌ای که از یک ملت آگاه در مورد استقلال و شرف ملی انتظار می‌رود عمل کنند.

ما بر این اعتقادیم که دولت علیه ایران صرفاً شما را تنها برای مشاهده نشانه‌های ویرانگر بدین جا اعزام نکرده تا طبق شئونات هیأت‌های باستان‌شناسی تنها به دیدن پردازید، بلکه شما را فرستاده تا به تحقیق پیرامون اوضاع و صحنه‌هایی پردازید که نتیجه بعدی و عملی آن شایسته شرف و افتخار کشور گسیل‌کننده و شخص فرستاده باشد.

۷. مردم حجاز با تکیه بر برادری اسلامی و تعاون و همکاری در زمینه خیر و نیکی از ملت برادر ایران می‌خواهد تا استقلال حجاز را تأیید کرده و به دست ملک معظم آن استحکام این استقلال را سبب گشته و کرامت مردم حجاز را از طریق راههای فعال و مقید و از همه مهمتر تسریع در ارائه کمکهای مالی حفظ کنند. این کمکها می‌تواند به عنوان وام داده شود که طبیعتاً تضمینها و ضمانتهای خود را خواهد داشت، این کمکها می‌تواند به صورت کمکهای مرحله‌ای باشد که ان‌شاءالله در آینده ادا گردد. بدین ترتیب حجازها تداوم دفاع از حره بین شریفین و از هم گسیختن وحدت این وهابی بدوی و صحرانشین که راحت مسلمانان و اعراب را به ویژه در حرمین و به طور کلی در سرزمینهای عربی گرفته است ضمانت کرده‌اند. حجاز از ده سال پیش تا کنون همواره عرصه مصیبتها و مشکلات بزرگ بوده که موجب شده تا ثروتها و منابع کشور در جهت نابودی استقلال آن بکار گرفته شده و هیچ‌کس از دسایس، و توطئه‌ها و غرض‌ورزیهای پشت پرده مطلع نشود.

خلاصه

۸. دولت حجاز از آغاز تا کنون عوامل و اسباب دست یافتن و ورود به یک روابط متین و مستحکم با دولت علیه ایران را ارائه کرده است. به همین دلیل یکی از رجال رسمی خود را بیش از یک سال است که به سوی شما ارسال داشته که جنگ مانع از رسیدن وی گردید. حوادث اخیر به خوبی بیانگر وجوب و ضرورت این رابطه از طریق عقد یک قرارداد می‌باشد.

۹. تأیید استقلال حجاز لازمه تلاش برای استقلال کشورهای همجوار آن بوده و راهی است که به طور مستقیم به آن مربوط می‌باشد و مقصود سایر امرای عرب است. لذا وظیفه این

امرا است که بر استقلالشان که در جهت تحقق این هدف شریف دینی شدیداً تمایل داشته و به وظیفه ملی و حقوقی خود عمل کنند.

۱۰. تلاشی جهت پاکسازی سرزمینهای مقدس از هر آنچه که رایحه نفوذ غیرمسلمانان را دارد، تا هر فرد مسلمان که به حرمین شریفین وارد می شود تا زمانی که در آنجاست تحت حمایت قوانین این کشور، و نه قوانین کشوری دیگر قرار گیرد. آنچه که این سیاست برای یهودیان فلسطین تصمیم گرفته - هر چند که عادلانه نبوده - اما در مورد مسلمانان در حجاز نیز همانگونه اعمال شود، زیرا حجاز موطن و زادگاه دینی آنان است و این خلل و نقصی در حرمت سرزمینهای مقدس است که مسلمانان در آن از سوی غیرمسلمانان حمایت شوند.

۱۱. از آنجا که دولت علیه ایران عضوی از جامعه ملل بوده و تنها کشور اسلامی مستقل است و در این جامعه عضویت دارد، لذا توان آن را دارد که با تلاش در این جامعه به همراهی سایر دولتها و کشورهای اسلامی دارای استقلال کامل، خدمت بزرگی رایه حجاز نماید تا این کشور استقلال تام، بی طرفی و مطلق خود را حفظ کرده و بتواند آن را در سطح بین المللی پس از بازگرداندن مرزهای قبلی آن، آن را در جامعه ملل به ثبت برساند، همانگونه که دولتهای اروپایی با سوئیس کردند تا صلح در حجاز تا ابد ریشه دار باشد و مردم آن فرصت داشته باشند، به ترفیع امور و بالابردن آن پردازند و بیانگر شرف اسلامی در جهان باشند. و آن را در جهان به نمایش گذارند. هر چند می دانیم که دولت حجاز به موجب منشور ملل که ضمیمه قرارداد ورسای است یک عضو اصلی در جامعه ملل می باشد و این حق را از دولت حجاز مطالبه نموده و در جهت آن تلاش کند.

۱۲. کمک و مساعدت به حجاز در مقابله با توطئه ها و دسایسی که صاحبان آن می خواهند با به کار بردن آن حجاز را برای منافع شخصی خود و برخی جهات شکست دهند، کرامت حجازیان را لگدمال کرده و حقوق شرعی و قانونی حجاز تحت قدمهای بخیل آنان از بین ببرند. حجاز بخصوص به کمکهای مادی نیاز داشته و می خواهد زیباییهای خود را تا ابد حفظ کند. این کشور به لطف خداوند قادر به این کار است. ما امیدواریم که این امر به دست سخاوتمند

شما انجام گیرد تا شما نیز ثواب و اجری را در جهت خدمت به مسلمانان و کسب شکوه و افتخار در میان جهانیان ببرید.

در اینجا به افراد متحدی چون شما به طور علنی و بدون تحفظ اعلام می کنیم که حجازیان نه تنها در این بیانیه نسبت به هیچ دولتی از دولتها ابراز دشمنی نکرده و آن را پنهان نموده اند، بلکه از صمیم قلب مایل هستند که با سازگاری با همگان به طور تساوی به صیانت از شرف خود پرداخته و آماده اند تا برهان و دلیل عملی را در این راه ارائه کنند. حجازیان تنها می خواهند که واقعیت امر آنان روشن و واضح باشد تا ساحت آنان در مقابل خداوند، پیامبر، تاریخ و برادران مسلمان در سایر کشورها پاک باشد.

امید و درخواست دیگری نیز داریم و آن این است که لطف کرده تشکر و سپاس مجدد ما رایه دولت علیه و ملت شریف ایران برسانید و بگویید که تبلیغات علیه حجاز در دستهای توانایی است که قدرت رام و مطیع نمودن و رسوا کردن را دارد. حجازیان به دولت علیه شما که عاری از هرگونه اغراض شخصی و سیاسی در مورد حرمین شریفین است چشم دوخته اند تا تلاش نماید واقعیت برای تمامی جهان روشن شود. ما این مسأله را یک امانت دینی و انسانی در دست سخاوتمند شما می دانیم و امید است شما به لطف خدا روی آن عمل کنید.

امیدواریم جناب وزیر مختار و جنرال قونسول هر چه سریعتر مراتب را به اطلاع دولت علیه ایران برسانند.

بار دیگر احترامات فائقه و بزرگوارانه را تجدید می نماید.

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

رئیس حزب ملی حجاز

محمد

جده ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۴

۲۹ اکتبر ۱۹۲۵

تاریخ سند: مورخه ۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

فرستنده: ملک علی (پادشاه حجاز)

گیرنده: غفارخان جلال السلطنه

موضوع: کناره گیری وی از قدرت

نمره: ۴۳۸

حضرت آقای غفارخان جلال السلطنه

پس از تقدیم محبت و سلام، مرقومه محترمه در بهترین وقت واصل و از صحت وجود عالی شکر خدای تعالی را بجای آورد، علاوه بر تزئید مراتب محبت و صمیمیت جنابعالی فضائل و اخلاق حمیده ذات عالی را حاکی بوده و هر وقت و هر آن در نظرم مجسم است. خداوند جنابعالی را بر آنچه مستوجب سعادت دنیا و آخرت است موفق بدارد.

چون مداومت به جنگ با تنگدستی باعث خسران اهالی از حیث جان و مال و تحمل زحمات و صدمات و مشکلات به ملاحظه خیرخواهی و محبت من نسبت به اهالی بوده، لهذا نظر به سلامت جویی و محافظه جان و مال اهالی و جلوگیری از خونریزی در صورت مداومت جنگ بهتر دانستم کناره گرفته و حکومت موقتی اهلی تشکیل گردید.

ان شاء الله روز سه شنبه ششم جمادی الثانیه ۱۳۴۴ غریمت مسافرت به طرف بغداد دارم و اراده خداوند تبارک و تعالی برای ما و اهالی بلاد چنین قرار گرفت و شاید خیر ماها باشد و البته در هر جا باشم از سلامتی خود مطمئنم دارید و یقین است از بذل اقدامات خیریه برای رفاهیت اهالی و بلاد مضایقه نفرموده در اصلاح مال و حفاظت اموال آنها کوشش و سعی خودتان را ادامه خواهید داد.

۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

امضا علی

حاشیه:

با ترجمه مطابق است

حسن پیرنظر نایب اول سفارت

تاریخ سند: ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش در باب وقایع حجاز

نمره: ۲۱۱

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

برحسب اوامر متعدده تلگرافی وزارت جلیله متبوعه روز ۱۵ مهرماه ۱۳۰۴ مطابق ۷ اکتبر ۱۹۲۵ از شام به مصر و از آنجا در معیت جناب غفار خان وزیر مختار مصر در روز ۱۹ مهر ماه با کشتی خدیوی به طرف جدّه حرکت و روز ۲۴ مهرماه وارد جدّه شده [روز] ۲۹ با اتومبیلهای سلطان نجد به طرف مکه معظمه رهسپار شدیم. ابن‌السعود در بین راه جدّه و مکه در محلی که به اسم بحر معروف است برای پذیرایی از نماینده انگلیس مستر کلایتون که برای عقد معاهده آمده بود، چادرهای متعدد افراشته بود و خود نیز چون آنجا بود اول برای ملاقات او رفته پس از صرف ناهار و چای چهار بعد از ظهر بایک نفر مهماندار مخصوص و چهار نفر گارد مخصوص در حالتی که مُحرم بودیم پس از وصول به مکه معظمه و ادای وظایف دینیه عمره به خانه‌ای که معین کرده بودند رفته، روز بعد برای مشاهده و زیارت مقامات و قبور مهدومه که در قبرستانی که در انتها الیه یک طرف شهر در دامنه کوهی واقع است رفتیم. قبر حضرت خدیجه و حضرت آمنه و قبر عبدالرحمن بن ابی بکر و قبور بنی هاشم و مسجد جن و قبر عبدالله ابن الزبیر و قبور شهداء و قبور سایر ناس که در آن قبرستان بود، وهابیها همه را خراب و مهدوم کرده‌اند. مولد حضرت پیغمبر و خانه حضرت خدیجه که ولادتگاه حضرت صدیقه طاهره زهرا صلوات الله علیها بوده است همه را مهدوم و با خاک یکسان کرده‌اند. عمارت و قبله‌های مراقد

حضرت خدیجه و آمنه را که با خاک یکسان کرده‌اند سهل است قبر حضرت خدیجه را نبشها کرده بوده‌اند و معلوم بود که دوباره با خاک و گل پر کرده‌اند. خانه متولی قبر خدیجه را منهدم و تمام دارایی او را به یغما برده‌اند و خانه متولی در همان قبرستان پهلوی قبر حضرت آمنه و خدیجه بوده است. البته راجع به این معاهدات و تفصیل ملاقات و مذاکرات با سلطان ابن‌السعود جناب اجل غفارخان وزیر مختار راپرت مفصل تقدیم نموده‌اند و احتیاج به تکرار فدوی نیست، زیرا مأموریت فدوی فقط برای مدینه منوره است. بنده در ذهاب و ایاب و در کلیه مواقع و در ملاقاتهای با اعلیحضرت ملک علی و سلطان ابن‌السعود با جناب وزیر مختار بودم و وظیفه ترجمانی را بعمل می‌آوردم، لهذا همین قدر عرض می‌کنم که جناب غفارخان الحق یکی از رجال سیاسی تجربه دیده و هوشیار و با متانت و عاقبت اندیش دولت علیه ابد مدت هستند و این مأموریت را فوق‌العاده با متانت و سیاست و کیاست انجام دادند و از این بهتر امکان پذیر نبوده و نیست. فدوی راجع به ملاقاتها و مذاکراتی که با ملک علی و سلطان ابن‌السعود با حضور جناب وزیر مختار شده در اینجا شرحی نمی‌دهم که مبادا در تعبیر کم و زیاد شود و محول به راپرتی که خود ایشان تقدیم کرده‌اند می‌نمایم، علیهذا ذیلاً به شرح مأموریت مخصوص خودم که راجع به مدینه منوره است می‌پردازم.

نظر به اینکه وقتی که در مکه معظمه بودیم سلطان نجد ذکر نمود که ایصال مرا فقط تا به «عیون» که اردوگاه قشون وهابیهاست و دو ساعت از مدینه منوره دور است تعهد می‌کند و از آنجا تا مدینه را در عهده نمی‌گیرد. سوءظنی ما را دست داده با جناب وزیر مختار به جدّه برگشتم که با ملک علی مذاکره نمایم. ملک علی بیچاره گفت من هرچه شما بگوئید حاضریم، ولی قشون ما همه در داخل مدینه هستند و در خارج شهر قشون نداریم (واز عیون) تا به مدینه همه نخلستان است و همه در دست خود وهابیهاست می‌ترسم که برای بدنام کردن از بین نخیل تیری به شما بزنند و بگویند که از طرف ما بوده است. پس اصلح آن است که سلطان با گاردهای خود شما را به دائرة تلگراف بی‌سیم ما که خارج شهر است رسانده گاردهای ما آنجا شما را تحویل می‌گیرند. و در حین عودت نیز در همان نقطه شما را تحویل سوارهای سلطان می‌دهند.

لهذا فدوی از جده تفصیل را به ابن السعود نوشتم، روز بعد جواب رسید و قبول کرد و اتومبیل فرستاد و همان روزی که جناب وزیر مختار سوار کشتی و عازم مصر شدند بنده نیز سوار اتومبیل و عازم (بحره) گشتم. یک شبانه روز در بحره متوقف و دو دفعه با ابن السعود ملاقات شد، فوق العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرب به دولت علیه می‌کرد و می‌گفت ما با دولت ایران همجواریم و بقدر سی هزار نفر شیعه در نجد، در حساء نزد من هستند می‌توانید از آنها تحقیق نمایید، آنچه در حق ما شهرت می‌دهند اکثر تهمت و افتراست. ان شاء الله شما به مدینه رفته خواهید دید که آنچه گفته‌اند دروغ است. من صریحاً به شما می‌گویم و شما هم به دولت علیه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارسم، مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است. بلی و هابیها اعتقاد به تعمیر قبور و قبه‌ها ندارند و بدعت می‌دانند و خیرالقبور الدواریس را حدیث معتبر می‌شناسند، مع هذا بعد از ورود خودم فوراً جلوگیری کرده‌ام و حالیه نیز با کمال اصرار و الحاح منتظرم که دول و ملل اسلامی نماینده‌های خود را بفرستند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز اگر مصمم شوند ممانعت نمی‌کنم سهل است، مساعدت خواهم کرد حتی اگر خروج مرا نیز از حجاز مقرر دارند فوراً بیرون می‌روم.

قبل از حرکت بنده به مدینه منوره و بعد از عودت سلطان این صحبتها را مکرر گوشزد نمود و بعد از عودت از مدینه در ملاقات اخیر خواهش کرد که فدوی در تقرب بین او و دولت علیه اقدام کنم و نیز خواهش نمود که مکاتبه با او داشته باشم. به هر صورت ابن السعود پنج نفر از تفنگداران مخصوص شخصی خود را با سه نفر شتر ذلول مخصوص برای بنده و نوکر بنده معین کرد که تا مدینه ذهاباً و ایاباً با بنده باشند و برای تهیه حرکت از بحره به مکه رفته چهار روز در آنجا ماندم، سپس تفنگداران سوار شتر را به رایغ که کنار دریاست فرستادند و بنده نیز با مستشار مخصوص خود او یا اتومبیل به رایغ رفتیم. از مکه تا رایغ با شتر پنج منزل است. با اتومبیل نه ساعت طول کشید. در رایغ چند روزی منتظر تفنگداران شدم. مستشار مخصوص سلطان به مکه عودت نمود. در این اثنا فدوی سخت مریض و بستری و مبتلا به دسانتری شدم

و ده روز سفر تأخیر افتاد. نه علاجی نه درمانی نه حبیبی نه طبیبی. رایغ عبارت از یک ده بزرگی است که هیچ چیز در آن یافت نمی‌شود. جز نان و برنج و گوشت چیزی نیست. از سبزیجات اثری نیست. آب چاه آن هم تلخ و ناگوار. به هر حال به روحانیت حضرت ختمی مرتبت متوسل شده به قوه دعا و مناجات بهبودی حاصل شد.

در این اثنا پسر سلطان با پانصد نفر شتر سوار از قشون و هابیها برای رفتن به مدینه به رایغ رسیدند. فدوی نیز با وجود ضعف و نفاقت با تفنگدارهای مخصوصه به آنها ملحق شدم و حرکت نمودیم و روز ششم به عیون رسیدیم. دیگر جسارت می‌دانم عرض کنم این شش روز شتر سواری چه بر سر این فدوی آورد. به هر حال بعد از دو روز استراحت مراسله‌ای به امیر مدینه و به حاکم لشکری مدینه نوشته توصیه نامه‌های ملک علی را در جوف نهاده با قاصد مخصوص به مدینه فرستادم. روز بعد جواب رسید که با نهایت شادی و افتخار منتظر هستند، لهذا با پنج نفر سوار و ده نفر پیاده از قشون سلطان حرکت کردم، در همان محل معین یک نفر مهماندار با یک درشکه و شش هفت نفر سوار مسلح حاضر بوده مرا تسلیم گرفتند و رئیس سواران سلطان هم ورقه کتبی از بنده گرفتند که مرا به سلامت تحویل دادند. از آنجا به سمت مدینه منوره رهسپار شدیم. در خارج از دروازه بقدر پانصد نفر قشون و صاحب منصبهای لشکری و کشوری و امیر مدینه شریف احمد بن منصور و جمع زیادی از اهالی استقبال شایانی نمودند و همچنین روز عودت به همین ترتیب مشایعت کردند.

بعد از ورود و استحمام به زیارت حرم مقدس مطاف ملاء اعلیٰ مرقد مطهر حضرت خاتم الانبیاء علیه آلاف التحیه و الثناء مشرف شدم. روحانیتی که در آن مقام مقدس دست می‌دهد از وصف خارج است. به محض عتبه بوسی زحمات و خستگی [...] راه بکلی نابود شد. خداوند سرسودن به این آستان ملایک پاسبان را نصیب حضرت اشرف و جمیع دوستان فرماید.

سه روز در مدینه توقف نمودم. روز دوم به قصد بازدید قبه مطهر، با عزت پاشا حاکم لشکر شهر و مهماندار جناب سید عمران تاجر شیعی عراقی و متولی باشی حرم مطهر داخل

حرم شدیم. بعد از ادای فریضة زیارت و عتبه بوسی، آغا باشی یعنی خادم باشی حرم برای هریک از ماها لباس خدمتکاران آورده پوشیدیم و بالای مناره قبه مطهر صعود کردیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم و از آنجا قبه مطهر را زیارت نمودیم (زیرا صعود بالای قبه غیر ممکن است). از آنجا مشاهده نمودیم که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه مطهر اصابت نموده و اندکی سوراخ کرده است و ابداً خرابی وارد نیامده است. اولاً نمی شود حتم کرد که این گلوله ها از طرف وهابیها بوده است، ثانیاً برفرض اینکه از طرف آنها بوده باشد واضح است عمدی نبوده است و در اثنای تیراندازی به همدیگر خطائاً به قبه مطهر اصابت کرده است و دلیل صحت این نظریه این است که قبه مرقد مطهر خیلی عظیم و بزرگ است و وهابیها هم در پشت دروازه و قلعه شهر بوده اند و تعدادشان بیش از سه چهار هزار بوده است، اگر قصد اصابت می داشتند اقلأ دو سه هزار گلوله به قبه مطهر می رسید. به هر حال فقط آثار پنج گلوله تفنگ در روی قبه مطهر بود و همچنین آثار چهار پنج گلوله بر قبه اهل بیت بود. خادم باشی حرم مقدس نیز سه چهار عدد گلوله آورده و به بنده داد و گفت که اینها را روی بام حرم یافته و تصور می کند که از گلوله هایی است که به قبه مقدس رسیده است. فدوی آنها را تقدیم خواهم نمود که در موزه وزارت معارف محفوظ بماند. بالاخره روز چهارم برحسب خواهش بنده سواران سلطان با تقریباً سی چهل نفر پیاده که خودشان مایل به آمدن شده بودند به خارج شهر آمده بنده نیز با قریب بیست نفر تفنگدار سواره و پیاده از قشون ملک علی و دونفر صاحب منصب سرهنگ و سید عمران تاجر به خارج شهر آمده و تسلیم گارد ابن السعود نمودند و ورقه ای به خط و مهر از بنده گرفتند و عودت نمودند. بنده نیز با سواران سلطان به مقام حضرت حمزه مشرف شدم که در بین راه واقع است. به عمارت و قبه حضرت حمزه با وجود اینکه چندین ماه است که در تصرف وهابیها بوده است ابدأ آسیبی نرسیده است. به قبر حمزه نیز دستی نزده اند و روپوش آن موجود و شبکه آهن اطراف آن نیز دست نخورده است، فقط گویا اثاثیه که آنجا بوده از قبیل پرده و قالی و چراغ به غارت برده اند. فقط یک نفر از اهل مدینه ذکر می کرد که قبر عقیل نام از اصحاب پیغمبر را که در جنب مرقد حمزه مدفون بوده است خراب کرده بوده اند و وهابیها بعد از اینکه شنیدند بنده برای تحقیق

می آیم دوباره تعمیر کرده اند، لکن صحت و سقم این قول معلوم نیست. در هر حال مقام حضرت حمزه ابدأ خراب نشده است. اثاثیه را هم که می گویند به غارت برده اند تصور نمی شود که چیز مهمی بوده باشد، زیرا فدوی در مدینه منوره مرقد حضرت عبدالله ابن عبدالمطلب پدر پیغمبر را که زیارت کرده ام اثاثیه آن فقط عبارت از چند گلیم و قالیچه مندرس و کهنه و حصیر پاره شده و بقدری کثیف و گردآلوده بود که انسان متأثر می شد که صریحاً به همراهان گفتم خیلی اسباب تأثر است که به مرقد پدر پیغمبر اینگونه بی اهمتمی نموده اید و کثیف نگاه داشته اید. در صورتی که مرقد پدر پیغمبر را با این وضع مشاهده نمودم تصور نمی کنم که مرقد عموی پیغمبر بهتر بوده است و وهابیها هم اگر غارت کرده اند چیز قابلی نبرده فقط خود را مفتضح کرده اند. این بود حقیقت مشاهدات فدوی که عرض شد. پس از زیارت به اردوگاه سلطان آمده دو روز توقف کرده با پنج نفر تفنگداران مخصوص سوار شتر شده به طرف مکه رهسپار شدم. شب و روز در حرکت بودیم یعنی شبانه روزی چهارده ساعت در حرکت بودیم. روز هشتم بعد از ظهر نیمه جان به مکه معظمه رسیدیم. در راه از آب کثیف ناگوار مبتلا به تب و نوبه شدم که هنوز آثارش باقی است. در وقت عودت یک کجاوه خریده به تصور اینکه شاید راحت تر باشد، ولی افسوس بعد از دو سه روز مجبور شدم که بی کجاوه سفرکنم، زیرا کجاوه با آن حرکت مخصوص شتر عذابش بیشتر است. دو شب و یک روز در مکه مانده با ابن السعود وداع کرده با اتومبیل به جده آمدم. چند روزی در جده منتظر کشتی شده با ملک علی چندین ملاقات کرده بالاخره به سمت مصر و از آنجا به شام آمدم.

ملاقات اخیر با ابن السعود را در ورقه علی حده به عرض می رسانم و همچنین ملاقات با ملک علی را که بیچاره بالاخره مجبور به استعفا و هجرت از حجاز شد، زیرا مقصود از این راپرت فقط دادن توضیحات در خصوص مدینه منوره است.

اما این نکته را جسارت می ورزم که در این مسافرت مصائبی که بر فدوی رسید مرا اقلأ ده سال پیرتر کرده است و علی العجاله نعمتی ظاهری که قسمتم شده است ضعف و ناتوانی و انحلال قوای جسمانی است و خداوند شاهد است که از صمیم قلب می گویم که فقط روحانیت

حضرت پیغمبر (ص) بنده را سالم به شام عودت داد والا بایستی در راه مدینه و مکه هلاک شده باشم و خودم از عودت مأیوس بودم. الحمدلله فی کل حال. ایام شوکت مستدام باد.

فدوی

حبیب‌الله هویدا

سند شماره ۱۳

تاریخ سند: ۱۱ دی ماه ۱۳۰۴

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات با ابن السعود و اظهارات وی

نمره: ۲۱۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

با نهایت تجلیل و احترام به عرض مبارک می‌رساند، بعد از عودت از مدینه منوره و ورود به مکه معظمه با سلطان ابن السعود ملاقات نمودم. ذکر نمود الحمدلله به سلامتی رفتید و عودت نمودید و دیدید که تهمت‌های دشمن همه بی‌اساس و افترا بوده است و دولت علیه ایران در قبول این تهمتها عجله کردند، لکن به هرصورت ممنون هستم که دولت علیه ایران نسبت به امور حجاز تا این درجه غیرت و علاقه‌مندی اظهار نموده و وزیر مختار خود و شما را فرستاد. دشمن این تهمتها را برعلیه من اشاعه داد ولی برله من تمام شلو، زیرا امیدوارم که این مسافرت جناب وزیر مختار و شما مسبب استحکام روابط محبت و وداد بین ما و دولت علیه خواهد گردید و با اصرار والاحاح از شما می‌طلبم که ان شاءالله دولت علیه دعوت مرا بزودی قبول و نمایندگانی سیاسی و دینی برای اخذ تصمیم در امور حجاز خواهند فرستاد. خواهش دارم به دولت افغان نیز تأکید نمایید و منتظرم جواب نامه‌های من برسد. خیلی شایق و آرزومندم که بین ما و دولت علیه ایران روابط محبت و ودادیه مستقیم برقرارشود و از شما خواهش‌مندم در این زمینه اقدام نمایید و مرا مطلع سازید. قریب بیست سی هزار رعایای شیعی مذهب در نجد و حساء دارم، سؤال کنید همگی در نهایت آزادی و آسودگی و راحتی مشغول کسب و کار خود هستند و هیچ فشاری نه مذهبی و نه غیر مذهبی بر آنها نبوده و نیست. در این اثنا روزنامه مصر را

که شرح شورش سوریه و اقدامات فرانسه را در تخریب شهر شام و قتل نفوس آمنة مطمئنه را از زن و مرد نوشته بود آوردند. آن را مطالعه کرد متبسمانه گفت خیلی اسباب حیرت است که مسلمانان عالم فقط برای تخریب چند قبر که قبل از ورود من به دست این بدویهای جاهل مهدوم شده اینهمه اظهار غیرت و حمیت و دردمندی نمودند و در مجامع و مناظر و روزنامه‌ها مرالین و تکفیر کردند و عالم را بر سر من شوراندند و بدنام خواستند، ولی حالیه که فرانسه‌های متمدن عالم با این بیرحمی و قساوت شهرهای اسلام را خراب و ویران می‌کنند و زن و اطفال و رجال بیگناه اسلام را می‌کشند و زیر آوار می‌پسندند و شهر و خانه‌ها و قریه‌ها را با طیاره و توپهای سنگین بمبارده می‌نمایند این اسلام غیور چرا ساکت و صامت شده‌اند و احتجاج نمی‌نمایند و نماینده برای تحقیق نمی‌فرستند و یوم الاحزان بر پا نمی‌کنند و در مناظر سب و لعن نمی‌نمایند. بعد اندکی تأمل کرده گفت خواهش دارم به دولت علیه متبوعه خودتان بنویسید. بعد دوباره اصرار نمود که استدعا نمایم جواب مراسله او به دولت علیه ایران و دولت افغانستان که به توسط جناب وزیر مختار فرستاده است عنایت شود و همت فرمایند که انجمن نمایندگان اسلامی در نهایت سرعت در مکه معظمه تأسیس شود. سپس وداع کرده به سمت جدّه با اتومبیل شخصی سلطان رهسپار شدم. ایام شوکت مستدام باد.

فدوی

حبیب‌الله هویدا

حاشیه:

۱. به عرض می‌رسد ۱۱/۱۱

۲. ۲۶ اردی بهشت اداره سیاسی

سند شماره ۱۴

تاریخ سند: ۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

فرستنده: عبدالعزیز

گیرنده: ابلاغیه عام

موضوع: تشکیل حکومت در حجاز به دلیل جواب ندادن

کشورهای اسلامی به دعوت سعودیها

نمره: شماره ۵۴ سواد ترجمه از روزنامه ام‌القری

(بلاغ عام)

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الحمد لله نحمده و نشکره و نصلی و نسلم علی خیر انبیائه و اشرف مخلوقات سیدنا

محمدصلی الله علیه وآله و صحبه و سلم

اما بعد قضایای حسین و پسرانش را با ما دور و نزدیک شنیده‌اند تا آنکه برای مدافعه از حیات و بلادمان و دفاع از بلاد مقدسه و جلوگیری از اعمال ناشایسته ناچار شمشیر کشیده و باجان و مال در این راه اتفاق کردیم و به فضل خداوند رؤف بلاد فتح و امنیت در آنجا حاصل شد و از وقتی که به این کار مبادرت نمودیم مصمم بودم آنچه را که عالم اسلامی که اهل حجاز رکنی از آن است راجع به آینده این بلاد مقدسه حکم نمایند اجرا شود و مکرر عموم مسلمانان را دعوت نمودم که مجمع اسلامی تشکیل داده آنچه مصلحت آینده این بلاد است مقرر دارند. سپس به دعوت عام و خاص پرداخته به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۴ به حکومتها و شعب اسلام نوشتجات چنانچه در جراید عالم نیز انتشار یافت فرستاده شد. دو ماه گذشت جوابی از احدی نرسید جز جمعیت خلافت در هند و او (بارک الله فیها) آنچه بتواند برای خوشی و آسایش حجاج اجرانموده و می‌نماید و چون بحمدالله قضیه در حجاز با منصوریت خاتمه پیدا کرد و

اهالی حجاز دسته دسته و یک یک آمدند و آزادانه تشکیل مملکت را چنانچه وعده شده بود درخواست نمودند و چاره‌ای جز قبول خواهشهای مکرره آنها نیافتیم. پس از آنکه عالم اسلام در این موقع مهم تصمیم و اقدامی ننمود که هر قسم می‌خواهند اداره بلاد را خود مقرر دارند، لهذا آزادی به آنان داده شد و ما قصدی جز اصلاح بقدر امکان نداریم و ماتوفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب.

امضا

عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

سند شماره ۱۵

تاریخ سند: ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

فرستنده: ملک عبدالعزیز

گیرنده: حکومت‌های متحابه

موضوع: اعلام بیعت مردم و تشکیل حکومت

نمره:

بسم الله الرحمن الرحيم

ابلاغیه پادشاهی به حکومت‌های متحابه

به فضل و عنایت پروردگار اهل حجاز اجتماع و به پادشاهی ما بر حجاز بر طبق کتاب الله و سنت حضرت رسول (ص) و خلفای راشدین و تأسیس حکومت موروثی که امور حجاز با اهل حجاز باشد بیعت کردند و به امید خداوند توکل بر ذات اقدسش قبول بیعت نمودیم و استمداد و استعانت از ذات خداوند تبارک و تعالی داریم. پس لقب ما (جلالة ملك الحجاز و سلطان نجد و ملحقاتها) می‌باشد و برای امنیت و راحتی و گشایش و سعادت و خوشی ساکنین این بلاد و عموم حجاج و زائرین نهایت کوشش داریم و عنقریب آنچه منظور عالم اسلامی است بعمل آید و از جریان امور حجاز خوشنود شوند و از خداوند مسئلت می‌نمایم که مرا در انجام این امر معاونت فرمایند. وانه ولی التوفیق.

امضا

ملک الحجاز و سلطان نجد و ملحقاتها

محل مهر

سند شماره ۱۶

تاریخ سند: ۲۴ دی ماه ۱۳۰۴

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش در باب متحدالمال ابن‌السعود به نمایندگان خارجه

پس از استیلا بر جده

نمره: ۲۵۴

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

اینک با کمال تجلیل و احترام به ضمیمه یک نسخه از روزنامه (الف باء) منطبعة شام را که عین متحدالمال ابن‌السعود را که پس از استیلا بر جده به نمایندگان دول که در جده هستند فرستاده تقدیم می‌شود. البته وکیل قنصل جده و یاسفارت مصر که حجاز تابع آن است عین این متحدالمال و ترجمه آن را به وزارت جلیله امور خارجه فرستاده‌اند، چیزی که در این متحدالمال خیلی جالب توجه است سطوری است که به خط سرخ زیر آنها را اشاره کرده‌ام.

در این متحدالمال ابن‌السعود خاطر نشان کرده که از دول و ملل اسلامی تقاضای فرستادن نماینده نموده است که در حجاز جمع شده برای تهیه ترتیبی که راحتی حجاج را ضامن شود مذاکره و رأی دهند. از این متحدالمال او واضح می‌شود که پس از استیلا بر مدینه و جده از گفته و عهد سابق خود که کتباً و شفاهاً نموده بوده است منصرف شده است، زیرا به موجب بیانات شفاهی او در حضور جناب آقای غفارخان و این بنده و به موجب نصوص مراسله که به وزارت جلیله یعنی دولت علیه ایران و دولت افغانستان فرستاده است اجتماع نماینده‌ها را برای این تقاضا کرده بود که جمع شده در خصوص آتیه حجاز و تعیین شکل حکومت آن قراری اتخاذ نمایند. حالیه بکلی از عهد خود منحرف شده است و از قرار منشورات جرائد معلوم می‌شود که

عجله نموده و خود را پادشاه حجاز اعلان نموده است که دول و ملل اسلامی در مقابل یک امر واقعی واقع شوند. امر امر مبارکست.

فدوی

حبیب‌الله هویدا

حاشیه: به عرض می‌رسد ۱۲/۱۲

تاریخ سند: ۲۶ حمل ۱۳۰۴

فرستنده: عین الملک

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ممنوعیت رفتن به حج و مراسله نماینده ابن السعود در این باب

نمره: ۲۲

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

اینک به ضمیمه عین مراسله نماینده ابن السعود را که دیروز رسیده است تقدیم می‌دارم و عین این ابلاغیه را در جمیع روزنامه‌های سوریه منتشر نموده‌اند گویا پس از آنکه مفتی مصر امساله عدم تجویز زیارت بیت الله الحرام را فتوی داد و به موجب اختیارات جرائد دولت انگلیس نیز امساله مسلمانان هند را اجازه زیارت نمی‌دهد و البته از موقوف شدن حج در این سال مادتهاً و معناً لطمه بزرگی به ابن السعود و اهالی حجاز وارد می‌شود خواسته است که به وسیله این ابلاغیه اسلام را تشویق به حج نماید، ولی تصور نمی‌رود که امساله کسی فقط به یک چنین ابلاغیه اعتماد کرده خود را به مهلکه و خطر بیفکند، مع هذا ابلاغیه تقدیم شد تا اولیای معظم دولت علیه هر نوع مقتضی بدانند مجری فرمایند.

امضا

عین الملک

حاشیه: اداره اول

به اداره مربوطه فرستاده شود. ۳۰۴/۲/۲۵

دارالترجمه

تاریخ سند: ۱۲ نیسان ۱۹۲۵

فرستنده: کنسول سلطان نجد در دمشق

گیرنده: کنسول دولت ایران در دمشق و سوریه

موضوع: اعلام آمادگی جهت پذیرایی از حجاج ایرانی

نمره: ۱۲۷

حضرت صاحب سعادت ژنرال قونسول

دولت علیه ایران در دمشق و سوریه

با کمال افتخار به اطلاع جنابعالی می‌رساند که از طرف صاحب جلالت سلطان نجد بیانیهای در تاریخ ۱۷ شهر شعبان صادر گردیده. بیانیه مزبور راجع به حججی است که در این سال مایلند به زیارت مکه مشرف شوند. مقصود این است که دولت معظمه ایران و رعایای آن از هر محل و مکانی که در این سال در صدد ادای مراسم حج برآیند اطلاع بهم رسانند که سلطان متبوع دوستدار فوق‌العاده مایل و شایق می‌باشند که موجبات رفاهیت و راحتی رعایای دولت علیه را فراهم ساخته و مسافرت آنان را در حجاز تأمین نماید. سواد فرمان مزبور را ذیلاً به استحضار جنابعالی می‌رساند.

قدوم کافه حجاج بیت الله الحرام را در این سال تبریک گفته و ترحیب می‌نمایم و به حول الله تعالی تأمین آسایش آنان را متکفل خواهیم شد، مخصوصاً تمام حقوق زوار مکه مکرمه را حفظ کرده و موجبات تسهیل مسافرت آنها را از هر طریق که باشد فراهم خواهیم ساخت. به عساکر خود دستور داده‌ایم در مراکز ذیل رابع، اللیث، القنفذه، مراقبت نموده و سائلی را که به موجب آن آسایش حجاج تأمین می‌گردد فراهم سازند.

به کافه برادران مسلمان خود ابلاغ می‌نمایم که تمام اشکالات و مصائب و مضایقی که

حسین در آن قلمرو شریف ایجاد کرده بود خاتمه داده و دربهای حجاز برای هر کسی که مایل ورود به آن باشد باز و مفتوح است. حکومت محلی برای فراهم ساختن تمام تسهیلات ممکنه در موضوع زوار و غیره که بخواهند به سوی حجاز رهسپار شوند حاضر است.

عساکر ما علی بن حسین و قوای او را در جده محاصره کرده و در تحت فشار خود قرار داده‌اند و در همین نزدیکی بحول الله تعالی بر آنها فائق خواهند آمد.

امضا

قونسول سلطان نجد در دمشق

حاشیه:

در اندیکاتور تحت نمره ۱۴، ۲۵ حمل ۱۳۰۴ ثبت شده.

سند شماره ۱۹

تاریخ سند: ۲۹ دی

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: عین الملک (حبیب الله هویدا)

موضوع: رسیدن تلگراف تبریک از ابن السعود به رضاشاه و پاسخ آن

نمره: ۵۵۸

ابن سعود تلگراف تبریک به حضور اعلیحضرت همایونی مخابره نموده چون هنوز سلطنت او شناخته نشده مقتضی نبود از طرف اعلیحضرت مستقیماً جواب مخابره شود، مقرر فرمودند شما خودتان نزد او رفته از جانب اعلیحضرت اظهار امتنان و ملاطفت نمایید و خاطر نشان کنید که اعلیحضرت و دولت و ملت ایران نسبت به حجاز و مدینه و مکه که قبله گاه مسلمین است علاقه تامه دارند و مایلند روابط دوستانه صمیمی با دولت حجاز برقرار شود و مأمور و نماینده روانه نمایند. ضمناً خود شما درصدد تحقیق باشید که مجمعی که از نمایندگان دول و ملل اسلامی بنا بود منعقد کنند چه شد، خواهند کرد یا نه و چه وقت خواهند کرد و حالا نیاتشان چیست و امور از چه قرار است.

برای اینکه جواب ابن سعود تأخیر نشود قبلاً به او تلگراف کنید و رفتن و حامل جواب بودن خودتان را اعلام نمایید.

مینوت این تلگراف را حضرت اشرف آقای رئیس الوزرا برحسب الامر بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی مرقوم و برای مخابره به وزارت امور خارجه ارسال فرموده بودند.

سند شماره ۲۰

تاریخ سند: ۲۵ رجب ۱۳۴۴

فرستنده: عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

گیرنده: قونسولگری ایران در جده

موضوع: اوضاع حجاز و آزادی اجرای مناسک اسلامی

نمره:

صورت نامه ابن سعود که به جنرال قونسولگری فرستاده شد

کشور پادشاهی حجاز

سلطان نشین نجد وملحقات

شماره... (بدون تمبر)

۲۵ رجب ۱۳۴۴

از عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل فیصل السعود به جناب کنسول دولت فخریه ایران در

جده دامت معالیه.

پس از درود و سلام. با توجه به حقیقت اوضاع حجاز برای مسلمانان و نفی اخبار خلاف واقع تلگرافی نوشته و اوضاع حجاز را به طور خلاصه در آن نوشتیم که آن را به پیوست برایتان ارسال داشته، امیدواریم هرچه سریعتر آن را برای دولت گرانقدر خود ارسال داشته تا در اسرع وقت منتشر شود. این همان چیزی بود که لازم بود بیان گردد. در پایان احترامات فائقه را [مرا] بپذیرید.

عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل فیصل السعود

صورت تلگراف

بسم الله الرحمن الرحيم

کشور پادشاهی حجاز

و

سلطان نشین نجد و ملحقات

متن تلگراف جهت نشر

به لطف الهی حجاز از اول تا به آخر در امن و امان است و مردم در اقامه مناسک اسلامی و زیارت مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم آزاد می باشند. به لطف و قدرت الهی ما تأمین رفاه و راحتی حجاج را از لحظه ورود به سرزمینهای مقدس در حجاز تا زمان خروج از آن تضمین می کنیم و هر آنچه که دشمنان حق برایتان آورده و نقل می کنند پایه و اساس درستی ندارد که مهمترین هدف آنان به تعطیلی کشاندن شعائر اسلامی و تحقق منظورهای غرضهای نفسی خود و آسیب وارد کردن و خدشه دار نمودن اهالی سرزمینهای مقدسه می باشد.

۲۵ رجب ۱۳۴۴

پادشاه حجاز

سلطان نجد وملحقات

عبدالعزیز بن سعود

سند شماره ۲۱

تاریخ سند: ۱۵ اسفند ۱۳۰۴

فرستنده: رئیس الوزرا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ادامه ممنوعیت عزیمت به حج

نمره: ۱۴۹۰۶

وزارت جلیله امور خارجه

مراسله نمره (۲۲۵۸۴) راجع به لزوم ادامه ممنوعیت عزیمت حجاج بیت الله الحرام برای الزام امیر نجد به ایفای وعده خود در جلسه یازدهم اسفند ۱۳۰۴ قرائت گردید و دولت با نظر آن وزارت جلیله موافقت نمود. مقتضی است که به اطلاع عامه برسانید که دولت از امنیت و آسایش حجاج در حج نگران است و توصیه می کند که امسال از حج خودداری نمایند.

محل امضا و مهر رئیس الوزرا

سواد مطابق اصل است

امضا ناخواناست

سند شماره ۲۲

تاریخ سند: ۱۳۰۵/۴/۱

فرستنده:

گیرنده: اعلامیه عمومی

موضوع: محکومیت اعمال وهابیان

نمره:

به اهالی مملکت و عموم مسلمین اعلام می شود

تعديات و تجاوزاتی که نسبت به عالم دیانت و عقاید فِرَق مسلمین از مدتی قبل طایفه وهابیه بعمل آورده اند و هتک حرمتی که نسبت به حرمین شریفین که قبله و معبد کافه مؤمنین و مرکز اتحاد روحانی تمام مسلمین است مرتکب شده اند عموم مسلمین را مضطرب و نگران ساخته است و جسارتی که از طرف آنها نسبت به بقاع متبرکه بزرگان دین در بقیع به ظهور رسیده و قاطبه مؤمنین را متأثر و سوگوار نموده است معلوم خاطر عموم اهالی مملکت می باشد.

دولت ایران از بدو تجاوزات این طایفه همیشه بر اینگونه عملیات که مخالف آداب و حیثیات دیانتی و مناقض با اصول تمدن است اعتراضات شدید نموده تا اینکه از طرف عبدالعزیز ابن سعود رئیس آن طایفه ابراز مواعیدی شد که اینگونه فجایع و تجاوزات که بی احترامی صریح به عقاید و شعائر ملی عالم اسلام است ارتکاب و تکرار نشود.

ولی برخلاف انتظار عملیاتی اخیراً منافعی با مواعید خود از آنها به ظهور رسید که قلوب اسلامیان را متأثر و متألم نمود و سبب گردید که دولت ایران دعوت ابن سعود را برای شرکت در مجمع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته و رد نماید.

از آنجا که تجلیل اماکن مقدسه که کرورها نفوس از روی عقیده و ایمان آن نقاط شریفه را مهبط انوار رحمانی و منبع فیض آسمانی می دانند از شعائر ملی اسلامی است و مخصوصاً در این برهه از زمان که عصر احترام عقاید و آداب دیانتی است و تمام ملل متمدنه عالم از هر قوم

و ملت سعی دارند که معتقدات مذهبی دیگران را تعظیم و تکریم نمایند و تعدی و تحمیل بر شعائر دینی سایر ملل را منسوخ سازند، بدیهی است دولت و ملت ایران نمی‌تواند ساکت نشسته و تحمل نماید که یک فرقه معدود که نسبت به ملل اسلامی در حکم اقل قلیل هستند عقاید خود را بر تمام عالم اسلام تحمیل نمایند و حقیقتاً جای بردباری و تحمل نیست، در عصری که هریک از ملل حیه از برای آثار و قبور حکما و بزرگان و ارباب شعر و صنعت هر چند که منسوب به ملل دیگر باشند هزارگونه احترامات قائل می‌شوند و از این لحاظ مابین ملیت و قومیت و نژاد فرقی نمی‌گذارند یک طایفه فقط به استمساک تعالیم و مبادی خود آثار ائمه هدی و اولیای خدا را که در روح و قلب کروورها نفوس جای دارند منهدم سازند.

دولت ایران این رفتار را از مقوله تجدید اعمال ادوار توحش و جاهلیت تلقی نموده و بر این کردار فجیع شدیداً اعتراض می‌نماید. در همان حال به قاطبه مسلمانان عالم خطاب و اعلام می‌دارد که به حکم وحدت عقیده اسلامی متفقاً به وسایل ممکنه از این عملیات تجاوز کارانه جلوگیری بعمل آورند. و از آنجا که حرمین شریفین حقیقتاً به تمام عالم اسلام تعلق دارد و هیچ ملت مسلمان دون ملت دیگر حق ندارد این نقاط مقدسه را که قبله جامعه مسلمانان و مرکز روحانیت اسلام است به خود اختصاص داده تصرفات کیف مایشاء نماید و اصول تعالیم خود را بر عقاید دیگران تحمیل کند، بنابراین از تمام ملل اسلامی تقاضا می‌شود که در یک مجمع عمومی ملل اسلامی مقدرات حرمین شریفین را حل و تسویه نمایند و قوانین و نظاماتی وضع گردد که تمام مسلمانان بر طبق عقاید مختصه خود بتوانند آزادانه از برکات روحانی و فیوض آسمانی اماکن مقدسه مکه معظمه و مدینه طیبه برخوردار و متمتع شوند و این سرچشمه فیض و سعادت الهی تمام طوایف مسلمانان عالم را بدون تبعیض و استثناء سیراب سازد.

امیدواریم که ملل و دول اسلامی این تقاضای دینی و ملی را به سمع قبول اجابت کرده و راضی نشوند بیش از این بر مقدسات ملی و شعایر مذهبی آنان لطمه وارد آید.

اول تیرماه ۱۳۰۵

حسن ابن یوسف رئیس الوزرا

سند شماره ۲۳

تاریخ سند: ۹ محرم ۱۳۴۷

فرستنده: کنسولگری ایران در جده

گیرنده: سفارت ایران در مصر

موضوع: حمله به مجلس عزاداری و دستگیری عده‌ای

نمره: ۳۶

حضور مقام منبع سفارت سنیه دولت علیه ایران در مصر

شب هفتم محرم ۱۳۴۷ مدیر شرطه با قوه‌ای از سرباز داخل تکیه حسینییه محل اقامه عزای سید الشهداء امام حسین علیه السلام ریخته و مجتعمین از حجاج ایرانی همه را با نهایت زجر متفرق ساخته و آنچه اسباب بوده همه را خراب و پراکنده کرده‌اند و سیدی از سادات حجاج حاجی سید محمد باقر نام را با کمال اهانت و زجر کشیده در محبس قاتلین محبوسش کرده‌اند. روز هفتم سید محمد مختار را بی‌جهت با زجر و ضرب و اهانت او را کشان کشان در محبس قاتلین زندان کرده‌اند. سه تلگراف و دو تحریر به مدیر شئون خارجی و یک تلگراف به ملک ابن السعود فرستاده شد، صورت همه آنها با عریضه حجاج و جواب مدیر شئون خارجه لفاً به جهت استحضار خاطر اجل عالی تقدیم می‌گردد. مدیر شئون خارجه چنین اظهار می‌دارد که حکومت به هیچ وجه من الوجوه قبول نمی‌نماید چیزی که منافی با شرع و مخالف با رفتار سلف صالح در مملکت خود مجری شود در صورتی که هم مغایر است بر قواعدی که منع کرده که علناً تظاهر بر چیزی که شرع و سنت اقرار ننموده است.

اما در خصوص زندانیان می‌نویسد که امر به قائم مقام جده صادر شده است که یک هیأت تشکیل دهد که تحقیق نمایند در قضیه زندانیان و نتیجه را معروض دارند. حضرت اجل عالی خوب ملاحظه فرمایید که چقدر عناد و اصرار دارند به درجه‌ای که زندانیان بلا تحقیق آنها را

در محبس قاتلین حبس کرده‌اند که تحقیق در قضیه آنها شود. این هیأت که تشکیل شده است همه مدعی و خصم می‌باشند، لهذا دیروز با تلگراف عرض گردید. نتیجه را فیما بعد به حضور اجل مبارک عالی به عرض جسارت می‌گردد.

امضا

وکیل جنرال قونسولگری جده

محمدعلی لاری

حاشیه: سواد مطابق با اصل است

امضا: حسن پیرنظر

سند شماره ۲۴

تاریخ سند: ۲۸ محرم ۱۳۴۷

فرستنده: کنسولگری ایران در جده

گیرنده: سفارت ایران در مصر

موضوع: سختگیری مأمورین حجاز نسبت به حجاج ایرانی

نمره: ۴۳

مقام منبع سفارت سنیه دولت علیه ایران در مصر

در تعقیب راپورت مورخه ۹ محرم الحرام ۱۳۴۷ نمره ۳۶ معروض می‌دارد که حکومت حجاز اصرار و تشدد زیاد و جواب درست هم نمی‌دهد. باز سه تلگراف به مدیر شئون خارجه نوشته شد. سواد آنها با سواد تحریر آتی که فیما بعد رد و بدل شده است با عریضه مفصل که از طرف بعض حجاج ایرانی به نامه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه که به توسط جنرال قونسولگری تقدیم خاکپای همایونی شود همه را در لف این عریضه ایفاد حضور مبارک اجل عالی می‌گردد.

از قرار شکایت حجاج ایرانی به موجب عریضه‌ای که به جنرال قونسولگری تقدیم کرده‌اند و عین آن نیز در جوف است چنین معلوم می‌شود که مأمورین حکومت حجاز در مدینه منوره و در مکه مکرمه با حجاج ایرانی بسیار سختگیری کرده‌اند و نمی‌گذاشتند که حجاج به آزادی خودشان زیارت حضرت پیغمبر صلوات الله و سلامه علیه و زیارت ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع بعمل بیاورند و وعده‌هایی که حکومت داده بود ابداً موقع اجرا نگذاشت بلکه به خلاف پیشتر خیلی سختگیری می‌نماید.

متروکات اموات حجاج ایرانی را که همه را در مکه معظمه به واسطه مأمورین بیت المال ضبط کرده‌اند تاکنون به جنرال قونسولگری نفرستاده‌اند و حال آنکه از مدیر شئون خارجه

عین متروکات را با تفصیل آنها خواسته شده جواب نداده است. لهذا از برای تأمین حقوق و شئون مذهبی رعایای دولت علیه ایران در قطعه حجاز بهتر آن است که مانند سال گذشته بلکه به طور اشد دولت علیه ایران اوامر مؤکده صادر فرمایند که هیچ کس از ایرانی به حجاز نیاید و قدغن سخت مقرر فرماید تا وقتی که مسائل مختلف فیه را به طور احسن و اکمل تسویه شود و تأمینات کافی به جهت حفظ حقوق و شئون مذهبی رعایای دولت علیه ایران در حجاز تحت یک قاعده صحیح گرفته شود. به جهت استحضار خاطر اجل عالی به عرض ورزید.

امضا

وکیل جنرال قونسولگری دولت علیه ایران

محمد علی لاری

سند شماره ۲۵

تاریخ سند: ۱۳۰۷/۱۱/۲

فرستنده: سفارت ایران در مصر

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سختگیریهای مأمورین حجاز نسبت به حجاج ایرانی

نمره: ۱۵۴۹ (۸/۳)

تهران

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه - اداره اول سیاسی

در تعقیب راپورت‌های سابقه راجع به سختگیریهای مأمورین حجاز نسبت به حجاج ایرانی راپورتی اخیراً از مأمور افتخاری جنرال قونسولگری ایران در جدّه رسیده است که اینک سواد آن را لفاً تقدیم و ضمناً معروض می‌دارد چون هنوز روابط رسمی بین دولت شاهنشاهی و حکومت حجاز موجود نیست بیم آن می‌رود که امسال هم هر تغبثاتی از طرف مأمور افتخاری ایران در نزد اولیای محلیه برای جلوگیری از سختگیریهای مأمورین حجاز بشود بی‌نتیجه و بالمآل حجاج بیچاره باشد احوال مورد همان اشکالات و زحمات و عدم حریت در اجرای مراسم مذهبی خواهند شد.

اگر دولت علیه برای یکی دو سال دیگر منع حج را ادامه داده بودند حتماً حکومت پر کینه فعلی حجاز حاضر به قبول شرایط پیشنهادی دولت علیه می‌شده و در نتیجه رفع این مزاحمت از حجاج ایرانی بعمل می‌آمد.

مراتب را حسب الوظیفه و برای پیش بینی و چاره اندیشی معروض داشت که هر طور

رای مبارک اقتضا فرماید تدابیر لازمه اتخاذ گردد.

امضا

حسن پیرنظر

در حاشیه: به اداره مربوطه ارسال شود. ۳۰۷/۱۱/۲۵

در حاشیه: سواد به ریاست وزرا ۳۰۷/۱۱/۲۷ - ۲۳۶۲۲

سند شماره ۲۶

تاریخ سند: ۲۰ ربیع الاول ۱۳۴۸

فرستنده: سفارت ایران در بغداد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ترجمه جریده الوطن بغداد در باب شناسایی

دولت حجاز و نجد از طرف ایران

نمره:

مبادله تلگرافات بین پادشاه عرب و پادشاه ایران

دولت ایران حکومت جدیدی را که عبدالعزیز آل سعود در حجاز و نجد تأسیس نموده به رسمیت شناخت و اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در این باب تلگرافی به مکه مخابره فرموده است.

در واقع بعد از مقدماتی که فراهم شده بود و بعد از مسافرت میسیون حجاز به طهران که حامل نامه پادشاه جزیره العرب برای وراث تاج و تخت اکاسره بوده و برای همین مقصود به طهران رفت انتظار می رفت دولت ایران حکومت حجاز و نجد را بشناسد و اکنون که این مقصود به حصول پیوست انتظار می رود معاهده مودت بین مملکتین نیز منعقد گشته و تبادل نمایندگان سیاسی بین طرفین بر طبق قوانین جاریه بین المللی بعمل آید.

البته لازم نیست بگویم مکه مرکز این مذاکرات خواهد بود و نماینده ایران به آنجا خواهد رفت و احتمال قوی می رود آقای حبیب الله خان عین الملک قونسل ایران در [...] سوریه و فلسطین که در ماه ژوئن گذشته حامل نامه اعلیحضرت پادشاه ایران برای ملک عبدالعزیز بود و مقدمات این شناختن را فراهم کرد برای این منظور تعیین خواهد شد. زیرا مشارالیه کاملاً به این قضایا آگاه است و علاوه بر اینکه زبان مملکت را به خوبی می داند محل اعتماد ملک عبدالعزیز

و رجال حکومت حجاز است و شخصاً نزد آنها محترم است و بدیهی است که تعیین او به این سمت مسأله را به طور دلخواه حل و تسویه می نماید و در بعضی مقامات گفته می شود که پس از ایجاد روابط رسمی و حصول توافق نظر برای تبادل نمایندگی مشارالیه [عین الملک] تنها نماینده دولت ایران در حجاز خواهد بود.

تصور نمی رود که اختلاف نظری بین حجاز و دولت ایران موجود است که محتاج به مناقشه و بحث و گفت و گو باشد، زیرا از موثق ترین منابع به ما اطلاع رسیده است که در مسافرت عین الملک به حجاز کاملاً توافق نظر بین او و وکیل خارجی حجاز که استاذ فواد بک حمزه آن را اداره می نماید حاصل شده است و همان توافق اساس معاهده جدید خواهد بود و مهمترین مواد این است که نسبت به تبعه ایران که برای ادای فریضه حج به حجاز می روند همان معامله را بنمایند که با تبعه دول کامله الوداد می نمایند و کاملاً آنها را آزادی مذهب داده در اقامه شعائر مذهبی مادامی که مخالف شرع نباشد هیچ مانعی در جلو آنها ایجاد ننمایند و همین طور مبادله نمایندگان سیاسی بر اصول تساوی کامل باشد...

سند شماره ۲۷

تاریخ سند: ۱۳۰۸/۶/۲

فرستنده:

گیرنده:

موضوع: عهدنامه مودت بین دو کشور

نمره:

عهدنامه مودت بین مملکت ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران از یک طرف

و

اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن از طرف دیگر

نظر به اینکه به تأسیس روابط ودادیه بین مملکتین و تشیید مبانی آن مایل می باشند و معتقدند که ایجاد مناسبات مذکوره موجب پیشرفت و باعث رفاه و آسایش ملتین است به انعقاد عهدنامه مودت تصمیم نموده و برای این مقصود اختیارداران خود را معین نمودند.

۰
۰

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب اشرف حاج مهدی قلیخان هدایت رئیس الوزرا

اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن

شیخ عبدالله الفضل و شیخ محمد عبدالرؤف

اختیارداران فوق پس از ارائه اعتبارنامه های خود که مطابق قاعده بود در مواد ذیل موافقت حاصل کردند.

ماده اول

بین مملکت شاهنشاهی ایران و مملکت حجاز و نجد و ملحقات آن و بین اتباع دولتین صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی برقرار خواهد بود و طرفین معظمین متعاهدین تمام مساعی خود را در ادامه و استحکام روابط مزبور مبذول خواهند داشت.

ماده دوم

نظر به اینکه طرفین معظمین متعاهدین مایل هستند و حق دارند که وزرای مختار و قونسولهای خود را به ممالک یکدیگر اعزام نمایند، لهذا موافقت نمودند که با نمایندگان هر یک از طرفین متعاهدین در مملکت طرف متعاهد دیگر به شرط معامله متقابل بر طبق قواعد و مرسوم حقوق عمومی بین الملل رفتار نمایند.

ماده سوم

هر یک از طرفین معظمین متعاهدین متعهد می شوند که اتباع طرف متعاهد دیگر را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله الوداد از آن بهره مند می گردند برخوردار سازند.

حکومت اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن متعهد می گردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیت الله الحرام می روند معامله و رفتار نمرده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچ گونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می نمایند که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نماید.

ماده چهارم

طرفین معظمین متعاهدین مایل هستند که در موقع مناسب به تکمیل مذاکرات و عقد

قراردادهای سیاسی و تجاری و اقتصادی و غیره اقدام نمایند.

ماده پنجم

این عهدنامه در چهار نسخه به عربی و فارسی به امضا رسیده و متن فارسی و عربی هر دو دارای رسمیت و اعتبار واحد خواهد بود. طهران. به تاریخ دوم شهریور ۱۳۰۸ - مطابق هجدهم ربیع الاول ۱۳۴۸.

محمد عبدالزواف

عبدالله الفضل

مهدیقلی [خان هدایت]

سند شماره ۲۸

تاریخ سند: ۱۳۰۹/۱/۲۲

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ورود به حجاز و استقبال بعمل آمده از وی

نمره: ۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

در تعقیب تلگراف ورودیه با کمال احترام به شرف عرض مبارک می‌رساند. روز هفدهم ماه فروردین وارد جده شده از طرف امیر فیصل نایب ملک که در غیاب اعلیحضرت ابن السعود در حجاز نایب السلطنه است یک نفر نماینده کشوری و یک نفر نماینده لشکری و چند نفر از اعیان به کشتی برای استقبال آمدند. سفیر ترکیه و سفیر دولت سوئیت روسیه و کفیل سفارت هلند نیز به کشتی برای استقبال آمدند. کفیل قونسولگری دولت علیه ایران نیز حضور داشتند. پس از پذیرایی از آنها به خشکی رفته در اسکله نیز حاکم جده و رئیس بلدیة و جمعی کثیر از اعیان شهر و بیست نفر پلیس حاضر بودند و با اتومبیل یکسره به یک محلی که از طرف حکومت تعیین شده بود رفته از واردین پذیرایی شد.

پس از صرف ناهار به قنصلخانه آمده و در آنجا نیز از واردین پذیرایی بعمل آمد. شب را نیز از طرف حکومت یک میهمانی بسیار با شکوهی تهیه و جمعی کثیر از اعضای حکومت و اعیان شهر دعوت داشتند.

نظر به اینکه برای تأسیس سفارت هنوز عمارتی شایسته پیدا نشده و اثاثیه نیز به سبب نرسیدن اعتبار تهیه نگشته، خانه آقای حاج محمد علی لاری کفیل سابق قنصلگری را موقتاً استیجار نموده در آنجا اقامت و مشغول تهیه وسایل راحتی و آسایش حجاج و کارها شده‌ام.

به سبب مبتلا شدن به مرض برونشیت در اثنای راه از یک طرف و به علت غیبت اعلیحضرت ابن السعود در نجد و غیبت وزیر خارجه حجاز در سوریه، موقتاً صلاح چنین دیده‌ام که اندکی تأمل شود تا اعلیحضرت تشریف بیاورند و آن وقت نامه اعلیحضرت اقدس همایونی ارواحنا فداه را مستقیماً به شخص پادشاه برسانم، ولی پس از بهبودی صحت به مکه مشرف شده نامه وزارت جلیله متبوعه را به وزارت خارجه حجاز می‌رسانم و وقایع و شرح تشریف را بعد از دعوت ملک به حجاز عرض خواهم کرد. فعلاً هوای جده به اندازه‌ای گرم و مرطوب است که انسان را متأذی می‌سازد. محض استحضار خاطر مبارک به عرض رسانید.

حبیب‌الله هویدا

سند شماره ۲۹

تاریخ سند: ۸ خرداد ماه ۱۳۰۹

فرستنده: سفارت ایران در حجاز و نجد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات حبیب‌الله هویدا با ملک عبدالعزیز

نمره: ۱۰۸

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

در تاریخ دوم ذی حجه ۱۳۴۸ اعلیحضرت ملک ابن السعود با ولیعهدش مسعود و جمیع خانواده سلطنتی رجالاً و نساءً و بنی اعمام و اخوانش به مکه مکرمه ورود نمودند، استقبال شایانی در چند فرسخی مکه بعمل آمد، جمع کثیری از اعیان و اهالی تمام شهرهای حجاز به مکه آمده به استقبال رفتند و خطابه‌ها و قصاید در حضورش خوانده شد. در روز شنبه چهارم ذیحجه صبح زود اعلیحضرت با بعضی از خواص و امرا به جده آمدند، حین ورودش بیست و یک توپ انداخته شد، تمام سفارتخانه‌ها بیرقهای خود را بلند نمودند، روز اول ورودش علی الصباح در قصر سلطنتی که در خارج جده جدیداً بنا شده و به اسم القصر الاخضر نامیده‌اند ورود نموده از کلیه طبقات شهر پذیرایی فرمودند و سپس از نمایندگان دول پذیرایی کردند. در ساعت ده روز یعنی چهار بعد از ظهر را برای پذیرایی بنده مقرر کرده بودند، قبل از ظهر به وزارت امور خارجه رفته از کفیل وزارت خارجه ملاقات و مراسله رسمی وزارت جلیله متبوعه را تسلیم نمودم، فوق العاده حسن استقبال نمودند. در ساعت معین دو عدد اتوموبیل دولتی با یک نفر صاحب منصب لشکری به رتبه سرتیپی که در جده به سمت ریاست کل قوا یعنی امیر لشکر است به سفارتخانه آمده در اتوموبیل اولی بنده او و یک نفر قواص سفارت و در اتوموبیل دوم منشی سفارت و آقای لاری کفیل سابق ژنرال قنصلگری با یک نفر قواص سفارت سوار شده به

سوی قصر اخضر رهسپار شدیم، در مقابل قصر سلطنتی و در داخل قصر یک فوج سرباز ایستاده سلام دادند، در سرپله‌های قصر کفیل وزارت امور خارجه و منشی مخصوص اعلیحضرت با جمعی دیگر ایستاده پذیرایی نمودند و مستقیماً به غرفه‌ای که اعلیحضرت در آن جالس بودند رفتیم.

اعلیحضرت با یک بشاشت و سرور فوق العاده قیام کرده مصافحه نمودند و دست مرا گرفته در پهلوی خود جای دادند و استفسار صحت و سلامتی وجود مقدس همایونی اعلیحضرت پهلوی ارواحنا فداه را کردند، پس از چند دقیقه بنده قیام کرده خطابه‌ای را که به زبان عربی تهیه کرده بودم مشغول قرائت شدم. اعلیحضرت نیز قیام کردند و مشغول استماع خطابه شدند و نامه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی را که در یک دستمال ابریشمی و در یک سینی نقره و منشی سفارت در دست داشت با کمال تعظیم بلند نموده بوسیدم و به دست اعلیحضرت ابن السعود تسلیم نمودم، سپس کفیل وزارت خارجه خطابه جوابیه را از طرف اعلیحضرت تلاوت نمود، بعد اعلیحضرت جلوس نمودند و نامه همایونی را باز کرده مطالعه نموده تسلیم کفیل وزارت امور خارجه نمودند. سپس شربت آوردند، اعلیحضرت نسبت به بنده نهایت محبت و مودت را ابراز داشتند، آثار شادی و سرور خود را صریحاً و علناً بیان کردند، تمام حضار که در داخل و خارج بودند همگی با چهره‌های خندان و سرور فوق العاده توأم بودند. پس از پنج دقیقه اجازه مرخصی خواستم در خارج اتاق در حیاط عکاس آورده بودند، اعلیحضرت بیرون آمدند، دو عدد صندلی گذاشته بودند، یکی را اعلیحضرت جلوس نمودند و به بنده نیز اجازه دادند پهلوی اعلیحضرت نشسته چندین شیشه عکس برداشته شد، دوباره شربت آوردند، بعد مرخص شده با همان تشریفات سابق بیرون آمده به سفارتخانه عودت نمودم.

روز بعد اعلیحضرت با تمام حاشیه به مکه عودت نمودند.

صورت دو خطابه و چند نسخه از عکسها را لفاً تقدیم می‌دارم.

هویدا

سند شماره ۳۰

تاریخ سند: ۸ خرداد ماه ۱۳۰۹

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ملاقات حبیب‌الله هویدا با ملک عبدالعزیز

نمره: ۱۰۹

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکتها

با نهایت احترام به عرض می‌رساند روز شنبه چهارم ذیحجه اعلیحضرت عبدالعزیز پادشاه حجاز و نجد برای پذیرایی رسمی بنده از مکه به جده تشریف آوردند و تفصیل پذیرایی را در عریضه نمره ۱۰۸ به عرض رسانده‌ام.

همان روز بعد از ظهر کفیل وزارت امور خارجه حجاز برای بازدید به سفارت آمدند و فوق‌العاده اظهار شادی و سرور از تأسیس روابط و دادیه و تأسیس سفارت شاهنشاهی در حجاز نمود و ذکر کرد که هیچ وقت اعلیحضرت را تا این درجه شاد و مسرور ندیده بودیم که امروز از ملاقات شما و وصول نامه همایون شاهنشاهی اظهار شادی و سرور علنی می‌فرمودند و پس از رفتن شما اعلیحضرت ماها را جمعاً احضار کردند و فرمودند که نماینده ایران عین الملک با ما بسیار محبت و دوستی دارد و در تأسیس روابط و دادیه بین ما و ایران و ازاله سوء تفاهم جدیت و خدمت کرده‌است، لهذا میل دارم که همگی شماها جد و جهد نمایید همیشه او را راضی و خورسند نگاه دارید که اسباب تکدر خاطر و دل‌تنگی از طرف شماها برای او حاصل نشود تمام مطالب و تقاضاهای او را به فوریت انجام دهید تا معلوم و ثابت شود که از خدمات و محبت‌های او تقدیر می‌شود.

این است که از شما خواهش می‌کنم که هر کار و فرمایش که داشته باشید با نهایت

صراحت بیان کنید که ماها درانجام آن حاضر و آماده‌ایم و امیدواریم اسباب آسودگی خاطر و رضایت شما را فراهم نماییم و نیز از شما خواهشمندیم هرگاه ملاحظاتی در طرز جریان کارها و امور داخلی ادارات ما به نظرتان برسد بدون هیچ گونه تردیدی ما را مستحضر بدارید که باعث تشکر و امتنان ما خواهد گردید.

حبیب‌الله هویدا

سند شماره ۳۱

تاریخ سند: ۱۳۰۹/۴/۲۸

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در حجاز و نجد

موضوع: درخواست صورت جامعی از کنسولگریهای ایران در آن کشور

نمره: $\frac{۱۲۲}{۱۱۰۸۰}$

متحدالمآل

لزوماً اشعار می‌دارد که صورت جامعی از قونسولگریهای فعلی ایران در حجاز و نجد با ذکر تمام حوزه مأموریت قونسولی آنها تهیه نموده هر چه زودتر به وزارت امور خارجه ارسال فرمایید.

مهر وزارت امور خارجه

سند شماره ۳۲

تاریخ سند: ۹/۵/۲۳

فرستنده: حبیب‌الله هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: عدم وجود کنسولگری در حجاز و نجد

نمره: $\frac{۱۸}{۴}$

وزارت جلیله امور خارجه

باکمال احترام در جواب دستخط مبارک نمره ۱۱۰۸۰/۱۲۲ مورخه ۹/۴/۲۸ خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که فعلاً در خطه حجاز و نجد و دولت علیه ایران را جز سفارت شاهنشاهی در جدّه هیچ گونه نماینده و قنسلی نیست، ولی در آتیه لازم است که یک قنسلگری در مدینه منوره و یک قنسلگری در نجد برای حفظ حجاج و اتباع از تعدیات متصوره تأسیس شود تا اراده حضرت اشرف وزارت پناهی چه تعلق گیرد.

حبیب‌الله هویدا

سند شماره ۳۳

تاریخ سند: اول اردی بهشت ۱۳۱۰

فرستنده: سفارت ایران در حجاز و نجد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: دیدار با ملک ابن السعود

نمره: ۴۸

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً خاطر مبارک را مستحضر می دارد که روز ۳۰ فروردین اعلیحضرت ملک ابن السعود تشریف فرمای جده شدند و در قصر سلطنتی قصر اخضر از عموم نمایندگان خارجه هر یک منفرداً پذیرایی فرمودند.

در وقت پذیرایی از بنده کالمعتاد خیلی محبت و مهربانی اظهار داشتند و فرمودند مسافرت شما خیلی طول کشید و اشتیاق ما زیاد شد، اما الحمدلله صحت شما از سال قبل خیلی بهتر است بلکه جوان شده اید و چون قدری صحتم منحرف شده و مشغول معالجه بودم نتوانستم زودتر به جده بیایم. ما شما را از خود می دانیم شما نیز خود را مثل سایر نمایندگان اجانب ندانید، هیچ وقت لزوم به تحصیل اجازه نیست هر وقت که میل دارید بدون هیچ ملاحظه به دیدن ما بیایید چه در مکه چه در اینجا ما همیشه آماده ملاقات شما هستیم، شما نماینده یک دولت دوست صمیمی ما هستید، روابط ما با دولت علیه ایران فقط سیاسی و همجواری نیست، بلکه در روحانیات نیز شریک و سهیم هستیم، مختصر به قدر نیم ساعت از این مقوله بیانات فرمودند و چهره اعلیحضرت خیلی روشن و بشاش بود. معاون وزارت امور خارجه و مستشار اعلیحضرت هر دو حضور داشتند، پس از صرف قهوه و شربت مرخص شده و به سفارت عودت نمودم.

دوم اردی بهشت اعلیحضرت به مکه عودت فرمودند.

حبیب الله هویدا

حاشیه:

۱- شرقیه - تشریفات ۱۴/۲/۱۰

۲- به وزارت دربار نوشته شود.

نمره ۲۵۸ - ۲۰/۲/۱۰

سند شماره ۳۴

تاریخ سند: ۱۳۱۱/۲/۹

فرستنده: سفارت ایران در حجاز و نجد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش حج

نمره: ۵۰

وزارت جلیله امور خارجه

با کمال احترام راپرتاً به عرض می‌رساند که الحمدلله حج امسال در نهایت صحت و آرامی و اطمینان به پایان رسید و از امراض مسریه، وبا و طاعون اثری نبود و حجاج از مکه به جده عودت قسمتی با کشتیهای موجود منتظره در بندر به ممالک خود عودت کردند و قسمتی دیگر به زیارت مدینه منوره رهسپار شدند و تا پانزده روز دیگر از حجاج در حجاز کسی باقی نخواهد ماند. تعداد حجاج ایرانی به طور قطع پس از عودت آنانی که به مدینه رفته‌اند معلوم می‌شود و به عرض می‌رسانم به طور تخمین امسال تعداد یکصد و پنجاه الی شصت نفر حجاج ایرانی بودند و عموماً تذاکر خود را به اسم تجارت صادر کرده‌اند. جمعی از محترمین ایران امسال به حج آمده بودند از جمله آقای امیر حشمت و آقای شعاع الدوله و آقای سیف‌الله خان عضو وزارت داخله با والده‌شان و یکی از پسرهای مرحوم آقای سیدعبدالله و یکی دو نفر دیگر از سادات و علما و آقای حاج میرزا عبدالله واعظ و آقای حاج سید احمد پسر مرحوم آقا سیدهاشم و غیره بودند. تعداد قطعی و اسامی حجاج پس از ویزای تمام تذاکر در ورقه علی حده در آتیه به عرض می‌رسد.

دولت ابن السعود به موجب ابلاغیه رسمی تعداد حجاج امساله را یکصد و پنجاه هزار نفر قلم داد کرده است در صورتی که کلیه حجاج از راه دریا و خشکی آمده‌اند از هفتاد الی هشتاد

هزار نفر تجاوز نمی‌کند و معلوم نیست به چه حکمت و قصدی این اغراق گویی را آن هم در ابلاغیه رسمی از طرف وزارت خارجه حجاز جائز دانسته و منتشر ساخته‌اند.

اگر چه اعلیحضرت خیلی اظهار میل کرده بودند که بنده امسال به حج مشرف شوم، لکن به علت ناخوشی هفتاد روزه اطبای معالج اجازه ندادند که مُحرم شوم و ممانعت کردند، لهذا بوسیله تلگراف از اعلیحضرت معذرت خواستم و فعلاً تب و نوبه مستمراً هر روزه می‌آید و هر گونه مداوات نتیجه بخش نشده است.

حبيب الله هویدا

سند شماره ۳۵

تاریخ سند: ۱۱/۴/۱۸

فرستنده: فیصل

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تشکر از پذیرایی در طول سفرش به ایران

نمره: ۴۸۹

والاحضرت وزیر امور خارجه

استقبال نیکو و پذیرایی صمیمانه‌ای که از اینجانب در طول مدت اقامت خود در کشور
زیبایتان بعمل آمد بهترین تأثیر را در جان و روح من بر جای گذارده است.
لذا تشکر و سپاس فراوان خود را به خدمت آن والاحضرت تقدیم می‌کنم.

فیصل

تشریفات - شرقیه

۱۱/۴/۱۸

سند شماره ۳۶

تاریخ سند: ۱۲ مرداد ۱۳۱۱

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: هویدا

موضوع: نشانهای اهدایی به امیر فیصل

نمره: $\frac{۱۶۷۲۰}{۷۱۰۲۰۱۵}$

آقای هویدا شارژ دافر دولت شاهنشاهی در حجاز و نجد

چند قطعه نشانهایی که به والاحضرت امیر فیصل و همراهان ایشان اعطا شده بود باید
زودتر فرامین آنها صادر شود، ولی نظر به اینکه عناوین امیر و همراهان ایشان از روی صحت بر
وزارت خارجه معلوم نبود، بنابراین صدور فرمان همایونی تاکنون به عهده تعویق افتاده، لهذا
برای اطلاع به حقیقت امر و تسریع عمل مقتضی است عناوین امیر فیصل و همراهان معزی الیه
را به اسم و رسم تعیین نمایید. مثلاً فؤاد حمزه که یکی از آنها بود آیا می‌توان عنوان بیک را در
فرمان گنجانید و همچنین خالد و شاهر و مرزوق دارای چه عناوین و امتیازاتی هستند همه را
مفصلاً توضیح بدهید که زودتر فرامین آنها صادر و ارسال گردد. ¶

عمده مقصود این است که چون در فرامین نمی‌توان عنوان آقا را نوشت آیا می‌توان در
آخر اسم این اشخاص عنوان بیک را نوشت یا خیر، البته در مورد فؤاد بیک اشکالی ندارد، زیرا که
عنوان خالی می‌توان برای او نوشت ولی تکلیف سایرین معلوم نیست.

امضا ناخوانا

سجج مهر: وزارت امور خارجه

سند شماره ۳۷

تاریخ سند: ۱۹ مهر ۱۳۱۱

فرستنده: هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: القاب و عناوین جهت ارسال نشانها

نمره: ۱۰۶

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب عریضه سابق و در جواب مراسله محترمه نمره $\frac{۱۶۷۲۰}{۷۱۰۲۰۱۵}$ صادره از اداره محترمه ممالک شرقیه با کمال احترام به عرض می‌رساند که از وزارت امور خارجه حجاز مراسله‌ای رسیده نوشته‌اند که القاب و عنوان والاحضرت امیر فیصل از این قرار است:

- صاحب السموالملکی الامیرفیصل نائب الملک و وزیرالخارجیه

به فارسی والاحضرت امیر فیصل نائب پادشاه و وزیرخارجة حجاز

و القاب و عنوان فؤاد بک حمزه

صاحب السعاده فؤاد بک حمزه وزیر الخارجیه بالنیابه

به فارسی حضرت اجل فؤاد بک حمزه کفیل وزارت امور خارجه حجاز

و اما راجع به اشخاص دیگر را بدین قرار نوشته است:

جناب خالد بک ایوبی آجودان والاحضرت امیر فیصل

آقای شاه‌السمان افندی منشی قنصلگری دولت سعودی در شام (دمشق)

آقای مرزوق بن ریحان حاجب مخصوص والاحضرت امیر فیصل

علی هذا البته به مقامات لازمه اشعار خواهند فرمود که در فرامین نشانهای اعطا شده به

طرز فوق نوشته شده است. دیگر امر امر مبارکست.

سند شماره ۳۸

تاریخ سند: ۱۳۱۱/۷/۲۸

فرستنده: سفارت ایران در حجاز و نجد

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ورود شش فروند کشتی جنگی ایران به بندر جدّه

نمره: ۱۶۲

وزارت جلیله امور خارجه

با کمال احترام به عرض می‌رساند:

به تاریخ سه شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۱۱ تلگرافی از آقای غلامعلی خان رئیس کشتیهای شاهنشاهی به سفارت شاهنشاهی رسیده تقاضای فرستادن شش نفر (Pilots) راهنما برای هدایت شش قطعه کشتیها به بندر جدّه که خیلی مشکل و سنگلاخ است نموده بودند. در صبح چهارشنبه ۱۳ مهر ماه یک ساعت قبل از ظهر به وسیله راهنماهای مخصوص کشتیهای شاهنشاهی وارد بندر جدّه شدند و به وسیله توپ سلام معمول را مجری داشتند. از طرف حکومت محلی بیرق ایران را بر بالای مرکز قشون عربی افراشتند و برحسب معمول در جواب سلام کشتیها توپ انداختند و رئیس کل قشون با لباس رسمی به معیت کفیل سفارت شاهنشاهی برای تقدیم خوش آمدی به سوی کشتیها رفته پس از معاینه از طرف قرنطینه [قرنطینه] به کشتی ببر که آقای رئیس در آن بودند وارد شدند. فوراً از طرف کشتی طوپ [توپ] سلام افکنده شد. رئیس قشون ابن السعود بیاناتی راجع به خوش آمدی و اظهار مسرت از ورود اولین کشتیهای دولت اسلامی دوست به بندر جدّه از طرف دولت ابن السعود اظهار داشت و پس از صرف شربت و چایی عودت نمود.

از طرف ریاست کشتیها در همان روز یک دعوت چایی از نمایندگان دول و اعضای

سفارتخانه‌ها و امیر جده و اعضای حکومت محلی و بعضی از اعیان و ریاست قشون و رئیس بلدیة و رئیس نظمیة و نمایندگان تجاری اجانب و غیرهم شد و در ساعت پنج بعدازظهر همگی با نهایت شادی و سرور دعوت را قبول و پس از گردش در کشتیها و تناول شیرینی و چایی و بستنی اظهار شادمانی و سرور، مسلمانان به مناسبت نماز مغرب به شهر عودت کردند، ولی اجانب باقی مانده مشروبات روحیه برای آنها آوردند و چون پاسی از شب گذشت در عودت به شهر از طرف کشتیهای شاهنشاهی به وسیله نورافکنها نمایشات قابل تمجیدی داده شد و عموم اجانب با سیمایهای بشاش اظهار شادی و خوش آمدی نموده می‌گفتند که این اولین دفعه‌ای است که در بندر جده شش قطعه کشتی جنگی لنگرانداز شده است.

قبل از میهمانی آقای رئیس کشتیها به معیت کفیل سفارت شاهنشاهی برای ملاقات امیر جده و اعاده زیارت رئیس قشون به خشکی پیاده شدند. جمعی از پلیس محلی در مقابل درب حکومتی صف سلام بستند و امیر جده عبدالعزیزین معمر با نهایت احترام استقبال نمود، از طرف خود و حکومت دولت حجاز خیلی اظهار خوش و شادمانی نمودند که این اولین دفعه‌ای است که کشتیهای جنگی دولت دوست و همعهد ما، ما را زیارت می‌نماید و باعث فخر و مباهات ما می‌شود.

سفیر ایتالیا در جده روز ۱۴ ماه مهر یک میهمانی ناهار به افتخار آقای رئیس کشتیها دادند و سایر صاحب منصبان ایتالی مستخدمین در کشتیها و کفیل سفارت شاهنشاهی و یکی دو نفر از اعیان ایتالیاییهای ساکن جده نیز سر ناهار موجود بودند. بعدازظهر در سفارت شاهنشاهی دعوتی برای صرف شربت و شیرینی و چایی و میوه و غیره داده شد و آقای رئیس کشتیها و صاحب منصبان ایرانی و ایتالیایی و امیرجده و اعضای حکومت محلی و نمایندگان دول خارجه و اعضای سفارتخانه‌ها و رؤسای تجار محلی و اجانب و اعیان بلده قریب هفتاد هشتاد نفر دعوت داشتند و آثار شادی و سرور از چهره‌های عموم نمودار و ذکر عظمت و اقتدار و اعمال معجز نای اعلیحضرت شاهنشاهی پهلوی و دعای موفقیت و دوام عمر و اقبال شاهنشاهی ورد زبان جمیع شده بود و فی الحقیقه مصداق این شعر در جده تجلی کرده بود.

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
بقدری اهالی و اولیای دولت حجاز مسرور و فرحناک مشاهده می‌شدند که گویی این کشتیهای شاهنشاهی کشتیهای خود آنهاست و بدیهی است که خود آقای رئیس بایندر تفصیل تأثیرات این زیارت و عظمت و نفوذی را که سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی در حجازیان تأثیر نموده است همه را به مقامات عالیه عرض خواهند نمود.

شب آن روز یک شام بسیار عالی از طرف امیر جده به افتخار ورود کشتیهای شاهنشاهی و رئیس و صاحب منصبان داده شد. در این میهمانی شام تمام صاحب منصبان کشتیهای ایرانی و ایتالیایی و سفیر ایتالیا و اعضای سفارتش و کفیل سفارت شاهنشاهی و بعضی از اعضای حکومت و اعیان شهر حضور یافتند و چون پاسی از شب گذشت همگی از امیر جده اظهار تشکر نموده به کشتی عودت نمودند.

در همین روز از طرف والا حضرت امیر فیصل یک قایق پر از گوسفند و برنج و روغن و قهوه و انواع سبزیجات و میوه‌جات تقدیم کشتیهای شاهنشاهی شد و آقای رئیس بایندر آنها را میان کشتیها تقسیم نمودند و نصفه شب آقای رئیس و بعضی از صاحب منصبهای ایرانی با اتومبیل به مکه معظمه رفته بیت‌الله را طواف کرده روز بعد وقت ظهر عودت نمودند و روز سوم جمعه ۱۵ مهر ماه آقای رئیس کشتیها به سفارتخانه‌ها اعاده زیارت و کارت گذاشته وداع نمودند و در ساعت دو و نیم بعداز ظهر باز هم بوسیله راهنماها از بندر جده خارج شده به طرف مصوع که یکی از مستملکات دولت ایتالیاست رهسپار شدند و تلگراف تشکر از حسن پذیرایی به والا حضرت امیر فیصل مخایره نمودند و پس از یک روز اقامت در بندر مصوع به طرف عدن و از آنجا به سوی خلیج ایران خواهند رفت. محض استحضار خاطر مبارک به عرض رسانید.

حبیب‌الله هویدا

سند شماره ۳۹

تاریخ سند: ۱۵ محرم ۱۳۵۳

فرستنده: عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

گیرنده: رضا شاه

موضوع: قدردانی از حبیب‌الله هویدا در طول مأموریتش

نمره:

بسم الله الرحمن الرحيم

از عبدالعزیز بن عبدالرحمان الفيصل آل سعود

پادشاه کشور پادشاهی عربستان

به جناب اعلیحضرت رضا شاه پهلوی پادشاه ایران

برادر عزیزم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام حضرتعالی که حاکی از انتقال جناب آقای حبیب‌الله خان هویدا کاردار نمایندگی ایران در جده از کشورمان بود دریافت نمودیم و به این مناسبت لازم است خشنودی خودمان را از مأموریتی که جناب کاردار نامبرده در جهت توسعه روابط و پیوندهای حسنه بین دو کشور انجام دادند ابراز نماییم که این تلاشها دارای آثار مثبتی بوده است.

فرصت را مغتنم شمرده برای حضرتعالی آرزوی دوام صحت و برای ملت نجیب‌تباران رفاه و خوشبختی [آرزو] داریم.

این پیام امروز پانزدهم ماه محرم سال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری در کاخ مکه معظمه تنظیم گردید.

سند شماره ۴۰

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۹/۳۰

فرستنده: قربانی - سفارت ایران در مصر

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مسأله حاجی مقتول ایرانی و وقایع حج سال ۱۳۲۲

نمره: ۱۶۴/ح/۷۷

وزارت امور خارجه

مطابق دستور تلگرافی وزارت امور خارجه چون نظر به مشکلاتی که برای مسافرت حج پیش بینی می‌شد دولت از دادن اجازه مسافرت به حججای ایرانی خودداری نمود. اینجانب به حجاز مسافرت ننمود، کسی را هم از طرف سفارت برای رسیدگی به وضعیت حجج اعزام نداشت و برای عده‌ای از حججای ایرانی که تصور می‌رفت بدانجا می‌روند از دولت مصر تقاضا شد حفظ منافع اتباع ایران را در موسم حج سال جاری در حجاز قبول نمایند. تلگرافاً و کتباً نیز گزارش این امر به آگهی اولیای امور رسیده است.

سال گذشته با وجود منع مسافرت حجج بطوری که در گزارش سفارت مصر در جده نیز به عرض رسیده در حدود یکهزار و ششصد نفر حاجی ایرانی به حجاز رفته بودند. امسال نیز مانند سال گذشته عده زیادی از ایرانیان به طور قاچاق از راه کویت یا از ایرانیانی که برای زیارت عتبات آمده بودند از راه نجف به حجاز مسافرت نمودند و از قرار معلوم عده آنهایی که به قصد حج حرکت کرده بودند در حدود شش هزار نفر بوده که در حدود دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسایل مسافرت ناچار از مراجعت شده و در حدود چهار هزار نفر آنها با هزار سختی و بدبختی خود را به حجاز رسانیده‌اند و در حدود صدویست نفر یا عده بیشتری از آنها نیز مانند سال ۱۳۶۰ هجری به موقع به حجاز نرسیده و از درک حج محروم ماندند.

امسال علاوه بر این بدبختیها که نصیب حجاج شده اتفاقات ناگوار بسیاری در آنجا رخ داده که منتهی به قتل یک نفر از حجاج ایرانی گردیده است و چون سفارت مصر که حافظ منافع اتباع ایران است در این باب به این سفارت خبری نداده و حجاجی تاکنون نرسیده بودند سفارت از این موضوع بی اطلاع بود. تا اینکه جناب آقای سید باقر کاظمی که از راه مصر به حج مشرف شده بودند دیروز (سه شنبه ۲۹ آذر ماه ۱۳۲۲) با اولین کشتی حجاج مراجعت فرمودند شرح این اتفاقات را دادند که خلاصه اظهارات ایشان در زیر به آگهی اولیای امور می رسد:

در اوایل ایام حج که هنوز عده حجاجی که به حجاز رسیده بودند زیاد نبود شنیده شد تلگرافی از عراق رسیده است دایر بر اینکه در حدود پنج هزار حاجی ایرانی در راه هستند. چون دولت شاهنشاهی اجازه مسافرت به حجاج ایرانی نداده بود تصور نمی رفت عده ای به این زیادی توانسته باشند به طور قاچاق از ایران خارج شده باشند. لذا در ابتدا گمان کردیم در شماره اشتباه شده یا خبر بکلی بی اساس است، ولی طولی نکشید که معلوم شد در حدود شش هزار نفر ایرانی که عده زیادی از آنها به طور قاچاق از مرز ایران خارج شده اند و به کویت رفته اند و عده دیگری که به عنوان زیارت عتبات به عراق آمده بودند و از آنجا قصد حج نموده اند به سمت حجاز حرکت کرده اند و دو هزار نفر از آنها در نتیجه نبودن وسیله مسافرت ناچار از بازگشت شده در حدود چهار هزار نفر آنها به حجاز آمدند که از این عده در حدود صدویست نفر یا عده بیشتری به موقع نرسیده و به درک حج موفق نشدند.

نظر به اختلاف رؤیت هلال ذیحجه امسال نیز مانند غالب سالها راجع به عید اختلاف بود، چه در ایران، افغانستان و عراق و سوریه و حتی مصر روز چهارشنبه عید بود و تنها در حجاز روز سه شنبه را عید گرفتند. سایرین مطابق افق محل و شهادت شهود رؤیت هلال مانند خود اهالی کشور عربی سعودی اول ماه را مطابق محل قبول کردند ولی ایرانیان و عده ای از شیعیان عراقی چون هلال را ندیده بودند و شهادت شهود سعودی را قبول نداشتند با اینجانب (جناب آقای کاظمی) و سید باقر بلوط (رئیس تشریفات دربار عراق) و عبدالهادی جبلی از اعیان شیعیان عراق صحبت نمودند اقدامی شود اجازه دهند دو موقف با شد یعنی پس از وقوف

عرفات که مطابق محل روز دوشنبه ۹ ذیحجه بوده روز سه شنبه را هم که به حساب شیعیان ۹ ذیحجه بوده مجدداً در عرفات وقوف کنند. به آنها اظهار نمودیم که این موضوع عملی نیست سابقه هم دارد در سالهایی که اختلاف در رؤیت هلال بوده هیچ وقت دولت عربی اجازه تعدد موقف را نداده بلکه این امر را موجب ایجاد اختلاف و شقاق بین مسلمین می داند و آن را شرعاً جایز ندانسته بلکه تقاضاکنندگان این امر را مخالف وحدت مسلمین تشخیص داده سخت مجازات خواهند نمود و چون خود آنها نیز وقوف عرفات را رکن حج می دانند سعی دارند وقوف آنها صحیح باشد و بطوری که خود ملک ابن السعود اظهار می داشت اشخاص تیزیابی را مأمور رؤیت هلال می کنند و در شهرهای مختلف نجد در روز معین عده زیادی مترصد رؤیت هلال هستند و تلگرافاتی از اطراف راجع به این موضوع می رسد و قاضی شرع در شهادت شهود دقت کافی بعمل می آورد، لذا با این سوابق عدم قبول فتوای حاکم شرع را مانند توهین خیلی شدیدی تلقی خواهد نمود و اصرار در این موضوع علاوه بر اینکه مفید فایده ای نیست ممکن است برای حجاج شیعه خطراتی داشته باشد.

خوشبختانه حضرت آقای سید ابوالحسن اصفهانی هم آقای سید ابراهیم شبر را از طرف خود به حجاز اعزام فرموده بودند که در این قبیل اختلافات نظر حضرت آیه الله را به شیعیان ابلاغ نماید. ایشان را ملاقات نموده در این باب سخن به میان آوردم. اظهار نمود که حضرت آیه الله اصفهانی به ایشان دستور داده اند در این قبیل اختلافات اگر در نتیجه این اختلاف معلوم شود که تعدد موقف ممکن است زیان یا خطری برای حجاج شیعه ایجاد نماید مطابق موقف محل عمل کنند و چون نظر حضرت آیه الله هم همین بود قرار شد آقای سید ابراهیم شبر امر ایشان را به حجاج ابلاغ کنند. اینجانب و آقایان دیگر نیز هر یک به نوبه خود این موضوع را به حجاج حالی نمودیم و قرار شد امسال این موضوع را ابداً مطرح نکنند که اختلافی بین سنی و شیعه رخ ندهد و خطری متوجه حجاج ایرانی نگردد. ولی بعداً آگهی یافتیم که عده ای از ایرانیان به زبان فارسی عریضه به ملک ابن سعود نوشته تقاضا کرده اند به آنها اجازه دهند روز چهارشنبه را هم که به حساب ایران ۹ ذیحجه و به حساب حجاز عید قربان بود برای وقوف به عرفات بروند. ملک

از این تقاضا سخت متغیر شده به رئیس شهربانی دستور داده بود نویسندگان عریضه را گرفته حبس نموده سخت مجازات کند و به قراری که رئیس شهربانی می‌گفت این موضوع را به طور مناسبی حل کرده بود.

اینجانب چون در مهمانخانه بانک مصر منزل داشتم با حجاج مصری مطابق محل به منی و عرفات رفته مناسک حج را انجام دادم، ولی معلوم شد که با تمام این مقدمات عده خیلی زیادی از حجاج ایرانی و شیعیان عراقی روز چهارشنبه را نیز که می‌بایستی همه به منی مراجعت کرده باشند به عرفات رفته‌اند.

رئیس اداره شهربانی حجاز اظهار می‌داشت که بعد از ظهر روز مزبور ملک با کمال تغییر و خشم به وسیله تلفن به او آگهی داده بود که اطلاع پیدا کرده است عده‌ای از حجاج ایرانی به عرفات رفته‌اند و دستور داده که فوراً به هروسيله که شده آنها را بازگرداند و نامبرده با عده زیادی سرباز بدانجا رفته مشاهده نموده بود که مانند روز وقفه عده خیلی زیادی در آنجا هستند. با زحمت زیاد آنها را راه انداخته بود، ولی آنها بدان اکتفا ننموده به مشعرالحرام نیز رفتند، از آنجا هم با سختی فوق‌العاده آنها را به منی فرستاد و به قراری که خودش مدعی بود به ملک گفته بود این عده مخالفت با اجماع ننموده‌اند و برای وقوف مجدد به عرفات نرفته‌اند بلکه نظر به نداشتن وسیله مجبوراً در عرفات مانده‌اند. در هر صورت این حرکت خیلی در ملک ابن السعود و رجال متعصب کشور عربی سعودی اثر بدی باقی گذاشته بود و آن را به شکل توهین شدید تلقی نموده کینه آن را در دل گرفته به فکر انتقام بودند.

بعد از مراجعت حجاج از منی و پایان مناسک حج شنیده شد یک نفر از حجاج ایرانی به عنوان اینکه حرم مطهر مکه معظمه را ملوث نموده گرفته و بین صفا و مروه در مقابل اداره شهربانی کت بسته حاضر و پس از قرائت حکمی او را با شمشیر سربریده‌اند. امیر الحج مصر نیز مرا دید راجع به این موضوع بازجویی نموده می‌پرسید این شخص از کدام دسته از شیعیان است. رفع اشتباه ایشان را نموده تأکید کردم که هیچ عاقلی نباید به سخن عده‌ای جاهل و متعصب گوش بدهد یا این اتهامات باطل را باور کند، زیرا معقول نیست یک نفر مسلمان که

روزی پنج دفعه به این خانه متوجه شده نماز می‌گزارد و هزارها فرسنگ راه را طی کرده و جان خود را در این وقت سخت به خطر انداخته برای ادای فریضه مذهبی که بر تمام مسلمانان واجب است به حج آمده چنین کاری نماید.

پس از انتشار خبر بلافاصله در بین سنیها عموماً و مصریها خصوصاً بر علیه ایرانیان هیجان شدیدی برپا و در چندین جا بین سنیها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داد و ممکن بود کار بالا کشیده بلوایی برپا شود و خون صدها مردم بی‌گناه ریخته شود. سراغ وزیر مختار مصر را که حافظ منافع اتباع ایران است گرفتم گفتند به جده رفته است. کنسول را خواستم ملاقات کنم ممکن نشد معلوم نبود در مکه بود و رو نشان نمی‌داد یا حقیقتاً نبود. بالاخره صبری ابو علم پاشا وزیر دادگستری مصر را که در مهمانخانه بانک مصر منزل داشت و با او سابقه آشنایی پیدا کرده شب قبل راجع به اتحاد اسلام و رفع اختلافات موجود بین مذاهب مختلف مسلمین صحبت‌هایی می‌کردیم ملاقات، گفتم مگر نشنیده‌اید یک نفر مهمان را به چه تهمتی کشته‌اند و مگر نمی‌دانید که بین سنیها و شیعه‌ها زد و خوردهایی رخ داده و ممکن است در نتیجه این تهمت باطل و بی‌اساس خون عده زیادی از مسلمین ریخته شود؟ باید چاره‌ای کرد. گفت من که سمتی ندارم چه می‌توانم بکنم. گفتم من هم یک نفر حاجی مثل شما و دیگران هستم و سمت رسمی ندارم، ولی وظیفه مسلمانی من و شما این است که از این بلوا و خون‌ریزی هر یک به سهم خود جلوگیری کنیم. به علاوه بین مصر و ایران روابط برادری و دوستی موجود است و ایجاب می‌نماید ایرانیان و مصریان دست به هم داده از وقوع یک چنین بلوایی جلوگیری کنند. از این گذشته دولت مصر حفظ منافع اتباع ایران را قبول کرده. وزیر مختار به جده رفته، کنسول هم معلوم نیست کجاست. شما که یک نفر وزیر مصری هستید باید اقدامی کنید.

به اتفاق وزیر دادگستری مصر به اداره شهربانی رفته رئیس شهربانی را ملاقات نمودیم. اظهار داشت وضعیت خیلی بدی است. گفتم شخصی که بی حق کشته شده به جای خود فعلاً باید از اتفاقات سوء دیگر جلوگیری کرد. نخست باید به مطوفین شیعه دستور اکید بدهید که نگذارند حجاج شیعه از خانه‌های خود بیرون آیند تا برای حفظ جان آنها اقدامی بعمل آید. دیگر

اینکه عده زیادی پاسبان و افسران فهمیده به حرم و سایر جاهایی که محل اجتماع حجاج است بفرستید که از نزاع و اختلاف حجاج جلوگیری کنند. از ملک هم باید اجازه گرفت که حجاج ایرانی پیش از سایر حجاج به مدینه مسافرت نمایند. رئیس شهربانی مطابق تقاضای ما این اقدامات را [...] اینجانب با عده‌ای دیگر از حجاج عراقی نیز این موضوع را به آگهی سایر حجاج شیعه رسانیدیم.

از قرار معلوم حاجی بدبختی که بی‌گناه در نتیجه جهل و تعصب مقتول شده از اهالی یزد بوده که با عیال خود به حج مشرف شده بوده است و در حال طواف و در نتیجه گرمی هوا و کسالت حالت استفراغ به او دست می‌دهد و برای اینکه قی او زمین را آلوده نکند در دامن احرام خود استفراغ می‌کند. عده‌ای از حجاج احمق و متعصب که غالباً مصری بوده‌اند او را در این حال مشاهده می‌نمایند و چون این امر بی‌اساس بین سنیها شایع است که شیعیان حرم مکه و مدینه را متعمداً ملوث می‌کنند به او حمله نموده کتک سختی به او می‌زنند و دامن احرام از دست بیچاره رها شده قی روی زمین حرم می‌ریزد.

همان عده و عده‌ای دیگر بر علیه او شهادت داده به تهمت اینکه متعمداً در حرم مکه تفریط نموده او را محکوم به قتل می‌کنند و به طوری که شرح آن در بالا گفته شد او را به قتل می‌رسانند و چون با این وضعیت ماندن در مکه در این محیط [...] مورد نداشت از رئیس شهربانی خواستم فوراً وسایل حرکت مرا به جده فراهم [نمایند] و فردای روز مزبور به جده آمده با اولین کشتی که از جده حرکت کرد به مصر آمدم و مسافرتم از حجاز به طور تعرض صورت گرفت و با شیخ یوسف یاسین منشی مخصوص ملک و فرماندار جده و سایر مأمورین دولت عربی سعودی خداحافظی ننمودم. وزیر مختار مصر بکلی از این موضوع بی‌اطلاع بوده و اقدامی در این باب ننموده بود.

به طوری که ملاحظه می‌فرمایید روش دولت عربی سعودی راجع به این شخص مخالف با تمام قوانین و مقررات انسانیت بوده که یک نفر خارجی را با یک نوع محاکمه مختصری محکوم و به این طرز شیخ مقتول سازند.

در مرحله اول سفارت فوراً یادداشت اعتراض آمیزی به وزارت خارجه سعودی نوشت و چون امیر فیصل که وزیر خارجه سعودی است فعلاً در قاهره است شفاهاً هم اعتراضی به وی نمود و ضمناً به وسیله مصریها که حافظ منافع حجاج ایرانی بودند در این باب توضیح امر خواسته شد، البته نتیجه به عرض خواهد رسید.

به نظر سفارت این رفتار و حشیانه دولت سعودی از جنبه احساسات بشری هم گذشته که حاجی بیچاره را که به منظور مقدسی با خانواده خود از فرسنگها مسافت به مکه آمده بود به این طور فجیع کشته‌اند. از لحاظ صدمه‌ای که بر حسیات (حیثیات) دولت شاهنشاهی ایران در مقابل سایر دول اسلامی وارد شده بی‌اندازه قابل توجه و لازم است از هر جهت موضوع مورد تعقیب قرار گیرد.

منتها تا موقعی که همه حجاج ایرانی از کشور سعودی خارج نشده‌اند اقدامات و اعتراضات سخت باید به تأخیر افتد، زیرا از دولت سعودی که چنین رفتاری را با حجاج ایرانی کرده هیچگونه اقدامی برای آزار سایرین مستبعد نخواهد بود.

ضمناً این قسمت را هم باید معروض بدارد که علت اساسی وقوع این پیش آمدهای ناگوار این است که با آنکه دولت شاهنشاهی از دادن گذرنامه به حجاج خودداری دارند، مع هذا هر سال عده زیادی حجاج از راههای مختلف خود را به هر زحمتی که شده به مکه می‌رسانند و به این طریق عدم موافقت با اعزام نماینده از طرف دولت شاهنشاهی به مکه این وضعیات را پیش می‌آورد. در صورتی که مصریها علاوه بر اینکه سفارت در جده دارند و در موقع حج وزیر مختار و کنسول دائمی نیز در جده دارند هر ساله یکی از اشخاص برجسته خود را به سمت امیرالحج به مکه می‌فرستد که از هر جهتی حفاظت حجاج تأمین گردد.

قربانی

- رونوشت و ترجمه یادداشت اعتراض آمیز سفارت به وزارت امور خارجه سعودی برای مزید آگهی به پیوست فرستاده می‌شود.

سند شماره ۴۱

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۹/۳۰

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه عربستان سعودی

موضوع: یادداشت اعتراض نسبت به قتل حاجی ایرانی

نمره: ۱۶۲/ح/۷۵

سفارت شاهنشاهی ایران به وزارت خارجه عربستان سعودی در مکه مکرمه اشعار می‌دارد بنابر اطلاع این سفارت یکی از حجاج ایرانی از اهالی یزد که به اتفاق همسرش برای مراسم حج به حجاز آمده است هنگامی که دور کعبه معظمه طواف می‌کرده است بر اثر خستگی و گرما و بیماری به طور ناگهانی دچار استفراغ می‌گردد و به جرم و هن به بیت الله الحرام که خداوند آن را مکانی امن برای مردم قرار داده مورد ضرب و شتم و سپس به اتهام آلوده کردن حرم مطهر بعد از محاکمه‌ای کوتاه و با شهادت افراد غیر مسئول به اشد مجازات که گردن زدن وی در ملاء عام باشد، محکوم می‌گردد.

سفارت شاهنشاهی ایران شدیداً نسبت به این کار غیر قانونی و مخالف شرع و انسانیت که حق یکی از حجاج ایرانی و اتباع دولت مسلمان و دوست که با هزاران آرزو خواستار انجام فریضه حج و زیارت کعبه را دارند به مورد اجرا گذاشته شده اعتراض کرده و در انتظار دریافت جزئیات خبر و پاسخ وزارت خارجه می‌باشد. این سفارت تمامی حقوق دولت ایران نسبت به این حادثه تأسفانگیز را محفوظ می‌دارد.

وزارت خارجه عربستان سعودی در مکه مکرمه

سند شماره ۴۲

تاریخ سند: ۳ محرم الحرام ۱۳۶۳

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در قاهره

موضوع: پاسخ به یادداشت اعتراض سفارت در باب قتل حاجی ایرانی

نمره: ۱۷۰

وزارت امور خارجه کشور عربی سعودی مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران می‌رساند که با کمال تأسف یادداشت شماره ۱۶۲/ح/۷۵ مورخه ۱۳۲۲/۹/۳۰ مطابق ۱۹۴۳/۱۲/۲۲ سفارت را دریافت نمود.

سفارت ایران صورت جرمی را که یکی از حجاج ایرانی مرتکب شده به نحوی که خواسته تصویر نموده و آن را مخالف شرع و قانون و انسانیت تشخیص داده است و اگر سفارت ایران راجع به امر بازجویی می‌نمود و به حقیقت آن پی می‌برد در ارسال این یادداشت تسریع نمی‌نمود.

دولت عربی سعودی که هیچ شخصی را بدون جرم واضحی از او مجازات نمی‌کند، چگونه مورد قبول عقل خواهد بود که بدون وجود دلایل قطعی نسبت به یکی از حجاج حکمی را اجرا کند. از دولتی که مطابق شرع الهی رفتار می‌کند و امنیت و عدل و آرامش را بر تمام اتباع دولت و مسافرینی که به این کشور مقدس می‌آیند گسترده، چنین امری واقع نشده است و نخواهد شد.

دولت عربی سعودی امسال بیش از هر سال به حجاج ایرانی کمک نمود. این کمک که مافوق طاقت ما بود در نتیجه آمدن حجاج ایرانی با چنین اتومبیلهایی که برای حمل و نقل آنها از خارج به این کشور مناسب نبود، سبب شد که به توزیع خواربار داخلی کشور صدمه وارد آید،

چه پس از ورود آنها به این کشور و خرابی اتومبیلها در صحرا و تنگی وقت دولت عربی سعودی اتومبیلهای حمل و نقل مواد خواربار داخلی خود را به حمل و نقل حجاج ایرانی اختصاص داد و آنها را از مرگ حتمی نجات داد. دولتی که چنین عملی بنماید ممکن نیست تهمت صدور حکمی مخالف با شرع و انسانیت به او نسبت داده شود، چه وقوع چنین امری در این کشور امکان ندارد.

بیت الله الحرام پیش از ورود حجاج ایرانی به مکه ظاهر بود، از هر امری که صیانت از آن ضرورت داشت ولی پس از ورود بعضی از حجاج ایرانی به مکه و ورود آنان به بیت الله الحرام، مسلمانان و مستخدمین حرم ملاحظه نمودند که در اطراف حرم و در پیرامون مقام ابراهیم و در محل طواف حجاج قاذوراتی دیده می شود و تمام حجاج مسلمان این عمل را به ایرانیان نسبت می دهند. دولت دستور داد که حرم را تحت مراقبت دقیق قرار دهند. این بود که شخص مذکور در یادداشت سفارت ایران را در حال اقدام به جنایت دستگیر نمودند، در حالی که قاذورات مستراحها را در دامن احرام خود برداشته و در محل طواف دور خانه خدا می ریخت که صدها میلیون مسلمان آن را مقدس می شمارند.

پس از اینکه وقوع این جنایت با دلایل شرعی و اقرار شخص نامبرده ثابت گردید چاره ای جز اجرای احکام صریح قرآن در این مورد که می فرماید (و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم) نبود. (یعنی کسی که در خانه خدا اراده و نیت الحاد و ظلم نماید او را به عذاب الیم گرفتار خواهیم کرد).

عذاب دنیا قتل است و عذاب آخرت مطابق نص کتاب خدا عذاب جهنم است. چه جرم و جنایتی از این شنیع تر و منکرتر که شخصی از خانه خود بیرون آمده، دشت و بیابان را بپیماید به منظور اینکه خانه خدا را به نجاست آلوده و ملوث کند و حال آنکه به تطهیر این خانه از نجاست و کفر و شرک امر فرموده چه می فرماید: (و طهر بیتی للطائفین و القائمین و الرکع السجود) یعنی (خانه مرا برای طواف کنندگان و نماز گزاران و کسانی که به رکوع و سجود می پردازند تطهیر کن).

از این گذشته ایرانیان امسال در خانه خدا رویه ای اتخاذ نموده بودند که آنان را از جماعت مسلمین خارج می نماید، چه در موقع نماز جماعت اگر عده ای از آنها در داخل حرم بودند از ادای نماز با جماعت مسلمین خودداری می کردند و رفتار آنها در خانه خدا بی نهایت موجب سوء ظن بود و اسباب بدبینی تمام مسلمین نسبت به آنها شد و اگر بیداری فوق العاده دولت عربی سعودی نبود و اگر اقدامات دقیقی برای حفظ حیات حجاج ایرانی در داخل و خارج حرم بعمل نمی آمد، نظر به هیجان عامه مسلمین نسبت به اعمال منکر و ناروای آنها در خانه خدا، اهانت های عظیم و تعذیبات شدید نسبت به آنها می شد، به حدی که به امنیت و آرامش کشور خلل وارد می آمد.

در اینجا لازم می داند نظر دولت ایران را به این نکته متوجه سازد که دولت، برای اثبات حسن نیت و دور اندیشی خود به وسیله سفارت ایران در بغداد به تاریخ چهارم شعبان ۱۳۶۱ نظر دولت ایران را متوجه این امر نمود و لزوم توجه و اهتمام به اتومبیلهای حجاج را گوشزد نموده گفت که اگر خطرهایی برای حجاج پیش بیاید دولت عربی سعودی خود را مسئول نمی داند، زیرا که کمک به آنها از حیث اقتدار آن خارج است ولی با تمام اینها دولت ایران به این موضوع اهمیتی نداد و در نتیجه دولت عربی سعودی اتباع ایران را از مرگ نجات داد. همچنین نظر وزیر مختار ایران در بغداد را به این نکته متوجه ساختیم که به حجاج ایرانی اکیداً قدغن نمایند که بر خلاف اوامر شرع شریف در خانه خدا کاری نکنند که در معرض تعرض و انزجار مسلمین واقع شوند و اتفاق ناگواری برای آنها رخ دهد. در آن موقع سفارت ایران در بغداد از سفارت عربی سعودی از این تذکر سپاسگزاری نموده وعده داده بود واقع شد و اتفاقات پیش بینی خواهد نمود، ولی متأسفانه برخلاف آنچه سفارت وعده داده بود واقع شد و اتفاقات پیش بینی ما را تأیید کرد و هر شخص منصفی می تواند حکم کند که مسئولیت و تقصیر از کدامیک از طرفین بوده است.

با وجود این دولت عربی سعودی از بذل آنچه برای مساعدت به حجاج ایرانی و حمایت و حفاظت آنها لازم بود فروگذار ننمود و اگر تفضل خداوندی و اقدامات احتیاط کارانه دولت

عربی سعودی نبود عده زیادی از حجاج ایرانی در نتیجه رفتار خجالت‌آوری که در خانه خدا می‌کنند به قتل می‌رسیدند.

دین اسلام به ولی امر حق داده که در جرمهای مخالف کتاب خدا کیفر مناسبی را اجرا نماید که موجب امتناع دیگران از ارتکاب چنین جرمی گردد، چه در قرآن می‌فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و سيعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض» یعنی کیفر کسانی که با خدا و پیغمبر جنگ می‌کنند و در زمین موجب فساد می‌گردند آن است که آنان را بکشند یا به دار آویزند یا دست و پای آنان را ببرند و یا آنان را تبعید نمایند. چه فسادی از این بزرگتر که خانه خدا را ملوث کنند؟

لذا دولت عربی سعودی موردی برای اعتراض سفارت ایران نمی‌بیند، زیرا که نسبت به مجرم جز به فرمان خدا و مطابق کتاب او حکمی اجرا نگردیده است.

سند شماره ۴۳

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۱۱/۱۲

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: سفارت عربی سعودی در قاهره

موضوع: پاسخ یادداشت وزارت خارجه عربی سعودی

در باب قتل یک نفر حاجی ایرانی

نمره: ۷۷ / ح / ۱۸۶

دولت ایران عمل منتسب به طالب نام ایرانی را به دلایل زیر جرم و قابل مؤاخذه نمی‌داند. علاوه بر اینکه حاج [حجاج] ایرانی و عراقی شهادت داده‌اند که در اثر کسالت و گرمی هوا هنگام طواف کعبه حالت تهوع به نامبرده دست داده و برای اینکه خانه کعبه آلوده نشود در دامن احرام خود استفراغ نموده و می‌خواسته است آن را به خارج ببرد اصولاً هیچ ذیشعوری نباید باور کند که کسی که به شوق ادای فریضه دینی با تحمل خسارت و رنج چنین سفری به بیت الله مشرف می‌شود قصد او ملوث نمودن خانه کعبه باشد.

بسیار موجب تأسف است که یک دولت اسلامی این قدر از رسوم بین المللی و قواعد دینی بی‌خبر باشد و صرفاً به استناد اظهارات ناحق عده‌ای از جهال متعصب که در فروع دینی با مسلمین شیعه اختلاف نظر دارند بدون دقت لازم و تحقیق در مقام اعدام بی‌گناهی برآیند که بر طبق کلام الهی: (فمن دخله کان امناً) باید در خانه خدا از هرگونه تعرضی مصون باشد.

جای هیچ‌گونه تردید نیست که عملی که از طالب نام ایرانی دیده شده فقط در اثر کسالت و کاملاً اضطراری بوده و با این حال معلوم نیست چگونه دولت سعودی که در یادداشت خود کراراً به آیات قرآنی استناد می‌جوید در این مورد برخلاف کلام الهی (لیس علی المریض حرج) و نص نبوی (رفع عن امتی تسعه و ما یضطرون الیه) رفتار نموده و تبعه یک دولت اسلامی

دوست خود را در موقعی که مهمان و در پناه او بوده است دست بسته گردن زده و به حال همسر بیچاره او رحم و شفقت ننموده است. عجیب‌تر آنکه وزارت امور خارجه سعودی برای پرده پوشی این امر فجیع استدلال به آیاتی از قرآن کریم نموده و آیه شریفه (ومن یرد فیه بالحد بظلم نذقه عذاب الیم) و (انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله) را مدرک و مجوز این عمل قرار داده در حالی که در هیچ یک از تفاسیر معتبره اشعاری به آن نیست که عمل ناشی از شخص مقتول منطبق با مدلول این دو آیه باشد.

مطلب دیگر یادداشت دولت سعودی که موجب تعجب گردیده و سوء نیت مأمورین وابسته را مسلم می‌دارد این اظهار آنهاست که قبل از ورود ایرانیان خانه کعبه تمیز بوده و بعد از آمدن عده‌ای ایرانیان کثافتی در آنجا مشاهده شده است.

اگر عده قلیلی از ایران در ایام حج به خاک حجاز می‌آیند در تمام سال عده بیشتری مرتباً به زیارت مشاهد مقدسه می‌آیند و هرگز چنین نسبتی به آنها داده نشده است.

[...] اذیت و آزار حجاج ایرانی و کشتن یک نفر بیگناه در ملت ایران انزجار و تنفر شدیدی تولید نموده و تأثیرات [...] بخشیده است.

وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی اتهامات مذکوره در یادداشت دولت سعودی را جداً تکذیب و نسبت به قتل طالب نام ایرانی و تجاوزات مأمورین دولت سعودی و اهانتی که به ایرانیان شده شدیداً اعتراض می‌نماید و یادداشت دولت سعودی را به هیچ وجه قابل قبول نمی‌داند و تا وقتی که جان و حیثیت ایرانیان در خاک دولت عربی سعودی محفوظ نباشد واسترضای خاطر دولت ایران و جبران این رفتار که در مناسبات بین المللی اسمی برای آن نمی‌توان پیدا کرد بعمل نیاید دولت ایران خود را مجبور خواهند دید در ادامه مناسبات با دولت عربی سعودی تجدید نظر نمایند.

سند شماره ۴۴

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۱۲/۱۶

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تلاشهای وزارت خارجه و نخست وزیر مصر جهت حل و فصل مناقشه

نمره: ۲۲۴/ح/۷۷

وزارت خارجه

امروز هفتم مارس (۱۶ اسفندماه ۱۳۲۲) در ساعت ۱۱/۲۵ به وزارت امور خارجه رفته با آقای صلاح الدین بیک معاون وزارت امور خارجه ملاقات بعمل آمد. مفاد تلگراف شماره ۱۹۵۳ وزارت خارجه به ترتیب ذیل ابلاغ گردید.

وزارت خارجه از زحماتی که جناب آقای نحاس پاشا در قضیه قتل ابوطالب یزدی متحمل شده‌اند متشکر است. راجع به پیشنهاد اعلامیه سه جانبه که جناب نخست وزیر پیشنهاد کرده‌اند نظر دولت شاهنشاهی این است مادامی که قضیه قتل ابوطالب و توهینی که نسبت به ایرانیان شده است تصفیه نشده دولت شاهنشاهی حاضر به امضای هیچ قراردادی با دولت سعودی نیست، بنابراین این پیشنهاد فعلاً مسکوت گذارده می‌شود. به علاوه دولت ایران نظر به احترام اظهار نظری که نحاس پاشا در تأخیر انداختن قطع رابطه با دولت سعودی نموده بودند بیست روز دیگر بر مدت آن که اول یک ماه در نظر گرفته شده بود می‌افزاید، بنابراین چنانکه تا ۲۶ مارس ششم فروردین ۲۳ اقدام مساعدی در رفع این توهین و جبران قتل ابوطالب نشود دولت مصمم است هرگونه روابط سیاسی و اقتصادی با دولت عربی سعودی بنماید و نظر به اینکه این اتفاق در موقعی که نماینده دولت پادشاهی مصر مأمور حفظ منافع ایران بوده بعمل آمده دولت شاهنشاهی انتظار دارد از طرف جناب آقای نخست وزیر نحاس پاشا جدیت و

اهتمام بیشتری در حل قضیه و استرضای خاطر دولت ایران بعمل آید. آقای صلاح الدین بیک اظهار کردند که مراتب را به نحوی که ذکر شد به اطلاع آقای نحاس پاشا فوراً خواهند رسانید. با اظهار امتنان خدا حافظی نموده به سفارت مراجعت نمودم. یادداشتی هم که صورت آن در پرونده ضبط است بر طبق تلگراف شماره ۱۱۵۳ به دولت عربی سعودی توسط سفارتشان در مصر کتباً فرستاده شد.

سفیر کبیر

سند شماره ۴۵

تاریخ سند: ۱۵ ربیع الاول ۱۳۶۳

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در قاهره

موضوع: حاجی مقتول ایرانی

نمره: ۶۹/۱/۲۰

وزارت خارجه عربی سعودی وصول یادداشت شماره ۷۷/ح/۱۸۶ مورخ ۱۲ بهمن ماه هجری شمسی مطابق ۲/۲/۱۹۴۴ راجع به عبده طالب حسن ایرانی را مفتخراً به آگهی سفارت شاهنشاهی ایران رسانیده علاقه‌مند است علاوه بر توضیحاتی که در یادداشت سابق داده حقایق مذکور در زیر را نیز از نظر سفارت شاهنشاهی بگذراند:

- ۱- وزارت خارجه عربی سعودی حقیقت جرم صادره از مجرم نامبرده را قبلاً توضیح داده است و این امر به شهادت شهود و اقرار خود مجرم به طور قطع و یقین ثابت گردیده است.
- ۲- این اتفاق اسف‌انگیز پیش آمد سری و محرمانه نبوده است و عده زیادی از حجاج از آن آگهی یافتند و نزدیک بود بین حجاج ایرانی و سایر حجاج فتنه‌هایی بر پا شود ولی اقدامات دولت عربی سعودی و بیداری آن در حفظ حیات حجاج از وقوع این فتنه‌ها جلوگیری نمود.
- ۳- دولت شاهنشاهی ایران با در نظر گرفتن روابط دوستانه موجوده بین دو کشور مخصوصاً زحمات امساله دولت عربی سعودی برای نجات حجاج ایرانی از مرگ قطعی و حتمی در صحراها و بیابانها و همچنین در نظر گرفتن معاملات سوء حکومتهای سابق با حجاج ایرانی و مقایسه آن با رفتار حکومت فعلی نسبت به آنها و توجه به اینکه اجرای حکم نسبت به مجرم صورت نگرفته مگر پس از ثبوت قطعی جرم نسبت به او و اینکه مجازات مزبور مطابق حکم شرع و مقررات کشور و قوانین شرعیه آن بوده است خواهد دانست که از طرف دولت عربی

سعودی اقدامی بعمل نیامده است که منظور از آن خدشه رساندن به روابط دوستانه دو کشور یا لطمه وارد آوردن به حیثیت ملت ایران باشد حکم صادره مطابق شرع و مقررات کشور و روی اصول معامله متقابل بوده است و اگر یک نفر سعودی در ایران برخلاف قوانین و مقررات کشور اقدامی نمود و مطابق احکام قوانین محلی محکوم گردید دولت عربی سعودی حق اعتراض را بدان نخواهد داشت.

مهر وزارت خارجه عربی سعودی

سفارت شاهنشاهی ایران - قاهره

سند شماره ۴۶

تاریخ سند: فروردین ۱۳۲۳

فرستنده: عبدالعزیز ابن سعود

گیرنده: محمدرضا شاه

موضوع: تبریک سال نو

نمره:

اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی - تهران

با کمال مسرت از این فرصت استفاده نموده به مناسبت سال جدید تمنیات خالصانه

خود را برای سعادت آن اعلیحضرت و ملت نجیب ایران تقدیم می‌دارم.

عبدالعزیز

سند شماره ۴۷

تاریخ سند: فروردین ۱۳۲۳

فرستنده: محمدرضا شاه

گیرنده: ملک عبدالعزیز

موضوع: پاسخ پیام تبریک

نمره:

اعلیحضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

از تبریکاتی که به مناسبت نوروز فرموده بودید متشکرم و امیدوارم که دولت آن
اعلیحضرت با پیشنهاد راه حل دوستانه و رضایت بخش راجع به مسائل مورد بحث فیما بین
سعی دولت را برای تحکیم روابط دوستانه موجود بین دو ملت تسهیل خواهدکرد.

محمدرضا پهلوی

سند شماره ۴۸

تاریخ سند: فروردین ۱۳۲۳

فرستنده: ملک عبدالعزیز

گیرنده: محمدرضا پهلوی

موضوع: درخواست حل اختلافات فیما بین

نمره:

حضرت صاحب الجلاله شاه ایران

وصول تلگراف آن اعلیحضرت بهترین تأثیرات را برای ما حاصل و خدا را شکر می‌کنم
که برای مسلمین پیشوایانی تجربه دیده مانند آن اعلیحضرت فرستاده که در اوضاع سختی مثل
وضعیت فعلی در پیشرفت مصالح کشور خود اهتمام می‌نمایند و این فرصت را مغتنم شمرده
برای آگاهی خاطر خطیر ملوکانه برادر خود تذکر می‌دهیم که این واقعه اسف‌آور که در یک مکان
مقدس و در مقابل هزاران هزار از مسلمین اتفاق افتاد مطابق حکم شرع شریف که در بلاد ما
دربارۀ خاص و عام نافذ و جاری است رفتار شده و مایقین داریم که اگر نظیر این امر در بلاد آن
اعلیحضرت اتفاق می‌افتاد حکمی را که طبق قوانین و مقررات کشور صادر شده است هر طور آن
اعلیحضرت مقتضی می‌دانند به موقع اجرا می‌گذارند و منظور از اجرای حکم شرعی به هیچ
وجه لطمه و اهانتی به شرافت و حیثیت ملت دوست خودمان که هزاران نفر از ایشان را امسال
در ایاب و ذهاب به مکه از چنگال مرگ در صحرا و بیابان نجات داده بودیم نبوده است و با
استحضار خاطر اعلیحضرت برادر ارجمند به حقیقت ماقع که اشخاصی که مایل هستند از آب
گل آلود ماهی بگیرند سعی در کدورت روابط ما بین دو کشور می‌نمایند و پس از وقوف به نیک
خواهی و صداقت ما یقین حاصل خواهید فرمود که اقدام ما از روی اضطرار و طبق نظامات
کشور خودمان بوده و هیچ منظور دیگری جز اجرای حکم شرع و اطفای فتنه بین حجاج

نداشته‌ایم و برای اینکه ممکن است در تلگراف اغلاطی حاصل شود نامه مخصوصی به آن اعلیحضرت فرستادیم که از جریان امر به طور کامل و چنانکه اتفاق افتاده استحضار حاصل فرمایند.

باتقدیم سلام و احترامات

عبدالمعزیز

سند شماره ۴۹

تاریخ سند: ۱۳۲۳/۱/۲۴

فرستنده: کاظمی

گیرنده: ساعد

موضوع: قطع رابطه با کشور عربی سعودی

نمره:

جناب آقای ساعد

قرار بود ششم فروردین روابط با کشور سعودی قطع شود. با جوابهای حکومت سعودی و جریان امر تأخیر بیش از این مخالف مصالح عالییه و حیثیات ایران [است]. واجب است تلگرافاً فرمایند فوراً روابط قطع حفظ منافع به دولت عراق واگذار می‌شود.

کاظمی

حاشیه:

منتظر جواب ۲۵ و حواله ترجمه هستم.

مفتاح کاظمی

سند شماره ۵۰

تاریخ سند: ۱۳۲۳/۲/۱۴

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مسأله قطع روابط با عربستان سعودی

نمره: ۲۵۱/ح/۷۷

وزارت امور خارجه

تلگراف شماره ۱۶۰ واصل با جناب آقای سید باقر کاظمی تبادل نظر گردید. قبلاً هم با نحاس پاشا و شارژ دافرعربی سعودی مذاکره بعمل آمده است. اولاً اگرچه لحن تلگراف اعلیحضرت ابن السعود ملایم و دوستانه است، ولی در اصل موضوع که قتل ابوطالب یزدی باشد می‌گوید حکم از محکمه شرع مطابق قانون محل صادر و اجرا گردیده است نمی‌شود آن را تغییر داد. نحاس پاشا و سفیر کبیر انگلیس هم صریحاً به اینجانب اظهار نموده‌اند دولت ابن السعود حاضر برای خواستن عذر یا دادن وجهی به وراثت مقتول نمی‌باشد، بنابراین راه حلی جز به دو طریق به نظر نمی‌رسد. اولاً برای سیاست داخلی و حفظ حیثیت، دولت باید قطع رابطه نماید یا اینکه اگر دولت تصور می‌فرمایند که می‌تواند افکار عمومی را ساکت و راضی نماید همین تلگراف ملک ابن السعود را که نسبت به آینده تلویحاً مساعد است قبول نموده موضوع را مسکوت عنه بگذارد.

نظر آقای کاظمی در قطع رابطه است. تصمیم قطعی در این باب بسته به نظر دولت خواهد بود. البته خود آقای کاظمی که فردا عازم تهران است حضوراً توضیحات لازمه را به عرض خواهد رسانید.

سفیرکبیر

سند شماره ۵۱

تاریخ سند: ۱۳۲۳/۴/۸

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: قتل حاجی ایرانی و اثر آن در روابط دو کشور

نمره: ۲۵۸/ح/۷۷

محرمانه مستقیم

وزارت امور خارجه

نامه محرمانه شماره ۱۰۹۲ مورخه ۲۴ خرداد گذشته در خصوص قتل ابوطالب یزدی در مکه عز وصول بخشید، بطوری که دستور داده شده، اقدام خواهد شد ولی تصور نمی‌کنم در انتشار این اخبار در مصر موفقیتی حاصل و در حل مسأله بطوری که منظور دولت است نتیجه بدست بیاید، زیرا در تمام مصر سانسور بسیار شدید موجود است. اداره سانسور قطعاً نخواهد گذاشت جملاتی به عربی سعودی در روزنامه‌ها منتشر شود، چنانکه برای مقاله‌ای که در روزنامه پروکراژپسین در تاریخ ۱۹۴۴/۲/۵ راجع به این موضوع به عنوان اقتباس از آژانس فرانسه از لندن منتشر کرد فوراً مورد مؤاخذه سخت قرار گرفته و جوابی که قطعاً از طرف وزارت امور خارجه مصر القاء شده بود داده شد که بر علیه ابوطالب یزدی و تأیید اقدام حکومت عربی سعودی بود. بطوری که در گزارشات سابق سفارت اشعار شده در آن موقع جوابی از طرف سفارت داده شد و سانسور مانع انتشار آن گردید. اینجانب نزد نحاس پاشا نخست وزیر رفته شدیداً اعتراض و اظهار کردم دولت مصر که حافظ منافع ایران در مکه بوده برخلاف انتظار علاوه بر اینکه مساعدتی در این قضیه اسف‌آور و برای حل موضوع نکرده این تأثیر را می‌دهد که از اقدام خلاف انسانیت و عدالت سعودیها تقویت دارد، جواب داد دولت مصر مسلمان و با هر

دو کشور دوست است میل ندارد یک مشاجره قلمی توسط جراید در این باب برپا و بالاخره باعث آشفتگی وضعیت بشود، این است دستور داده است هیچ خبری در این موضوع منتشر ننمایند، با این روحیه تصور نمی‌کنم اگر کنسولگری دمشق موفق به انتشار بعضی مقالات بشود بگذارند در جراید مصر منعکس شده و نتیجه از آن بدست بیاید دولت انگلیس هم که به آن اشاره فرموده‌اید در مقابل اقدام دولت در تهران و مخلص در مصر پس از مراجعه سفارت کبیرای انگلیس به لندن جواب دادند چون موضوع مذهبی است دولت انگلیس میل ندارد مأمورین انگلیسی در این قضیه مداخله کنند. وزیر مختار امریکا هم به اینجانب اظهار تأسف از وقوع قضیه نموده اظهار کرد امیدوارم موضوع را بزرگ نکرده و احتراز از قطع روابط بین دولتین بشود، رویه آنها هم با این اظهار وزیر مختار امریکا معلوم شد، پس بنابراین مسأله باید بین ایران و دولت سعودی مستقیماً حل بشود. به نظر اینجانب اگر چنانکه دولت شاهنشاهی تلگراف اعلیحضرت ملک عبدالعزیز را به اعلیحضرت اطمینان بخش برای آتیه می‌دانند و به عقیده اینجانب اطمینان بخش هم هست با اطلاع آقایان علما مفاد تلگراف ملک عبدالعزیز را منتشر و قضیه را ختم شده بدانند. در صورتی که از نقطه نظر تأثیرات سویی که قتل ابوطالب یزدی در عالم شیعه کرده دولت محظوراتی از نقطه نظر سیاست داخلی دارد، چون وسیله فشار دیگری دولت بر علیه حجاز ندارد، در ایران و عراق اعلام نمایند که چون دولت حجاز حاضر برای جبران این فاجعه عظیم نشده دولت ایران تصمیم گرفته مادامی که این قضیه حل نشده مسافرت به حجاز را اکیداً قذغن نماید، البته این امر اگر آقایان علمای عتبات هم مسافرت حج را تا مدتی تحریم نمایند مؤثرتر و بهترین وسیله فشار خواهد بود. حال به هر نحوی که دولت صلاح می‌دانند اقدام خواهند فرمود منظور این است که دولت به هیچ وجه انتظار مساعدتی از طرف مصر و انگلیس و امریکا حتی عراق نباید داشته باشند، زیرا تمام این دول خود در این موقع منافعی در حجاز دارند که موضوع ابوطالب را در درجه آخر قرار می‌دهند.

سفیر کبیر

سند شماره ۵۲

تاریخ سند: ۱۶ ذی قعدة ۱۳۶۶

فرستنده: عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

گیرنده: محمدرضا پهلوی

موضوع: ترجمه نامه ابن السعود در باب تجدید روابط دوستانه

نمره:

بسم الله الرحمن الرحيم

از طرف عبدالعزیز ابن عبدالرحمن الفيصل آل سعود

به اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی معظم...

پس از ادای سلام زحمت می‌دهد که جناب استاد عادل بیگ عسیران به ملاقات ما آمد و به سابقه وطنپرستی و احساسات اسلامی خود در باب همکاری صمیمانه‌ای که در شرق اسلامی بین کلیه طبقات ملل ما جاری و حکمفرماست و همگی از آن مسرت داشته و بر هر یک از ما تحکیم آن روابط دوستانه و محبت‌آمیز و تسهیل جریان آن بین عموم که صلاح کشور و سعادت عالم انسانیت و موجب رفاه و خوشبختی همگی است لازم و واجب است سخن راند. اینک نظر به اینکه ما هم اشتیاق کاملی به این موضوع داشته و مایل به تحکیم و تسهیل جریان آن می‌باشیم کما اینکه در عین حال مایل به رفع کلیه موجبات سوء تفاهم بوده و مایل به تشدید مبانی دوستی و مودت بین کلیه ملل شرق هستیم، لهذا موجب کمال مسرت ماست که مناسبات دوستی قدیمی خود را که گردی از فترت بر آن نشسته بود با دولت آن اعلیحضرت تجدید نموده که آنها به مجاری سابق خود باز گردد و برای وصول به این منظور مقرر داشته‌ایم در همین نزدیکی یعنی پس از بازگشت وزیر امور خارجه ما از امریکا وزیر مختاری در دربار آن اعلیحضرت معین و برقرار نماییم که دوستی بین دو ملت را وصل و تشدید نماید، همچنانکه

خوشوقت خواهیم شد چنانچه آن اعلیحضرت هم عین همین عمل را اجرا بفرمایند تا امور بین دو کشور به حال طبیعی خود بازگشته و باب مودت و دوستی مانند گذشته برقرار شده و در آینده هم پایدار بماند.

اینک به مناسبت این پیش آمد فرخنده احترامات خالصانه و بهترین آرزوهای خود را به پیشگاه آن اعلیحضرت تقدیم می‌دارم.

والسلام در کاخ سلطنتی احسا روز ۱۶ ذی قعدة سال ۱۳۶۶

قلمی گردید، عبدالعزیزالسعود

سند شماره ۵۳

تاریخ سند: ۲۶/۷/۲۸

فرستنده: محمدرضا پهلوی

گیرنده: ملک ابن السعود

موضوع: پاسخ نامه وی جهت رفع سوء تفاهمات موجود

نمره:

پاسخ نامه ملک ابن السعود از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

اعلیحضرت ملک ابن السعود پادشاه کشور عربی سعودی

نامه گرامی مورخ ۱۶ ذی القعدة الحرام ۱۳۶۶ که حاکی از اظهار اشتیاق آن اعلیحضرت به تجدید مناسبات دوستی و رفع کلیه موجبات سوء تفاهم و تصمیم به اعزام وزیر مختار به دربار ما بود زیب و وصول بخشید با علاقه تامی که ما و دولت ما مخصوصاً به دامنه روابط حسنه و تحکیم رشته‌های مودت بین ایران و کشورهای اسلامی داریم از سوء تفاهم موجود بین دو کشور همواره ملالت خاطر داشتیم و بنابراین تمایل آن اعلیحضرت را با حسن قبول تلقی نموده و یقین داریم با توجه و اهتمام خاص آن اعلیحضرت و ورود وزیر مختاری که به دربار ما مأمور خواهد شد دوره جدیدی در مناسبات دو کشور آغاز خواهد گردید، ما نیز به دولت خود امر و مقرر داشتیم متقابلاً در تعیین و اعزام وزیر مختار نزد آن اعلیحضرت اقدام شایسته بعمل آورد. در خاتمه مسرت خاطر خود را از احساسات مودت آمیزی که نسبت به ما ابراز فرموده‌اید به ضمیمه احترامات خالصانه خود به آن اعلیحضرت اظهار می‌داریم.

کاخ مرمر به تاریخ بیست و هشتم مهرماه یک هزار و سیصد و بیست و شش.

سال هفتم سلطنت ما

سند شماره ۵۴

تاریخ سند: ۲۷/۱/۳۰

فرستنده: وزیر امور خارجه

گیرنده: نخست وزیر

موضوع: جواز و یا عدم جواز سفر حج

نمره: ۱۴۵۱/۲۲۵۷
۲۷/۲/۱

جناب آقای نخست وزیر

کنسولگری شاهنشاهی در بمبئی بنا به تقاضای انجمن ایرانیان استفسار نموده «آیا مسافرت به کشور سعودی در سال جاری برای ادای مراسم حج آزاد است یا نه» و درخواست شده است به منظور استحضار ایرانیان مقیم بمبئی تصمیمی که در این مورد اتخاذ شده به اطلاع کنسولگری نامبرده برسد. ضمناً متذکر می‌گردد روابط بین دولت شاهنشاهی ایران و عربستان سعودی که پس از اعدام ابوطالب یزدی در سال ۱۳۲۲ قطع و موجب منع صدور اجازه مسافرت به کشور حجاز گردیده بود بر اثر تقدیم نامه‌ای از طرف اعلیحضرت ابن سعود به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مجدداً برقرار و به موجب همان نامه قرار است نماینده‌ای از طرف دولت نامبرده به دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اعزام گردد. بنا به مراتب مذکوره در فوق استدعا می‌شود از هرگونه تصمیمی که در مورد اجازه مسافرت به اتباع شاهنشاهی به کشور حجاز اتخاذ می‌فرمایند وزارت امور خارجه را مستحضر سازند تا دستور کلی در این باب به مأمورین شاهنشاهی در خارجه و ادارات مربوطه مرکز ارسال گردد.

فتوحی

وزیر امور خارجه

۲۷/۱/۳۰

حاشیه:

۱- خیلی فوری است

۲- اداره یکم سیاسی ملاحظه و پاراف خواهند فرمود.

۳- ۲۷/۱/۳۰ اداره اول

تاریخ سند: ۲۷/۴/۲۰

فرستنده: وزارت امور خارجه ایران

گیرنده: سفارت کشور عربی سعودی

موضوع: تسهیلات و امنیت حجاج ایرانی

نمره: ۴-۱۴۸۸/۱۶۰۶۰

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت عربی سعودی عطف به یادداشت شماره ۷۷/۲۷۶ مورخ ۴۸/۷/۱ و پیرو مذاکرات شفاهی جناب آقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه با جناب آقای حمزه قوث [غوٹ] وزیر مختار دولت سعودی راجع به مسافرت اتباع ایران به کشور عربی سعودی به قصد حج احتراماً خاطر نشان می‌سازد نظر به تعهد دولت سعودی در تسهیل مسافرت حجاج ایرانی، دولت شاهنشاهی انتظار دارد تدابیر مقتضی از طرف مأمورین دولت عربی سعودی اتخاذ گردد که حجاج ایرانی از حداکثر تسهیلات ممکنه استفاده نموده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرائض دینی آنها هیچ گونه مشکلاتی ایجاد شود و وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم نمایند.

تاریخ سند: ۱۳۶۷/۹/۱۱ (۱۹۴۸/۷/۱۸)

فرستنده: سفارت کشور عربی سعودی

گیرنده: وزارت امور خارجه ایران

موضوع: تدابیر مقتضی جهت آسایش حجاج

نمره: ۸۹/۲/۷۶

سفارت عربستان سعودی با تقدیم احترامات به وزارت خارجه شاهنشاهی مفتخرأ در پاسخ یادداشت شماره ۴/۱۴۸۸/۱۶۰۶۰ مورخ ۱۳۲۷/۴/۲۰ اعلام می‌دارد که دولت عربستان سعودی نهایت کوشش خود را برای محافظت و تأمین آسایش حجاج به کار می‌برد و حجاج ایرانی را نیز مانند دیگر حجاج مشمول این محافظت و نگاهداری می‌سازد و به هیچ وجه مایل نیست کوچکترین زیان و آسیبی به ایشان وارد شود.

دولت برای سلامت حجاج تمام تدابیر مقتضی را بکار برده و انجمن مخصوصی نیز برای قبول مراجعات حجاج و تأمین راحت و آسایش و تسهیل امور آنان تعیین کرده است. سفارت سعودی این فرصت را برای تجدید احترامات فائمهٔ مفتنم می‌شمارد.

سند شماره ۵۷

تاریخ سند: ۱۳۳۲/۱۲/۲۴

فرستنده: سفارت ایران در عمان [امان]

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مأموریت ظهیرالاسلام به عربستان سعودی

نمره: ۲۱۰۶/۹/۱

وزارت امور خارجه

در شماره ۲۴ اسفند روزنامه «الدفاع» اظهاراتی که آقای ظهیرالاسلام در باب مأموریت خود به کشور عربی سعودی به جرائد نموده‌اند درج و منتشر شده که قطعه روزنامه را به پیوست تقدیم و ترجمه آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمایند.

ملک سعود قریباً به ایران می‌رود

نشان شاهنشاه ایران به ملک سعود و امیر فیصل

دمشق؛ خبرگزاری عرب: اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران یک قطعه نشان پهلوی و حمایل آن که فقط به رؤسای کشورهای دوست اعطاء می‌شود به اعلیحضرت ملک سعود و همچنین یک قطعه نشان درجه یک تاج به والاحضرت امیر فیصل ولیعهد کشور سعودی اعطاء فرمودند.

خبر اعطای نشان را آقای ظهیرالاسلام نماینده شاهنشاه ایران که از کشور سعودیه به دمشق آمده است دادند. آقای ظهیرالاسلام شادباشهای شاهنشاه را به اعلیحضرت ملک سعود به مناسبت جلوسشان بر تخت سلطنت تقدیم نمودند.

آقای ظهیرالاسلام نماینده مخصوص شاهنشاه به خبرگزاری عرب اظهار کردند که

اعلیحضرت ملک سعود دعوت شاهنشاه ایران را برای زیارت ایران پس از تعطیل عید فطر قبول کردند. آقای ظهیرالاسلام نسبت به پیشرفت نقشه‌های عمران و آبادی که در کشور سعودیه حاصل شده ستایش نموده و گفتند که بزرگ کردن مسجد مطهر تا دو سال و نیم به پایان خواهد رسید.

نامبرده در باب اوضاع کنونی ایران گفتند که حکومت ایران کاملاً دموکراتی می‌باشد و بحرانی که تابستان گذشته به میان آمد در نتیجه توجه شاهنشاه به بقای مشروطیت بوده و شاهنشاه از برگشت رژیم دموکراتی به سوریه خرسند گردیده‌اند.

وزیرمختار - زین العابدین خاکسار

حاشیه:

۱- یکم سیاسی - اطلاعات ۳۳/۱/۸

۲- نمره ۲۹ - اول سیاسی ۱۳۳۳/۱/۱۰

۳- آقای آزر می، یک نسخه به اداره اطلاعات ارسال گردید. ۳۳/۱/۱۰

بایگانی شود ۳۳/۱/۱۱

تاریخ سند:

فرستنده: محمدرضا پهلوی

گیرنده: ملک سعود پادشاه کشور عربی سعودی

موضوع: دعوت رسمی از وی به ایران

نمره:

اعلیحضرت ملک سعود پادشاه کشور عربی سعودی

نظر به اشتیاق وافر و بی‌پایانی که به دیدار آن اعلیحضرت داشتیم و علاقه مفرط به تشدید روابط دوستی بین دو کشور که همواره مورد نظر است مدت‌هاست فرصت خجسته مسافرت آن برادر ارجمند و گرامی به ایران را به خود نوید می‌دادم. اینک بی‌نهایت خوشوقت خواهیم شد چنانچه آن اعلیحضرت دعوت رسمی که به وسیله جناب حسین دیبا وزیر مختار از طرف من بعمل آمده قبول فرموده و آرزوی دیرین ما را عملی ساخته و به تهران تشریف فرما شوند که بی‌شک دیدار فرخنده آن برادر گرامی موجبات خرسندی من و ملت ایران را فراهم خواهد کرد.

تاریخ سند: ۳۴/۶/۱۶

فرستنده: سفارت ایران در جدّه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش سفر ملک سعود به ایران

نمره: ۴۳۱

سیاسی

مسافرت اعلیحضرت ملک سعود پادشاه کشور سعودی

به ایران و بازگشت معظم له

اعلیحضرت ملک سعود از دیر زمانی اشتیاق فراوان به دیدن ایران داشتند و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ هنگام ولیعهدی ایشان از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دعوت بعمل آمد ولی پیش آمدهای گوناگون مانع از مسافرت ایشان به ایران گردید و در مناسبات عذیده اظهار تمایل به مسافرت به ایران می‌فرمودند. * پس از دعوت رسمی اخیر که از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعمل آمد صبح شانزدهم مردادماه ۱۳۳۴ اعلیحضرت ملک سعود پادشاه کشور عربی سعودی با ملتزمین رکاب که در حدود نود نفر می‌شدند با سه هواپیمای سعودی از جدّه به دهران مسافرت فرمودند و شب را در دهران اقامت فرموده و صبح ۱۷ مرداد به فرودگاه مهرآباد وارد شدند. در مدت سه روز توقف رسمی و دو روز استراحت در سواحل شمال و مهمانی و پذیراییهای صمیمانه که در ایران بعمل آمده بود موجب نهایت رضایت و خورسندی اعلیحضرت ملک سعود و ملتزمین رکاب گردید. روز چهارشنبه ۲۵ مرداد تهران را برای کشور سعودی ترک فرمودند و ظهر وارد کویت

شدند. ناهار را نزد امیر کویت صرف و عصر وارد ریاض پایتخت کشور سعودی گردیدند. این مسافرت کوتاه اعلیحضرت ملک سعود به ایران اثرات بسیار خوبی در معظم له و شاهزادگان و رجال کشور سعودی به وجود آورده و پیوسته توصیف و تمجید از مهمان نوازیهای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و رجال ایران می‌نمایند و روابط حسنه بین دو کشور را بیش از پیش تقویت داده و امید می‌رود که روابط حسنه روز افزون شود. بهترین تبلیغات برای ایران و صنایع آن بعمل می‌آورند و عده زیادی از اهالی کشور سعودی تصمیم دارند در آتیه عوض مسافرت به مصر و لبنان به ایران مسافرت نمایند و بهترین نتایج این مسافرت توسعه روابط بین دو دولت و ارتقای سفارت به سفارت کبرا شده است. دولت سعودی رسماً مراتب را اعلام و فرمان سفیر کبیری آقای حمزه غوث وزیر مختارش در تهران را صادر نمود، ولی هنوز دولت شاهنشاهی نسبت به سفارت جده تصمیم خود را ابلاغ نکرده است.

سند شماره ۶۰

تاریخ سند: ۱۳۳۵/۳/۱۰

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت خارجه عربی سعودی

موضوع: ذکر نام مجعول خلیج عربی در رادیوی عربستان

نمره: ۳۰۳

فوری

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در جده با اهدای تعارفات به وزارت امور خارجه کشور عربی سعودی محترماً زحمت اشعار می‌دهد:

رادیوی کشور عربی سعودی شب گذشته ضمن پخش اخبار خلیج فارس را که در جنوب ایران قرار دارد به اسم مستعار خلیج عربی نامیده و در روزنامه البلاد السعودیه چاپ مکه معظمه شماره ۲۱۶۳ مورخ ۱۹۵۶/۵/۳۱ نیز عیناً منعکس شده است، در صورتی که خلیج فارس با وجود شهرت جهانی و شواهد تاریخی در قرون متمادی به عنوان مذکور معروف و مستغنی از هرگونه توصیف و تعبیر بوده است.

سفارت کبرای شاهنشاهی با اظهار تأسف از این پیش آمد انتظار دارد هرچه زودتر دستور لازم به متصدیان مربوطه صادر فرمایند تا در آینده از این قبیل تعبیرات مستعار که ایجاد سوء تفاهم نموده و مبادی با روح صمیمیت و علائق فیما بین دو کشور دوست و همکیش است احتراز و از تکرار آن جلوگیری لازم و فوری بعمل آورند.

در انتظار اقدامات مجدانه موقع را برای تجدید مراتب مودت مغتنم می‌شمارد.

وزارت امور خارجه محترم کشور عربی سعودی - جده

سند شماره ۶۱

تاریخ سند: ۱۳۳۵/۹/۲۸

فرستنده: محمدرضا پهلوی

گیرنده: ملک سعود بن عبدالعزیز

موضوع: پذیرش دعوت وی برای سفر به عربستان

نمره:

اعلیحضرت ملک سعود بن عبدالعزیز آل سعود

پادشاه عربستان سعودی

افتخار داریم دریافت دعوت صمیمانه اعلیحضرت را با تشکر به تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۷۶ اعلام نماییم. اشاره اعلیحضرت به دیدار لذتبخشمان در کشور ما یادآور خاطره خوش اقامت کوتاه آن برادر در تهران بود. ما این دعوت صمیمانه را که فرصت مجددی برای دیدار آن برادر مهربان و کشور بزرگشان، عربستان سعودی به ما می دهد با کمال میل می پذیریم. بی شک ما با علاقه اعلیحضرت که در دعوتشان بدان اشاره شده، در ارتباط با تقویت روابط دوستانه که خوشبختانه بین ایران و عربستان سعودی وجود دارد موافق هستیم و به اعلیحضرت اطمینان می دهیم که نهایت تلاش خود را برای بهتر کردن و تقویت روابط صلح جویانه بین دو کشور انجام دهیم و مطمئناً راه طولانی به سوی صلح و همکاریهای بین المللی را طی نموده و ترقی جایگاه پر عظمت اسلام در دنیای پر آشوب کنونی را عینیت خواهد بخشید.

امید داریم که اقدامات بعمل آمده توسط همه مسلمانان و کشورهای هم دین برای پیشرفت و تحکیم چنین روابط حسنه‌ای روز به روز امکانپذیرتر خواهد شد.

فرصت را جهت ابراز آرزوی خالصانه برای رفاه و سعادت اعلیحضرت مغتنم شمرده از

درگاه خدای قادر مطلق برای پیشرفت و ترقی روز افزون آن کشور مسلمان و خواهر خواهانیم.

برادر دوستدار شما

محمدرضا شاه پهلوی

کاخ مرمر، ۲۸ آذر ۱۳۳۵

سال شانزدهم سلطنت ما

حاشیه: این ترجمه را جناب آقای آرام ملاحظه و قبول نمودند و رونوشتی هم از این ترجمه برای سفارت ایران در جده ارسال گردید.

سند شماره ۶۲

تاریخ سند:

فرستنده: ملک سعود پادشاه عربستان

گیرنده: محمدرضا پهلوی

موضوع: پیام پادشاه عربستان به شاه ایران به مناسبت بازگشت وی از سفر به عربستان نمره:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه برادرم محمدرضا پهلوی - تهران

تلگراف سلامتی ورود اعلیحضرت را به میهن عزیز به توجّهات خداوندی با کمال مسرت و خرسندی دریافت داشتم. احترامات مذهبی که نسبت به اماکن مقدسه ابراز فرمودند و احساسات گرانبها از یادگارهای مسافرت ما تأثیر عمیقی در من نمود. یادگارهای برادرانه و احساسات دوستانه‌ای که در خلال اقامت اعلیحضرت در میان ما در این کشور مقدس نمایان گردید همواره در خاطره ما باقی و ما را در تقویت عوالم دوستی فیما بین و دوستی بین دو کشور و دو ملت تشجیع و ترغیب می‌نماید. از خداوند مسئلت داریم که این مسافرت میمون موجب تقویت برادری به صلاح کشور و صلاح اسلام و مسلمین گردد و همچنین از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم که آن اعلیحضرت را حفظ و موجبات ترقی و سعادت ملت شرافتمند ایران را تأمین فرماید.

سعود

سند شماره ۶۳

تاریخ سند: ۱۳۷۷/۱۰/۲۳

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در جدّه

موضوع: تبلیغات در ایران به نفع اسرائیلیها

نمره: ۱۶۸۵۲/۱۴/۷/۶

وزارت خارجه عربی سعودی با اهدای تعارفات خود به سفارت کبرای ایران در جدّه به اطلاع می‌رساند که دولت اعلیحضرت ملک گزارشی دریافت نموده که مطبوعات ایران تبلیغات برای اسرائیل می‌نمایند و پیوسته راجع به اسرائیل قلمفرسایی می‌کنند و این کار موجب شده که یهودیهایی که در ایران هستند از اسرائیل پشتیبانی و به آنجا هجرت کنند. اضافه بر این به اطلاع ما رسیده که دولت ایران دوست اجازه داده حاییم جوتنبرغ اسرائیلی از ترکیه به ایران مسافرت نماید و برای اسرائیل تبلیغات کند و این مخاطراتی در برخواهد داشت که دولت ایران دوست اجازه به این گونه اشخاص برای تبلیغات و پشتیبانی از اسرائیل بنمایند. و دولت کشور عربی سعودی مایل است جلب توجه دولت ایران دوست را به نشر این گونه تبلیغات در مطبوعات ایران که به زیان مصالح دول عرب است جلب نموده و انتظار دارد که به مطبوعات ایران دستور دهند حدودی را برای این قبیل تبلیغات که زیان آور مصالح عرب است قائل شوند.

وزارت خارجه موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

مهر وزارت خارجه عربی سعودی

سند شماره ۶۴

تاریخ سند: ۱۵ ذیحجه ۱۳۸۰
 فرستنده: ملک سعود بن عبدالعزيز
 گیرنده: محمدرضا پهلوی
 موضوع: پاسخ پیام وی درباره حجج ایرانی
 نمره:

بسم الله الرحمن الرحيم

از سعود بن عبدالعزيز آل سعود پادشاه کشور پادشاهی عربستان سعودی
 به جناب اعلیحضرت، برادر، محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران
 برادر بزرگوار:

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، آقای محمود صلاحی سفیر فوق العاده پیام مورخ
 ۱۰ ذیقعدہ ۱۳۸۰ هـ اعلیحضرت را تسلیم ما نمود. تشکر و سپاس عمیق خود را نسبت به
 مضمون آن که حاوی دوستی صادقانه و عواطف سخاوتمندانه بوده ابراز می دارم.
 اینجانب با بیان احساس دوستی و برادری اسلامی برای اعلیحضرت مایلم تأکید نمایم
 که هیأت بزرگوار شما و حجج ایران، این کشور دوست و اسلامی، با آنچه که در خور شأن و
 وظیفه ما باشد مواجه خواهند گشت.

از خداوند بزرگ مسئلت می نمایم که برادری و دوستی را در میان سایر مسلمانان حاکم
 کرده و یاور آنان در حفظ اصول اسلام باشد تا آنان نیز در راه دفاع از کیان، دین و کشورهای خود
 ید واحده باشند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

برادرتان

سعودالسعود

در تاریخ ۱۵ ذیحجه ۱۳۸۰ هجری برابر با ۳۰ مه ۱۹۶۱ میلادی از کاخ شاهی در جدّه

صادر گردید.

سند شماره ۶۵

تاریخ سند: ۱۳۳۹/۵/۲۷
 فرستنده: سفارت ایران در جدّه
 گیرنده: وزارت امور خارجه
 موضوع: مسأله نمایندگی اسرائیل در ایران
 نمره: ۷۲۷ محرمانه

وزارت امور خارجه

در تعقیب نامه شماره ۵۹۷ مورخ ۳۹/۵/۸ راجع به اظهارات آقای کفیل وزارت امور
 خارجه عربستان سعودی درباره روابط ایران و اسرائیل به عرض می رساند: روز پنجشنبه
 ۳۹/۵/۲۷ ساعت شش و چهل و پنج دقیقه تقریباً به وقت جدّه از اداره تشریفات وزارت امور
 خارجه عربی سعودی تلفوناً به این سفارت کبرا خبر دادند که آقای کفیل وزارت امور خارجه
 کاردار سفارت کبرا را برای کاری به وزارت خارجه خواسته است. لذا اینجانب فوراً به وزارت
 خارجه رفته و از ایشان ملاقات نموده است. نامبرده پس از اظهار تعارفات اظهار نمودند امروز
 گزارشی از سفارت کبرای سعودی در تهران دایر بر اینکه جناب آقای مدیر کل سیاسی وزارت
 امور خارجه شاهنشاهی ایران کاردار سفارت کبرای سعودی در تهران را خواسته اند و از اینکه من
 به شما گفته ام که اسرائیل در ایران نماینده سیاسی دارد گله فرموده اند. سپس آقای کفیل وزارت
 خارجه به سخنان خود ادامه داده اند و اظهار کردند که اولاً صحبتی را که من با شما کرده بودم
 جنبه خصوصی داشته و مناسب نبود که آنها را رسماً به وزارت امور خارجه گزارش بدهید. ثانیاً،
 بطوری که گفته ام این اطلاعات را شنیده بودم و اظهار نظر و عقیده من نبوده است. به هر حال در
 این ملاقات نحوه سخن را طور دیگر قرار داده اند و آن اظهارات قبلی را به شکل دیگری
 درآورده اند و اظهار کرده اند که مقصود من نماینده سیاسی نبوده و بلکه گفته ام که اسرائیل نماینده
 بازرگانی و اقتصادی در کشور ایران دارد. مراتب بالا برای مزید استحضار به عرض رسید.

کاردار

تاریخ سند: ۱۹۶۳/۶/۶

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: روزنامه البلاد جده درباره آشوبهای ایران

نمره: البلاد شماره ۱۳۲۰ مورخ ۱۹۶۳/۶/۶

آشوبهای سخت در ایران

اعلام وضع غیرعادی در تهران در اثر تظاهرات دامنه دار

به نام اعتراض بر علیه بازداشت یک پیشوای مذهبی

خبرگزاری رویتر در خبر فوری شب گذشته خبر داده که وضع غیرعادی در پایتخت ایران اعلام گردید.

در تلگرافی که خبرگزاری آسوشیتدپرس از تهران مخابره کرده اطلاع داد که آشوبهای سختی روز گذشته بر علیه دولت در ایران رخ داد و آن در نتیجه بازداشت پیشوای روحانی روح الله خومینی [خمینی] بوده است.

خبرگزاری مزبور اضافه می نماید که لاقلاً دو نفر از تظاهرکنندگان کشته و سی نفر دیگر زخمی شدند. پیشوای روحانی خومینی [خمینی] که مخالف با طرحهای اصلاحی بود با معاونش آقای فلسفی و بیست نفر دیگر از پیروان او صبح دیروز بازداشت شدند.

بازداشت نامبرده موجب آشوب دامنه داری در پایتخت گردید و تظاهرکنندگان درخواست آزادی وی و قطع روابط با اسرائیل را می نمودند.

آسوشیتدپرس اطلاع می دهد با اینکه روابط سیاسی میان ایران و اسرائیل وجود ندارد، ولی دولت اعلیحضرت شاه، اسرائیل را به طور دفاکتو شناخته است.

تاریخ سند: اول ربیع الثانی ۱۳۸۳

فرستنده: فیصل بن عبدالعزیز

گیرنده: محمدرضا پهلوی

موضوع: استوارنامه شیخ یوسف الفوزان سفیر جدید عربستان در ایران

نمره:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام اعلیحضرت

از فیصل بن عبدالعزیز آل سعود جانشین پادشاه کشور پادشاهی عربستان سعودی

به اعلیحضرت شاهنشاه محمدرضا پهلوی شاهنشاه ایران

دولت عالیمقام

نظر به تمایل ما به تحکیم پایه های مودت و پیوندهای برادری که خوشبختانه دو کشور ما را به هم پیوند می دهد، و روز به روز افزایش و گسترش می یابد، آقای شیخ یوسف الفوزان به عنوان سفیر فوق العاده و تام الاختیار از سوی ما به اعلیحضرت معرفی می گردد.

با توجه به شناخت ما از شیخ الفوزان، ایشان فردی شایسته و مخلص می باشند و ما بسیار امیدوار و آرزومندیم که ایشان در ادای وظیفه ای که بر عهده دارند با امانت عمل کرده و موفق باشند. ما با وثوق نسبت به اخلاص و شایستگی ایشان و تلاش صادقانه ای که مبذول می دارند امیدواریم شایسته لطف و حسن نظر اعلیحضرت باشند.

امیدواریم وی مورد تأیید و اشراف اعلیحضرت قرار گیرند. با اطمینان کامل هر آنچه را که به شما ابلاغ می نماید بویژه تأکید بر دوستی ثابت و تشکر روزافزون و تمنیات صادقانه برای

شخص اعلیحضرت را از جانب ما بدانید. برای کشور دوست پیشرفت و شکوفایی بیشتر آرزومندم.

به فرمان جانشین اعلیحضرت

وزیر خارجه

صادره از کاخ پادشاهی (باغهای الناصریه) در روز بیست و یکم ماه ربیع الثانی سال

۱۳۸۳ برابر با روز نهم ماه سپتامبر سال ۱۹۶۳ م.

سند شماره ۶۸

تاریخ سند: ۱۳۴۹/۴/۲۴

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مصاحبه مطبوعاتی زاهدی در جده

نمره: ۱۳۰۸

تلگراف مطبوعاتی

وزارت امور خارجه

جرايد جده عكس جنابان آقایان زاهدی و سقاف را در مصاحبه مطبوعاتی فرودگاه جده و عكس جناب آقای زاهدی را در موقع بازدید گارد احترام و عزیمت به تهران در صفحه اول خود چاپ نموده‌اند. جرايد مزبور متن مصاحبه را نیز منتشر کرده‌اند و رادیو جده صبح امروز اخبار مندرجه را پخش نموده است. دیشب تلویزیون جده فیلمی که دیروز در فرودگاه جده از جناب آقای زاهدی برداشته شده نشان داده است. عکاظ با تیتربزرگ در صفحه اول خود نوشته است: جناب آقای زاهدی تأکید می‌نمایند که ایران آرزو دارد رفاهیت و استقرار در منطقه خلیج فارس برقرار و تحقق پذیرد. ایران آماده است همه‌گونه کمک را به امارات شیخ نشینها بنماید و از استقلال آنها پشتیبانی کند. المدینه نوشته است: جناب آقای زاهدی تأکید نموده‌اند خروج نیروی انگلستان از خلیج فارس ضرورت دارد.

الندوه نوشته است: ایران سعادت و رفاهیت ملت خلیج فارس را آرزو دارد و مذاکرات

ایران و سعودی ثمربخش بوده است.

سند شماره ۶۹

تاریخ سند: ۱۳۵۵/۲/۲۶

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اعلامیه رسمی درباره سفر ملک خالد به ایران

نمره:

یادداشت

خیلی فوری است

سفارت شاهنشاهی ایران در جده با اظهار تعارفات خود به وزارت خارجه دولت پادشاهی عربستان سعودی احتراماً اشعار می‌دارد که در مسافرت اخیر جناب آقای احمد عبدالوهاب رئیس تشریفات دربار سعودی به ایران موافقت گردید متن اعلامیه دربار شاهنشاهی ایران درباره مسافرت رسمی اعلیحضرت ملک خالد پادشاه عربستان سعودی به ایران به شرح زیر:

«نظر به عوالم دوستی و برادری مابین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی عربستان سعودی بنا به دعوت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر اعلیحضرت ملک خالد پادشاه عربستان سعودی از تاریخ دوشنبه ۲۴ مه تا پنجشنبه ۲۷ مه ۱۹۷۶ برابر با ۲۵ تا ۲۸ جمادی الاول ۱۳۹۶ به طور رسمی از ایران بازدید خواهند فرمود.»

در ساعت ۱۴ روز دوشنبه ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۹۶ برابر با ۱۷ ماه مه ۱۹۷۶ (فردا) همزمان در تهران و جده منتشر گردد.

خواهشمند است دستور فرمایند در مورد انتشار اعلامیه مزبور مراتب را به مقامات مربوطه یادآوری نمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

محل امضا

۲۵۳۵/۲/۲۶

سند شماره ۷۰

تاریخ سند:

فرستنده: محمدرضا شاه

گیرنده: ملک خالد

موضوع: پاسخ به پیام وی که در حال ترک ایران ارسال داشته است

نمره:

برادر اعلیحضرت ملک خالد بن عبدالعزیز آل سعود

پادشاه عربستان سعودی

از پیام مودت‌آمیزی که آن اعلیحضرت هنگام عزیمت از ایران برای من ارسال فرموده‌اند کمال تشکر را دارم، فرصت پذیرایی از آن اعلیحضرت و همراهان در کشورم برای من بسیار مغتنم بود و یقین دارم که این دیدار و تبادل نظری که درباره مسائل مورد علاقه فیما بین داشتیم در توسعه و تحکیم بیش از پیش مناسبات حسن همجواری و رشته‌های همکاری میان ایران و عربستان سعودی تأثیر بسزایی داشته است. ما نیز به نوبه خود امیدواریم که در پرتو هوشیاری کامل و همکاری صمیمانه میان ایران و عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس میانی صلح و ثبات و امنیت در منطقه حساس بیش از پیش تحکیم یابد و کلیه این کشورها از رفاه روز افزون و آسایش هرچه بیشتر برخوردار باشند.

برای من موجب کمال خوشوقتی بود که در مذاکرات فیما بین در مورد کلیه مسائل من جمله آرزوی باطنی ما نسبت به تحکیم همبستگی اسلامی و مسائل مربوط به گسترش همکاری دوجانبه و نیاز مبرم به استقرار صلح در لبنان و حفظ وحدت آن کشور و تحکیم حقوق حقه مردم فلسطین و خطرات ناشی از نابسامانی و تشنج در این منطقه اتفاق نظر داشتیم.

از خداوند قادر متعال برای آن اعلیحضرت سلامت و سعادت و برای ملت برادر و

همکیش عربستان سعودی پیشرفت و رفاه روزافزون تحت رهبریهای خردمندانه آن اعلیحضرت

مسئلت دارم.

برادر شما - محمدرضا پهلوی

سند شماره ۷۱

تاریخ سند: ۳۵/۳/۷

فرستنده: سفارت ایران در بیروت

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: دیدار شاه و ملک خالد

نمره: تلگراف شماره ۳۰۲

وزارت امور خارجه

جرايد لبنان خبرهای مربوط به مذاکرات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر با ملک خالد و نیز پایان دیدار رسمی پادشاه عربستان از ایران را به تفصیل انتشار داده‌اند. این جرايد همچنان نکات برجسته فرمایشات ذات اقدس شاهانه به مدیر روزنامه سعودی عکاظ را چاپ کرده‌اند. روزنامه‌های المحرر و السفیر می‌نویسند: شاهنشاه در این مصاحبه تأکید فرمودند چنانچه کشورهای عربی همزمان با خروج اسرائیل از سرزمینهای اشغالی این کشور را به رسمیت بشناسند متحمل هیچ‌گونه زبانی نخواهند شد. زیرا که موجودیت اسرائیل یک واقعیت انکارناپذیر است. شاهنشاه از کشورهای خلیج فارس دعوت نمودند که یکپارچگی خود را برای دفاع از این نقطه حفظ نمایند و فرمودند ایران مصمم است یک کشور قدرتمند شود به اندازه‌ای که بتواند در صورت لزوم دفاع از منطقه را به عهده بگیرد. جرايد مزبور می‌افزایند شاهنشاه ایران فرمودند خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران یک گذرگاه حیاتی است و در صورتی که این منطقه در معرض خطر قرار بگیرد زندگی ما به خطر خواهد افتاد.

روزنامه الکفاح العربی مزدور لیبی در این زمینه نوشته است:

ملک خالد هیچ‌گونه واکنشی نسبت به فرمایشات شاهنشاه نشان نداده و بدین ترتیب روشن گردید که دولت عربستان حقیقت روش سیاسی خود را نسبت به اسرائیل پنهان می‌نموده است، زیرا ادعا می‌کرده که مخالف به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل می‌باشد.

قدر

سند شماره ۷۲

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۳/۱۱

فرستنده: وزیر امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: انعکاس سفر ملک خالد به ایران در مطبوعات

نمره: ۱۷ - ۱۳۹۷/۸/۵۴

سفارت شاهنشاهی - جده

سفارت شاهنشاهی در بیروت در گزارش تلگرافی شماره ۴۹۱ مورخ ۳۵/۳/۴ اعلام داشته است، مطبوعات طی بیست و چهار ساعت اخیر خبرهای مربوط به ملک خالد بن عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی از ایران راکه به دعوت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر صورت گرفته است به تفصیل و با اهمیت بسیار انتشار داده‌اند.

روزنامه‌های النهار والانوار نوشته‌اند: مذاکرات بین شاهنشاه ایران و ملک خالد مسائل مربوط به تقویت و گسترش همکاری میان دو کشور به خاطر حفظ صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس و همبستگی اسلامی و اوضاع خاورمیانه را در برخواهد گرفت. جراید البیرق و الشرق نوشته‌اند که سفر امیر سلطان وزیردفاع و امیرسعود وزیر خارجه عربستان سعودی در معیت ملک خالد به ایران براهمیت این دیدار افزوده است.

به استحضار می‌رساند که روزنامه الکفاح العربی مزدور لیبی نوشته است که دیدار ملک خالد از ایران همزمان با ورود اونادیایوسف خاخام بزرگ یهودیان اسرائیل به تهران صورت گرفته و از قول منابع خبری تل آویو افزوده‌اند که خاخام یهودیان بنا به دعوت رسمی به ایران رفته است و علاوه بر ملاقات با یهودیان مقیم آن کشور به پیشگاه شاهنشاه نیز شرفیاب خواهد گردید.

از طرف وزیر امور خارجه

سند شماره ۷۳

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۹/۳۰

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: استرداد خلبان و لاشه هواپیمای ایرانی

نمره: ۲۱۸۹۳

بخشنامه

دولت شاهنشاهی که معتقد به حل مسأله از راه مذاکرات است از کشورهای دوست عربستان سعودی و کویت که با یمن جنوبی مناسبات سیاسی دارند درخواست کرد نسبت به استرداد خلبان و لاشه هواپیمای غیرمسلح نیروی هوایی شاهنشاهی که هنگام پرواز تمرینی بر فراز خاک عمان در اثر تیراندازی مایل آتشبارهای یمن جنوبی سقوط کرده بود اقدام نمایند. امروز کسب اطلاع شد که در اثر وساطت عربستان سعودی، یمن جنوبی خلبان هواپیما را تحویل مقامات عربستان سعودی داده است و آنها نیز موجبات حوکت خلبان را به ایران فراهم آوردند. در مورد بیرون آوردن لاشه از آب تماس بین مقامات عربستان سعودی و یمن جنوبی ادامه دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه مراتب قدرشناسی دولت شاهنشاهی ایران را از مساعی جمیله که شخص والا حضرت امیر فهد و مقامات عربستان سعودی در این مورد مبذول داشته‌اند ابراز می‌دارد.

عدل

۲۱۸۹۳
 ۲۵۳۵/۹/۳۰

حاشیه: آقایان همکاران ملاحظه فرمایند. ۳۵/۱۰/۱

ملاحظه شد.

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۹/۳۰

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: انعکاس وساطت عربستان بین ایران و یمن جنوبی در روزنامه‌های عربستان

نمره: ۴۰۹۶

جناب آقای دکتر خلعتبری وزیر امور خارجه

احتراماً به عرض می‌رساند کلیه روزنامه‌های عربی و انگلیسی زبان عربستان سعودی در صدر صفحات اول امروز خود آزادی خلیان ایرانی و وساطت عربستان سعودی بین ایران و یمن جنوبی را منتشر کرده‌اند.

روزنامه‌های امروز ضمن چاپ تمثال اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و رهبران سعودی و یمن در صفحات امروز خود با حروفهای بسیار درشت تحت عناوینی چون «وساطت بین ایران و یمن دموکراتیک منعکس کننده مفهوم حل مشکلات منطقه‌ای از راه مذاکرات است» و «پیروزی وساطت عربستان سعودی بین ایران و یمن جنوبی» آزادی خلیان ایرانی و اعلامیه دربار سعودی را منتشر کرده‌اند.

روزنامه عرب نیوز سرمقاله خود را تحت عنوان GOOD SHOW به وساطت عربستان اختصاص داده و چنین نوشته است: دیپلماسی آرام عربستان سعودی از یک بحران دیگر جلوگیری کرد و این بار از بروز خطراتی که به سبب سقوط هواپیمای ایرانی توسط یمن جنوبی به وجود آمده بود جلوگیری نمود.

این واقعه مسئول به هم خوردن کنفرانس وزرای خارجه کشورهای خلیج (فارس) در مسقط بود. اما موفقیت این وساطت هم‌اکنون مدیون عربستان سعودی نیست. اگر SHIP

STATEMAN رهبران ایران و عمان و یمن جنوبی که خردمندی و روابط حسن همجواری را بر هر چیز مقدم داشتند نبود این وساطت پیروز نمی‌شد. عمل عربستان در عین حال از نزدیکی پایدار روابط دو کشور ایران و عربستان سخن می‌گوید که حتی اختلاف بر سیاست افزایش بهای نفت در آن اثر نمی‌گذارد. روزنامه در پایان سر مقاله خود می‌پرسد آیا اکنون می‌توانیم امیدوار باشیم که بحران ظفار هم پایان پذیرد. و می‌گوید جواب این سؤال مثبت است، زیرا شاهنشاه ایران بارها فرموده‌اند که اعزام نیروهای ایران به آن منطقه که به درخواست سلطان قابوس صورت گرفته است به محض پایان غائله ظفار از آن کشور خارج خواهند شد. سرمقاله دیپلماسی آرام سعودی را که توسط آن بحران لبنان پایان پذیرفت و اکنون دست اندرکار وساطت بین مراکش و موریتانی و الجزایر است و حتی گفته می‌شود که بین مصر و لیبی هم به وساطت دست زده است مورد ستایش قرار داده است.

سرمقاله‌های دیگر روزنامه‌های امروز صبح نیز مضمونهای مشابه دارند.

رائد

سند شماره ۷۵

تاریخ سند: ۱۳۵۵/۱۰/۲۰

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: شرکت ملی نفت - وزارت اطلاعات و جهانگردی - ساواک

موضوع: اختلاف ایران و عربستان در مورد قیمت نفت

نمره: ۷۲۶۸/۱

شرکت ملی نفت ایران

وزارت اطلاعات و جهانگردی

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

به موجب اطلاع رسیده از سفارت شاهنشاهی ایران در جده اظهار نظرها و انتقادات
جراید و وسایل ارتباط جمعی ایران از موضع زکی یمانی در جریان کنفرانس اوپک در
مطبوعات و رادیو تلویزیونهای عربستان سعودی انعکاس گسترده‌ای داشته‌است.

روزنامه المدینه چاپ جده خصوصاً در سرمقاله شماره مورخ ۲۵۳۵/۱۰/۱ خود
انتقادات جراید ایران را اتهاماتی به دولت عربستان سعودی دانسته و با استهزاء آن را به عنوان
پاداش در مقابل فعالیتهای مقامات سعودی برای آزادی خلبانان ایرانی در یمن جنوبی خوانده
است.

زکی یمانی خود در یک مصاحبه تلویزیونی در افزایش قیمت نفت و موضع ایران اظهار
داشته است که چون ایران در آستانه صنعتی شدن است وضع آن با عربستان سعودی تفاوت
دارد.

از طریق همین مطبوعات اطلاع داده‌اند که سفیر امریکا در عربستان سعودی با امیر فهد
بن عبدالعزیز ولیعهد آن کشور ملاقات و نامه‌ای از طرف جیمی کارتر رئیس جمهور منتخب

امریکا به مشارالیه تسلیم داشته است. گرچه مضمون نامه فاش نشده است ولی به نظر می‌رسد
که نامه مربوط به امتنان رئیس جمهور آینده امریکا از عربستان سعودی درباره قیمت نفت باشد.
فتوکپی ترجمه سرمقاله روزنامه المدینه برای مزید اطلاع به پیوست ارسال می‌شود.

وزیر امور خارجه

فصل دوم - اسناد روابط اقتصادی

تاریخ سند: ۴۹/۲/۳

فرستنده: سفارت عربی سعودی

گیرنده: وزارت کشور ایران

موضوع: خرید دو هزار تن برنج

نمره: ۱۱۴/۳/۷۸

سفارت پادشاهی عربستان سعودی احترامات فائمه خود را به وزارت کشور^(۱) دولت شاهنشاهی تقدیم و مفتخراً اشعار می‌دارد طبق تصویبنامه شماره ۱۱۲۸۴ مورخه ۲۶/۶/۲۷ هیأت وزیران جهت صدور دو هزار تن برنج به عربستان سعودی به اطلاع می‌رساند که نماینده این سفارت، شرکت (رضایت) بوده و فعلاً نماینده آن در گیلان و مازندران مشغول خرید برنج و حمل آن است و طبق دستور نخست وزیری و وزارت کشور که اخیراً به استانداری استان گیلان و مازندران ابلاغ شده غدغن فرموده‌اند که از حمل برنج به طور کلی جلوگیری شود و در نتیجه از حمل برنجهای مورد تصویبنامه بالا هم ممانعت بعمل آمده. مراتب از طرف این سفارتخانه به وزارت دارایی نوشته شده و تلگرافی به شماره ۶۴۶۲۰/۳ مورخه ۲۷/۱۰/۹ از طرف جناب آقای وزیر دارایی جهت رفع ممانعت از خروج برنجهای نامبرده به پیشکار دارایی مخابره ولی بطوری که اطلاع داده شده استانداری مخالف و منتظر دستور آن وزارت می‌باشند. خواهشمند است دستور تلگرافی به استانداران گیلان و مازندران داده شود که از حمل برنجهای عربستان سعودی ممانعت بعمل نیاید.

۱. سفارت عربی سعودی علی‌رغم قوانین موجود و عرف دیپلماتیک، که تمام یادداشتهای و مکاتبات سفارتخانه‌ها می‌بایستی از طریق اداره تشریفات وزارت امور خارجه صورت پذیرد، مستقیماً با وزارت کشور مکاتبه نموده است.

این سفارتخانه فرصت را برای تجدید احترامات مغتنم می‌شمارد.

وزارت محترم کشور دولت شاهنشاهی ایران - تهران

رونوشت به وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی - تهران

سند شماره ۷۷

تاریخ سند: ۲۷/۱۱/۲۶

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت کشور عربی سعودی

موضوع: برنجهای درخواستی کشور عربی سعودی

نمره: ۴۵۵۷۰

یادداشت

وزارت امور خارجه با اظهار تعارفات خود به سفارت کشور عربی سعودی محترماً در پاسخ یادداشت شماره ۱۱۴/۳/۷۸ مورخه ۶۸/۴/۴ که به وزارت کشور راجع به اجازه حمل دو هزار تن برنج چمپا مرقوم شده احتراماً اشعار می‌دارد که وزارت کشور در این باب به وزارت امور خارجه مراجعه و توضیحات به آن وزارت داده شد تا دستور مقتضی در تسهیل امر طبق مقررات صادر بنماید.

امضا... [ناخوانا]

۲۷/۱۱/۲۳

سفارت کشور عربی سعودی

تاریخ سند: ۱۹۵۲/۷/۲۳

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: حمل و نقل حجاج با هواپیما

نمره: ۱۰۲۳/۲/۱۷/۵

وزارت امور خارجه عربی سعودی تعارفات خود را به سفارت ایران در جده تقدیم و محترماً یک برگ از دستورات مربوط به حمل و نقل حجاج با هواپیما در موسم حج سال ۱۳۷۱ صادره از وزارت دفاع و هواپیمایی عربی سعودی را به پیوست ارسال و اشعار می‌دارد که بنگاههای هوایی سعودی حق حمل و نقل حجاج را بالمناصفه به یکی از این دو ترتیب مذکور در زیر برای خود محفوظ می‌دارند:

۱. پنجاه درصد از حجاج را به جده آورده و به وطنشان بازگردانند.

۲. یا اینکه شرکتهای هواپیمایی هر کشوری کلیه حجاج خود را به جده بیاورند و هواپیماهای سعودی آنان را به وطنشان عودت دهند.

روی این اساس چنانچه دولت ایران برای هواپیماهای حامل حجاج خود به کشور عربی سعودی اجازه بخواهد باید یکی از این دو امر را بپذیرد که یا حجاج آن با هواپیماهای ایرانی از ایران به این کشور بیایند و یا هواپیماهای سعودی از اینجا به ایران برگردند و یا توافق نمایند و ترتیبی دهند که حق طرفین در حمل و نقل حجاج به کشور عربی سعودی و بازگشت آنان به موجب آن ترتیب کاملاً مساوی باشد.

وزارت امور خارجه موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

جای مهر وزارت خارجه کشور عربی سعودی

سفارت محترم ایران در جده

تاریخ سند: ۱۳۳۲/۲/۲۳

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: توسعه روابط اقتصادی با کشور عربی سعودی و وضعیت فعلی روابط

نمره: ۱۲۰

وزارت امور خارجه - اداره اقتصادیات

چند روز پیش در یکی از مهمانیها با آقای راسم الخالدی مدیر «بنگاه پول» سعودی ملاقاتی اتفاق افتاد، نامبرده چندی قبل ریاست بانک عرب را در جده به عهده داشت، او از رجال مشهور و مبارز فلسطین است و چون در اثنای جنگ جهانی اخیر همراه مفتی اعظم فلسطین به ایران پناهنده شده و در ایران مورد حمایت و احترام و پذیرایی قرار گرفته و سپس از ایران فرار کرده بوده است، از این رو به ایران و ایرانی علاقه فراوان دارد و نهضت اخیر ایران این علاقه را فراوانتر نموده است و در حقیقت می‌توان او را از ایران دوستلن صمیمی بشمار آورد و او چه هنگامی که ریاست بانک عرب را در جده عهده دار بود و چه اکنون که از رؤسای بنگاه پول سعودی است و از رجال اقتصادی بنام در دستگاه دولتی سعودی می‌باشد همیشه از اظهار محبت و نیز از مساعدت سفارت در هنگام لزوم فروگذار نکرده است.

پیشنهاد فراهم کردن زمینه توسعه روابط بازرگانی ایران با کشور عربی سعودی

آقای راسم الخالدی در ملاقات مذکور اظهار کرد که برای توسعه روابط تجاری بین ایران و کشور عربی سعودی مجال وسیعی وجود دارد و این رابطه تجاری در درجه اول به نفع ایران است، زیرا دولت سعودی صادراتی ندارد که به ایران بفرستد و در مقابل کالاهایی که از ایران

می‌خرد ناچار ارز خارجی دلار امریکایی یا استرلینگ می‌پردازد. سپس اضافه کرد، ولی دولت ایران در ترتیب پذیرفتن ارز و تعیین بهای آن باید تسهیلاتی قائل شود تا سعودیها بهتر تشویق و ترغیب گردند. در ضمن نامبرده به طور خصوصی و محرمانه اظهار داشت که دولت ترکیه سعی فراوان بکار می‌برد که تجارت خود را با کشور عربی سعودی توسعه دهد و چون کالاهای صادراتی ترکیه از قبیل خشکبار و اغنام و احشام از جنس مشابه کالاهای صادراتی ایران است و در واقع ترکیه از این حیث رقیب ایران بشمار می‌رود لذا اگر ترکیه بتواند چنانکه مایل است و آرزو دارد تجارت خود را با کشور عربی سعودی توسعه کامل بدهد راه را بر ایران قطع خواهد کرد و تجارت ایران با کشور سعودی بسیار محدود و ناچیز خواهد شد.

در اینجا آقای راسم الخالدی همراهی ایران را در فروختن گوسفند به کشور عربی سعودی در چند ماه پیش ستایش کرد و گفت گرچه نخست دولت ایران با فروش گوسفند موافقت نکرد لیکن پس از مذاکراتی که بین سفارت سعودی در تهران و مقامات مربوطه ایران صورت گرفت مقداری گوسفند به دولت سعودی فروخته شد و اضافه کرد که همیشه می‌توان اینگونه معاملات را بین دو کشور انجام داد.

این بود گفته آقای راسم الخالدی مدیر بنگاه پول سعودی در موضوع تقویت روابط تجاری بین دو کشور سعودی و ایران.

فعالیت ترکیه برای توسعه روابط تجاری خود با کشور عربی سعودی

آنچه این سفارت می‌تواند به گفته‌های آقای راسم الخالدی اضافه کند این است که سخن نامبرده صحیح می‌باشد و همیشه از وزیر مختار ترکیه در جده اظهاراتی شنیده شده که سخن مذکور را تأیید می‌کند، از جمله چندی پیش وزیر مختار ترکیه گله می‌کرد که یکی از رجال مسئول اقتصادی اینجا در پاسخ سؤال وی که چرا دولت سعودی در توسعه و تقویت روابط تجاری خود با ترکیه اهتمام و علاقه بسیار نشان نمی‌دهد؟ پاسخ داده است که چون ترکیه با اسرائیل روابط سیاسی و تجاری برقرار کرده است از این رو سعودیها در موضوع توسعه تجارت

خود با ترکیه علاقه چندانی نشان نمی‌دهند. این سخن را وزیر مختار ترکیه با گله و نارضایتی از رویه سعودیها و طرز جواب دادن آنها نقل می‌کرد. و از خلال این صحبت و نیز از سایر اظهارات وزیر مختار ترکیه به طور وضوح استنباط می‌شود که مقامات ترکیه می‌کوشند که بر وسعت دایره روابط بازرگانی خود با کشور سعودی بیفزایند.

چندی پیش هم معاون بانک مرکزی ترکیه برای منظور مذکور و مطالعه در این زمینه به جده آمده و چند روزی توقف کرد و با مقامات مختلف سعودی تماس حاصل نمود و سپس به ترکیه بازگشت.

چه کالاهایی از ایران به کشور عربی سعودی صادر می‌شود؟

همچنانکه آقای راسم الخالدی اظهار کرده کشور عربی سعودی کالاهایی ندارد که به ایران صادر کند و رابطه تجاری بین دو کشور فقط براساس فروش کالاهای صادراتی ایران به کشور سعودی در مقابل ارز می‌باشد.

طبق اطلاعی که این سفارت دارد در حال حاضر کالاهایی که از ایران به کشور عربی سعودی صادر می‌شود از این قرار است:

۱. نخ کرک شتر و موی بز

عده‌ای از تجار سعودی که همگی شیعه و از سکنه منطقه احسا (از مناطق کشور سعودی واقع بر ساحل خلیج فارس و نزدیک بحرین است) می‌باشند و عده‌ای از آنها غالباً در ایران اقامت دارند، به کار صادر کردن نخ کرک از ایران به کشور خود می‌پردازند. اینها کرک بز و شتر را از حوالی نائین و یزد و اصفهان جمع‌آوری می‌نمایند و پس از تمیز کردن آنها در همان شهرها یا در قم یا در تهران بوسیله کارخانه‌ها می‌ریسند، سپس نخ حاصله را از راه خرمشهر و کویت به منطقه احسا حمل می‌نمایند و در احسا از این نخها یک نوع عبای کلفت بافته می‌شود. این محمولات یا از خرمشهر بوسیله کشتیهای بادی و لنج به کویت حمل می‌گردد و از آنجا با کامیون به احسا

ارسال می‌شود و یا مستقیماً با کشتیهای بادی از خرمشهر به بندر «عجیر» که یک بندر کوچک در منطقه احسا و در نزدیکی بحرین است حمل می‌گردد. گاهی هم این عمل از راه بحرین صورت می‌گیرد.

این طبقه از تجار سعودی برای کشور ما بسیار نافع هستند، زیرا علاوه بر اینکه مقدار قابل توجهی از ایران کالا صادر می‌تمایند برای صدها نفر کارگر زن و مرد کار و وسیله ارتزاق فراهم می‌سازند. و این طبقه به حسن معامله و نیکی اخلاق مشهورند و می‌توان گفت به علت همکیشی که با ایرانیان دارند و در نتیجه طول اقامت در ایران و آمیزش با مردم به کشور ایران علاقه فراوان و چه بسا بیش از آنچه به کشور خود دارند پیدا کرده‌اند و اکثر آنها زن ایرانی گرفته خانه و سامان ثابتی برای خود در ایران ترتیب داده‌اند.

عبا

عباهایی که از ایران به کشور عربی سعودی حمل می‌شود غالباً از نوع نازک است که از مناطق ساحلی خوزستان مانند شادگان خریداری و به همان ترتیبی که در بالا ذکر شد به مقصد که همان منطقه احسا باشد حمل می‌گردد و عبای کلفت‌کار ایران کمتر مورد پسند سعودیهاست، زیرا مخصوصاً عبای کلفت و سنگین نائین با هوای گرم این منطقه تناسب ندارد.

نخهایی که در احسا بافته شده و به صورت عبا در می‌آید یا عباهای نازکی که از خوزستان به احسا حمل می‌شود در منطقه احسا دوخته و گلابتون دوزی شده (سعودیها عبا را ساده نمی‌پوشند و باید گلابتون دوزی شود که بیشتر گلابتون یعنی به عرض دو یا سه انگشت در دو طرف عبا که جلو سینه قرار دارد باید باشد) به ریاض یا سایر مناطق کشور عربی سعودی حمل می‌گردد. این که گفته شد «ریاض» برای این است که غالباً عباهای برای اعلیحضرت ملک و خاندان سلطنتی سعودی و دولت ساخته می‌گردد و به ریاض پایتخت کشور سعودی حمل می‌شود و از آنجا به وسیله آنها در میان طبقات مختلف مردم به نام هدیه و خلعت مرتباً توزیع می‌شود. در حقیقت منطقه احسا یک کارگاه بزرگ عبا دوزی برای تمام کشور عربی سعودی بشمار می‌رود.

قالی و قالیچه

قالی و قالیچه از دو راه به کشور سعودی وارد می‌شود، یکی از راه کویت که به ریاض و سایر مناطق واقع در نزدیکی خلیج فارس حمل می‌گردد و دیگر از راه بیروت که به حجاز آورده می‌شود و بسیار اتفاق می‌افتد که به سبب اشکالات حمل و نقل تجار سعودی به خود زحمت خریدن مستقیم قالی و قالیچه را از ایران نمی‌دهند و از بازار کویت یا بیروت خریداری کرده به کشور خود می‌آورند.

اینها صادرات عمده ایران به کشور عربی سعودی می‌باشد که به طور دائم و تقریباً منظم ادامه دارد و به وسیله نبودن آمارهای لازم درست نمی‌شود مقدار و میزان آن را برآورد کرد. ولی راجع به تجارت نخ عبا و عبا شاید بتوان تخمین زد که در حدود پنجاه میلیون ریال ایرانی در سال یا کمی بیشتر می‌باشد. تجارت قالی و قالیچه را هم می‌توان در حدود این مقدار یا کمی بیشتر تخمین زد.

حبوبات و غیره

تجارت حبوبات با کشور سعودی محدود است و غالباً برنج است و گاهی گندم و جو و لوبیا و ماش و عدس نیز می‌باشد. پوست انار و زرنیخ و زعفران و فیروزه از ایران به کشور سعودی صادر می‌شود، ولی کلیه این تجارت در تمام سال از ده میلیون ریال تجاوز نمی‌کند و با وجود اینکه زمینه نسبتاً خوبی در این باره هست لیکن اشکالات حمل و نقل مانع توسعه آن می‌شود و این تجارت از همان راهی که گفته شد یعنی خلیج فارس صورت می‌گیرد و گاهی شش ماه یا بیشتر طول می‌کشد تا به مقصد برسد.

اغنام و احشام

کشور عربی سعودی در سالهای اخیر احتیاج بسیاری به وارد کردن اغنام و احشام از خارج پیدا کرده و هرگاه در ایران اغنام و احشام مافوق احتیاج وجود داشته باشد تجارت این نوع

کالا رقم بزرگی را در صادرات ایران به کشور عربی سعودی تشکیل خواهد داد.

خشکبار

اکنون منطقه حجاز احتیاج خود را در پسته و بادام و کشمش و این قبیل خشکبار از شام تأمین می‌کند. ولی مناطق نزدیک خلیج فارس این قبیل خشکبار را از ایران وارد می‌نمایند و مناطق مرکزی کشور عربی سعودی احتیاجات خود را از خشکبار هم از حجاز و هم از مناطق نزدیک خلیج فارس یعنی هم از محصولات ایران و هم از محصولات شام تأمین می‌نمایند. لیکن روی هم رفته کشور عربی سعودی چون یک منطقه گرمسیر است بازار خشکبار در آن رونق ندارد و غالباً در ماه رمضان است که این کالا کمی رونق پیدا می‌کند. به علاوه چون بعضی مناطق کشور سعودی مانند جده مرطوبی است خشکبار زود خراب و فاسد می‌شود و از این رو توجه چندانی به آن مبذول نمی‌گردد.

مشکلات حمل و نقل

خطوط مواصلات و وسایل حمل و نقل بین ایران و کشور عربی سعودی بسیار نامنظم و پرزحمت و پردردسر است و در حقیقت غالباً تجار را از معامله مستقیم با ایران بیزار می‌کند، زیرا یا باید کالاها به ترتیب ترانزیت از راه عراق و شام و لبنان حمل شود و چندین بار دست به دست گردد و پایین و بالا گذاشته شود و گاه در کامیون و گاه در قطار و گاه در کشتی حمل گردد یا اینکه از راه خلیج فارس با وسایل کهنه قدیمی امر حمل و نقل به عمل آید و اگر این مشکل نبود بانزدیکی این دو کشور به هم دایره روابط بازرگانی بین دو کشور بسیار توسعه پیدا می‌کرد.

در حال حاضر خطوط راه آهن دارد کم کم نقاط مختلف کشور سعودی را بهم مرتبط می‌سازد و در حدود یک سال و نیم است که شهر ریاض پایتخت کشور سعودی و منطقه نجد (همان منطقه‌ای که ریاض از شهرهای آن است) و منطقه احسا و منطقه نفت خیز ظهران جملگی با خطوط راه آهن به هم ارتباط حاصل کرده‌اند و خط راه آهن مذکور به بندرهای دمام و رأس

التنوره که بر ساحل خلیج فارس واقع است منتهی می‌گردد. از این رو اگر در خلیج فارس کشتیهای تجارتمی بزرگ و کوچک از طرف ایران بکار بیفتند سود فراوانی بار خواهد آورد و به طور قطع علاوه بر تجارت کالاهای فوق که فوق العاده توسعه خواهد یافت کالاهای صادراتی دیگر از قبیل اقسام کنسروها و صنایع دستی ایران و میوه و سبزیجات و غیره بازار خوب و تشویق کننده در کشور عربی سعودی پیدا خواهد کرد.

به وجود آمدن یک خط هوایی منظم بین دو کشور نیز به این مقصود کمک بسیار خواهد کرد.

مشکلات حواله و ارز

یک اشکال دیگر در راه توسعه روابط بازرگانی بین ایران و کشور سعودی مشکلات حواله و ارز است و چون این اشکال اختصاص به تجارت ایران با کشور سعودی ندارد و در تجارت ایران با بعضی ممالک دیگر نیز موجود است و تاکنون بحث و گفت و گوهای بسیار در این باره شده و اولیای امور کشور همیشه می‌کوشند که حتی الامکان از این مشکلات کاسته شود از این رو فقط به ذکر آن اکتفا شد.

* کاردار - جعفر رائد

سند شماره ۸۰

تاریخ سند: ۱۳۳۲/۱۱/۷

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: صادرات ایران به عربستان

نمره: ۷۱۱

نوع صادرات ایران به کشور سعودی در ۱۳۶۸ هـ

نوع صادرات	بها به ریال سعودی	مقدار
برنج	۱۲۲۴۱۹۸	کیلو ۱۴۷۶۸۵۸
گندم	۳۰۰۲۰	کیلو ۱۱۲۵۷۵
آرد	۳۶۳۰	کیلو ۷۷۵۰
جو	۲۰۶۰	کیلو ۱۱۱۱۴
عدس	۲۶۰۰	کیلو ۱۹۰۷
باقلا	۲۷۳۲	کیلو ۷۵۱۵
نخود	۱۳۱۴۸	کیلو ۹۷۸۴
لوبیا	۱۰۱۵۷	کیلو ۱۱۱۷۲
روغن	۲۷۷۲۷	کیلو ۶۱۰۰
پی خوراکی	۳۲۰۰	کیلو ۸۰۰
عسل	۶۰۵	کیلو ۳۳۳
پنیر سفید	۲۱۳۵	کیلو ۴۲۷
باقلا ی ریز	۴۰	کیلو ۵۹

نوع صادرات	بها به ریال سعودی	مقدار
کنجد	۹۳۱	کیلو ۱۰۲۵
پیاز	۳۸۲	کیلو ۸۶۶
سیر	۵۰	کیلو ۱۵۰
آب میوه جات	۴۰۰	دوجین ۴۰
پرتقال	۴۳۶	کیلو ۸۷۳
زردآلو خشک	۲۱۵۶	کیلو ۱۰۷۸
انجیر خشک	۶۹۳۷	کیلو ۴۶۲۵
گردو	۳۴۷۰	کیلو ۳۸۱۸
نارگیل خشک	۱۲۷۲	کیلو ۳۴۰
کشمش	۳۰۸۴	کیلو ۲۰۵۶
ماهی خشک	۱۰۳۷۱	کیلو ۲۲۸۱۷
میگو	۲۲۳۶	کیلو ۱۶۴۰
تخم کدو	۷۶۵۶۰	کیلو ۵۱۰۴۰
لیموی خشک	۳۵۳۶۶	کیلو ۳۲۸۰۱
حنا	۷۲۱۳	کیلو ۱۳۴۰۹
تخم ینجه	۲۶۶۴	کیلو ۳۳۳
گل خشک	۴۲۴۷۸	کیلو ۴۶۷۲۶
دو اجات ایرانی	۴۵۴۶	کیلو ۱۹۹۴۰
گلاب	۱۰۰۲۷	کیلو ۷۱۹۴
پنبه	۴۵۸۸۷	کیلو ۲۵۲۳۸
جانمازی	۶۴	عدد ۱۳
عبای پشمی	۱۷۶۱۲۸	عدد ۵۷۰۱

سند شماره ۸۱

تاریخ سند: ۱۳۳۳/۱۱/۲۲
 فرستنده: سفارت ایران در جده
 گیرنده: وزارت امور خارجه
 موضوع: تجار سعودی که با ایران تجارت می کنند
 نمره: ۸۲۴

وزارت امور خارجه - اداره اقتصادیات

در پاسخ بخشنامه شماره ۴۷۷۲/۳۳۴۳۰ مورخ ۱۳۳۲/۱۰/۳ راجع به ارسال فهرستی از بازرگانان ایرانی و بازرگانی که با ایران روابط تجارتي دارند مطالب ذیل را به عرض می رساند.
 ۱. در حال حاضر هیچ یک از ایرانیان مقیم کشور عربی سعودی به کار بازرگانی اشتغال ندارد و کلیه آنها به سایر کارها از قبیل معماری و دکانداری و کارگری و باغبانی و کارهای فنی میکانیکی و برقی و خیاطی می پردازند و خوشبختانه دارای حسن عمل و شهرت خوب می باشند و به آنها با دیده احترام نگریسته می شود.
 ۲. تجار سعودی که با ایران معامله دارند دو نوعند:

الف - آنهایی که از ایران عبا و نخ عبا وارد می کنند و اینها به طور مرتب و در تمام سال با ایران معامله دارند و به ایران رفت و آمد می کنند و بعضی از آنها مانند آقای حاج یوسف ابوعلی اصلاً در ایران مقیم هستند و حتی از ایران متأهل شده اند.

تجار مذکور غالباً سرمایه شان از سرمایه داران بزرگتری است که در کشور سعودی هستند و کنترات معامله انواع عبا را با دولت عربی سعودی عهده دارند و مهمترین و ثروتمندترین آنها شخصی به نام بن غنیم است که از میلیونرهای کشور عربی سعودی می باشد.
 بازرگانی که برای خرید عبا و نخ عبا با ایران معامله و رفت و آمد دارند عموماً از اهالی

نوع صادرات	بها به ریال سعودی	مقدار
قالی	۱۹۷۰۸۸۸	۷۷۱۸۴ مترمربع
گلیم پشمی	۱۱۷۸۹	۶۸۸ مترمربع
نخ رشته پشمی	۲۱۸۹۶	۷۱۰۵ کیلو
چادر و بادبان کشتی	۴۲۰۰	۷ عدد
توتون سبز	۷۴۲۳۶	۵۴۴۴ کیلو
توتون	۱۹۹۳۸۱	۲۱۹۳۲ کیلو
خرازی	۳۶۹۲	۲۳۵۵۷ عدد
بنزین	۲۳۶۹۹	۱۰۳۸۹۰ کیلو
نفت	۱۸۷۴۱۴	۱۱۶۲۴۷۰ کیلو
ذغال سوخت	۱۱۰۱۸	۴۰۴۰۰ کیلو
هیزم سوخت	۳۱۶۵	۳۸۸۳۸ کیلو
چوب نی	۱۴۰۹	۳۱۰۰ عدد
پیت خالی	۱۶۹۶	۵۷۷۴ عدد
هسته خرما	۴۵	۴۹۵ کیلو
سبوس	۲۲۵	۸۲۵ کیلو
گوسفند	۹۶۹۰	۳۲۳ رأس
گاو	۳۳۸۶	۱۱ رأس

توضیح: جمع کل صادرات ایران به کشور عربی سعودی در سال ۱۳۶۸ هجری قمری برابر سال ۱۳۲۸ مساوی با مبلغ ۴/۲۷۸/۰۹۶ ریال عربی سعودی است.
 هر ده ریال سعودی برابر با یک لیبره استرلینگ است به نرخ امروز.

منطقه احسا می‌باشند که اغلب سکنه‌اش شیعه هستند. منطقه احسا که منطقه نفت خیز ظهران ضمن اراضی آن می‌باشد در قسمت شرقی کشور عربی سعودی واقع شده و از حجاز در حدود یکهزار و سیصد کیلومتر دور است و بین این دو قسمت از کشور عربی سعودی ارتباط قوی و نزدیک موجود نیست. از این رو با وضع فعلی شناختن یک یک تجار احسایی که با ایران مراده دارند برای این سفارت میسر نمی‌باشد و بهترین مرجع برای شناختن اشخاص مذکور و به دست آوردن معلومات کافی دربارهٔ ایشان شهربانی کل کشور در تهران می‌باشد، زیرا اشخاص مزبور همیشه با آن سر و کار دارند.

از حیث حسن عمل و حسن شهرت تا جایی که اطلاع هست کلیه اشخاص مذکور صدیق و امین و خوش معامله هستند و ایرانیانی که با آنها معامله یا ارتباط تجارتي دارند راضی می‌باشند.

ب - آنهایی که فرش یا سایر اجناس از ایران وارد می‌کنند.

این قبیل تجار سعودی ارتباطشان با ایران منظم و دائم نیست و گاهی تمام سال می‌گذرد و چیزی از ایران وارد نمی‌نمایند.

مهمترین تجار مذکور در حجاز به قرار زیرند:

آقای مسعود زینل که ارتباطش با ایران از سایرین دائم‌تر و منظم‌تر است و از ایران انواع قالی و فرش وارد می‌کند و در سالهای اخیر نمایندهٔ او در ایران تجارتخانهٔ آقای حاج عبدالحسین سلامت و شرکاء می‌باشد. آقای مسعود زینل از تجار درجهٔ یک حجاز بشمار می‌رود.

آقای بن سلیم که سال گذشته شخصاً به ایران آمد و راجع به خرید شصت هزار رأس گوسفند از ایران به توسط سفارت عربستان سعودی در تهران معامله کرد و از این تجارت خود سود فراوان برد. او از بزرگترین تجار حجاز است و میلیونر می‌باشد.

الشركة التجارية العربية که تاکنون بارها از ایران فرش وارد کرده است و یک بار در حدود سیصد هزار دلار از ایران فرش آورد. این شرکت میلیونها سرمایه دارد و از شرکتهای درجه یک حجاز بشمار می‌رود.

کلیه مذکورین دارای حسن شهرت و اعتبار کافی می‌باشند و نام و نشان آنان همان است که عرض شد و به تفصیل دیگری احتیاج نیست.

۳. کلیه اطلاعات مذکور مبتنی بر معلومات ذهنی و شخصی است و گر نه هیچ گونه آمار و مرجعی در این باره در اینجا وجود ندارد و حتی اتاق بازرگانی حجاز به علت نقص وسایل و محدود بودن فعالیتش نتوانست هیچ گونه معلوماتی در این باره بدهد. حتی از اطلاعاتی که در فوق معروض افتاد بی اطلاع بود، از این رو اگر نقضی در گزارش مشاهده می‌فرمایند علتش کمی کوششها نیست، بلکه علت نبودن وسایل در این کشور است و گر نه این سفارت در حدود مدت یک ماه برای به دست آوردن معلومات مورد لزوم به کلیه مقامات و اشخاصی که اصولاً باید از چنین موضوعهایی آگاه باشند مراجعه کرد و نتوانست نتیجه مورد دلخواه را بگیرد. زیرا چون کشور عربی سعودی هنوز از لحاظ بسیاری پیشرفت نکرده است جمع آوری اینگونه معلومات در آن - بر طبق منظور - میسر نمی‌گردد.

۴. بطور کلی تجارت ایران و کشور عربی سعودی (به استثنای عبا و نخ عبا) رونقی ندارد و تجاری هم که نام آنها برده شد تجارت اصلی شان در کالاهای سایر کشورهاست و تجارتشان با ایران رشته کوچکی از سایر رشته‌های تجارتشان می‌باشد و این رشته کوچک هم منظم نیست و غالباً دچار بریدگی می‌شود، چنانکه همان آقای مسعود زینل که مهمترین تجار فرش یا به عبارت صحیح‌تر تنها تاجر فرش در حجاز است اکنون بیش از یک سال است که از ایران کالایی وارد نکرده است و علت این موضوع ثابت نبودن نرخ کالاهای ایران و تزلزل و عدم استقرار نرخ ارز در ایران و سایر مشکلاتی است که در گزارشهای سابق این سفارت به طور مفصل (گزارش ۱۲۰/۳۲/۲/۲۳ و گزارش ۶۵۲/۳۲/۱۰/۳۰ و گزارش ۷۱۱/۳۲/۱۱/۷) به عرض رسیده است.

کاردار - جعفر رائد

سند شماره ۸۲

تاریخ سند: ۱۳۳۵

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: اداره کل هواپیمایی کشوری

موضوع: افتتاح سرویس هفتگی هواپیما بین ایران و عربستان

نمره:

اداره کل هواپیمایی کشوری

در پاسخ نامه شماره ۱۱۹۷۵ مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۷ موضوع کسب اجازه از مقامات سعودی برای پرواز هواپیماهای شرکت هواپیمایی ایران اشعار می‌دارد، مراتب به وسیله سفارت کبرای شاهنشاهی در جده با مقامات سعودی مورد مذاکره قرار گرفته و طبق اطلاع واصله مقامات سعودی با افتتاح سرویس هفتگی در هر هفته یک مرتبه از تهران - آبادان به دهران و برعکس از تاریخ پنجشنبه ۱۵ مارس برای مدت یک سال که قابل تجدید است به شرط عمل متقابل موافقت نموده‌اند. رونوشت نامه شماره ۱۰۸۲ مورخ ۳۴/۱۲/۲۷ سفارت کبرای شاهنشاهی در جده برای مزید استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد.

امضا: محمدعلی شکوهیان

وزیر امور خارجه

حاشیه: رونوشت نامه سفارت کبرای جده به پیوست ارسال می‌گردد.

سند شماره ۸۳

تاریخ سند: ۱۳۳۵/۲/۱۸

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پیشنهاد قرارداد بازرگانی و تأسیس شعبه برای فرش ایران در جده

نمره: ۲۱۵

وزارت امور خارجه - اداره اقتصادیات

اولیای دولت عربی سعودی که خود را با ایران دوست و همکیش و در تشیید مناسبات ایران را بر دیگر کشورها مقدم می‌شمارند به منظور بسط روابط اقتصادی و بازرگانی دو کشور ایران و عربی سعودی اظهار علاقه به انعقاد پیمان بازرگانی نموده‌اند و از سال ۱۳۳۱ نیز در این زمینه گزارشات مفصلی از نمایندگی شاهنشاهی به وزارت متبوعه تقدیم و نظر موافق وزارت اقتصاد ملی هم در انعقاد قرارداد بازرگانی با کشور عربی سعودی جلب و ابلاغ گردیده است. نظر به اهمیت موضوع و مخصوصاً با مذاکراتی که اخیراً در جده با آقای حمزه غوث سفیر کبیر کشور عربی سعودی به عمل آمده مقتضی است مقرر فرمایند مراتب تعقیب و از وزارت اقتصاد ملی درخواست گردد تا اقدام مقتضی را نسبت به طرح قرارداد مذکور که مراحل قدماتی آن نیز طی و به مرحله امضا رسیده است معمول، ضمناً دستور فرمایند نسبت به تأسیس شعبه برای فرش ایران در جده نیز که تقاضای آن از طرف آقای محمد آوزی بازرگان معتبر ایرانی الاصل به شرح نامه شماره $\frac{۱۱۵}{۱۳۳۵/۱/۲۷}$ اقدام لازم را مبذول و نتیجه را زودتر به سفارت کبرای شاهنشاهی ابلاغ نمایند.

سفیر کبیر - محمود صلاحی

سند شماره ۸۴

تاریخ سند: ۱۳۳۹

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: کالاهای صادره به عربستان

نمره:

شرح کالای وارده از ایران در سال ۱۳۸۰ هجری

نوع کالا	بها به ریال سعودی	مقدار	وزن
گوسفند و بز	۵۹۴۳۶	۵۰۸	عدد
پیاز	۱۴۰۳	۳۳۵۰	کیلو
انگور	۹۵۰	۳۶۱۰	کیلو
گردو	۳۸۵۹	۴۳۵۵	کیلو
پسته	۲۹۰۸	۷۰۰	کیلو
هلو	۲۳۸۰	۳۴۰۰	کیلو
هندوانه	۴۵۰	۹۲۰	کیلو
میوه‌جات مختلف	۸۵۱	۴۰۰	کیلو
برنج	۵۲۵۸	۴۵۴۰	کیلو
آرد حبوبات	۲۹۷۴۴	۹۰۸۰۰	کیلو
دانه و میوه‌های روغنی	۳۱۰	۳۴۵	کیلو
خاویار	۱۶۰	۳	کیلو
سبزیجات خوردنی	۱۶۴۲۷	۵۹۹۲	کیلو

کیلو	۲۸۶۰۲	۱۳۵۹۹	روغن ماشین
کیلو	۸۰	۸۰	فراورده‌های از چوب
کیلو	۸	۸۲	مطبوعات و کتاب هرچند در صفحه‌های گوناگون روزنامه و مجلات
کیلو	۵۶	۳۶۹	و نشریات
کیلو	۱۳۲	۳۴۱۰	قالی از پشم
کیلو	۳۴	۱۰۳	گونی
کیلو	۲۵۹۱۴	۴۳۰۱۱	مصنوعات از مواد خزف انبار آب از مواد مختلف که از ۳۰۰۰ لیتر اندازه آن زیادتر نیست
کیلو	۱۸۰	۱۰۰۰	بخاری و اجاق‌های آشپزی
کیلو	۱۰	۶۴	ادوات منزل و آشپزخانه و بهداشت
کیلو	۱۳	۸۱۰	پمپ برای سواحل
عدد	۲	۶۹۴۹	اتومبیل (کامیون)
عدد	۸	۸۸۶۸۴	قطعات یدکی برای تراکتور و غیره
۴۷۹۴	۵۳۱۷۰		اجزاء و اشیاء منفصل از هم برای هواپیما
کیلو ۳۰۸۰	۱۲۳۸۷		اجزاء و لوازم یدکی برای کشتی
کیلو ۲۳۵	۵۰۰		قلیان
کیلو	۳۰۰	۱۳۲	مجموع دو صفحه
		۴۵۳۳۵۴	ریال سعودی

صادرات از کشور سعودی به ایران در سال ۱۳۸۰ هجری

پرتقال و نارنگی	۲۷۵۰۰ ریال سعودی	۵۵۰۰	کیلو
سیگار	۶۹۰	۲۲	کیلو
اتومبیل مستعمل	۳۸۰۳	۱	عدد
مجموع	۳۱۹۹۳ ریال سعودی		

سند شماره ۸۵

تاریخ سند: ۴۰/۶/۲۱

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: توسعه روابط بازرگانی بین ایران و عربستان

نمره: ۸۱۲

وزارت امور خارجه

اداره امور اقتصادی

یک عده از بازرگانان جده که نژاداً ایرانی ولی در نتیجه اقامت طولانی در این کشور به تابعیت سعودی درآمده‌اند و در شهرستان جده اغلب به امور بازرگانی مشغول هستند و از تجار عمده این شهر بلکه کشور سعودی به شمار می‌روند و همچنین برخی دیگر از بازرگانان سعودی و حتی بعضی از ادارات مربوطه سعودی علاقه فراوانی در برقراری روابط بازرگانی و در بسط و ترویج کالاهای ایرانی و صنایع ایران در کشور سعودی نشان می‌دهند و اصرار زیادی در عملی شدن این منظور دارند.

به عقیده این سفارت کبرا به منظور استفاده و بهره‌مند شدن و برای ازدیاد منافع صادراتی ایران و حسن جریان و نظم و ترتیب مبادله کالا و بازرگانی بین دو کشور ایران و سعودی خوب باشد که ادارات وابسته ایرانی اقداماتی برای انعقاد یک پیمان بازرگانی بین دو کشور بنمایند گویا این سفارت کبرا هم در سنوات قبل چنین پیشنهادی نموده و در این باره گزارشی به وزارت متبوعه تقدیم کرده و تقاضا نموده است دستور فرمایند موافقت وزارت اقتصاد ملی ایران را در انعقاد چنین پیمانی جلب نمایند.

در اینجا لازم می‌داند که این نکته را به عرض برساند که برای بسط و توسعه روابط

بازرگانی و ترویج کالاهای ایرانی در این کشور میدان وسیعی و فرصت و مجال خوبی وجود دارد و انجام این کار در درجه نخست به سود کشور ایران تمام خواهد شد، زیرا که کشور سعودی از جمله کشورهای واردکننده کالا و انواع مال التجاره محسوب می‌گردد و خود هیچ نوع کالا بجز مواد نفتی کالای صادراتی دیگر ندارد تا بتواند با کشورهای دیگر پایا کند و با این ترتیب کشور مزبور ناگزیر است در مقابل خریدهای خود پول نقد به ریال سعودی یا ارز لیره استرلینگ و یا دلار امریکایی بپردازد و به همین سبب است که اغلب دول اروپا و امریکا و حتی برخی از کشورهای آسیا و افریقا من جمله کشور پاکستان و هندوستان و ژاپن و چین ملی و کشورهای جنوب آسیا و لبنان و جمهوری متحده عرب و غیره روابط بازرگانی با این کشور دارند و همواره سعی وافر دارند که این روابط را با این کشور توسعه دهند تا بدین وسیله از پول و ارز خارجی کشور نامبرده استفاده لازم بنمایند.

طبق تحقیقات و بررسیهایی که در بازارهای تجارتي اینجا بعمل آورده است در حال حاضر کالاهایی که از ایران به این کشور صادر می‌شود بسیار ناچیز است و یک عده از بازرگانان سعودی در منطقه احساء واقع بر کرانه خلیج فارس نزدیک جزایر بحرین که بیشتر آنها شیعه مذهب هستند و حتی عده‌ای از آنها هم در ایران زندگی و مسکن و اقامت دارند نخ و کرک شتر، موی بز و خشکبار از حوالی نائین و اصفهان و بم خریداری نموده و پس از تمیز کردن و بافتن آنها به وسیله کارخانه‌های بافندگی ایران نخ حاصله را یا به وسیله کشتیهای بادی از راه خرمشهر مستقیماً به بندر عجیر واقع در منطقه احساء در نزدیکی جزایر بحرین حمل می‌کنند و یا با کشتیهای بادی و یا موتور پوت از خرمشهر به کویت حمل نموده و از آنجا با وسایل نقلیه زمینی به منطقه احساء می‌فرستند.

اما تجارت قالی و قالیچه‌های بافت ایران یا از راه کویت وارد کشور سعودی می‌شود و یا از راه بیروت به جده حمل می‌گردد و تجار بدین ترتیب فرش مورد لزوم را از کویت و یا از بیروت خریداری می‌کنند و به کشور سعودی می‌آورند. زیرا که در اثرآماده نبودن وسایل حمل و نقل مرتب چه زمینی و چه دریایی بین ایران و کشور سعودی بازرگانان دیگر به خود زحمت

نمی‌دهند که فرش را مستقیماً از ایران خریداری کنند و ماهها انتظار وصول آن را بکشند.

اما تجارت حبوبات و غله ایران با کشور سعودی در حال کنونی بسیار ناچیز است و محدود می‌باشد و غالباً شهرهای واقع بر کرانه خلیج فارس برنج و گاهی گندم و جو و لوبیا و ماش و عدس از ایران خریداری و گاهی هم زرنیخ و پوست انار و زعفران و فیروزه و غیره از ایران می‌خرند. این نوع فراوردها و کالاها بازار مرغوب و خوبی دارد و برای ترویج این تجارت زمینه وسیعی هم فراهم است ولی باز بطوری که در بالا به عرض رسانید اشکالات موجوده حمل و نقل و ارتباطات مانع توسعه آن گردیده است.

کشور سعودی احتیاج فوق‌العاده به اغنام و احشام دارد و همواره مایحتاج خود را از چارپایان از قبیل گاو و گوسفند و بز از حبشه و سودان و کشورهای همسایه خود خریداری می‌کند زیرا که بیشتر به دو ثلث از اراضی این کشور بیابان بی آب و علف و صحرای شنزار خشک است و اغنام و احشام در این اراضی تربیت نمی‌شود و سعودیها مجبورند برای مصرف استهلاکی کشور اغنام و احشام را از خارج از کشور خریداری و وارد کنند و برای خرید اغنام و احشام سالیانه مبلغ هنگفتی ارز می‌پردازند. هرگاه در ایران زیاده بر مصرف استهلاکی خود از اغنام و احشام باشد به کشور سعودی صادر کنند رقم بزرگی را در صادرات ایران به کشور سعودی تشکیل خواهد داد.

اما تجارت خشکبار از قبیل پسته و بادام و فندق و نخودچی و کشمش و برگه و آلو و از این قبیل کالا که به کشور سعودی می‌رسد غالباً از شام تأمین می‌گردد زیرا به عللی که در بالا ذکر شده است به واسطه نامرتب بودن وسایل نقلیه و کمیابی آن بین ایران و سعودی تجار راه نزدیکتر را گرفته و به خود زحمت نمی‌دهند که مدتها صبر کنند تا کالای مورد درخواست خود را از ایران دریافت دارند، فقط مناطقی که واقع بر کرانه خلیج فارس است مایحتاج خود را از خشکبار از ایران تأمین می‌نمایند.

خطوط مواصلات و ارتباطات و وسایل نقلیه بین ایران و کشور سعودی بسیار نامنظم و پر مشقت و پر زحمت و دردسر و بلکه معدوم است و بدین وسیله بازرگانان سعودی غالباً از

معامله مستقیم با بازرگانان ایرانی دوری می‌کنند، زیرا در صورتی که بخواهند با وسایل موجوده کالاهای خریداری شده از ایران را به کشور سعودی حمل نمایند بایستی به طور ترانزیت و از راه عراق و لبنان و یا از راه کویت حمل کنند که این کالاها باید چندین بار دست به دست گردد و پایین و بالا گذاشته شود، مدتی در کامیون و گاهی در قطار و زمانی در کشتی حمل گردد و یا اینکه مستقیماً از راه خلیج فارس با کشتیهای قدیمی و بادی و یا وسایل کهنه و بطیء حمل آنها انجام گیرد، اگر این مشکلات در پیش نبود با نزدیکی این دو کشور به یکدیگر از راه دریا دایره روابط بازرگانی بین دو کشور بسیار توسعه پیدا می‌کرد و امروز ایران نخستین کشور صادرکننده کالا به کشور سعودی محسوب می‌گردید.

اما وضعیت ارتباطات و طرق مواصلات و وسایل نقلیه در داخله کشور سعودی در حال حاضر خوب است و یک رشته خط آهن دارد که از شهر ریاض پایتخت کشور سعودی واقع در منطقه نجد شروع شده یک فرع از آن به شهر الخرج که منطقه مهم سلاح سازی و انبار مهمات کشور سعودی است کشیده شده و همچنین از ریاض یک فرع به شهرهای دمام و بندر دمام و رأس تنوره که از مناطق نفت خیز کشور سعودی است و طول این خط تقریباً ششصد کیلومتر است کشیده شده است.

دولت سعودی از دو سال [پیش] به این طرف درصدد برآمده است خط آهن سابق را که از مدینه به کشور اردن و سوریه امتداد داشت تجدید نماید و برای این کار مبالغی در بودجه اختصاص داده است و در سال آتی شروع به کشیدن خط مزبور خواهند نمود و ضمناً مشغول فراهم کردن وسایلی برای امتداد یک خط آهن دیگری از مدینه به ریاض و از مدینه به جده و مکه می‌باشد.

دو سال بود که دولت سعودی مشغول ساختمان بندر دمام واقع بر کرانه خلیج فارس که از بنادر مهم کشور سعودی و جهانی است بوده و اخیراً کار ساختمان بندر مزبور خاتمه یافته و روز ۱۳۴۰/۵/۲۵ گشایش گردیده و مورد استفاده واقع گردید. این بندر ۱۵ میلیون دلار امریکایی هزینه برداشته و مهندسین آن امریکایی بوده و تمام هزینه‌های ساختمانی آن را دولت

امریکا از بودجه اختصاصی کمک به کشورهای عقب مانده پرداخته است. بندر جدید دمام گنجایش لنگر انداختن کشتیهای تجارتنی بزرگ را دارد و در خود بندر هم انبارهای بزرگی جهت انبار کردن کالاها ساختمان شده است و به این ترتیب با کمال سهولت می‌توان مال‌التجاره را به این بندر وارد کرده و به وسیله راه آهن که در بندر امتداد دارد و یا با وسایل نقلیه زمینی دیگر و یا هوایی آن را به اطراف و اکناف کشور حمل نمود. تأسیس و به کار انداختن این بندر در آتی نزدیک به اقتصادیات و حرکت بازرگانی سعودی رونق و کمک شایانی خواهد کرد.

با ذکر شرح بالا چنانچه دولت ایران و یا شرکت‌های سهامی ایران یا کشتیهای تجارتنی منظم جهت حمل و نقل مال‌التجاره در خلیج فارس تأسیس نمایند و به کار اندازند سود فراوانی را بیار خواهد آورد و به طور قطع و یقین علاوه بر تجارت کالاهای صادراتی فوق، کالاهای دیگر از قبیل انواع کنسرو و صنایع دستی ایران و میوه‌جات و امثال آنها و غیره با مدت کوتاهی و با سهولت به کشور سعودی و کشورهای امارت‌نشین دیگر خلیج فارس حمل خواهد شد و بازار خوبی را به دست خواهد آورد. و یا اگر یک خط هوایی بین ایران و کشور سعودی به طور منظم دایر گردد و هواپیماهای ایران هر هفته به این کشور آمد و رفت بکند و کالاهای سریع‌الفساد را به وسیله همین هواپیماها حمل کنند البته هم زودتر به مقصد می‌رسد و هم سود خوبی را در بر دارد، چنانکه اکنون اغلب دولتهای عربی از قبیل لبنان و دولت جمهوری متحده عرب و اردن و حتی بازرگانان و شرکت‌های مهم امریکا همین رویه را اتخاذ و کالاهای خود را در این کشور پر پول به فروش رسانده، و استفاده‌های سرشاری از این راه می‌برند و دایره عملیات بازرگانی آنها هر روزه در توسعه است در صورتی که متأسفانه و افسوس که بازرگانان ایرانی از مرحله پرت‌اند و هیچ‌گونه همتی و یا حرکتی از آنها در اینجا دیده نمی‌شود.

به شرحی که در مقدمه این گزارش به استحضار رسانده است پول رایج این مملکت ریال سعودی است و به ارز لیره استرلینگ و دلار امریکا دادوستد هم می‌کنند ولی اصولاً معاملات در داخله کشور غالباً به ریال سعودی انجام می‌گیرد. ریال سعودی از نقطه نظر تأمین هزینه‌های حج ایرانی در موسم حج در این کشور به مصلحت دولت ایران خواهد بود، زیرا با این ترتیب بدون

هیچ اشکالی حجاج خواهند توانست به جای خارج کردن ارز مملکت و قاچاق کردن پول ایران از بانک ملی ایران حواله ریال سعودی گرفته و در اینجا وجه مورد حواله را دریافت دارند ولی برای انجام این منظور رسیدگی به امر بازرگانی ایران در این کشور باید قبل از هر اقدام شعبه از بانک ملی ایران در جده گشود و چنانچه انجام این کار مشکل باشد و عملی نشود بانک ملی ایران می تواند بانک عرب و یا هر بانک دیگری که عامل و کارگزار او باشد تعیین و ترتیب انجام این کار را با او بدهد که ریالهای حاصله از فروش کالاهای ایران را به حساب بانک ملی ریخته و در موقع خود به دارندگان حوالجات بپردازد.

موضوع دیگر آنکه دولت یا مؤسسات و یا شرکتهای عمده ایران در جده نمایندگاهی مانند نمایندگاه هند تأسیس نموده و انواع کالاهای ایرانی و صنایع دستی و انواع پارچه های پشمی و پنبه و ابریشمی و سیگار و سیگارت و تنباکوی ایران و لوازم پلاستیکی و نقره آلات و چای و غیره را که مورد توجه و علاقه سعودیهاست به معرض نمایش در نمایندگاه گذاشته شود و از این راه مشتریان عمده برای وارد کردن کالاهای ایران به کشور سعودی بدست آورد.

با ذکر مراتب معروضه در بالا و این اوضاع و احوال فرصت و مجال خوبی را به ما می دهد و تجار ایرانی و بازرگانی ایران از این راه استفاده های سرشاری خواهند کرد و لااقل سالی مقدار معتدله ارز و دلار یا لیره استرلینگ عاید کشور خواهد شد و این ترتیب به نوبه خود کمک شایانی به از مملکت می کند. دیگر بسته به نظرو تصمیم و توجهات و اقدامات مؤثر اولیای امور است.

کاردار موقت - علی عاصمی

سند شماره ۸۶

تاریخ سند: ۱۳۵۰/۱/۲۵

فرستنده:

گیرنده:

موضوع: موافقتنامه بازرگانی

نمره:

موافقتنامه بازرگانی

بین

دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی

دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی با انگیزه تمایل به توسعه و بسط تحکیم روابط اقتصادی و ایجاد تسهیلات بیشتر در امر بازرگانی بین دو کشور بر اساس منافع متقابل در موارد زیر موافقت کردند:

ماده ۱

طرفین باتوجه به مقررات و قوانین جاری در ممالک خود صادرات و واردات کالاها و خدمات را بین کشورهای خود تشویق می نمایند.

ماده ۲

به منظور بسط و توسعه بازرگانی بین دو کشور طرفین متعاهدین برگزاری نمایندگانها در کشورهای خود را به طرف دیگر اجازه داده و توسعه چنین نمایندگانهایی را در حدود قوانین و مقررات جاری مورد تشویق قرار خواهند داد، همچنین طرفین موافقتنامه مبادله هیأت های

بازرگانی را تشویق خواهند کرد.

ماده ۳

کلیه پرداختهای مربوط به واردات و صادرات بین دو کشور به وسیله دلار ایالت متحد آمریکا یا لیره انگلیسی و یا سایر ارزهای قابل تبدیل مورد توافق طرفین انجام خواهد شد.

ماده ۴

طرفین در محدوده قوانین و مقررات جاری بخش خصوصی را در کشورهای خود برای ایجاد طرحهای مشترک به منظور توسعه صنایع و سایر طرحهای توسعه اقتصادی در جهت تأمین نیازمندیهای داخلی دو کشور و سایر بازارها تشویق خواهند نمود.

ماده ۵

طرفین موافقت نمودند که یک کمیته مشترک مرکب از نمایندگان ایرانی و عربستان سعودی در سطح وزیران تشکیل شود تا:
 ۱. اقداماتی را جهت بسط این موافقتنامه پیشنهاد نماید.
 ۲. هرگونه اصلاحات لازم مربوط به این موافقتنامه را پیشنهاد نماید.
 ۳. طرق و شیوههای برطرف نمودن مشکلاتی را که ممکن است در ضمن اجرای این موافقتنامه به وجود آید پیشنهاد کند.
 این کمیته حداقل سالانه دو بار متناوباً در تهران و ریاض تشکیل خواهد شد.

ماده ۶

این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد مربوط به تصویب موافقتنامه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و برای مدت دو سال اعتبار خواهد داشت و بنابر تقاضای هر یک از طرفین و با

موافقت کتبی طرف دیگر برای مدت مشابه تمدید می گردد.

تقاضای تمدید می بایستی سه ماه قبل از انقضای تاریخ این موافقتنامه تسلیم شود.

به تاریخ ۱۳۵۰/۱/۲۵ شمسی مطابق ۱۳۹۱/۲/۱۸ قمری در تهران در دو نسخه اصلی به زبانهای فارسی و عربی تنظیم گردیده و هر دو نسخه متساویاً معتبر است.

از طرف	از طرف
دولت شاهنشاهی ایران	دولت پادشاهی عربستان سعودی
محل امضا	محل امضا

موافقتنامه بازرگانی بین دولت شاهنشاهی ایران

و بین دولت پادشاهی عربستان سعودی

نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران و دولت عربستان سعودی در تاریخ روز شنبه یازدهم دی ماه یک هزار و سیصد و پنجاه مطابق با پانزدهم ذی القعدة ۱۳۹۱ هـ در وزارت خارجه سعودی در جده به شرح زیر:

آقای موسی الرضا قنادیان، مدیرکل بازرگانی خارجی وزارت اقتصاد

جناب آقای شیخ ابراهیم سلطان، قائم مقام معاون وزارت خارجه

اجتماع و پس از بررسی اختیارنامهها و ثبوت صحت موافقتنامه بازرگانی که در تهران به تاریخ ۱۳۵۰/۱/۲۵ مطابق ۱۳۹۱/۲/۱۸ هـ پیش نویس آن به امضا رسیده از طرف دولت متبوع خود امضا نمودند.

از طرف	از طرف
دولت شاهنشاهی ایران	دولت پادشاهی عربستان سعودی
محل امضا	محل امضا

سند شماره ۸۷

تاریخ سند: ۱۳۵۰/۹/۱۷

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: افتتاح شعبه بانک ملی ایران در جده

نمره: تلگراف شماره ۳۱۰۶

جناب آقای سنندجی مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه

محترماً به عرض می‌رساند:

شعبه بانک ملی ایران در جده ساعت هشت بامداد امروز بدون تشریفات خاص رسماً
گشایش یافت.

اینجانب و سایر آقایان اعضا سفارت شاهنشاهی در بانک حاضر و اولین شماره حساب
به نام سفارت شاهنشاهی ایران اختصاص داده شد و آقایان کارمندان سفارت هم در بانک
حساب باز نمودند.

مشیری

تاریخ سند: ۱۳۰۸/۱۲/۱۹

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت دولت علیه در حجاز

موضوع: آبونه کردن روزنامه ام القری

نمره: ۱۵۲۰۲

سفارت دولت علیه در حجاز

چون وزارت امور خارجه مایل است یک روزنامه از حجاز آبونه شود روزنامه «ام القری» منطبعة مکه را از اول فروردین ۱۳۰۹ تا اول فروردین ۱۳۱۰ آبونه شده و مراقبت نمایند به طور مرتب از اقصر طرق به عنوان وزارت امور خارجه ارسال شود. بدیهی است... آبونمان به وصول قبض حسب المعمول از طرف اداره محاسبات کارسازی خواهد شد.

محمدغلی فرزین

امضا

سجع مهر وزارت امور خارجه

سند شماره ۸۹

تاریخ سند: ۴ ژوئن ۱۹۴۳

فرستنده: وزیر مختار سعودی در لندن

گیرنده: وزیر مختار ایران در لندن

موضوع: دعوت وزیر مختار ایران به عضویت کمیته اجرایی

مرکز تربیت اسلامی لندن

نمره:

ترجمه نامه وزیر مختار دولت عربی سعودی در لندن

مورخه ۴ ژوئن ۱۹۴۳

همقطار عزیزم، عطف به مذاکراتی که با شما نمودم راجع به موضوع ساختمان مسجدی در لندن و راجع به موضوع یک مرکز تربیت اسلامی و شرقی و همچنین در باب اشتیاق دخول شما در کمیته اجرایی برای آنکه نمایندگان تمام ممالک اسلامی در لندن برای اجرای این نقشه تشریک مساعی نمایند هرچند وعده داده بودم اوراق مطبوعه راجع به این موضوع را برای شما بفرستم ولی متأسفانه نتوانستم نسخه‌ای از آن به دست بیاورم به این جهت موضوع را به شرح ذیل خلاصه می‌نمایم:

لندن پایتخت امپراتوری انگلیس سوای دو مسجد خیلی کوچک یک مسجد مرکزی که لایق و شایسته شوون اسلام باشد و نه یک مرکز برای تربیت اسلامی و عرب وجود ندارد. تعداد اتباع مسلمان دولت انگلیس از عده اتباع مسیحی آن بیشتر است و بسیاری از مسلمانهای امپراتوری انگلیس و همچنین بسیاری از مسلمانهای ممالک دوست مثل مصر، عراق و عربستان اطفال خود را برای تحصیل به اونیورسیت‌های انگلستان می‌فرستند و بین بستگان آن جوانها این شکایت هست که هیچ نوع وسیله برای حفظ تربیت اسلامی اطفال آنها در مدت دوره

تحصیلات در این مملکت وجود ندارد. در نتیجه هر مسلمانی که اطفال خود را به این مملکت می‌فرستد و یا اغلب به اینجا مسافرت می‌نمایند این مطلب را در دل دارد، میل همگی آنها این است که یک چنین مؤسسه‌ای در لندن ایجاد گردد.

بیش از چهل سال از طرف مردم مختلفه برای اجرای این منظور مساعی بکار برده شد، ولی بدبختانه چون مساعی آنها انفرادی و از یکدیگر مجزی بوده بالاخره منجر به اجرای منظور آنها نگردید و سرمایه‌ای که از میان دستجات مختلفه جمع آوری شده بود به امانت گذارده شده و هنوز به همان حال و بدون مصرف باقی است.

راجع به مرکز تربیت اسلامی اینطور به نظر می‌رسد که اولاً یک چنین مرکزی مورد استفاده مسلمانانی خواهد بود که در این مملکت مقیم هستند و همچنین برای اشخاص غیر مسلمان که به آن علاقه‌مند هستند و ثانیاً وجود چنین مؤسسه نشر و اشاعه تربیت اسلامی در تمام این مملکت برای افاده کسانیکه از تربیت ما بی اطلاع هستند خواهد شد و این قسمت به مناسبت ارتباط استواری که بین مسلمانان و این مملکت موجود است دارای اهمیت بیشتری است.

به طوری که اطلاع دارند این تربیت اسلامی ما نتیجه مساعی ملل مختلفه اسلامی است، به این جهت منحصر به یک مملکت نمی‌باشد، میل دارم توجه شما را به این مطلب جلب کنم که اولین جلسه‌ای که در سفارت مصر تشکیل شد آقای نبیل شارژ دافروقت به نمایندگی ایران شرکت داشت. در جلسه دوم آقای مقدم نیز حضور داشت، ولی به دلایلی که اطلاع حاصل فرموده‌اید ایشان از حضور در جلسات بعد معذرت خواست.

تصور می‌کنم اکنون موجبات مذکوره دیگر وجود ندارد و به این مناسبت امیدوارم شما متمایل باشید در این نقشه تشریک مساعی نموده و به کمیته اجرایی که رئیس آن سفیر کبیر مصر و اعضای آن به قرار ذیل است ملحق گردید:

جناب رؤوف الجادرچی

سر عزیز الحق

سر حمان سهروردی

سیدعطا امین

خودم

آقای حاج علیرضا یکی از اعضای کمیته است که فعلاً در انگلستان نیست.

امضا (حافظ وهبه)

سند شماره ۹۰

تاریخ سند: ۱۳۴۰/۹/۲۳

فرستنده: سفارت ایران در جدّه

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله یک تبعه سعودی درباره سفرش به ایران

مندرج در روزنامه الندوه چاپ مکه

نمره:

ترجمه مقاله آقای احمد عباس تبعه سعودی

مندرج در روزنامه الندوه چاپ مکه شماره ۸۹۳ - ۱۳۴۰/۹/۲۳

داستان شیخ خزعل معزالسلطنه سردار عربستان

اجازه سفر مخصوص برای هر مسافری که از طریق بحرین به ایران می‌رود

راننده تاکسی در اصفهان فقط نصف کرایه را دریافت می‌کند

چگونه تیمور لنگ هفتاد هزار نفر را به طور فجیعی کشت

بعد از ورود به کویت مسافرت به ایران در خاطره من خطور کرد و این تصمیم بیشتر در موقعی که عصرهای تابستان به کرانه‌های خلیج فارس می‌رفتم و از دور آن طرف خلیج را که گازهای نفت در حال اشتعال بود مشاهده می‌کردم شدت می‌گرفت و در نظرم تاریخ با عظمت ایران و پیش‌آمدهای گوناگونی که در آن سرزمین رخ داده است و در خلال چندین قرن امپراتورهای ایرانی در کشورهای مختلف جهان حکمفرمایی می‌کردند، همچنین حملاتی که به آن سرزمین شده به یاد می‌آوردم، ولی شغل و کارم اجازه نمی‌داد که این آرزوی خود را به مرحله عمل گذارم. بالاخره چون موضوع مراجعت به وطن پیش آمد تصمیم قطعی گرفتم که مسافرتی

به ایران کنم.

دهها سؤال از خودم می‌کردم هنگامی که هواپیما از کویت به سمت ایران پرواز کرد، چه چیزهایی را مشاهده خواهم نمود، آثار باستانی، آثار عظمت ساسانیان، بقایای تاج و تخت ایران، تأثیر دیانت اسلام در ادیان قدیم، فلسفه فلاسفه و حکمت حکما و شعر شعرا، ایرانیان که به دین اسلام درآمدند و تأثیر اسلام در ایران، بعد فکرم متوجه وضع کنونی ایران گردید که ایران در حال حاضر چه وضعی را دارد، موقعیت ایران در پیمان سنتوو در ممالک پشت پرده، رقابت نفوذهای بزرگ جهانی در ایران، حقیقت موقعیت ایران نسبت به اسرائیل به طور رسمی و غیر رسمی چگونه است، چه افکار و عقایدی وجود دارد و چه احزاب سیاسی موجود و مرام و مسلک آنها چیست، برای پیشرفت خود چه وسایلی بکار می‌برند، مجلس شورای ملی و نقشی که در زندگانی اجتماعی مردمان بازی می‌کنند، آزادی عمومی و مطبوعات، قضیه نفت و اوضاع مالی و اقتصادی، پیشوایانی که اسم آنها دنیا را پر کرده بود و داستانهای شبیه به افسانه که از جهد و جهاد ایشان نقل می‌کردند، آیه‌الله کاشانی و دکتر مصدق و غیره کجا شدند و چه می‌کنند، آیا در ظرف یک هفته که برای سفر تخصیص داده‌ام جواب اینهمه سؤال میسر است؟

آبادان - هواپیما پس از طی بیست دقیقه پرواز در فرودگاه آبادان، یعنی اولین نقطه مرزی ایران به زمین نشست. کارمندان گمرک کارهای گمرکی و گذرنامه را با بشاشت و خنده رویی و جملات مؤدبانه انجام دادند و بر عکس بعضی از کشورهای خاور و باختر از مسافر تحقیق می‌کنند که چه مقدار پول همراه دارند، در گمرک ایران کسی با نظر شک و تردید به سوی ما نگاه نکرد و از ما نپرسید چه مقدار پول همراه دارید و دیدن جامه‌دانها هم فقط تشریفاتی و آن هم در چند ثانیه انجام گرفت.

دولت شاهنشاهی اهمیت زیادی به جهانگردی می‌دهد و این تسهیلات که می‌نمایند اثرات حسنه در دل جهانگردان بخشیده و هیچ وقت آن را فراموش نخواهند کرد. سپس به کافه رستورانی که شرکت هواپیمایی ایران جهت صرف غذا تهیه نموده رفتم، با دقت در چهره و اخلاق ایرانیان که دو صفت بارز خُلقی و خُلقی در آنها دیده می‌شود: خُلقاً مناعت و تفخر

صفت بارز ایرانی و خُلقاً دماغ ایرانیان است که کشیده و بلند و گاهی شکیل است و گاهی نه. ایرانی به ملیت و افتخارات نیاکان خود به شدت می‌بالد، سه مرتبه هجوم برکشور ایران و پیش آمدهای گوناگونی که برای ایران اتفاق افتاده:

۱. حمله اسکندر مكدونی [مقدونی] به ایران در سال ۳۳۰ ق.م.

۲. فتح مسلمین ایران در سال ۶۳۶ م.

۳. هجوم مغول در اوایل قرن سیزدهم میلادی نتوانسته است روح میهن پرستی و رسوم ملی ایران را از بین ببرد، با سرودن اشعار فردوسی خاطره قهرمانان و سلحشوران ایرانی در خاطره آنها زنده با اشعار حافظ از ترانه‌های وی محظوظ و از اشعار سعدی به ارشاد و فلسفه پی می‌برد و با اشعار نظامی هم به داستان سرایی لذت می‌برد و از رباعیات عمر خیام با افکار فلسفی مشعوف و مسرور می‌گردد.

ایرانی تاریخ خود را از دوره سیروس و کامبیز و داریوش با دقت و علاقه تمام خوانده و وقایعی را که در ظرف بیست و پنج قرن گذشته به کشور ایران روی آورده از مد نظر می‌گذراند و تمدن اعصار گذشته در این کشور و جنگهایی را که با یونان و رومیها نموده یاد می‌کند. ایرانی عقیده دارد اولین تمدن انسان روی زمین از ایران سرچشمه گرفته و تمدن یونانیها که ریشه تمدن و فرهنگ کنونی را در باختر تشکیل می‌دهد از ایران اخذ و در نتیجه چپاول و غارت کتابهای نفیس پرسپولیس (تخت جمشید) در دوره اسکندر مكدونی [مقدونی] به یونان و از آنجا به اروپا رفته همین طور نژاد آری [آریایی] را که اصیل ترین نژاد بشر می‌داند معتقد هستند در ایران رشد و نمو نموده و از آنجا به جاهای دیگر منتقل شده است (هیتلر هم بر این عقیده بوده و آن را تأیید و پشتیبانی می‌نموده است) و به همین واسطه اسم کشور را از فارس (که استانی در جنوب ایران است) به (ایران) یعنی سرزمین آری تبدیل نمودند، آرینها به عقیده ایرانیان نجباء و نبلاء تعبیر می‌شوند، ایرانی در نتیجه همین عقیده با دید تقدیر به طبقه اعیان نگاه می‌کند و آن را یک امر طبیعی آثار و بقایای عظمت گذشته خود می‌داند. ایرانی در هر مقام و رتبه‌ای باشد حاضر نیست او را به کمتر از خطاب (آقای عزیز) صدا کنند اما از لحاظ دماغ ایرانیان که دارای بینی بلند

وکشیده‌اند که در بعضی موجب جاهت و خوشگلی است و در بعضیها به عکس آن است. آبادان ... اهواز - آبادان از شهرهای کوچک ایران است و وجود نفت در آنجا به این شهر شهرت جهانی داده است و شهر مزبور در ولایت موسوم به خوزستان واقع گردیده است. خوزستان را سابقاً «انزان سوسونکا» می‌نامیدند و سلاطین قدیم کاخهای زمستانی خود را در شهرهای شوش و سوس قدیم بنا کرده‌اند و بعدها هم این منطقه به نام خوزستان تبدیل گردیده است.

در قرن هفتم میلادی مسلمانان ایران را فتح و آن را اهواز نامیدند، در حال حاضر شهر اهواز مرکز استانداری است.

آبادان در ۱۲۸ کیلومتری اهواز واقع شده. اکنون که در خوزستانم مناسب است از (شط‌العرب) نقطه حساس اختلاف فیما بین ایران و عراق یاد نمایم. بطوری که ملاحظه می‌شود نام محمره و عربستان جنوبی و عربستان شمالی از نقشه ایران برداشته شده، همچنانکه از کتابها و پرونده‌ها اسم حاکم سابق خوزستان و القاب او حضرت سردار اقدس معز السلطنه شیخ خزعلی بن نصرت الملک حاج جابرخان الحاسبی المحسینی الکعبی العامری. امیر نویان و سردار عربستان که در آن منطقه شبه استقلال داشته برداشته شده است. اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی (پدر اعلیحضرت همایون شاهنشاه کنونی) در سال ۱۹۲۴ م که نخست وزیر و فرمانده کل قوای مسلح ایران بودند قشونی به آنجا فرستادند که شیخ خزعل با قوای خود ایستادگی کرده و با آنها نبرد نمود ولی در نتیجه اسیر شد و رضا شاه در سال ۱۹۲۵ م به سلطنت ایران رسید و شاهنشاه ایران گردیدند.

اکنون که شرحی درباره آبادان و اهواز و فتح آن از طرف مسلمین اشاره شده بی‌مناسبت نیست که چند کلمه از بلا و مصیبتی که به این شهر (اهواز) به دست فرمانده و حاکم آنجا به نام رستم هرمزان وارد آمده بیان نمایم:

رستم هرمزان با عده‌ای از قوای لشکریان ایران موقع حمله مسلمانان به این شهر پناه برد و همینکه اخبار شکست و خاتمه کار یزدگرد به آنجا رسید و در عزم و رسوخ لشکریان فتور و

سستی راه یافت هرمزان امر نمود زنان و اطفال را برای اینکه به اسارت نرفتند در شط غرق نمایند و با این وسیله می‌خواست روح سلحشوری را در سربازان خود تقویت کند، بعد از فتح مسلمین هرمزان را اسیر و به مدینه بردند و در آنجا با وی به نیکی رفتار و معامله نمودند. باقی این داستان که به سوء قصد هرمزان نسبت به خلیفه عمرین خطاب و قتل او منتهی می‌گردد معروف و احتیاج به توضیح ندارد.

بحرین ولایتی از ایران است.

هوایما مجدداً حرکت نموده و به سمت اصفهان رفتیم، ضمن اینکه گذرنامه ام را از میان نوشتجاتم بیرون می‌آوردم تا چنانچه در فرودگاه اصفهان آن را بخوانند به مأمورین مربوطه ارائه دهم، در حین ورق زدن اوراق آن تعجب نمودم که هیچ آثاری از مهر ورودی به آبادان در گذرنامه مزبور نیست. موقعی که تصمیم گرفتم به ایران مسافرت کنم گذرنامه‌ام را به دفتر شرکت جهانگردی کویت دادم تا روایت لازم را از کنسولگری ایران در بیروت تحصیل نماید. دفتر مزبور گذرنامه را پس داد و پروانه علی‌حده برای ورود به ایران ضمیمه آن بود، تصور کردم مقررات این طور است، به آن پروانه نگاه کردم دیدم مهر ورود و تاریخ وصول به آبادان در آن پروانه ثبت شده است و تصور کردم که سهواً این طور شده ولی بعد مطلع شدم که ایران بحرین را نه فقط جزء لایتنجری زمینهای خود می‌داند بلکه آن را آستان چهاردهم ایران محسوب می‌نماید و از این جهت گذرنامه که حامل آن از بحرین بگذرد و مهر دولت بحرین داشته باشد - دولت ایران آن را غیر قانونی می‌داند و روایت ورود روی صفحات آن نمی‌دهد، بلکه پروانه ورودی علی‌حده صادر می‌کند و مهرهای ورود و خروج را در آن ثبت می‌کند و در موقع خروج از ایران پروانه از صاحب گذرنامه گرفته و گذرنامه‌اش خالی از روایت‌های ایرانی مانند کسی که اصلاً به ایران مسافرت نکرده باشد و گذرنامه من هم چون دارای مهرهای بحرین بوده است چنین پروانه برای من صادر کرده‌اند.

اصفهان - بعد از ۵۵ دقیقه از آبادان به اصفهان رسیدیم، دیگر در اینجا کارهای گمرکی و

ثبت گذرنامه در کار نبود چونکه در داخل کشور ایران هستیم.

تا کسی گرفتم تا مرا از فرودگاه به شهر بیاورد، راننده تاکسی پرسید انگلیسی می‌دانی گفتم آری و از وی خواستم که مرا به یک هتل پاکیزه راهنمایی کند، راننده تابعیت مرا پرسید، گفتم خیال می‌کنی کجایی هستم، بدون تردید گفت آسیایی هستید، گفتم بدون شک این مطلب ثابت می‌نماید که اعراب در تکوین نژاد اسپانیا دست و دخالت داشته‌اند، ولی با خوشوقتی از این مطلب بایستی بگویم که من عرب هستم، پرسید عراقی یا لبنانی، گفتم سعودی، گفت مکه، گفتم آری، از اسمم پرسید، گفتم احمد عباس، چند مرتبه اسمم را تکرار نمود، مخصوصاً کلمه عباس را خیلی با وزن و ابهت بیان نمود و گفت چون برادر مسلمان ما هستی شما را به جایی که در وسط شهر و جای محترمی است خواهم برد که هزینه آن متوسط است. وقتی خواستم حسابم را پردازم گفت چون تازه وارد هستید می‌ترسم راننده دیگری زیادتر از شما پول بگیرد و تا تمام جاهای دیدنی اصفهان را نشان ندهم پول نمی‌گیرم. در آخرین روز اقامتم در اصفهان وقتی از دفتر هتل تعرفه کرایه را گرفتم و خواستم کرایه تاکسی را طبق تعرفه پردازم راننده مذکور نصف مبلغ را گرفت و گفت کرایه حقیقی من همین است و من با شما بر اساس ساعت احتساب کرده‌ام. این رفتار برادرانه اسلامی بهترین تأثیر را در من جا گذاشت.

اصفهان شهر پاکیزه قشنگی است که قدیم و جدید را به صورت شیفتگی جمع و آمیخته است. دروازه‌ها و کوچه‌هایش که قدیمی است بیننده را به دهها بلکه صدها سال قبل با اینه تاریخی آن می‌کشاند. برعکس خیابانهای آن طوری ساخته شده است که منحصر به فرد است وسط خیابان برای پیاده رو و دوچرخه‌سواران سپس جویهای آب و درختان بلند در کنار آن، بعد از آن راه اتومبیلرانی از این جهت حوادث اتومبیل در این جاده‌ها بندرت واقع می‌گردد. علت تأسیس جویها را پرسیدم گفتند سابقاً برای توزیع آب در شهر ساخته شده و بعد از آنکه شهر لوله کشی شد جویها را به حال خود باقی گذاشته‌اند که برای آبیاری درختان و لطافت هوا از آن استفاده شود. تمام اهالی اصفهان به استثنای عده‌ای که جبه و عامه دارند و از روحانیون هستند لباس اروپایی پوشیده‌اند، اما لباس پلیسهای راهنمایی و رانندگی به اندازه‌ای خوشنماست که

تصور کردم لباس تشریفاتی یا برای حضور در جشنی تهیه شده است. در کوچه و خیابانهای اصفهان گدا ندیدم که اسباب زحمت مردم بشوند. در خیابانهای اصلی اصفهان و همینطور در بازار بزرگ در تجارتخانه‌ها مصنوعات زیبای محلی موجود است، جهانگرد می‌تواند برای سوغات از آنها انتخاب کند (در اینجا نویسنده مقاله شرحی راجع به نقاشی و یک تابلوی عمر خیام که جلب نظر وی را نمود و بهای آن را که پنج ریال سعودی خواسته‌اند خیلی ارزان و مناسب دانسته شرحی بیان کرده است).

اصفهان شهری است که جهانگرد را نسبت به تاریخ قدیم و آثار جدید خود جلب می‌کند. شهر اصفهان در زمان سلطنت تهمورث تأسیس گردیده و در افسانه‌های قدیم ایران آمده است که بخت نصر امپراتور آشور عده‌ای از یهود برای سکونت در این شهر تحویل کرده است و هنوز هم قریب ۶،۵۰۰ نفر یهودی در محله جلفای اصفهان زندگی می‌کنند و به آنان اجازه سکونت در غیر آن محله داده نمی‌شود و لکن بتدریج اوضاع تغییر کرده، و اکنون متمولین یهود در بهترین نقاط این شهر سکونت دارند. آیا کراهیت و بدبینی سکان نسبت به آنها به خوبی مشاهده می‌شود.

و نیز حکایت می‌کنند که اصفهان در موقع هجوم لشکریان اسلام قبول جزیه نمود و لکن بعدها از عهد خود تخلف نموده و لهذا خلیفه دوم عمر خطاب عده‌ای سپاهی به ریاست ابوموسی اشعری برای سرکوبی آنان فرستاد. اصفهان به سازگاری آب و هوایش مشهور است حتی معروف است که منصور عباسی وقتی مبتلا به بیماری شد پزشکان توصیه نمودند که بایستی به بهتر امکنه از لحاظ آب و هوا انتقال نماید و بهتر از اصفهان جایی را نیافتند. ابن بطوطه مورخ مشهور شرحی درباره زیبایی اهالی اصفهان و قوت بدنیشان و مهارت در تهیه غذاهای لذیذ و مهمان نوازیهای اهالی آن در تاریخ خود ذکر کرده است و همین طور مورخ دیگری به مهارت اهالی اصفهان در صنعت و فنون اشاره کرده است و نظر به اینکه اصفهان بعد از فتح اسلام مدتها پایتخت ایران محسوب می‌شده، لهذا از لحاظ آثار و ابنیه تاریخی خصوصیات در آنجا دیده می‌شود که در سایر شهرهای ایران دیده نمی‌شود، از جمله آثار مأذنه مسجد جمعه اصفهان است که حقا شامل آثار مسلسل از کلیه دوره‌های عصر اسلامی می‌باشد. این مسجد

مشمول بر جزئی از مسجدی است که قبل از سنه ۹۰۰ هجری به دست صاحب بن عباد بنا گردیده است (صاحب بن عباد وزیر فخرالدوله دیلمی است) و از آن تاریخ به بعد عده زیادی از فرمانروایان و ملوک متوالیاً در تزئین و تکمیل ابنیه این مسجد شرکت کرده‌اند و بارزترین آثار آن محراب گرانبهای تاریخی است که در ضلع غربی مسجد واقع و طبق نوشته‌ای که در آن است معلوم می‌شود که به دست سلطان الیخان مغول محمدالجیتو و وزیرش معزالدوله محمدصافی در سال ۱۳۱۰ م بنا شده است.

از آثار گرانبهای تاریخی دیگر قبر خواجه نظام الملک وزیرملکشاه سلجوقی است که از آثار تاریخی قرن یازدهم میلادی است.

اصفهان امروز

جمعیت کنونی اصفهان نیم میلیون است و پس از اتمام پروژه‌های آبیاری که در شرف اتمام است محصولات کشاورزی را ده برابر نموده و جمعیت اصفهان به یک میلیون خواهد رسید.

محصولات فعلی اصفهان ۱۳۵،۶۶۰ تن گندم - ۲۷،۷۲۰ تن جو - ۸،۹۳۶ تن برنج - ده هزار تن باقلا و عدس و نخود و در حدود ۶،۰۰۰ تن پنبه است.
در اصفهان ۱۳،۰۰۰ هکتار زمین برای زراعت انواع مرکبات و تنباکو و تخم زیتون و غیره اختصاص داده شده است.

در اصفهان ۱۶۹ مسجد، ۱۳ کلیسا و ۱۲ عبادتگاه یهود و ۷۲ گرمابه عمومی و ۱۴۲ هتل و مسافرخانه می‌باشد. تعداد مدارس که جدیداً تأسیس شده ۳۶۴ مدرسه ابتدایی و متوسطه و دانشکده کشاورزی و آموزشگاههای تعلیم صنعت می‌باشد.

عده محصلین ذکور ۵۵،۰۰۰ و دختران ۱۶،۰۰۰ نفرند و بسیاری از مراکز حرفه‌ای کارگران را برای نساجی پارچه مهیا می‌کند.

مردم صحبت می‌کردند که شهر اصفهان در آینده نزدیک مانچستر ایران خواهد شد.

کارخانجات اصفهان ۱۰،۰۰۰ کارگر دارد و ۱۰۰،۰۰۰ کارگر در کارهای دیگر از قبیل قالی‌بافی و کاشی‌سازی و صنایع مستظرفه و غیره کار می‌کنند.

جهانگرد نمی‌تواند از وضع کامل اصفهان باخبر شود مگر آنکه مدت زیادی را در اصفهان توقف نموده و به سیاحت و گردش در آن صفحات بپردازد. پس از دو ساعت گردش در بازار به من گفتند که تازه یک ثلث شهر اصفهان را دیده‌ام.

بهای کالاهایی که از خارج وارد ایران می‌شود بسیار گران است، علت آن عوارض سنگین گمرکی است که دولت ایران به منظور حمایت از منسوجات محلی بر آنها وضع نموده است. هزینه زندگی خیلی ارزان و هر ۱۰۰ ریال ایرانی برابر پنج ریال سعودی است.

اصفهان را به عزم تهران در حالی که مقداری هدایا خریداری و احساسات عمیقی در دل خود از اصفهان داشتم ترک نمودم.

ترجمه روزنامه الندوة چاپ مکه شماره ۹۰۰ تاریخ ۲۳/۱۲/۱۹۶۱

«حقایقی از معتقدات شیعه و جماعت‌های دینی»، «چگونه تابعیت اسپانی را در تهران به من داده‌اند».

«قتل امام حسین (ع) و ماه سوگواری و عزاداری نزد شیعه» علل اساسی انتشار مذهب شیعه در ایران.

پس از یک ساعت و پنج دقیقه و بعد از غروب آفتاب هواپیمایی که من در آن بودم به فرودگاه بین‌المللی مهرآباد فرود آمد. هوا بسیار ملایم و باران نم‌نم می‌بارید. در دفتر شرکت هواپیمایی ایران در فرودگاه جوانی با زبان ایرانی با من مشغول صحبت شد و من به زبان ایرانی آشنایی نداشتم و به جز کلمه بین‌المللی تاکسی چیز دیگری از صحبت‌های او را نفهمیدم و از این رو از او پرسیدم که آیا زبان انگلیسی می‌دانید. پاسخ داد بله و به انگلیسی به من گفت که من به شما به فارسی گفتم، تاکسی می‌خواهید که شما را به شهر برسانم. تاکسی من در خارج ایستاده است. در همین موقع اثاثیه مرا به خارج برد و در تاکسی گذاشت و من سوار اتومبیل او شدم و به شهر رفتم. راننده از من پرسید که در کدام هتل اقامت خواهم کرد. به او گفتم مرا به یک هتلی که در وسط شهر باشد ببرد و همین که به هتل واقع در میدان فردوسی رسید مرا پیاده کرد و به آنجا برد و مبلغ ۲۰۰ ریال ایرانی از من مطالبه کرایه تاکسی کرد. به او گفتم طبق تعرفه که شرکت هواپیمایی به من داده است کرایه شما ۵۰ الی ۷۰ ریال است و به چه علت از من مبلغ ۲۰۰ ریال مطالبه می‌کنید. راننده فریاد کشید و از اطلاعات من عصبانی شد و گفت که شما اسپانیایی چقدر سخت و بخیل هستید... این دومین راننده است که مرا اسپانیایی تشخیص داده است، ولی همینکه به نامبرده اظهار کردم که من سخت و بخیل نیستم و اسپانیایی هم نیستم و کرایه شما را بایستی طبق تعرفه که دولت تعیین کرده است بپردازم... این گفت و گوها البته به زبان انگلیسی انجام می‌گرفت. راننده از شنیدن کلمه اینکه اسپانیایی نیستم با عجله تمام با من به لهجه عراقی به زبان عربی مشغول صحبت گردید و گفت کرایه مرا آنچه دلخواه شماست بپردازید. در این موقع من از

راننده مذکور به زبان عربی پرسیدم که شما عراقی می‌باشید. نامبرده در مقابل سؤال من پرسید که شما چطور عرب هستید معلوم شد و از اینکه در این مدت با همدیگر به زبان انگلیسی صحبت می‌کردیم و راننده مرا یک نفر اسپانیایی تشخیص داده بود مدتی متفقاً خندیدیم، بعد طبق آنچه راننده کرایه خواسته بود به او پرداختم.

صبح روز بعد از ورود به منظور دیدن و ملاقات جناب آقای حمزه غوث سفیر کبیر سعودی و شیخ السفرا سفرای بیگانه در تهران به سفارت کبیرای سعودی رفتم و ضمناً می‌خواستم از صحبت‌های ایشان که یکی از رجال سعودی معاصر با تاریخ تأسیس حکومت جوان سعودی می‌باشند و یادبودهای پر شوق و شوری از تاریخ سعودی دارند بهره‌مند شوم... صحبت‌های ایشان بی نهایت لذتبخش می‌باشد. این موضوع تعجب ندارد زیرا که نامبرده سخنگویی است لایق و تیزهوش و مردی است اجتماعی و دیپلمات زبردست... خداوند عمرش را طولانی کند، حکایاتی دارند و می‌سرایند که شبیه به داستانهای افسانه‌ای است و تجربیاتی بدست آورده‌اند که در هر موضوعی با نظر روشن می‌نگرند و از طرز صحبت‌های شنونده احساس می‌کند که در مقابل یکی از رجال دولت قرار گرفته است. صحبت من با ایشان مدتی به طول انجامید و در عرض این مدت نامبرده به طور کلی راجع به ایران صحبت می‌کردند و موقعی که از او راجع به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران به منظور نوشتن مقاله در این باره سؤالاتی کردم نامبرده با نظر تعجب‌آمیز و لبخندی پر از استهزاء در پاسخ سؤالات من اظهار نمود که شما از کشور دیگری به ایران آمده‌اید، برای اینکه از من راجع به اوضاع این کشور اطلاعاتی بدست آورید، در صورتی که اگر به خودتان قدری زحمت بدهید و در مقام جست و جو و تفحص برآید می‌توانید این اطلاعات را خودتان بدست آورید. بعد مجرای صحبت را تغییر دادند و از آنچه در ایران می‌توانم مشاهده نمایم از آثار تاریخی و موزه‌ها صحبت به میان آمد. در اینجا صحبت‌های ما تمام شد و ایشان مرا برای روز بعد برای صرف ناهار دعوت کردند و تصادفاً دوستان عزیزم آقایان محمد سعید عجروش و فواد الالفی دبیران و آقای عدنان ابوالفرح بایگان سفارت کبیرا که خدمات آنها مورد تقدیر است در سفارت دیدم و احوال آنها را پرسیدم.

وضع تهران در گذشته و حال

شهر تهران تا سال ۱۷۸۸ میلادی یعنی قبل از اینکه سلطان محمد شاه قاجار از سلاطین سلسله قاجاریه آن را پایتخت ایران قرار بدهد یک شهر کوچک و بی اهمیتی بود که در آن موقع جمعیت شهر از بیست هزار نفر تجاوز نمی کرده است، ولی از آن تاریخ رفته رفته دارای اهمیت شده و رو به ترقی گذارد تا اینکه امروزه مساحت آن بالغ بر ۲۱۰ میل مربع و تقریباً دو میلیون نفر جمعیت آن می باشد. هوای تهران در تابستان خشک و گرم است و به ۳۵ درجه سانتیگراد می رسد و در زمستان سرد و به پنج درجه بالای صفر می رسد زیرا که این شهر تقریباً ۱،۱۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

شمیران: در شمال تهران واقع و توابع آن در حدود شصت ده می باشد. این منطقه در تابستان ییلاق تهران است و مردم تهران برای تفریح و هواخوری در تابستان به این منطقه می آیند، چنانکه عده زیادی به طور دائم در اینجا سکونت گزیده اند.

به موجب آماري که در سال ۱۹۵۶ از شهر تهران بعمل آمده است چنین نشان داده است که شهر تهران دارای ۱۰ میلیون متر مربع خیابان و ۳۶ میدان و ۷۴ مجسمه و ۳ پارک عمومی و ۳۰ دستگاه بیمارستان و ۷۰ دستگاه آموزشگاه عالی و ۱۰ کتابخانه عمومی و ۳ فرودگاه هوایی و ۱۲ دستگاه هتل درجه ممتاز و ۱۰ دستگاه هتل درجه یک و ۱۶ رستوران درجه ممتاز و ۳۵ رستوران درجه یک و ۶ دستگاه سینمای درجه ممتاز و ۱۵ دستگاه سینمای درجه یک و ۴۱ سینمای درجه دو و سه می باشد. همچنین آماري که در سال ۱۹۵۹ از کلیه کشور ایران انجام گرفته نشان می دهد که ۳۵ درصد کارخانجات تأسیس یافته در ایران که تعداد آنها بالغ بر ۸۱۵۶ کارخانه است در تهران تأسیس گردیده است.

در تهران ابنیه تاریخی و موزه های بزرگ موجود است. مهمتر از آنها که نظر مشاهده کننده را به خود جلب می کند تاج و تخت سلطنت و آثار گرانبهای دیگر است که در خزانه بانک ملی حفظ گردیده است و ارزیابی آنها از جمله حکایات و داستانهای افسانه ای است.

زیباترین این جواهرات هدیه هایی است که در آن زمان از طرف امرا و سلاطین به

پادشاهان ایران هدیه شده است و آنها در حال حاضر در تالار کاخ گلستان در معرض تماشا گذاشته شده است و بهای آنها را به تعداد کواکب و نجوم آسمانی که شمارش آنها غیر مقدور است ارزیابی می کنند و به هیچ کس اجازه نمی دهند که به کاخ مزبور رفته و آنها را دیدن کند، مگر اینکه اجازه مخصوص داشته باشد. به من اجازه داده شد که از آثار مزبور در کاخ گلستان دیدن کنم و یک نفر را موسوم به آقای دانایی مأمور کردند که همراه من بیایند و شرح لازم را درباره این آثار بگویند. به اتفاق ایشان به کاخ گلستان رفتیم و من در تالار آئینه نزدیکی تخت طاووس که مشهور است نادر شاه در سال ۱۷۳۹ میلادی آن را از هند به ایران آورده است عکس گرفتم. تخت طاووس با جواهرات منبت کاری شده و ارزیابی بهای آن تحف بویژه از حیث آثار تاریخی غیر مقدور می باشد. تمامی جشنهای رسمی و ملی ایران که در تهران گرفته می شود در این کاخ که تقریباً از یک قرن پیش ساختمان شده است برپا می گردد و اعلیحضرت همایون شاهنشاه سفرا و وزیران و شخصیتها و رجال مبرز را در جشنها در این کاخ می پذیرند. در مسافت هشت کیلومتر در جنوب تهران شهر ری می باشد که در آنجا آرامگاه اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی و رجال دیگر ایران می باشد.

قم مرکز پیشوای شیعیان: از شهرهای دیدنی دیگر ایران شهر قم است که به مسافت ۱۴۶ کیلومتر در جنوب شهر تهران واقع و گذشته از اینکه شهر مزبور دارای آثار تاریخی مهمی است، آرامگاه حضرت معصومه خواهر امام رضاست که در مشهد مدفون است و همچنین آرامگاه شاه عباس صفوی و شاه عباس دوم و رجال دیگر است و به اضافه شهر قم مرکز پیشوای شیعیان ایران و جهان است.

پیشوای بزرگ شیعیان آقای آیت الله حاج آقا حسین بروجردي که حوالی هشت ماه پیش فوت کرده اند و کرسی پیشوایی شیعه خالی مانده است در شهر قم اقامت داشته اند و اکنون مشاورات و مذاکراتی در جریان است که خلف ایشان را برای پیشوایی شیعه تعیین نمایند و سه نفر از علمای شیعه کاندیدای این پیشوایی هستند که برجسته ترین آنان آیت الله حکیم پیشوای شیعیان مقیم عراق است. موقعی که مرحوم آیت الله بروجردي بستری بودند مقامات مربوطه

متوالیاً برای آگاهی شیعیان وضع حال و مزاج ایشان را در بیانیه‌هایی انتشار می‌دادند. پس از رحلت آن مرحوم هزارها از افراد مردم که پیشاپیش آنها علما و نماینده اعلیحضرت همایون شاهنشاه و نخست وزیر و وزیران و رجال برجسته مملکت و اعیان و اشراف و کسبه و اصناف قرار داشتند از جنازه ایشان مشایعت کردند و دولت ایران سوگواری رسمی برپا کرد و به تمام جهان خبر فرستاده شد و مدارس و مغازه‌ها و دکان‌ها و سینماها و تئاترها تعطیل گردید. تمام این جریانات درجه‌ای تمام شیعیان را به پیشوای دینی خود نشان می‌دهد و پیشوای بزرگ دینی نظر به منزلتی که دارد نزد شیعیان آیت الله العظمی نامیده می‌شود زیرا که رئیس علما می‌باشد، ولی به مجتهد لقب آیت الله می‌دهند. اکنون که رشته سخن ما را به بحث دینی و مذهب شیعه کشانید مناسب است مختصری در این باره بیان نمایم و تفصیل و شرح در این موضوع را که در صلاحیت علمای دین است، دهها کتاب در آن مذهب نوشته‌اند به کنار می‌گذاریم.

درجه بندی رجال دین: کلمه مجتهد نزد شیعه، به قرار معلوم عبارت از نماینده امام است و مفروض این است که مجتهد باید رأی سدید و عقیده دینی و سرمشق دینی باشد که دیگران از او تعالیم دینی را بیاموزند. اجتهاد ارثی نمی‌باشد و اولاد مجتهد حتمی نیست که مجتهد بشوند. و برای اینکه دانشمندی به درجه اجتهاد برسد بایستی تحصیلات خود را به درجه معینی که بتواند کلیه اصول دینی را درک نماید تکمیل نماید و بایستی از طرف دیگر دارای صفات روحی و اخلاقی باشد.

اجازه اجتهاد از مرکز علمی شیعه به اشخاصی که به درجه اجتهاد می‌رسند داده می‌شود. ممکن است در یک شهر یک مجتهد یا بیشتر موجود باشد ولی به طور کلی کلیه آنها از توجیهات و ارشادات و راهنماییهای پیشوای بزرگ آیت الله العظمی که در شهر قم است پیروی می‌نمایند. به غیر از طبقه مذکور در بالا طبقه دیگری از علما هستند که کار آنها وعظ و موعظه بالای منبر است. چنانچه یک عده دیگری پیشنهاد و امام جماعت هستند که در مساجد و گوشه و کنار نماز پنجگانه را ادا می‌کنند، ولی امام جماعت و واعظ در عین حال ممکن است تعالیم دینی را تدریس دهد و وعظ هم بکنند. واعظ مأموریت بزرگی در تدریس و در موعظه و

خطابه‌هایی که اصولاً برای عزاداری امام حسین علیه الصلاة والسلام که از عهد صفویه در ایران دائر شده و همه ساله روز دهم محرم برپا می‌شود ادا می‌کند. نظر به اینکه امام حسین علیه الصلاة والسلام روز دهم محرم شهید شده‌اند، لذا ماه محرم و صفر از ماههای سوگواری نزد شیعیان می‌باشد و روزهای از ۷ تا ۱۰ محرم و روز ۲۰ صفر که روز چهلم از وفات حضرت است مراسم مخصوص را در ایران برپا می‌کنند که مجال شرح آن در اینجا نیست. در ایران چند هزار واعظ و بیش از سی هزار امام جماعت و پیشنهاد وجود دارد، ولی مجتهدین از صد نفر تجاوز نمی‌نمایند. واعظین و امام جماعتها بایستی دارای گواهینامه‌های لازم از آیت الله العظمی داشته باشند تا بتوانند به این کار مشغول شوند.

اسلام و نقش آن در ملیت و سیاست و نقش آن در انتشار مذهب شیعه

عده نفوس ایران بالغ بر بیست میلیون نفر است، نوزده میلیون آنها مسلمان است و از این عده هفده میلیون شیعه مذهب و دو میلیون دیگر سنی مذهب می‌باشد و این افزایش که شیعیان در ایران به دست آورده‌اند علل و اسبابی دارد.

طایفه شیعه در تمام عصور تاریخ اسلام اقلیت را در ایران تشکیل می‌داده‌اند، ولی این وضعیت از تاریخ زمامداری سلاطین دیالمه تغییر یافته و شیعه‌ها قدری تقویت گرفته‌اند و همینکه سلسله صفویه به زمامداری و سلطنت ایران رسیدند اوضاع و احوال با سرعت تغییر یافته و مذهب شیعه اکثریت را در ایران حائز گردیده است. اقدام صفویه در ترویج مذهب شیعه در ایران علل سیاسی داشته و این مذهب را برای برقراری امنیت و حفظ و سلامتی کشور و سلطنت از شر دشمنان اتخاذ نمودند، زیرا که دشمنان ایران در آن موقع در خاور و باختر عبارت از قوم ازبک در شرق و دولت عثمانی در غرب بود که آنها پیرو مذهب سنی بودند. تشجیع و تشویق در ترویج مذهب شیعه در ایران یک تعصب دینی در این کشور به وجود آورده است که به امنیت و سلامتی کشور کمک نموده است، ولی در عین حال این مذهب یک سلاح دو لبه بوده است. در داخل کشور آتش اختلافاتی مذهبی و طوائفی را به حدی شعله ور نموده که شیعیان در

روز قتل خلیفه مسلمین عمر بن خطاب هر ساله جشنهای شادمانی برپا می‌کنند و مجسمه‌ای از کهنه به نام عمر بن الخطاب تهیه و آن را در یک جشن پر از شادی و مسرت و کف زدن می‌سوزانند و این ترتیب در حدود سی سال ادامه داشته است، ولی دولت ایران به ضررهای آن از ناحیه سیاسی که موجب اختلافات عمیق مذهبی و پاشیدن تخم تفرقه در جهان اسلامی و دور شدن از برادران خود می‌گردد پی برده و از آن پس دستور داده است که اقامه چنین جشنها در ایران ممنوع گردد. و ظهور جنبش و دعوت اتحاد اسلامی بر اساس اینکه عقیده بهترین وسیله جمع آوردن نیروی مسلمانان در برابر امپراتورهای باختر است که چشم طمع به دول اسلامی دوخته‌اند و سعی در تقارب بین مذاهب بوسیله آقای جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی ایجاد کردند. نامبرده خدمات بزرگی در تقارب مذاهب اسلامی به یکدیگر نموده پیروان زیادی پیدا کرده بطوری که یکی از پیروان متعصب او ناصرالدین شاه را در شهر ری شش کیلومتری جنوب تهران به قتل رساند. علل اساسی ترویج مذهب شیعه در ایران این است که اهل تشیع بر این عقیده رفته‌اند که حضرت رسول اکرم وصیت نموده است و خلافت را بعد از خود به امام علی بن ابی طالب واگذار کرده است، ولی خلفای راشدین به این توصیه عمل ننموده و از راه نامشروعی خلافت را به خودشان اختصاص داده و علی بن ابی طالب را از حق مشروع خود محروم کردند، همچنین شیعیان عقیده دارند که خلافت بعد از پیغمبر بایستی وارثی باشد و بعد از حضرت امیرالمؤمنین باید به فرزندان او برسد، البته این گروه با طایفه اسماعیلیها در یک نقطه تفاوت دارند چه اسماعیلیها تا امام هفتم را می‌شناسند و شیعیان دوازده امام را یعنی تا حضرت قائم (ع) می‌دانند و هر خلیفه دیگری غیر از آنها بر سرکار آمده باشد خلافت او را نامشروع می‌دانند.

سند شماره ۹۱

تاریخ سند: ۱۳۴۲/۳/۲۵

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: آقای صالح محمد جمال، سردبیر روزنامه الندوه چاپ مکه

موضوع: نقد مقاله چاپ شده در آن روزنامه

نمره: ۷۶۵

آقای صالح محمد جمال سردبیر محترم روزنامه الندوه - مکه

پس از تعارفات

در صفحه ششم آن روزنامه گرامی به شماره ۱۳۴۱ مورخ ۱۹۶۳/۶/۱۱ مقاله‌ای که تحت عنوان «اندیشه عقلی نزد عرب» به قلم آقای عزت محمد ابراهیم انتشار یافته بود مشاهده و مطالعه گردید.

تذکار و تجلیلی که از مقام ارجمند سه تن از اعظام علمای ایرانی: ابن سینا، امام زکریای رازی و ابوریحان بیرونی در آن مقاله شده که موجب خوشوقتی و باعث سپاسگزاری گردید. البته استادان و بزرگانی که مانند سه نفر مذکور عمر خود را وقف تحقیقات و تتبعات و کشفیات علوم و فنون کرده‌اند که نتایج آن عاید جامعه بشریت شده و می‌شود را نمی‌توان منحصر به محیط محدود ولادت و زندگی آنها نمود، بلکه چون آثارشان برای عموم افراد جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد خود نیز متعلق به عالم بشریت هستند. در عین حال باعث افتخار ما و کلیه برادران مسلمان جهان است که در عالم اسلام بزرگانی مانند اشخاص مذکور و تعداد زیاد دیگری برخواسته‌اند [برخاسته‌اند] که دنیای امروزی با همه اکتشافات و ترقیات علمی، آنها را جزو نوابغ عالم بشریت می‌شناسند و از آثار و تئوریهای آنها هنوز هم استفاده می‌کنند.

اما مطلبی که این سفارت کبرا ناگزیر از ذکر آن می‌باشد این است که حق بود آقای عزت

محمد ابراهیم که سه تن عالم بزرگ ایرانی را در مقاله خود یاد کرده بود عنوان مقاله را به جای «اندیشه عقلی نزد عرب»، «اندیشه عقلی نزد اسلام» ذکر می‌کرد که جای اشکال و شبهه‌ای نباشد، در صورتی که مطالب را با تیترو عنوانی که نوشته است این طور به نظر خواننده می‌رسد که ابن سینا و زکریای رازی و ابوریحان بیرونی از علمای عرب بوده‌اند در صورتی که بر شاگردان مکتب نیز روشن است که استادان مذکور بزرگان ایران بوده‌اند که به حسب وضع محیط زمان و برای خدمت به عالم اسلام بعضی از تألیفات خود را به زبان عربی نوشته‌اند و بسیاری از علما و اساتید ایران پاره‌ای از تألیفاتشان به زبان عربی نوشته شده است و تصدیق خواهند فرمود که این امر نمی‌تواند استناد غیر ایرانی بودن آنها بشود، لذا خواهشمند است موضوع را به اطلاع نویسنده مقاله برسانند که رفع اشتباه نموده و مقاله خود را تصحیح نمایند.

سند شماره ۹۲

تاریخ سند: ۴۲/۸/۱۸

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: اداره کل انتشارات و رادیو

موضوع: پخش موسیقی ایرانی از رادیو جده

نمره: ۳۵۳۵/۷

اداره کل انتشارات و رادیو

در تعقیب نامه شماره ۱۷۴۱۹/۳۰۸۳/۷ مورخ ۱۳۴۲/۷/۲۱ اشعار می‌دارد که طبق نامه واصله از سفارت کبرای شاهنشاهی در جده نوارهای موسیقی ایرانی در اختیار مدیرکل انتشارات و رادیوی جده گذاشته شده است تا در برنامه موسیقی شرقی رادیوی سعودی پخش شود. تاریخ و ساعت پخش بعداً اعلام می‌شود.

وزیر امور خارجه

تاریخ سند: ۱۹۶۴/۱/۲۲

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: مدیر جریده مدینه منوره در جده

موضوع: انتشار مقاله‌ای درباره ابن سینا در آن روزنامه

نمره: ۲۸۲۰

آقای مدیرفاضل روزنامه المدینه المنوره - جده

در شماره مورخ ۱۳۸۲/۹/۶ آن روزنامه مقاله بسیار محققانه و ادیبانه‌ای را که راجع به ابن سینا به قلم فاضلانہ آقای عیسی المصور درج شده بود قرائت نمودم. البته تمام مندرجات متن مقاله ایرانی بودن ابن سینا را ثابت می‌کند و فقط در عنوان مقاله ابن سینا را از مفاخر عرب قلمداد نموده است، خواستم تذکر بدهم که اگر عنوان مقاله را «ابن سینا از مفاخر اسلام است» می‌نوشتند بیشتر به حقیقت نزدیک و حق تاریخ بهتر ادا می‌گردید، زیرا همان طور که در متن مقاله نیز نوشته شده است ابن سینا یکی از علمای مسلم کشور ایران بوده است. لذا خواهشمند است این مطلب را در جریده خود اصلاح و تأیید فرمایید که ابن سینا عالم ایرانی یکی از مفاخر اسلام است.

سفیرکبیر ایران - افراسیاب نوائی

ابن سینا

افتخاری از افتخارات عرب

اگر برای ملل افتخاراتی به اشخاص و رجال دانشمند و بارزی که به مرور زمان جاوید مانده‌اند دارند و اگر انگلیسها به خود اجازه می‌دهند که به شکسپیر و نیوتن و فرانسویان به وولتر و دکارت افتخار کنند برای عربها این اجازه هست که به فیلسوف بزرگ خود ابن سینا که به شیخ الرئیس ملقب و از بزرگترین فلاسفه خاور و اطبای آن است افتخار نمایند.

با آنکه خیلی کم اتفاق می‌افتد که دست روزگار مردان نابغه و قهرمانان را بین مردم جلوه دهد و خیلی عجیب به نظر می‌رسد که احیاناً نام یکی از آنها در زمان و مکان معینی معروف گردد و محیط زمان و مکان بتواند نبوغ و فکر صائب او را در خود هضم کند، این نظر را در مورد ابن سینا نمی‌توان تطبیق کرد، زیرا در زمان و میهن خود و حتی در محیطی که آن روز موجود بوده طبعاً می‌بایستی نام وی بر سرزبانها افتاده و معروف شود و حتی برخی معتقدند باموجباتی که در آن محیط و میهن و خانواده او موجود بوده عجیب به نظر می‌رسید که یک نابغه فیلسوفی از آن محیط برنخیزد. زیرا خانواده‌ای که ابن سینا در آن نشو و نما کرده مرکز مباحثات فلسفی بوده و به علاوه دورانی که او در آن زندگی می‌کرده و محیطی که در آن به سر می‌برده دوران مشعشع علم و هنر نام گرفته است و حتی کمتر از امیر یا وزیر یا یکی از زمامداران آن دوره که ابن سینا در آن می‌زیسته برده می‌شود که دارای کتابخانه‌ای نبوده و یا از دستداران علم و ادب نباشد و علمی که در آن هنگام رواج داشته عبارت از علم منطق و علم ماوراء طبیعی بوده است.

ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری برابر با ۹۷۰ میلادی در خراسان متولد شده است. پدرش از کسانی بود که به سهم خود به حد وفور از علوم و فضائل را آموخته بوده است و شهرتی در تفسیر شریعات داشته است و بدین وسیله مجالی برای شنیدن مباحث فلسفی و گفت و گوهای دینی جهت فرزندش در پانزده سالگی باز کرده بود. در این صورت جای هیچ گونه تعجبی نیست که می‌بینیم در محضر ابوبکر خوارزمی (محمد بن موسی خوارزمی) زبان عربی را فراگرفت.

همچنین می‌دانیم کسانی که شرح حال او را نوشته‌اند دال بر این است که تمام کتبی که از علوم حکمت و منطق و ریاضی در حوزه او بوده تمام آنها را خوانده بود و قبل از اینکه به سن هیجده سالگی برسد به غایت خود رسیده بود. و قابل توجه این است که در هفده سالگی و در عنفوان شباب شاهزاده سامانی نوح ابن منصور را از مرض خطرناکی معالجه کرد و پاداش او برای این امر این بود که بدو اجازه داده شد تا از کتابخانه سلطنتی استفاده و بهره ببرد.

این داستان که خود ابن سینا از جهاد خود در راه آموزش و از فضل و برتری فارابی بر او می‌باشد گفته است: «کتابی دربارهٔ ماوراء الطبیعه از ارسطا طالیس خواندم ولی از متن آن چیزی نفهمیدم و دچار تردید بر منظور مصنف آن می‌شدم تا اینکه چهل بار خواندن آن را تکرار کردم و آن را از بر نمودم با این حال از منظور آن چیزی نفهمیدم و از خود ناامید شدم و با خود گفتم این کتابی است که راهی برای درک آن وجود ندارد تا اینکه در عصر یکی از روزها در بازار وراقها حاضر شدم و در دست دلالی کتابی دیدم و به معرض فروش گذاشته بود آن را به من پیشنهاد کرد و من نیز با سردی آن را پس دادم و معتقد بودم که فایده‌ای نخواهد داشت. به من گفت: این را از من بخرید و حاضرم ارزان و به قیمت سه درهم بفروشم و صاحبش احتیاج به پول دارد. آن را خریدم و دیدم که کتاب متعلق به ابو نصر فارابی است و در علم ماوراء الطبیعه بحث می‌کند. به خانه بازگشتم و شروع به خواندن آن کردم و چون کتاب قبلی را از حفظ کرده بودم منظور از آن را فوری درک کردم. خوشحال شدم و در روز دوم به پاس شکر خدای تصدق زیادی به فقرا کردم.»
نیوغ او در سرعت نویسندگی و تألیف هویدا بوده و شاگرد او جورجانی (سید اسمعیل جورجانی) از او درخواست اتمام کتاب شفا را نمود، فوری کاغذ و دوات را خواست و قریب بیست جزوه آن را به خط خود نوشت و دو روز با آن کارکرد تا مسائل عمده و برجسته آن را بدون اینکه به کتابی مراجعه کند از بر و حفظ خود نوشت و شیخ آن جزوه‌ها را گرفته و شرح هر مسأله را در ورقه‌ای به رشته تحریر درمی‌آورد و روزی پنجاه ورقه را به پایان می‌رساند تا آنکه تمام کتب طبیعیات و الهیات را به پایان رساند.

سند شماره ۹۴

تاریخ سند: ۴۲/۱۲/۱۷

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سفر هیأتی از بانوان آموزگار جده به ایران

نمره: ۳۲۵۲

وزارت امور خارجه

آقای مصطفی ابو حمده رئیس کودکانستان جده برای مسافرت یک هیأت هفت نفری از بانوان آموزگار مؤسسه مزبور اوایل سال جاری به این سفارت کبرا مراجعه نمود که مراتب طی نامه شماره ۲۴۳ مورخ ۴۲/۱/۲۹ به استحضار وزارت متبوعه رسید و طی نامه شماره ۴۲۵۳/۸/۶۶۶ مورخ ۴۲/۲/۳۰ پاسخ دادند که وزارت فرهنگ از تقاضای این شخص حسن استقبال کردند، ولی اداره کل هواپیمایی کشوری بواسطه خاتمه پروازهای حج انجام درخواست وی را عملی ندانستند. اینک نامبرده شرحی که ترجمه آن به پیوست تقدیم گردیده است به این سفارت کبرا نوشته و تقاضای خود را در این موقع که مدت کافی برای انجام امر موجود است تجدید نموده است. به موجب نامه مورخ ۸۳/۱۰/۲۰ نامبرده پُر رأس یک هیأت چهارنفری به ایران عزیمت خواهد نمود. همانطوری که قبلاً به استحضار رسانیده است چون اینگونه رفت و آمدها به موجب تحکیم روابط بین دو کشور خواهد بود و این آموزگاران پس از مشاهده پیشرفتهای سریعی که نصیب ملت ایران گردیده است مبلغ خوبی در اینجا خواهند بود. متمنی است مقرر فرمایند مراتب را به مقامات مربوط اطلاع دهند تا ترتیب حرکت مجانی این هیأت را بوسیله هواپیماهای شرکت هواپیمایی ملی که پس از آوردن حجاج خالی به تهران مراجعت می‌نمایند بدهند و از نتیجه اقدامات این سفارت کبرا را مستحضر فرمایند تا برای تنظیم برنامه حرکت آنها به رئیس مؤسسه مزبور ابلاغ گردد.

سفیرکبیر - افراسیاب نوائی

تاریخ سند: ۴۳/۷/۱۸

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: راهکارهایی جهت توسعه روابط فرهنگی بین دو کشور

نمره: ۹۶۶

محرمانه ۱۰۰ - ۴۳/۷/۱۸

مقام وزارت امور خارجه

بطوری که خاطر محترم مستحضر است عربستان سعودی اکنون قدم در راه تحول نهاده است و علی‌رغم افکار عقب افتاده پاره‌ای عناصر کهنه پرست که همیشه مانع تجدد و مخالف مظاهر تمدن در این کشور بوده‌اند به همت و حسن تدبیر امیر فیصل نخست وزیر و ولیعهد و نایب اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی با سرعتی شگرف هر روز گام تازه‌ای در راه عمران و آبادی مملکت و پیشرفت فرهنگ و بهداشت و بهبود وضع اقتصادی برداشته می‌شود که شرح آن مرتباً در گزارشهای هفتگی به عرض می‌رسد.

در این دوران تحول نمایندگیهای سیاسی مقیم جده می‌کوشند کشور خود را بیشتر و بهتر به دولت و ملت سعودی بشناسانند و در این راه از بذل جهد و مال دریغ ندارند.

بعضی نمایندگیها برای اینکه از بازار باز و بی‌زحمت و مضیقه عربستان استفاده کنند در سفارتخانه‌ها نمایشگاه دائمی از محصولات و مصنوعات کشور خود دایر کرده‌اند و نشریات و آمارها و گرافیکهای جالبی به زبان عربی در دسترس مردم می‌گذارند. برای معرفی پیشرفتهای مملکت نشریه مستمر صادر می‌نمایند. مرتباً از هیأتها و شخصیتهای سعودی دعوت می‌کنند هدایای کوچک و بزرگ برای زمامداران و گردانندگان دستگاه حکومت می‌فرستند و به طور

خلاصه از هیچ کوششی مضایقه نمی‌نمایند.

خوشبختانه اکنون سفارت کبرای شاهنشاهی عمارتی بسیار آبرومند در تصرف دارد که اگر اثاثه و وسایل کار داشته باشد با همین کارمندان فعلی می‌تواند بهتر از اغلب نمایندگیها فعالیت کند و بخصوص در موسم حج که بیش از یک میلیون نفر از هر گوشه و کنار عالم به جده می‌آیند و حدود بیست هزار ایرانی فریضه حج ادا می‌کنند وظیفه خود را در معرفی کشور به نحو شایسته ایفا نماید و در این مرکز اسلامی که خوشبختانه شرایط مساعدی هم وجود دارد. ایران امروز با ترقیات شگرف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که نصیب آن گردیده است به دولت و ملت عربستان سعودی و به جهان اسلام بشناساند.

اینک پیشنهادهایی که برای وصول به مطلوب کمال اهمیت را دارد عرض می‌کند و تقاضای تصویب و دستور اقدام لازم را دارد.

۱. فعالیتهای فرهنگی را باید در مقدمه سایر فعالیتهای تبلیغاتی قرار داد.

سفارت کبرا سالنهای بزرگ مجلل و وضعی بسیار زیبا دارد. باغ آن در سایر سفارتخانه‌ها کم نظیر و بلکه بی‌نظیر است، محل سفارت بسیار مناسب و در بهترین خیابانهای جده (راه مدینه) واقع است.

اینجانب در نظر دارد یک خانه فرهنگی در این محل تأسیس نماید که مجهز به کتابخانه و سالن سینما و قرائتخانه باشد و فرهنگیان و ارباب مطبوعات و مأموران دولت سعودی و دانشجویان و دیپلماتهای خارجی را برای استماع سخنرانیهای مربوط به ایران و دیدن فیلمهای ایرانی مرتباً دعوت نماید و اگر عده کافی دانشجوی پیدا شود کلاسهای فارسی نیز دایر گردد. به این جهت استدعا دارد مقرر فرمایند دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ یک دوره کامل از نشریات خود را هر چه زودتر به این سفارت کبرا ارسال دارند. جراید و مجلات تهران و نشریات وزارتخانه‌ها نیز مرتباً فرستاده شود، وزارت اطلاعات و اداره هنرهای زیبای کشور و مؤسسه جهانگردی در این باره می‌توانند همکاری بیشتری با این سفارت کبرا داشته باشند. مخصوصاً فیلمهای ایرانی و کارتها و تصاویر و پسترها و آنچه برای معرفی کشور در خارجه تهیه شده هرچه بیشتر فرستاده

شود، بهتر است بخصوص که به زبان عربی یا لااقل انگلیسی باشد.

۲. در اینجا از لحاظ مذهبی نیز می‌توان خدمات شایسته انجام داد.

مغرضین اراجیفی درباره بی‌اعتنایی ایرانیان به شریعت مطهره اسلامی و تمایلات یهودی و زردشتی در ایران منتشر کرده‌اند. متأسفانه این تبلیغات در اذهان ساده بعضی کارگر افتاده است. از سفیر پاکستان شنیدم که در اینجا بین مردم شایع کرده‌اند کنفرانس استانبول کنفرانس کشورهای مسلمان نبوده است، زیرا ایران و ترکیه به اسلام پایبندی ندارند. ترکها برای جلوگیری و مقابله با این شایعات علاوه بر تأسیس مرکز اسلامی ترک در قاهره که چند روز پیش افتتاح شد در جده یک مؤسسه بزرگ توریستی دارند و نشریه‌های رنگارنگ منتشر می‌کنند و بر سر راهها تابلوهایی از مناظر ترکیه بخصوص مراکز دینی نصب نموده‌اند. به نظر اینجانب بسیار لازم است که از طرف دولت شاهنشاهی نیز قدمهای مؤثری در جده برای رفع شبهات مغرضین برداشته شود. به علاوه علمای سنی مذهب بخصوص علمای وهابی سابقاً اکاذیبی درباره معتقدات شیعه که حفظ اسامی آن را دولت شاهنشاهی و قانون اساسی ایران به عهده دارند انتشار داده‌اند.

اگر کتابهای درجه اول شیعه اعم از فقه و اصول و کلام و حدیث و تفسیر مثل اصول اربعه و مؤلفات مدون و علامه حلی و خواجه نصیرالدین طوسی و العباقت و نظائر آن که منطقی و استدلالی و عاری از دشنام و مطالب خام و بی‌اساس است در کتابخانه سفارت کبرا باشد و به اهل علم امانت داده شود خدمت بزرگی به مذهب تشیع در عربستان سعودی شده است.

۳. والا حضرت امیر فیصل خوشبختانه با عقد قرارداد فرهنگی بین دو کشور موافقت فرموده‌اند.

استدعا دارد دستور فرمایند پیش نویس این قرارداد توسط متخصصین در کمیسیون متشکل از اشخاصی نظیر جناب آقای علی اصغر حکمت و استاد فروزانفر و استاد محمود شهبابی و شیخ الاسلام کردستانی و محیط طباطبائی و سایر عناصر وارد به این گونه امور تهیه و

ارسال شود و همچنین درباره فرستادن فیلم و کتب و مطبوعات و فراهم آوردن وسایل کار اقدام مؤثر و عاجلی معمول گردد. دستگاه پروژکتور خوشبختانه در این سفارت کبرا موجود است، چند فیلم کهنه هم هست اگر فیلمهای تازه برسد همه هفته یک شب از اشخاص مناسب برای دیدن فیلمها دعوت خواهد شد.

اینجانب یقین دارد با تنفیری که اکنون از سیاست مزورانه مصر در اذهان عمومی سعودی ریشه دوانیده است و با روش تازه‌ای که به پیروی از اوامر ذات مقدس ملوکانه و تعالیم جناب آقای وزیر امور خارجه در این سفارت به وجود آمده هر فعالیت روانی و فرهنگی که بعمل آید بهدر نخواهد رفت.

۴. اگر چند تن از علمای زبان‌دان و وارد امثال اشخاصی که نام آنان در فوق ذکر گردید به عربستان مسافرت نمایند و در مراکز علمی نطقهایی به زبان عربی ایراد و سوابق خدمات ملت ایران و دولت شاهنشاهی و شخص شخیص شاهنشاه را در تحکیم مبانی مسلمانی و تعلیم شعائر و تدوین فرهنگ اسلام و زبان و ادبیات عربی یادآور شوند اثر فوق العاده مطلوبی خواهد داشت. در صورتی که این پیشنهاد مورد توجه واقع گردد اینجانب مقدمات آن را فراهم خواهد نمود.

۵. در زمینه تبلیغات اقتصادی استدعا دارد با وزارت اقتصاد راجع به تأسیس یک نمایشگاه دائمی در سفارت کبرا شاهنشاهی مذاکره فرمایند، یقین است جناب آقای دکتر عالی‌خانی به این مسأله مهم توجه خواهند فرمود. روز شنبه ۴۳/۷/۱۸ نمایشگاه اقتصادی پاکستان توسط والا حضرت امیر فیصل افتتاح خواهد شد. سفارت کبرا شاهنشاهی هم خیلی خوب می‌تواند نمونه‌های مصنوعات و محصولات ایران را به معرض تماشای بازرگانان و سایر شخصیتهای سعودی درآورد. بخصوص در موسم حج از این نمایشگاه کاملاً می‌توان استفاده تبلیغاتی کرد، شاید اگر شرایط و قیمت کالاها عادلانه باشد بازرگانان ایران می‌توانند از آزادی و تسهیلات موجود در این کشور استفاده نمایند و منبع تازه‌ای برای ذخائر ارزی کشور بوجود آید.

۶. آثار هنری ایران که خوشبختانه روز به روز ترقی می‌کند. همچنین مخطوطات و مرقعات

سند شماره ۹۶

تاریخ سند:

فرستنده:

گیرنده:

موضوع: قرارداد بین ایران و عربستان جهت تأسیس دانشکده پزشکی در ریاض

نمره:

قرارداد

بنا بر مذاکرات قبلی بین وزارت فرهنگ کشور عربستان سعودی و رئیس دانشکده پزشکی سعودی و دانشگاه پهلوی در شیراز معاونان دانشگاه پهلوی شیراز فرصت توقف خود را در خاک کشور عربی سعودی مغتنم شمرده و با اختیارات اعطایی از طرف جناب آقای اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس دانشگاه پهلوی شیراز قرارداد زیر را امضا می نمایند.

اولاً: وزیر فرهنگ کشور عربستان سعودی و دانشگاه پهلوی به استناد مواد این قرارداد موافقت دارند که برای تأسیس دانشکده پزشکی در ریاض شرکت نمایند.

ثانیاً: دانشگاه پهلوی شیراز در خلال مدت تهیه مقدمات دانشکده پزشکی مزبور موافقت می نمایند هر اندازه امکان داشته باشد تعداد بیشتری از دانشجویان سعودی را در دانشکده پزشکی پهلوی بپذیرد.

ثالثاً: زبان تدریس در دانشکده پزشکی در ریاض مانند اکثر دانشکده‌های پزشکی جهان زبان انگلیسی خواهد بود.

رابعاً: دانشگاه پهلوی موافقت می نماید هیأت آموزشی دانشکده پزشکی را از استادان و غیره در حدود احتیاجات دانشکده پزشکی سعودی تأمین نماید، مشروط بر اینکه به زبان انگلیسی تسلط داشته باشند.

و مینیاتورها و نمونه‌های مرغوب مطبوعات برای معرفی ترقیات معنوی و فرهنگی کشور تأثیری مطلوب در عربستان سعودی دارد. مستدعی است مقرر فرمایند در این باره اقدام شود و اداره کل هنرهای زیبای کشور که همواره در فعالیتهای هنری پیشقدم است نمونه‌های لازم را تهیه و ارسال فرمایند که به طور دائم در این سفارت کبرا باقی بماند.

ایران همیشه به دانش و هنر در بین عرب ضرب‌المثل بوده است. با فعالیتهای پیگیر تبلیغاتی - فرهنگی و هنری و اقتصادی سهولت می‌توان جهان عرب را واقف نمود که این افتخارات منحصر به گذشته نبوده و امروز هم در قلب آسیا مملکتی به وجود آمده است که در آن تعالیم مقدسه اسلام با تازه‌ترین و پیشروترین ترقیات همدوش و همعنان است و به خوبی می‌تواند سرمشق سایر ممالک اسلامی که قدم در راه ترقی نهاده‌اند واقع گردد.

سفیرکبیر

خامساً: در خلال سالهایی که دانشجویان دانشکده پزشکی سعودی مرحله اولیه دانشکده را طی می‌نمایند دانشگاه پهلوی با همکاری دانشکده پزشکی ریاض آماده است که توصیه‌های فنی را برای بنای ساختمانهای لازمه جهت استفاده هیأت آموزشی و کادر اداری و آزمایشگاهها و غیره با تعیین مشخصات و اندازه‌های معمول بنماید.

سادساً: دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی به منظور آموزش دانشجویان دانشکده پزشکی ریاض در خلال مرحله اول دانشکده پزشکی سعودی ضمن برنامه‌های نظری و عملی همکاری لازم را خواهد نمود.

سابعاً: دانشگاه پهلوی آماده است نقشه و طرحهای مهندسی لازمه و جدید را به دانشکده پزشکی سعودی برای استفاده از آنها در موقع تأسیس دانشکده پزشکی سعودی تقدیم دارد. ثامناً: کلیه هزینه‌های لازم را جهت این خدمات وزارت فرهنگ سعودی عهده‌دار می‌باشد. تاسعاً: این قرارداد در چهار نسخه و به امضای وزارت فرهنگ و نمایندگان دانشگاه پهلوی رسیده و متن عربی و فارسی معتبر و مرجع تفسیر قرارداد می‌باشد. عاشراً: این قرارداد از تاریخ امضا به مورد اجرا گذارده می‌شود.

وزیر فرهنگ دولت عربستان سعودی از طرف رئیس دانشگاه پهلوی^(۱)

محل امضا اسداله علم

امیر متقی

تاریخ سند: بیست و نهم فروردین ماه ۴۶

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزیر دربار اسداله علم

موضوع: سفر هیأت فرهنگی ایران به عربستان و امضای توافقنامه فرهنگی

نمره:

جناب آقای امیراسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی

عطف به تلگرام مورخ بیست و هفتم فروردین ماه جاری و همان طور که اشارت فرموده بودند مراتب امتنان خاطر مبارک شاهنشاه آریا مهر و سپاس مخصوص جنابعالی به سمع اعلیحضرت ملک فیصل رسید و موجب رضایت و خشنودی خاطر معظم له گردید. طی نامه‌ای هم از جناب آقای شیخ حسن آل الشیخ وزیر معارف و صحیه سعودی تشکر نمودم، تجلیل بی سابقه از هیأت فرهنگی دانشگاهی ایران و مخصوصاً امضای موافقتنامه‌های فرهنگی و دانشگاهی که موجب اعجاب محافل سیاسی و فرهنگی همه کشورهای عرب و مسلمان گردیده مرهون دستور صریح و مؤکد اعلیحضرت ملک و حُسن اداره و علاقه وزیر معارف بود و گرنه امضای این قراردادها بدون مذاکرات قبلی و به آن سرعت امکان نداشت.

با تقدیم احترام

۱. در این سند، امضای امیر متقی - معاون اسدالله علم - از طرف رئیس دانشگاه پهلوی دیده می‌شود.

تاریخ سند: ۱۳۴۶/۳/۱۸

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اعتبار قرارداد فرهنگی بین دو کشور و اعزام

دانشجویان پزشکی عربستان منحصرأ به ایران

نمره:

وزارت امور خارجه

پیرو ۹۳۸ در مسافرت پنجشنبه هیجدهم خرداد به ریاض با وزیر معارف سعودی مذاکره نمود، نامبرده اظهارداشت قرارداد بین دانشگاه پهلوی و وزارت معارف سعودی به قوه خود باقی است و اضافه نمود فارغ التحصیلان امسال دبیرستانها که مایل به تحصیل رشته پزشکی باشند منحصرأ به ایران اعزام خواهند شد.

دکتر فریدنی

تاریخ سند: ۱۳۴۶/۸/۲۳

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: طرح موافقتنامه فرهنگی

نمره:

طرح موافقتنامه فرهنگی بین دولت شاهنشاهی ایران

و دولت پادشاهی عربستان سعودی

نظر به علائق دیرین دینی و فرهنگی و دوستی میان کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی عربستان سعودی و به پیروی از اصول منشور ملل متحد و هدفهای سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) به منظور تشیید مناسبات فرهنگی و ایجاد حسن تفاهم بیشتر میان دو ملت و تحکیم روابط دوستانه موجود دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی تصمیم به امضای موافقتنامه فرهنگی اتخاذ و نمایندگان تام‌الاختیار خود را به شرح زیر تعیین نمودند:

از طرف دولت شاهنشاهی ایران جناب آقای [...]

از طرف دولت پادشاهی عربستان سعودی جناب آقای [...]

طرفین نسبت به موارد زیر موافقت حاصل نمودند:

ماده اول

طرفین متعاهدین کمال اهتمام را در توسعه روابط فرهنگی میان دو کشور مبذول خواهند کرد و از این راه موجبات تشیید روابط معنوی دولت را فراهم خواهند ساخت.

ماده دوم

طرفین متعاهدین برای تقویت مناسبات معنوی بین دو کشور در زمینه فرهنگی مساعی خود را بخصوص در موارد زیر به کار خواهند برد:

الف - فراهم کردن تسهیلات لازم برای مبادله و توزیع و فروش هر نوع کتاب و نشریه عام المنفعه.

ب - فراهم ساختن تسهیلات لازم برای استفاده از کتب خطی و عکسبرداری و تهیه میکروفیلم از آنها.

ج - ایجاد تسهیلات لازم برای تنظیم و اجرای برنامه‌های فرهنگی و علمی و ورزشی.

د - تشویق به برپا کردن نمایشگاه‌های آثار علمی و ادبی و تاریخی هر یک از دو کشور.

ه - ایجاد تسهیلات لازم در مبادله و نمایش فیلم‌های فرهنگی و مستند و علمی.

و - ایجاد تسهیلات لازم هنگام مسافرت‌های دستجمعی اساتید و دانشجویان و فرهنگیان در دو کشور.

ماده سوم

طرفین متعاهدین موافقت می‌کنند که تبادل استادان و سخنرانان و نویسندگان و دانشجویان و پیشاهنگان و ورزشکاران دو کشور را مورد تشویق و ترغیب قرار داده و به اجرای این منظور حتی المقدور از جهت مادی و معنوی مساعدت خواهند کرد.

ماده چهارم

طرفین متعاهدین مبادله استادان و تدریس زبان و ادبیات دو کشور را در مؤسسات آموزشی یکدیگر تشویق نموده و به وسیله اعطای بورسهای تحصیلی و کارآموزی را به اتباع یکدیگر حتی المقدور فراهم خواهند ساخت.

ماده پنجم

طرفین متعاهدین تأسیس انجمنهای فرهنگی را در پایتختهای دو کشور حُسن استقبال می‌کنند و مقصود از انجمنهای فرهنگی مراکز تعلیم و تربیت و کتابخانه‌ها و مراکز هنری و مجامع ادبی و مرکز توزیع نشریات طرفین و مراکز نمایش فیلمهای فرهنگی و علمی و مستند است.

انجمنهای فرهنگی در هر حال تابع مقررات کشوری هستند که در قلمرو آن تشکیل می‌شود.

ماده ششم

طرفین متعاهدین نشراطلاعات منطبق با سوابق و حقایق تاریخی و جغرافیایی را در کلیه کتب من جمله کتب درسی و اسناد و مطبوعات خود نسبت به کشور متعاقد دیگر ملحوظ خواهند داشت تا اتباع دو کشور تصور ذهنی صحیحی درباره کشور یکدیگر تحصیل کنند.

ماده هفتم

طرفین متعاهدین برای تسهیل اجرای این موافقتنامه می‌توانند مأموران فرهنگی به کشور یکدیگر اعزام دارند.

ماده هشتم

طرفین متعاهدین نسبت به معادل شناختن مدرک تحصیلی صادره از مراجع رسمی دو کشور مطالعه و موافقتنامه‌ای در این باره منعقد خواهند نمود. موافقتنامه مزبور با در نظر گرفتن مقررات جاری هر یک از دو کشور در خصوص تعیین ارزش مدرک تحصیلی منعقد خواهد شد.

ماده نهم

به منظور اجرای این موافقتنامه طرفین متعاهدین موافقت می نمایند کمیسیون مشترکی مرکب از اعضای ایرانی و عربستان سعودی در هر یک از دو کشور تشکیل گردد، هر یک از این دو کمیسیون به نوبت سالی یک بار در تهران و جده جلسه‌ای تشکیل داده و برای مدت معین برنامه‌های فرهنگی تنظیم خواهند نمود.

ماده دهم

این موافقتنامه به تصویب مقامات صلاحیتدار دو کشور خواهد رسید و یک ماه (سی روز) پس از مبادله اسناد تصویب که در [...] بعمل خواهد آمد به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

ماده یازدهم

مدت اعتبار این موافقتنامه سه سال خواهد بود و هر یک از طرفین متعاهدین می توانند حداقل شش ماه قبل از انقضای مدت مزبور با اعلام فسخ به آن پایان بخشند، در غیر این صورت مادام که یکی از طرفین متعاهدین با اعلام قبلی شش ماهه آن را فسخ ننمود به قوت خود باقی خواهد ماند.

این موافقتنامه در دو نسخه به زبانهای فارسی و عربی تنظیم و هر دو متن متساویاً معتبر می باشند.

به تاریخ [...]

از طرف

دولت شاهنشاهی ایران

محل امضا

از طرف

دولت پادشاهی عربستان سعودی

محل امضا

سند شماره ۱۰۰

تاریخ سند: ۱۳۴۶/۶/۳۱

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: متن فرمان ملک فیصل مبنی بر موافقت با قرارداد فرهنگی دو کشور

نمره: ۲۱۵۱

وزارت امور خارجه

تلگراف

ترجمه متن فرمان پادشاهی عربستان سعودی به شماره م/۱۳ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۵ دایر

به تصویب قرارداد فرهنگی منعقد بین دولت شاهنشاهی و عربستان سعودی که در جراید امروز سعودی انتشار یافته است جهت استحضار خاطر محترم ذیلاً به عرض می رسانند...

« ما فیصل بن عبدالعزیز آل سعود پادشاه کشور عربستان سعودی پس از اطلاع بر ماده

نوزدهم آئیننامه هیأت وزیران صادره به موجب فرمان پادشاهی شماره ۳۸ مورخ ۲۲ شوال

۱۳۷۷ و پس از استحضار از تصویب هیأت وزیران شماره ۳۷۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۹ مقرر

می داریم...

اولاً - با قرارداد فرهنگی بین کشور عربستان سعودی و دولت شاهنشاهی ایران به شرح متن

پیوست موافقت می شود...

ثانیاً - قائم مقام نخست وزیر و وزیر معارف مأمور اجرای این فرمان می باشند.

سی و یکم شهریور

فیصل

رایزن سفارت - کاردار موقت

شماره - ۲۱۵۱

مشیری

تاریخ سند: آذر ۱۳۴۶

فرستنده: اسداله علم

گیرنده: شیخ حسن آل شیخ

موضوع: همکاری دو کشور درباره تأسیس دانشکده پزشکی ریاض

نمره:

برادر عزیزم جناب آقای شیخ حسن آل شیخ

از فرصت استفاده می‌کنم و بار دیگر خوشبختی خودم را از دیدار جنابعالی در کشور برادر خودتان ایران به اطلاع شما می‌رسانم، گرچه مدت اقامت شما در ایران بسیار کوتاه بود و باز در همین مدت کوتاه بیش از چند مرتبه همدیگر را ندیدیم، ولی روابط قبلی و باطنی ما که ریشه آن پیوند برادری و دوستی دو ملت عربستان سعودی و ایران است در همین مدت قلب شما و مرا بیشتر به هم نزدیک کرد و امیدوارم در این اقامت کوتاه ایران را خانه و منزل خود یافته باشید، زیرا میان ما و شما با الهام و تأیید و تأکید رهبر بزرگ ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر هیچ گونه جدایی و دوخانگی نیست و من اطمینان دارم که این نظر مورد تأیید پادشاه بزرگ و روشن بین شما اعلیحضرت ملک فیصل نیز می‌باشد و اما بطوری که معاون من آقای امیرمتقی به اطلاع من رساند در مورد شروع هرچه زودتر و سریعتر کارهای ساختمانی و آموزشی دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان سیصد تختخوابی آن براساس قرارداد فی مابین به راه حل بسیار خوبی رسیده‌اید و آن این است که یک هیأت مدیره با اختیار کامل در شیراز تشکیل خواهد شد مرکب از نمایندگان دانشگاه ریاض، دانشگاه پهلوی، دانشگاه لندن و دولت شما به این هیأت مدیره اختیار کامل خواهد داد که در تمام کارهای مربوط به تأمین دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان سیصد تختخوابی آن و سایر متعلقات آن هر نوع تصمیمی که لازم

بداند اتخاذ کند.

همان طور که معاون من با جنابعالی مذاکره و موافقت گردید، خود جنابعالی و آقای دکتر جزائری رئیس دانشکده پزشکی، شما و یک نفر دیگر که اشاره کرده‌اید عضویت دائمی این هیأت مدیره را خواهند داشت و از دانشگاه پهلوی آقای دکتر وصال معاون آموزشی دانشگاه و آقای امیرمتقی معاون اینجانب و آقای دکتر قوامی رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی به عضویت این هیأت مدیره منصوب خواهند شد. همچنین با دانشگاه لندن هم شما و هم ما مذاکره خواهیم کرد که سه نفر برای عضویت این هیأت مدیره معرفی کنند. البته چون این هیأت مدیره باید هر روز تا شروع کار دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان آن و سایر تأسیسات با هم کار کنند یک یا دو نفر از طرف شما و یک نفر از سه نفر معرفی شده از طرف دانشگاه لندن به طور دائم در شیراز و دانشگاه پهلوی خواهد ماند تا با سایر اعضای هیأت مدیره که از دانشگاه پهلوی می‌باشند به طور مرتب همکاری و تشریک مساعی و اقدامات لازم را بعمل بیاورند، البته در مواقع لازم خود جنابعالی و یا معاون خودتان به شیراز خواهید آمد، البته در مواقع لازم خود جنابعالی و یا معاون خودتان به شیراز خواهید آمد، البته این در مواقع خیلی مهم و ضروری خواهد بود.

این هیأت مدیره که از سه دانشگاه در آن عضویت دارند باید دارای اختیارات زیر باشند:

۱. این هیأت مدیره نقشه‌های ساختمانی دانشکده پزشکی و بیمارستان آن و تمام بناهای مورد احتیاج را به وسیله مهندس پوتسب و سایر مهندسين عالیمقام بین‌المللی تهیه و تصویب خواهند کرد.

۲. این هیأت مدیره بعد از تهیه نقشه‌های اجرائی ساختمانها بدون تأمل و تأخیر برای شروع ساختمانها اقدام و قراردادهای لازم را با شرکتهای بزرگ ساختمانی اروپایی یا امریکایی یا آسیایی که شهرت و معروفیت لازم داشته باشند و همچنین تخصص و تجربه کافی بدست آورده باشند و همچنین قدرت مالی لازم آنها مورد تأیید هیأت مدیره باشد خواهد بست.

۳. این هیأت مدیره تمام کادر آموزشی و اداری و فنی دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان

آن و تأسیسات وابسته را طبق آئیننامه‌هایی که تهیه خواهد کرد استخدام خواهد کرد. این افراد در صورتی که از نظر علمی واجد صلاحیت مورد احتیاج دانشکده پزشکی ریاض شناخته شوند می‌توانند از هر ملتی و کشوری باشند فقط حق تقدم با آنهایی خواهد بود که هر چه بیشتر از نظر علمی و فنی ممتازتر باشند.

۴. این هیأت مدیره تمام وسایل و احتیاجات فنی مصرفی و غیر مصرفی و اداری و به طور کلی آنچه برای این دانشکده و بیمارستان آن و تأسیسات وابسته به آن لازم باشد با عقد قراردادهای لازم با کشورهای فروشنده تهیه و فراهم خواهد کرد.

۵. این هیأت مدیره تا شروع کار دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان آن و تأسیسات وابسته به کار خود ادامه خواهد داد و مختار و آزاد خواهد بود که هر نوع تصمیم لازم را برای به وجود آوردن و به راه انداختن دانشکده پزشکی ریاض و بیمارستان آن اتخاذ نماید و دولت عربستان سعودی موظف خواهد بود که تصمیمات این هیأت مدیره را اجرا کند و سرمایه‌های لازم را برای منظورهای فوق فراهم آورد، من فکر می‌کنم این بهترین و تنها راه حلی بود که شما و معاون شما و آقای دکتر جزائری با معاون من آقای امیرمتقی پیدا کرده‌اید. در اینجا لازم است این نکته را که خواسته بودید من ریاست افتخاری این هیأت مدیره را بپذیرم یادآور شود که از حسن ظن شما متشکرم، البته برای اینکه بتوانم خدمتی به برآورده شدن این هدف مقدس انجام داده باشم با گرفتاریهای زیادی که دارم و شما مطلعید برای پیشرفت کار هیأت مدیره سعی می‌کنم این اجازه را از حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر کسب کنم و همچنین اطمینان دارم که با شرکت شما در هیأت مدیره که بالطبع هیأت مدیره از طریق خود شما نتیجه کار و گزارشات خود را به اطلاع دولت شما خواهد رساند و با عضویت شما در دولت کارهای این هیأت بسرعت پیش خواهد رفت و امیدوارم که بزودی این آرزوی اعلیحضرت ملک فیصل بزرگ جامه عمل خواهد پوشید و روز افتتاح دانشکده پزشکی ریاض را که بسیار در سطح عالی از هر نظر خواهد بود در کشور دوست و برادر عربستان سعودی در کنار شما شاهد خواهم بود.

بار دیگر بهترین آرزوهای خودم را که سعادت و ترقی ملت عربستان سعودی می‌باشد در

تحت رهبری اعلیحضرت ملک فیصل و رجال شایسته و مدیری مثل جنابعالی از خداوند متعال تمنا می‌کنم.

با احترام و درود فراوان

رئیس دانشگاه پهلوی

اسداله علم

سند شماره ۱۰۲

تاریخ سند: ۵۳/۱۱/۱

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: مقاله روزنامه الندوه چاپ مکه در مورد بهایی گری

نمره: ۳۵۹۴

وزارت امور خارجه

تلگراف کشف

پیرو تلگراف شماره ۳۵۱۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۲۱ به استحضار می‌رساند. روزنامه «الندوه» چاپ مکه در شماره امروز خود شرح مبسوطی تحت عنوان «بهایی گری یک جنبش استعماری است که از جانب غرب و صهیونیزم پشتیبانی می‌شود» پس از اشاره به تشکیلات و فعالیت و خطرات این جمعیت برای جهان اسلام نوشته است که فعالیت این گروه مخرب علیه اسلام و مسلمانان بوده و مرکز ستاد این جنبش در اسرائیل است که مراکزی در سایر نقاط جهان و پاره‌ای از پایتختهای کشورهای اسلامی دایر نموده و به طور پنهانی فعالیت می‌کنند. آن‌گاه ظهور بهایی گری را از آغاز تشریح کرده و گفته است که ابتدا این مذهب از ایران به وسیله شخصی به نام میرزا محمد علی باب که ادعا نمود مهدی موعود است سرچشمه گرفت و سپس به وسیله میرزا حسین علی نوری ملقب به بهاء که از کمونیستها بود نام آن از بایی به بهایی تغییر یافت و اضافه نموده است که این شخص روابط مستحکمی با مقامات سفارت روس در ایران داشت که بعد از حادثه قتل پادشاه وقت از طرف مأمورین ایران تحت تعقیب قرارگرفت و به سفارت روس پناهنده شد. در پایان مقاله از همه مسلمانان خواسته شده است که با فعالیت‌های مخرب این جماعت مبارزه نمایند و ارتباط آنان را با استعمار و صهیونیزم بین الملل کشف و آن

را بر ملا سازند، زیرا به قول نویسنده این فرقه در حدود ۱۳۰ سال است که برای منهدم ساختن مبانی اسلام و متلاشی کردن وحدت آن و متزلزل نمودن عقاید مسلمانان فعالیت می‌نماید.

کاردار موقت - ناصر کشوری

سند شماره ۱۰۳

تاریخ سند: ۵۳/۱۱/۱۳

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: دعوت از دکتر سیدجعفر شهیدی از سوی

دانشگاه ملک عبدالعزیز جهت سخنرانی

نمره: ۲۱/۶۷۶۴

سفارت شاهنشاهی ایران - جده

بازگشت به نامه شماره ۱۷۳۶ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ و ضمیمه آن راجع به دعوت از آقای دکتر سید جعفر شهیدی برای شرکت در کنفرانس «هفته اقتصاد اسلامی» که از طرف دانشگاه ملک عبدالعزیز ترتیب داده شده است اشعار می‌دارد:

آقای دکتر شهیدی یک نسخه از متن سخنرانی خود را که در کنفرانس مذکور ایراد خواهند نمود به وزارت امور خارجه ارسال داشته‌اند که به پیوست ایفاد می‌گردد.

خواهشمند است دستور فرمایید متن مزبور برای دانشگاه ملک عبدالعزیز فرستاده شود.

از طرف وزیر امور خارجه

حاشیه: آقای [...]

طی نامه‌ای به امضای اینجانب برای رئیس دانشگاه عبدالعزیز ارسال و فتوکپی در پرونده گذاشته شود.

در نامه به سوابق او اشاره گردد. ۵۳/۱۱/۲۰

سند شماره ۱۰۴

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۱۰/۱۲

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت آموزش و پرورش

موضوع: درخواست مستشار فرهنگی عربستان سعودی

جهت تأسیس یک باب مدرسه عربی در شیراز

نمره: ۲۹/۱۵۹۳۴

وزارت آموزش و پرورش

بازگشت به نامه شماره ۹۹۳۱ مورخ ۲۵۳۵/۹/۲۵ و پیرو نامه شماره ۲۹/۱۵۳۷۰ مورخ ۲۵۳۵/۹/۳۰ راجع به درخواست مستشار فرهنگی عربستان سعودی مبنی بر تأسیس یک باب مدرسه عربی در شیراز خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به نامه شماره ۴۰۰/۷/۳۹۸۴ مورخ ۲۵۳۵/۹/۲۴ سفارت شاهنشاهی ایران در جده از نظری که درباره ایجاد مدرسه مذکور دارند وزارت امور خارجه را مستحضر سازند.

امضا: سرپرست اداره روابط فرهنگی و علمی و فنی

فرج الله برهانی

سند شماره ۱۰۵

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۱۰/۳۰

فرستنده: وزارت آموزش و پرورش

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: اجازه تأسیس مدرسه عربی در شیراز به شرط عمل متقابل

نمره: ۱۱۵۵۶

به: وزارت امور خارجه - اداره روابط فرهنگی و علمی و فنی

از: دفتر روابط بین المللی

عطف به نامه شماره ۲۹/۱۵۹۳۴ - ۲۹/۱۶۰۳۰ و ۲۵۳۵/۱۰/۱۲ - ۲۹/۱۶۰۳۰ - ۲۵۳۵/۱۰/۱۴ به اطلاع می‌رساند وزارت آموزش و پرورش، نظر سفارت شاهنشاهی ایران در جده مبنی بر موکول شدن اجازه تأسیس مدرسه عربی در شیراز به عمل متقابل دولت سعودی (موضوع نامه شماره ۲۵۳۵/۹/۲۴ - ۴۰۰/۷/۳۹/۱۴) موافقت دارد، خواهشمند است دستور فرمایند سفارت شاهنشاهی ایران ضمن اعلام اطلاعات خواسته در نامه شماره ۹۹۳۱ - ۲۵۳۵/۹/۲۵ جهت طرح در شورای عالی آموزش و پرورش و صدور اجازه تأسیس مدرسه مورد بحث بررسیهای لازم را در زمینه تعداد اطفال لازم التعلیم ایرانی، محل استقرار مدرسه ایرانی و هزینه‌های اولیه مستمر آن معمول و از نتیجه این دفتر را مطلع فرمایند.

مدیرکل دفتر روابط بین الملل

مریم دفتری

سند شماره ۱۰۶

تاریخ سند: ۲۵۳۵/۱۱/۵

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: سفر یک هیأت پنجاه نفره از استادان

و دانشجویان دانشگاه ملک عبدالعزیز به ایران

نمره: ۱۰۰/۶/۴۷۹۳

وزارت امور خارجه

اداره روابط فرهنگی و علمی و فنی

بطوری که از دانشگاه ملک عبدالعزیز اطلاع می‌دهند دانشکده ادبیات دانشگاه مذکور به سرپرستی معاون دانشکده ادبیات قصد دارد ۳۵ دانشجو و ۱۵ استاد دانشگاه را جهت دیداری از ایران در نیمه دوم ماه آوریل ۱۹۷۷ به مدت ۱۰ روز به ایران اعزام نماید. گروه مزبور در نظر دارد از شهرهای شیراز، اصفهان، تهران، سواحل دریای بحر خزر، آبادان و مناطق نفت خیز دیدن کند.

با توجه به تسهیلاتی که همین دانشگاه جهت بازدید ۳۷ نفر دانشجویان و سرپرستان دانشگاه جندی شاپور به مدت ۱۲ روز در عربستان سعودی بعمل آورده است (از ۲۴ ژانویه تا ۶ فوریه ۱۹۷۷) و محل اقامت آنان را در شهرهای جده، مکه و مدینه به هزینه دانشگاه ذخیره کرده‌اند، خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به تنظیم برنامه و انجام تسهیلات لازم متقابلاً امر به اقدام نموده و از نتیجه این نمایندگی را مطلع فرمایند.

سفیر شاهنشاه آریامهر

جعفر رائد

فصل چہارم - اسناد قبور متبرکہ بقیع، موقوفات، متفرقہ

الف) تعمیر قبور ائمہ بقیع و مسجد الحرام

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۶/۲۴

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه بقیع

نمره: ۱۳۵ محرمانه

وزارت امور خارجه

نامه شماره ۲۱۰۰ مورخ ۱۳۲۲/۵/۲۰ با رونوشت نامه وزارت دربار شاهنشاهی در خصوص استدعای حضرت آیت الله قمی از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی راجع به تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه مدینه منوره رسید. با وجود اینکه معلوم بود دولت عربی سعودی با انجام این تقاضا مطابق منظور حضرت آیت الله قمی موافقت نمی‌کند، به خیال اینکه هر قدر در این موضوع پیشرفت شود و وضعیت قبور و بقاع متبرکه مزبور بهبودی یابد منظور آقایان علما تا اندازه‌ای عملی می‌شود کاربرد سفارت عربی سعودی^(۱) را ملاقات و پس از ذکر مقدمه مناسبی راجع به روابط حسنه بین ایران و کشور عربی سعودی و رابطه اسلامیت که دولت برادر را به هم ارتباط داده و تشریح همبستگی و علاقه فوق العاده ایرانیان به مکه معظمه که کعبه تمام مسلمانان است و به مدینه منوره که مرقد مطهر حضرت پیغمبر اسلام در آنجاست مطلب را آغاز و اظهار نمودم، بطوری که اطلاع دارید در آغاز ورود اعلیحضرت ملک ابن السعود به حجاز ابنیه‌ای که روی قبور بقیع بود ویران گردید و این قبور که متعلق به بزرگان اسلام و افتخار عالمیان است، بیم آن می‌رود که به مرور بکلی نابود گردد و هیچ علامت و مشخصاتی که آنها را از سایر

۱. که شخصی بدوی نجدی و وهابی متعصبی است [توضیح در حاشیه سند آمده است]

قبر مشخص و متمایز نماید ندارد. اگر دولت عربی سعودی موافقت نماید خیلی مایه خرسندی دولت ایران و تمام ایرانیان خواهد بود که این اماکن متبرکه را تعمیر نمایند. نامبرده اظهار داشت که بنای ابنیه روی قبور مطابق احادیث صحیحه ممنوع و برخلاف شرع است (احادیثی هم در تأیید اظهارات خود ایراد کرد) و گفت به علاوه دور این قبور سنگ چینی شده و معروف است که قبور متعلق به چه اشخاصی است. لذا موردی نیست که برای تشخیص قبور مزبور از سایر قبور اقدامی شود.

در پاسخ گفتم البته در اجرای این تقاضا اوامر شرع باید کاملاً اجرا شود دولت ایران نیز که کاملاً پایبند شرع و مطیع اوامر آن می باشد، هیچ وقت تقاضای مخالف شرع نمی نماید. البته در اساس اسلام اختلافی بین مذاهب مختلف نیست، ولی راجع به امور فرعی ممکن است اختلاف نظریه‌هایی بین علما وجود داشته باشد و در تشخیص صحت و یا عدم صحت احادیث نبوی نیز نظر متفاوت است و در نتیجه این اختلاف نظر، قسمت اعظم مسلمانان عالم مانند مسلمانان مصر و عراق و ایران و سوریه و افغانستان بنای ابنیه را روی قبور بزرگان مخالف شرع نمی دانند مشروط براینکه نسبت به قبور مزبور بیش از آنکه شرع اجازه می دهد در تجلیل و تقدیس اغراق نشود. منظور ما از این تقاضا این نیست که قبور مزبور مزار اشخاص گردد. مقصد اصلی آن است که با بنای مختصری در روی قبور مزبور و تشخیص آنها و ذکر صاحبان قبور از فقدان اثر و مجهول گردیدن صاحبان قبور جلوگیری شود. البته چون فعلاً تاریخ وجود ابنیه بر روی قبور مزبور نزدیک است و بیش از چندسال از ویران شدن آن نگذشته است و قبور مشخص و صاحبان قبور معروف همگان می باشند، ولی به متمادی ایام ممکن است این موضوع از نظرها محو گردد.

کاردار سعودی در پاسخ گفت البته تا آنجایی که شرع اجازه دهد در انجام تقاضای دولت شاهنشاهی موافقت می شود و اضافه نمود که تشخیص قبور بوسیله سنگ چینی اطراف آن و گذاردن سنگ قبر شرعاً مانعی ندارد، ولی بیش از آن مطابق مذهب وهابی که مذهب رسمی دولت عربی سعودی است ممنوع می باشد و در هر حال اجرای این امر هم تاحدودی که شرع

اجازه می دهد به هزینه خود دولت عربی سعودی انجام خواهد شد و به هیچ وجه اجازه نمی دهند سایرین به هزینه خود این کار را بکنند. در خاتمه مذاکرات و اصرار اینجانب قرار شد در این باب یادداشت کتبی به سفارت عربی سعودی نوشته شود که بوسیله مقتضی به وزارت خارجه عربی سعودی ابلاغ نمایند.

یادداشت تهیه و ارسال گردید. تصور نمی کنم به این ترتیب نتیجه بدست بیاید، اگر موافقت فرمایند که امسال شخصاً به حجاز و مکه مشرف شوم ممکن است با امیر فیصل نایب السلطنه و وزیر خارجه حجاز که قدری افکارش روشنتر از پدر است مذاکراتی بنمایم. شاید بعون الله نتیجه بدست آید.

اگر رفتن اینجانب تصویب گردد باید قبل از وقت اعتبار مسافرت کافی حواله شود.

سفیر کبیر ایران

محمود جم

سند شماره ۱۰۸

تاریخ سند: ۱۳۲۲/۷/۶

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پیگیری وعده ابن السعود در مورد تعمیر قبور بقیع

نمره: ۱۴۰ محرمانه

وزارت امور خارجه

در پیرو گزارش شماره ۱۳۵ محرمانه حجاز مورخه ۱۳۲۲/۶/۲۴ راجع به استدعای حضرت آیت الله قمی از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درباره تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه مدینه منوره اشعار می‌دارد:

بطوری که آگهی دارند پس از ورود وهابیه به مکه و وصول خبر ویران نمودن بعضی از بقاع متبرکه در آنجا در موقعی که هنوز بین سلطان ابن السعود و ملک علی فرزند شریف حسین جنگ ادامه داشت، جناب آقای غفار جلال وزیر مختار دولت شاهنشاهی در مصر از طرف دولت شاهنشاهی برای رسیدگی به اوضاع و اجرای مذاکرات لازمه مأمور مسافرت به حجاز شد، آقای محمدرضا گلستانه مأمور محاسبات این سفارت که به سمت مترجم عربی در مصاحبت جناب آقای جلال به حجاز مسافرت نموده بودند اظهار می‌دارد بطوری که در خاطر دارد در آن موقع پس از مذاکرات زیاد در این باب سلطان ابن السعود از رفتار وهابیان که بعضی از بقاع متبرکه (قبر و خانه حضرت خدیجه و غیره) را خراب کرده بودند عذرخواهی نموده و وعده داده بود که اگر دولت شاهنشاهی مایل به تعمیر خرابیها باشد ممانعت ننماید.

و به قراری که از پرونده امر فهمیده می‌شود عین مراسلات ابن السعود خطاب به والا حضرت اقدس پهلوی که در آن موقع نیابت سلطنت عظمی را داشتند به پیوست گزارش

شماره ۲۳۰ مورخه ۲۷ آبان ماه ۱۳۰۴ به وزارت امور خارجه فرستاده شده است (رونوشت نامه مزبور برای مزید آگهی به پیوست تقدیم می‌گردد).

متمنی است با مراجعه به پرونده‌های موجوده رونوشتی از مکاتبات نامبرده تهیه و به این سفارت ارسال فرمایند تا در صورتی که حقیقتاً مدرک صحیحی راجع به وعده‌های ملک ابن السعود در دست باشد مورد استفاده قرار دهد.

سفیرکبیر

سند شماره ۱۰۹

تاریخ سند: ۱۳۳۱/۲/۳

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران

موضوع: تشکر بابت موافقت با ساختن سایبان در بقیع

نمره: ۱۳

دفتر مخصوص شاهنشاهی - تهران

پس از موافقت امیر فیصل و پسرش امیر عبدالله با ساختن سایبانی مقابل قبرهای امامان بقیع و مرمت دیوارهای آنجا اینجانب به نام دولت شاهنشاهی به طور مقتضی تشکر کرده‌ام. تصور می‌کنم همین قدر کافی است. گزارشهای مربوط به وزارت امور خارجه تقدیم کرده‌ام.

امضا

اعلم

سند شماره ۱۱۰

تاریخ سند: ۱۳۳۱/۲/۲۳

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تعمیر قبور بقیع و پیشنهاد کمک ایرانیان

نمره: ۲۱ - محرمانه

وزارت امور خارجه - اداره اول سیاسی

پیرو گزارش محرمانه شماره ۱۷ مورخ ۱۳۳۱/۲/۱۶ اشعار می‌دارد که عصر چهارشنبه ۱۷ ماه جاری بنا به تعیین وقت قبلی با والاحضرت امیرعبدالله فیصل کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری ملاقاتی دست داد. در این ملاقات موضوع اعزام آقای حاج رضا مهرآئین مهندس ایرانی از طرف سفارت برای نظارت و راهنمایی در ساختمان دیوار و سایبان بقیع از نو مطرح و مورد تأیید ایشان واقع گردید و قرار شد سفارشی به اولیای امور محلی مدینه منوره بنویسند تا وسایل تسهیل کار آقای حاج رضا مهندس را فراهم کنند.

راجع به کمک ملت ایران به این ساختمان با وجود اینکه اینجانب پیش بینی می‌نمودم که بعید است چنین تقاضایی پذیرفته شود و سابقه تعمیر و مرمت حرم مطهر حضرت پیغمبر اکرم (ص) که اعلیحضرت ملک عبدالعزیز بن السعود حاضر نشد اعانه و کمک مصریها و سایر مسلمانان جهان را قبول کند، این ظن و پیش‌بینی را تقویت می‌کرد، مع ذلک احساسات پاک هم میهنان را در این باره تشریح نمودم و بیان داشتم که چقدر مایه مسرت و سرافرازی ایرانیان می‌شود که بتوانند در این عمل خیر کمک کنند.

والاحضرت امیرعبدالله در پاسخ فرمودند این کار کوچک است و ارزش کمک را ندارد و ما همه در اینجا خدمتگزاران عالم اسلام هستیم و پول ما و پول شما با هم فرقی ندارد و

امیدواریم در کارها و نقشه‌های بزرگتری بتوانیم از کمکهای بیدریغ ملت ایران برخوردار شویم و بدین ترتیب با لحن مؤدبانه و آراسته‌ای از قبول پیشنهاد ما معذرت خواستند.

پس از این ملاقات نامه شماره ۵۳۷۶/۴۳۲ مورخ ۳۱/۲/۱۶ که مبنی بر تقدیر از کوششهای این سفارت و ترغیب و تشویق در احراز موفقیت‌های بیشتری در این باره بود رسید. اینجانب با اظهار تشکر و امتنان بی پایان از طرف خود و کلیه کارمندان این سفارت از این ابراز توجه و تقدیر معروض می‌دارد که این سفارت با استفاده از فرصت و مواقع مناسب کوششهای مداوم خود را در این راه ادامه خواهد داد تا حتی الامکان نتیجه بهتر و بیشتری گرفته شود.

ولی به عقیده این سفارت بهتر است برای احتراز از تحریک احساسات تعصب‌آمیز وهابیه و علمای نجد حتی المقدور در اطراف این موضوع کمتر صحبت شود و کمتر گفت و گوی آن در مطبوعات و رادیوها منعکس گردد.

راجع به ارسال نقشه دیوار و سایبان که در نظر است ساخته شود. چون آقای حاج رضا مهندس ایرانی از طرف این سفارت در تهیه نقشه مذکور شرکت خواهد کرد از این رو به دست آوردن و ارسال نقشه ساختمان مذکور اشکالی نخواهد داشت، فعلاً این سفارت منتظر رسیدن اعتبار دوپست لیره‌ای است که برای این منظور از کمیسیون حج خواسته است و برای اینکه فرصت از دست نرود بهتر است که از محل موجودی کمیسیون دائمی حج یا از هر محل دیگری که میسر باشد در ارسال وجه مزبور تسریع شود تا بلکه به محض صدور حکم و توصیه از طرف والا حضرت امیر عبدالله بتوان آقای مهندس را برای منظور فوق به مدینه منوره اعزام نمود.

وزیر مختار شاهنشاهی

مظفر اعلم

سند شماره ۱۱۱

تاریخ سند: ۱۳۳۲/۱۰/۲۳

فرستنده: وزیر امور خارجه

گیرنده: سفارتخانه‌های ایران در قاهره - کراچی - جده

موضوع: استعلام در باب اخبار مربوط به تعمیر قبور بقیع

نمره: ۳۸۷۱۶/۳۰۷۴

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - قاهره

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - کراچی

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - جده

بطوری که استحضار دارند کلیه کشورهای اسلامی و مخصوصاً کشور ایران سالهاست کوشش می‌نماید به هر وسیله ممکن شود ساختمان بقاع متبرکه در شهر مدینه به صورتی که قبلاً اولیای کشور عربستان سعودی با آن موافقت نموده‌اند، یعنی بنای یک مسجد در محوطه بقیع و یک سایبان در اطراف آن انجام گردد. ولی اولیای کشور عربستان سعودی همیشه به تعلل و مسامحه گذرانده نه خودشان این ساختمان را شروع نموده و نه حاضر شده‌اند به سایر کشورهای اسلامی اجازه دهند مستقیماً و به خرج خودشان ساختمان را به نحو مذکور شروع نمایند.

اخیراً به طور تواتر از خبرگزاریهای جراید اطلاع رسید در ملاقاتی که بین نخست وزیر کشور افغانستان و اولیای کشور عربستان سعودی در موقع حج سال گذشته روی داده است، اعلیحضرت فعلی پادشاه کشور عربستان سعودی که در آن موقع با سمت ولایت عهد و نیابت سلطنت امور کشور را زیر نظر داشته به جناب آقای نخست وزیر پاکستان [احتمالاً منظور افغانستان بوده است] صریحاً وعده داده‌اند که این منظور را انجام دهند.

چون در سنوات سابقه هم مکرر اولیای کشور عربستان سعودی مواعید مساعد به نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران داده و به سایر کشورهای اسلامی هم که در این مورد اظهاری نموده‌اند وعده مساعد داده ولی تاکنون هیچ یک را عملی ننموده‌اند و مقصود آنها تسامح بوده است. بنابراین خواهشمنداست از هر مقامی که ممکن است تحقیقات عمیق بعمل آورده در صورتی که واقعاً اولیای کشور عربستان سعودی به قول خود وفا و این مقصود را عملی نمایند مراتب را اعلام فرمایید و اگر مثل تعهدات و قولهای سابق خواسته‌اند این بار هم مانند گذشته به تسامح و تعلل بگذرانند مطلب را معلوم و اعلام فرمایند.

پاراف: وزیر امور خارجه

حاشیه:

در جلسه کمیسیون [کمیسیون دائمی حج] که به طور فوق‌العاده از اعضای سابق و با حضور آیت الله نوری در منزل جناب آقای [...] تشکیل گردید موافقت بعمل آمد که این تحقیق بعمل آید.

سند شماره ۱۱۲

تاریخ سند: ۱۳۴۱/۷/۲۱

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ضریح قبور ائمه بقیع

نمره: ۱۰۳۹

وزارت امور خارجه

اداره اول سیاسی

عطف به نامه شماره ۲۲۶۸۹/۳۸۴۳/۱ مورخ ۱۳۴۰/۱۲/۱۹ و رونوشت نامه جناب آقای حسین امین ضمیمه آن در مورد ضریحی که سابقاً پدر ایشان مرحوم محمد علی (حاج امین السلطنه) جهت قبور ائمه بقیع (ع) که به مدینه منوره حمل و نصب گردیده و بعداً از طرف مقامات دولتی سعودی آن را جمع آوری و در محلی نگاه داشته‌اند زحمت اشعار می‌دهد:

سفارت کبرا موضوع را کتباً از آقای سید مصطفی عطار دلیل حجاج ایرانی و مستولی آسایشگاه حجاج ایرانی در مدینه منوره که آقای حسین امین در نامه خود مورخ ۱۲ شهریور ماه ۱۳۴۱ داشته‌اند ضریح صحیح و سالم در تصرف مشارالیه است تحقیق و چند مرتبه هم تأکید شد هرچه زودتر از جریان امر این سفارت کبرا را مستحضر دارد.

اکنون پاسخی از نامبرده رسیده که ترجمه و رونوشت آن برای مزید استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد. چنانکه ملاحظه می‌فرمایند سید مصطفی عطار از این موضوع بکلی اظهار بی‌اطلاعی کرده است.

سفیرکبیر - ضیاءالدین قریب

سند شماره ۱۱۳

تاریخ سند: ۴۹/۱۱/۲۷

فرستنده: اداره اول سیاسی

گیرنده: مقامات مسئول در وزارت امور خارجه

موضوع: مذاکره با رایزن سفارت عربستان در ایران درباره تعمیر قبور بقیع

نمره:

گزارش

در اجرای دستور جنابعالی، دائر به مذاکره با مقامات سفارت سعودی پیرامون تقاضای جمعی از روحانیون پاکستان در خصوص ترمیم قبور ائمه اطهار در جنة البقیع (موضوع مرقومه شماره ۱۰۶۵۱ مورخ ۴۹/۱۱/۲۲ ریاست محترم مجلس سنا به عنوان جناب آقای وزیر امور خارجه) استحضار می‌دهد:

باتوجه به غیبت سفیر عربستان سعودی آقای عبدالعزیز العقیل رایزن آن سفارت به وزارت امور خارجه فراخوانده شد و ساعت ۱۱ صبح امروز با اینجانب ملاقات نمود.

در این ملاقات نظریات علمای شیعه و جامعه روحانیت ایران و پاکستان در خصوص لزوم ترمیم روضه مطهر بقیع به رایزن سعودی ابلاغ و خاطر نشان گردید که صدور اجازه تعمیر بقاع متبرکه و قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع خواست قلبی عالم تشیع است، زیرا وضع کنونی روضه بقیع قلوب میلیونها شیعه را جریحه‌دار می‌سازد.

آقای العقیل گفت: «قبرستان مطهر بقیع دارای در و دیوار و مأمور مراقب و نظافت چی است، ولی روی قبور بقعه و بارگاه و سنگ و علامتی چنانکه خواست شیعیان است قرار ندارد و این به مقتضای آیین فرقه وهابی است.»

نامبرده افزود: «در آیین وهابی گذاشتن علامت و نام و نشان روی قبور حرام است و

قبرها باید با زمین همسطح باشند به همین جهت در حال حاضر حتی قبر اعلیحضرت فقید ملک عبدالعزیز بن سعود مؤسس کشور عربستان سعودی هم معلوم نیست، البته قبرستانی که در آن دفن شده‌اند معلوم است، اما قبر ایشان معلوم نیست، زیرا بی نام و نشان است و به همین ترتیب است وضع سایر پیروان مذهب وهابی. بنابراین گمان نمی‌رود که انجام تقاضای جامعه روحانیون شیعه میسر باشد، زیرا هرگونه اقدامی در این مورد با مخالفت و عکس العمل شدید علمای وهابی مواجه خواهد شد.»

رایزن سفارت سعودی افزود: «این اولین بار نیست که چنین تقاضایی از طرف روحانیون شیعه عنوان می‌شود ولی هیچ‌گاه اقدامی در قبال این تقاضا میسر نگردیده است، مع ذلک اگر یادداشتی در این مورد از طرف وزارت امور خارجه به سفارت داده شود به مقامات مربوطه منعکس خواهیم کرد اما پاسخ آن مثبت نخواهد بود.»

اینجانب متذکر شدم: «علمای شیعه از مخروبه بودن روضه مطهر بقیع و لزوم تعمیر و ترمیم آن صحبت می‌کنند و مسأله ایجاد بقعه و بارگاه مطرح نیست.»

آقای العقیل جواب داد: «قبرستان بقیع به هیچ وجه مخروبه نیست و همان طور که گفتم در و دیوارها مأمور نظافت چی دارد و شیعیان در پوشش تعمیر و ترمیم، قصد تصرف در وضع قبور را دارند و این امری است که با معتقدات وهابیه مغایرت دارد، ولی همان طور که گفتم اگر در این مورد یادداشتی بفرستید ما به مقامات متبوع خود منعکس می‌کنیم.»

البته صدور یادداشت در این مورد بستگی به نظر اولیای محترم وزارت متبوع دارد، ولی از برداشت سخن رایزن سفارت و سابقه امر چنین بر می‌آید که نتیجه مثبتی بر آن مترتب نخواهد بود.

سابقه امر منضم این گزارش است.

با احترام

سرپرست اداره اول سیاسی

قاسمی

ب) اسناد موقوفات

تاریخ سند: ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۶۰

فرستنده: محمدنصیف

گیرنده: سفارت ایران در مصر

موضوع: گزارش در مورد موقوفات آل معصوم در مکه و طائف

نمره:

جناب آقای وزیرمختار دولت شاهنشاهی ایران در مصر

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، صورت حساب موقوفات آل معصوم در مکه و طائف در سال یکهزار و سیصد و پنجاه و نه هجری به امضای اینجانب و سیدحسین عطاس به پیوست تقدیم می شود متمنی است آن را با نامه جوفی برای آقای سید احمد مهذب ناظر موقوفات آل معصوم به تهران ارسال فرمایید که از درآمد و هزینه موقوفات آگهی داشته باشند. پیش از این هم به آگهی آن جناب رسانید که به آقای مهذب ابلاغ فرمایند که از وضعیت امساله موقوفات اطلاع داشته باشند و بدانند که در نتیجه باران برخرابی آنها افزوده شده و مستأجرین از تخلیه موقوفات خودداری می نمایند. به امید اینکه موقوفات را تعمیر کنند و دوباره مطابق مال الاجاره بخص سابق موقوفات مزبور را اجاره کنند و چون اکنون تیر و چوب و آهن و سیمان کمیاب و گرانبهاست بهتر است تعمیر موقوفات را به بعد از جنگ موکول دارند که مصالح بنائی که از خارجه وارد می شود به فراوانی وجود داشته باشد و هنوز بین سیدحسین عطاس وکیل موقوفات و مستأجرین در ادارات دولتی کشمکش در جریان است و تاکنون نتیجه گرفته نشده و امید است بزودی نتیجه بدست آید.

در نظر داریم راجع به اجاره پنج ساله موقوفات در روزنامه «ام القری» آگهی انتشاردهیم که هم بتوانیم با مال الاجاره مزبور موقوفات را تعمیر کنیم و هم مستأجرین را از اجاره نمودن

موقوفات به بهای ارزان سابق مایوس نماییم و در صورتی که کسی مایل به اجاره موقوفات باشد با تصویب آقای مهذب آنها را به اجاره دهیم. این را نیز به عرض می‌رساند که همسایه‌های باغ موقوفه در طائف علاوه بر دریچه‌هایی که در زمان محمود امان بغدادی به باغ نامبرده باز کرده بودند اخیراً نیز دریچه‌های دیگری بدانجا باز کرده‌اند و چون سید حسین عطاس و قفنامه‌ها و قباله‌ها را در دست نداشت نتوانست بر علیه آنها در دادگاه اقامه دعوی نماید. پیش از این نیز لزوم فرستادن و قفنامه‌ها را برای اثبات و قیوت موقوفات مزبور در اداره بازرسی موقوفات مکه از آقای سید احمد مهذب خواسته بودیم و آقای مهذب وعده نمودند در موقع آمدن به حج امسال آنها [را] همراه بیاورند و هنوز به انتظار وقف نامه‌ها هستیم، زیرا دور نیست که وکلای سابق موقوفات مقداری از موقوفات را حیف و میل نموده باشند. در این باب بدین مضمون به خود آقای مهذب نیز نامه‌ای نوشته شد.

با تقدیم احترامات فائقه

امضای محمد نصیف

(مهر)

سند شماره ۱۱۵

تاریخ سند: ۱۳۲۰/۹/۱۶

فرستنده: آقای سیداحمد مهذب

گیرنده: آقای محمود جم سفیر ایران در مصر

موضوع: وکالتنامه به آقای جم در مورد موقوفات آل معصوم در مکه و طائف

نمره: ۹۸۸۲

دفتر اسناد رسمی شماره دوازده حوزه طهران

موکل: جناب آقای آقاسیداحمد (مهذب) مهذب الدوله نماینده دارالشورای ملی فرزند مرحوم آقای حاج میرزا حسن متولی موقوفات آل معصوم واقعات در مکه معظمه و طائف دارای شناسنامه شماره ۱۸۷ از شیراز.

محل اقامت: طهران جنب مجلس، خانه شماره ۵۴۳۲.

وکیل: جناب اشرف آقای محمود جم سفیرکبیر دولت شاهنشاهی ایران در مصر.

محل اقامت: مصر (قاهره).

مورد وکالت: اجاره دادن واحد مال الاجاره و اجرت المثل گذشته و تجدید اجاره به مدت پنج سال از تاریخ تنظیم اجاره و فسخ و تخلیه و صدور اجرائیه و تجدید اجاره و رسیدگی به محاسبه و بدهی مستأجرین و تصفیه [تسویه] حساب آنها نسبت به املاک و مستغلات [مستغلات] و بساتین و دکاکین موقوفات مشهور آل معصوم واقعات در شهر مکه معظمه و طائف توضیحاً در اجاره دادن رقبات مرقوم از دو سال تا پنج سال مختارند.

حدود و اختیارات: در انجام کلیه لوازم مورد وکالت و رجوع به تمام دوایر و مراجع صلاحیت‌دار و گرفتن اجاره نامه و اسناد لازمه و هر نوع اقدام و عملیاتی که لازم بدانند مجاز و مختار و وکیل در توکیل غیر نیز می‌باشند.

به تاریخ شانزدهم آذر هزار و سیصد و بیست.

محل دستینه سیداحمد مهذب

سند شماره ۱۱۶

تاریخ سند: ۳۵/۱۰/۲۳

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: خرید زمین در مدینه جهت حجج ایرانی

نمره: ۱۴۰۷

وزارت امور خارجه

اداره یکم سیاسی

پس از وصول نامه شماره ۲۸۸۲/الف ۳۰۴۷۸ مورخ ۳۵/۸/۲۶ و استحضار از خرید زمین جهت حجج و زوار ایرانی در مدینه منوره به آقای جعفر رائد گفته شد که در انجام امر لازمه توجه و دقت را داشته باشند تا بعداً معامله مورد نظر مواجه با اشکالی نگردد و اینک طبق شرحی که نامبرده به سفارت کبرا نوشته و صورتی از قباله زمین مورد معامله را پیوست نموده تشریفات آن با رعایت مقررات مربوط محلی انجام و خاتمه پذیرفته است تا بعد ترتیب ساختمان و بنای آن داده شود.

جریان انجام تشریفات معامله و چگونگی آن را آقای رائد شخصاً به اطلاع کمیسیون دائمی حج خواهد رسانید.

سفیرکبیر - محمود صلاحی

سند شماره ۱۱۷

تاریخ سند: ۳۵/۱۲/۲۵

فرستنده: کمیسیون دائمی حج

گیرنده: سیدمصطفی العطار در مدینه

موضوع: آماده نمودن مقدمات ساخت زمین ایتاعی

نمره: ۴۱۴۳

مدینه منوره - آقای سید مصطفی عطار

فعالاً تا حاضر شدن نقشه ساختمان اجازه محصور نمودن و تنقیه چاه و مقدمات ساختمان زمین ایتاعی را فوراً از مقامات مربوطه تحصیل که حداکثر تا یک هفته دیگر آماده باشد.

کمیسیون دائمی حج

حاشیه: به هزینه کمیسیون دائمی حج مخابره شود.

تاریخ سند: ۱۳۳۵/۱۲/۲۳

فرستنده:

گیرنده:

موضوع: خرید یک قطعه زمین در مدینه جهت اسکان حجاج ایرانی

نمره: ۱۹۶۷۷

دفتر اسناد رسمی شماره هفتاد و چهار حوزه تهران جناب آقای سلطانحسین رخشانی فرزند مرحوم عبدالحسین دارنده شناسنامه شماره دوازده هزار و نهصد و بیست و پنج صادره از بخش هفت تهران ساکن تهران خیابان ایران منزل شخصی در این دفتر حاضر و حسب الاظهار در موضوع یک قطعه زمین واقعه در مدینه منوره باب العوالی که آقای سید مصطفی عطار حسب الوکاله از طرف معزی الیه برای سکونت حجاج ایرانی خریداری نموده و برطبق وقفنامه ثبت شده تحت شماره سیصد و شصت و دو مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۲ قمری ثبت مدینه منوره به منظور مزبور وقف شده است و اختصاص به سکونت حجاج ایرانی دارد و بهای خرید آن را هم قسمتی کمیسیون دائمی حج به وسیله معزی الیه و قسمتی هم خود کمیسیون بدون واسطه پرداخته است. جناب آقای رخشانی برای رفع هرگونه ابهامی اقرار و اعتراف نمود که معزی الیه را هیچ گونه حقی و مالکیتی و ادعایی نسبت به عین یا منافع و یا بهای زمین مرقومه نبوده و نیست. به تاریخ بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و سی و پنج برابر با یازدهم شعبان یکهزار و سیصد و هفتاد و شش.

محل امضا: سلطان حسین رخشانی

بسمه تعالی

با احراز هویت مقرر تمام مراتب مسطوره در این ورقه در نزد این جانب واقع شد. به تاریخ متن. تهرانیان. رونوشت با دفتر برابر است.

دفتریار و نماینده دفتر ۷۴ تهران

محمود میرزایی

امضا و سجع مهر:

ثبت کل اسناد و املاک

دفتر اسناد رسمی درجه ۱ طهران

شماره ۷۴

سند شماره ۱۱۹

تاریخ سند: ۱۳۸۳/۶/۱۵ ق

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: دادگاه فرجام مکه درباره موقوفات آل معصوم

نمره: ۲/۵۶۹۷/۲۳/۱/۲۶

ترجمه نامه شماره ۲/۵۶۹۷/۲۳/۱/۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۵ ه. ق.

وزارت امور خارجه کشور عربستان سعودی

وزارت امور خارجه کشور عربستان سعودی تعارفات خود را به سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در جده اهدا نموده و عطف به یادداشت شماره ۱۸۸۳ مورخ ۱۳۱۹/۱۰/۶۳ م راجع به قضیه موقوفات آل معصوم که هنوز دادرسی درباره آن در دادگاه فرجامی مکه در جریان است و اعلام سفارت کبرا مبنی بر اینکه در صدد ارسال مدارک مربوط به قضیه مورد بحث برای این وزارتخانه است که اقدامات نهایی در این خصوص به عمل آید. احتراماً از سفارت کبرای محترم خواهشمند است که طبق مندرجات یادداشت شماره ۲/۳۰۸۴/۲۳/۱/۲۶ مورخ ۱۳۱۹/۳/۸۲ ه عمل فرموده و کلیه مدارکی که در اختیار سفارت کبرا است به دادگاه مزبور تسلیم نمایند، زیرا دادگاه مزبور مرجع مربوط برای حل قضیه برطبق موازین شرعی با تطبیق مقررات اخیر می باشد.

اما درباره تقاضای سفارت کبرا مبنی بر نگاهداری مال الاجاره های پرداخت نشده به صندوق اداره اوقاف به طور امانی به اطلاع می رساند که این وزارتخانه در یادداشت مزبور اعلام داشته بود که درآمد موقوفات مورد بحث در اداره اوقاف محفوظ است و آقای امین حمدی وکیل سفارت کبرا تقاضا کرده بود و جوه حاصله از بهای زمینهایی که جزو تصمیم توسعه مسجد الحرام

قرار گرفته است در بانک مرکزی نگاهداری شود تا حقانیت وقف معلوم شود.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می نماید.

سفارت کبرای محترم شاهنشاهی ایران - جده

سند شماره ۱۲۰

تاریخ سند: ۴۲/۷/۲۷

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه سعودی

موضوع: مکاتبات در باب موقوفات آل معصوم

نمره: ۱۸۸۳

یادداشت

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در جده با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه سعودی بازگشت به نامه شماره ۲/۳۰۸۴/۲۳/۱/۲۶ مورخ ۸۲/۳/۱۹ هـ راجع به موقوفات آل معصوم احتراماً اشعار می‌دارد که مفاد یادداشت مذکور توسط مقامات مربوطه به آقای سید ابوالقاسم منصوری متولی شرعی و قانونی فعلی موقوفات مذکور و همچنین به اداره اوقاف ایران اعلام گردید و طبق اطلاعات و جواب واصل واقف موقوفات مذکور مرحوم سید علیخان کبیر شیرازی از اجله علمای ایرانی اسلامی بوده است و موضوع موقوفه هم وقف خاص می‌باشد و به حسب متن وقف تولیت آن با ارشد اولاد از طبقهٔ اعلی می‌باشد که تا چندی قبل مرحوم سید احمد مهذب الدوله بوده است که سوابق آن یقیناً در اداره اوقاف کشور سعودی بوده است و پس از فوت آن مرحوم طبق وقفنامه تولیت به آقای سید ابوالقاسم منصوری برادر آن مرحوم که فعلاً ارشد اولاد از طبقهٔ اعلی است منتقل گردیده است که اداره کل اوقاف دولت شاهنشاهی ایران طبق وقفنامه مشارالیه را به این سمت شناخته است.

اما مشارالیه و آقای دکتر منصوری فرزند و وکیل ایشان تصور کرده و می‌کنند که رونوشت وقفنامه و سایر مدارک که اکنون اداره کل اوقاف سعودی مطالبه ارائه آن را می‌کند یقیناً در پرونده و سوابق اداره کل اوقاف سعودی موجود خواهد بود و به علاوه این وقف موضوع

مهم و واقف آن نیز که از بزرگان بوده است و همه از آن اطلاع دارند این بود که تا به حال از تعقیب موضوع ارسال مدارک خودداری داشته‌اند، اینک که بنا بر یادداشت مذکور آن وزارت معلوم شد اداره کل اوقاف سعودی اسناد و مدارک وقف را خواسته‌اند وکیل متولی مذکور مشغول جمع آوری و ارسال مدارک می‌باشند که البته هر موقع برسد برای تعقیب امر به آن وزارت ارسال خواهد شد تا برای اقدام نهایی به اداره کل اوقاف سعودی ارسال فرمایند، بنابراین خواهشمند است مراتب را به اداره اوقاف اعلام فرمایند و در ضمن دستور فرمایند یک نسخه از نظامات و مقررات اوقاف کشور سعودی برای این سفارت کبرا ارسال دارند و همچنین معلوم فرمایند در صورتی که این وقف خاص است و متولی که طبق وقفنامه ارشد اولاد تعیین شده است ایرانی می‌باشد، با وجود مقررات جدید سعودی که معین کرده است متولی باید از اتباع سعودی باشد چطور موضوع حل خواهد شد که عمل به وقف طبق موازین شرعی و با رعایت مقررات اخیر مذکور بشود و از نتیجه این سفارت کبرا را مستحضر فرمایند و ضمناً اشعار می‌دارد که آقای سید امین حمدی کماکان وکیل متولی در این موضوع می‌باشد و می‌تواند طبق اصول شرعی و قضایی هرگونه اقدامی را بنماید و همچنین اکنون که مال الاجاره سنواتی به متولی پرداخت نمی‌شود دستور فرمایند کماکان وصول گردد و در صندوق اداره اوقاف یا هر جای دیگر که طبق مقررات مربوطه ممکن است به طور امانت از طرف متولی ایرانی مذکور و همچنین وجوه حاصل از فروش قسمتی از اراضی که از توسعه حرم شریف بیت الله جزو آنجا شده است را نیز به طور امانت نگاه دارند تا بزودی اسناد و مدارک برسد و اقدام نهایی بعمل آید و از نتیجه کلیه اقدامات این سفارت کبرا را مستحضر فرمایند.

موقع را برای تجدید احترامات فائمه مغتنم می‌شمارد.

وزارت امور خارجه دولت پادشاهی سعودی - جده

رونوشت عطف به نامه مورخ ۴۲/۷/۱۸ جهت آقای منصور منصوری وکیل و نماینده آقای سید ابوالقاسم منصوری ارسال می‌شود و اشعار می‌گردد همان طور که خواسته بودند برای

اینکه موضوع تعقیب قطع نشود و سبب وضع ید اداره اوقاف سعودی نشود مراتب به ترتیبی که در متن یادداشت ملاحظه فرموده‌اند نوشته شد و در ضمن خواسته شد که آقای سید امین حمدی که از سابق وکیل اقدامات قضایی این امر بود و خواسته شد و با او نیز مذاکره خواهد گردید که اقدامات را از مجرای قضایی تعقیب نماید، اما مسلماً بدون ارائه اسناد و مدارک وقف موضوع به جایی نخواهد رسید، لذا به نظر اینجانب بهتر است به هر صورت که هست اختلاف را با پسرعموهای خود (اولاد مرحوم مهذب الدوله) متولی سابق کنار گذاشته و موضوع را حل نمایند و اگر منافع و اجاره موقوفه را بین خود تقسیم نمایند و متولی که با آنها عمو و برادر زاده هستند هر دو از این درآمد حق التوفیه استفاده نمایند به مراتب اصلح است تا اصل موضوع از دست برود.

دوم اینکه در نامه مرقوم داشته‌اید که اداره کل اوقاف دولت شاهنشاهی ایران پس از رسیدگی و تحقیقات لازم آقای سید ابوالقاسم را متولی شناخته و حکم تولیت ایشان را صادر نموده‌اند، اگر چنین است لااقل یک نسخه رونوشت مصدق و ترجمه مصدق رسمی رونوشت حکم صادره وزارت فرهنگ ایران را تهیه نمایند و پس از گواهی مقامات ایرانی ترجمه عربی و اصل فارسی آن را به گواهی سفارت کبرای عربستان سعودی برسانید و به این سفارت کبرا ارسال دارید تا فعلاً با ارائه آن مدرک که رسمیت دارد اقدامات تعقیب شود که موضوع را کد نماید یا به نفع اداره اوقاف سعودی تمام نشود تا بعد اصل وقفنامه را از خانواده مرحوم مهذب اخذ و برای اقدام نهایی ارسال دارید.

اما در مورد وکالت این سفارت کبرا سابقاً علت به استحضارتان رسیده بود که طبق اصول و مقررات بین المللی سفارت کبرا و اعضای سیاسی آن مصونیت سیاسی دارند و مصونیت سیاسی با مراجعه به محاکم و تعقیبات قضایی مبیانت دارد و سفارت کبرا اصولاً نمی‌تواند وکیل شود، حتی وکیل در توکیل، پس بهتر است پس از اثبات تولیت متولی وکالتنامه رسمی از طرف متولی به نام همین سید امین حمدی صادر شود و مشارالیه مستقیماً وکیل متولی باشد تا بهتر بتواند کار کند و سفارت کبرا البته برای حفظ حقوق اتباع ایرانی طبق وظیفه‌ای که دارد اقدام

و مساعدت لازم خواهد نمود. و علاوه بر اینها همان طور که سابقاً نیز به اطلاعاتان رسانده بودم لازم به نظر می‌رسد که پس از تهیه اسناد و اوراق لازم و عین وقفنامه اصولاً نمایندگی و وکیل متولی شخصاً به عربستان مسافرتی بنماید و از نزدیک املاک موقوفه را ببیند و به اصل موضوع از نظر قوانین شرعی و مقررات سعودی رسیدگی نمایند و ترتیب اخذ مال الاجاره سابق موقوفات و تبدیل به احسن نمودن وجهی که بابت فروش قسمتی از آن اراضی برای توسعه حرم مکه موجود است اقدام لازم بنمایند و این کاری نیست که سفارت کبرا یا وکیل سعودی بتواند بکند و این از صلاحیت شخص متولی و اشخاصی که در حکم متولی هستند می‌باشد و پس خواهشمند است در این باب نیز توجه و اقدام بنمایند و از نتیجه کلیه اقدامات این سفارت کبرا را مستحضر سازند.

سفیر کبیر - افراسیاب نوائی

۱۸۸۳
۴۲/۷/۲۷

رونوشت با رونوشت نامه اخیر آقای دکتر منصور منصوری وکیل آقای سید ابوالقاسم مدعی تولیت بازگشت به نامه شماره ۱۶۸۹۹/۱۳۰۱/۱۸ مورخ ۴۲/۷/۱۵ صادر از اداره عهد و امور حقوقی برای استحضار وزارت امور خارجه تقدیم می‌شود. متمنی است مقرر فرمایند مانند سابق موضوع از طریق اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ نیز تعقیب شود و از نتایج حاصله این سفارت کبرا را مستحضر فرمایند.

سفیر کبیر - افراسیاب نوائی

تاریخ سند: ۱۳۴۴

فرستنده: مشاور قضایی وزارت جنگ

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: بررسی موقوفات آل معصوم از بُعد تاریخی و حقوقی

نمره:

مقام سفارت کبرای شاهنشاهی ایران (جده)

احتراماً تصدیق می‌دهد: چنانچه سوابق امر و پرونده موجود در آن سفارت کبرا حاکی است مرحوم میرسید علیخان رقباتی وقف و تولیت آن را به اولاد ذکور خود قرارداد است که تا چند سال قبل مرحوم سید احمد مذهب الدوله به عنوان تولیت دخالت داشته و عواید آن را دریافت می‌کرده، پس از فوت مشارالیه تولیت به آقای سید ابوالقاسم منصوری که از اولاد واقف و اکبر و ارشد طبقه مقدم است می‌باشد و چند سال نیز مشارالیه وسیله نمایندگی خود عواید را دریافت و به مصرف مقرر رسانده است. اخیراً اداره کل اوقاف دولت پادشاهی عربستان سعودی موقوفات مزبور [را] به استناد اینکه متولی قبلی فوت کرده متصرف شده و بالمآل آقای منصوری از دریافت مال الاجاره و صرف آن فیما قره الواقف محروم مانده است و جریان فعلاً در محکمه مطرح و منتهی به صدور حکمی به تولیت آقای منصوری نگردیده است و حال آنکه: اولاً - موقوفه از موقوفات قدیمی است و در حدود چهارصد سال است که این رقبات وقف شده و عمل به وقف گردیده است. بدیهی است اداره کل اوقاف دولت پادشاهی سعودی منکر وقفیت رقبات نیست فقط تصور می‌رود که از لحاظ تولیت ایجاد شبهه‌ای باشد.

ثانیاً - از نظر تولیت و مصرف طبق مندرجات کتاب «فارسانامه ناصری» و طبق سیره جاریه قرون متمادیه عمل به آن شده تولیت با اولاد ذکور واقف بوده و موقوفه هم خاص و

بایستی صرف اولاد واقف شود، بنابراین وضع ید اداره کل اوقاف دولت پادشاهی سعودی به موقوفات مزبور مطابق شرع مقدس اسلام نمی‌باشد، چه حاکم هنگامی می‌تواند بر موقوفات وضع ید نماید که مصرف موقوفه عام بوده و فاقد متولی مخصوصی باشد و حال آنکه در موضوع ما نحن فیه موقوفه خاص و متولی مخصوص دارد دلیل به این مطلب مندرجات کتاب «فارسانامه ناصری» و حکم تحقیق کل اوقاف ایران و مخصوصاً سیره جاریه و سبق تصرف متولیان قبلی به عنوان تولیت و خاص بودن مصرف است. و به هر حال به همان دلیل که اداره کل اوقاف دولت محترم پادشاهی سعودی رقبات را وقف می‌داند به همان دلیل هم مصرف و تولیت آن به شرح فوق بعد از مرحوم مذهب الدوله به آقای سید ابوالقاسم منصوری و به هر صورت طبق قواعد شرعیه سیره جاریه و تصرفات تا هنگامی که خلاف آن ثابت نشده باشد حجیت و قاطعیت دارد. به اضافه مرحوم مذهب الدوله حسب نامه شماره ۱۵۹۷۱۶/۱۱۵ - ۴۰/۱/۲۸ اداره ششم وزارت امور خارجه و طبق سوابق موجود از مراجع شرعی دولت سعودی در حدود ده دوازده سال قبل حکم تولیت به نام خود گرفته است و این موضوع خود مزید بر مطالب فوق است.

ثالثاً - اگر قانونی راجع به موقوفات وضع و فرضاً مغایر با مطالب فوق باشد با توجه به لایحه آقای امین حمدی که به عنوان وکالت در این موضوع دخالت داشته اعلیحضرت ملک عبدالعزیز پادشاه فقید عربستان سعودی صراحتاً مقرر داشته (اوقافی که مورد عمل واقع شده و به هر شکل و کیفیتی که در تصرف متولیان بوده بایستی به همان حال ابقاء گردیده و محاکم شرع حق دخالت در آن را ندارند) بدیهی است تصمیم اعلیحضرت فقید طبق شرع و اصول و قوانین است، چه شرع مقدس اسلام وضع ید و سبق تصرف را حجت دانسته و قوانین نیز به هیچ وجه عطف به ماسبق نمی‌شود.

رابعاً - فرضاً قانونی اخیراً وضع شده باشد که متولی یا مداخله کننده در امر موقوفات حتماً بایستی یکی از اتباع سعودی باشد با عنایت به اینکه فرقی بین مسلمین از لحاظ استیفاء حقوق نیست.

مع الوصف از طرف آقای سید ابوالقاسم منصورى اطاعت از این دستور مانعی ندارد. النهایه چون طبق شرع اسلام تولیت تکلیف بوده و قابل تفویض نیست مشارالیه موافق است از طرف خود یکی از اتباع سعودی را که مورد اطمینان سفارت کبرای شاهنشاهی متبوع باشد به نیابت تولیت معرفی نماید تا نایب مزبور در رتق و فتق امر موقوفه نیابتاً اقدام و حق الزحمه مناسبی نیز دریافت نموده و بقیه مال الاجاره را به متولی تسلیم کرده تا به صرف ما قرره الواقف برساند.

مشاور قضایی وزارت فرهنگ - احمد ندیم

وکیل متولی - منصور منصورى

سند شماره ۱۲۲

تاریخ سند: ۱۳۴۴/۳/۲۷

فرستنده: م. لواسانی

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: بررسی و تهیه گزارشی از پرونده‌های سالهای ۴۲ و ۴۳ موقوفات آل معصوم

نمره: ۲/۳
۱۴

جناب آقای سفیر کبیر شاهنشاهی

محترماً به استحضار عالی می‌رساند:

به دستور جنابعالی پرونده‌های سال ۴۲ و ۴۳ اوقاف آل معصوم را ملاحظه نمود که

خلاصه آن را به شرح ذیل به عرض می‌رساند:

۱. مرحوم سید علیخان شیرازی در سال ۱۳۰۱ هـ املاکى در مکه و طائف وقف اولاد خود کرده و از مفاد مکاتبات مکرر موجود در پرونده معلوم می‌شود که اولاد ارشد ذکور را نسلأ بعد نسل متولی اوقاف مزبور کرده است.

۲. تولیت برای اوقاف ظاهراً بدون هیچ دردسرى تا مرحوم مهذب الدوله می‌رسد. با فوت نامبرده برادر او سید ابوالقاسم منصورى مدعى تولیت شده و به ادعای پسرش منصور منصورى حکمی هم از اداره کل اوقاف مبنی بر تأیید این حق دریافت می‌دارد.

۳. با وجودی که سفیر کبیر شاهنشاهی چندین بار با آقای منصورى و وزارت امور خارجه می‌نوشته‌اند که این سفارت کبرا نمی‌تواند دخالت در دادگاههای سعودی کند و حتی وکیل در توکیل هم باشد، مع هذا از نوشته‌های مختلف موجود در پرونده معلوم می‌شود که امین حمدی از طرف سفارت کبرا وکالت داشته و در دادگاه و نزد اداره کل اوقاف سعودی دخالت می‌کرده است.

۴. اداره کل اوقاف سعودی برای شناختن متولی بعدی اصل وقفنامه را می‌خواهد و در عین حال به استناد مقررات داخلی هیچ متولی دیگر غیر سعودی را قبول ندارد. ولی گویا افراد غیر سعودی می‌توانند نظارت کنند.

۵. در خلال این کشمکش قسمتی از اوقاف مزبور خراب و مشمول توسعه مسجدالحرام می‌شود. قیمت بازخرید این قسمت و همچنین درآمد چندساله اوقاف از زمان مرگ مهذب الدوله تا کنون به تقاضای این سفارت کبرا و وکیل و خود ورثه ضبط و نگاهداری می‌شود تا تکلیف تعیین متولی روشن شود. طبق نوشته خود آقای سفیرکبیر وقت قیمت بازخرید قسمت مشمول توسعه به تنهایی یک میلیون ریال سعودی است (علاوه بر درآمد چندساله وقف).

۶. مکاتبات مکرر سفارت برای ابراز عین وقفنامه به نتیجه نمی‌رسد و گویا به علت وجود اختلافات خانوادگی فرزندان مهذب الدوله که پسرعموهای آقای منصور منصوری (وکیل و پسر سیدابوالقاسم منصوری مدعی تولیت) هستند حاضر به ارائه وقفنامه نمی‌شوند. آقای منصور منصوری که ابتدا استناد به فارسنامه ناصری می‌کند و جواب منفی دریافت می‌دارد اقدام به ارسال رونوشت اسناد و نامه‌های مختلفی می‌کند که هیچ کدام جای وقفنامه را نمی‌گیرد. یکی از این نامه‌ها عریضه‌ای است به حضور اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی و سند دیگر رونوشت حکم تولیت سید ابوالقاسم منصوری صادره از اداره کل تحقیق اوقاف ایران است که همگی طبق اصول ترجمه رسمی شده و به گواهی مقامات صلاحیتدار رسیده است و عیناً به امین حمدی داده شده.

۷. ابوالقاسم منصوری در تاریخ ۲۶/۱۰/۴۲ فوت می‌کند و تقاضای منصور منصوری مبنی بر حواله کردن وجوهات حاصله از درآمد موقوفات تا آن تاریخ به این جهت که اصل تولیت آن مرحوم محل بحث بوده و ثابت نشده است رد می‌شود.

۸. امین حمدی هم که بر فرض وکالت داشتن از طرف موکل اصلی (زیرا سفارت وکیل در توکیل بود) از همان تاریخ فوت موکل اصلی یعنی روز ۲۶/۲/۴۲ وکالتش منتفی می‌شود در تاریخ ۱۲/۱۲/۴۲ فوت می‌کند.

۹. در این بین ورثه مهذب الدوله طی نامه‌های متعددی تقاضای توقیف اموال و وجوه مزبور را تا تعیین متولی جدید می‌نمایند.

۱۰. طبق نامه ۶/۱۰۵۶ مورخ ۱۹/۱/۴۳ وزارت فرهنگ ایران که فتوکپی آن توسط وزارت امور خارجه به سفارت کبرا ارسال شده اداره کل اوقاف ایران به استناد مواد ۱ و ۵ قانون اوقاف و ماده ۹۰ ق.م. ایران خود را متولی اوقاف آل معصوم که متولی خاص ندارد می‌داند، ولی اقدامات سفارت کبرای شاهنشاهی و همچنین نظر مقامات سعودی در این باره در پرونده مشاهده نگردید.

تقاضای وزارت فرهنگ ایران مبنی بر درخواست اطلاعات جامعی از وضع فعلی اوقاف مزبور پس از توسعه مسجدالحرام نیز بلاجواب مانده است.

۱۱. فواد امین حمدی فرزند وکیل سابق اوقاف مزبور طی نامه‌ای اطلاع داده است که اداره اوقاف دولت سعودی به علت نبودن متولی بر اوقاف آل معصوم خود را متولی شرعی دانسته است. نامبرده ضمناً تقاضا نموده است که چون خود او اطلاع کافی نسبت به این اوقاف داشته دولت سعودی هم فقط متولی سعودی را قبول دارد خود او به سمت متولی تعیین شود و برای این منظور تقاضای ارسال وقفنامه یا رونوشت آن و سند رسمی از موقوف علیهم و ورثه متولی سابق جهت تعیین او به این سمت و همچنین مدارک رسمی که نسبت نامبردگان را به واقف اصلی ثابت کند، نموده است.

خلاصه آنکه مشکل اصلی این وقف در ارائه وقفنامه و در ثانی تعیین متولی و ناظر و انتخاب وکیل برای تعقیب قضیه می‌باشد و دولت سعودی اموال مزبور را به عنوان نداشتن متولی ضبط و جزو موقوفات دولتی خواهد شمرد و تصمیم وزارت فرهنگ ایران برای اداره این اوقاف به علت تعارض با تصمیم مقامات سعودی مفید فائده نخواهد بود، زیرا بر طبق اصول حقوق بین‌المللی خصوصی اموال غیر منقول تابع قوانین و مقررات محلی می‌باشد.

با تقدیم احترام

م. لواسانی

سند شماره ۱۲۳

تاریخ سند: ۱۹۶۶/۲/۷

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت خارجه عربی سعودی

موضوع: وجوه و عوائد موقوفات آل معصوم

نمره: ۳۱۲۵

یادداشت

به وزارت خارجه عربستان سعودی

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در جده تعارفات خود را به وزارت خارجه عربستان سعودی اظهار و احتراماً پیرو یادداشت شماره ۴۴۵ مورخ ۱۹۶۴/۵/۶ و مذاکرات حضوری با مقامات مربوطه راجع به اوقاف آل معصوم در مکه معظمه به استحضار می‌رساند:

متولی موقوفات آل معصوم مدتی است به رحمت ایزدی پیوسته و به موجب قوانین ایران اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد با وزارت معارف و اوقاف است. اکنون سازمان اوقاف که مؤسسه‌ای است دولتی و مسئول حفظ اصل و منافع کلیه موقوفات قانوناً وظیفه دارد نسبت به تریخیص و دریافت وجوه مربوط به بهای قسمتی از موقوفات مذکور که در توسعه مسجدالحرام تخریب گردیده و نیز در مورد تبدیل به احسن نمودن بقیه و جمع آوری مال الاجاره موقوفات باقی مانده اقدام و وجوه حاصله را به مصارف مفید برساند.

خواهشمند است نزد مقامات مربوطه اقدام فرمایند که وجوه موجوده و عوائد موقوفات آل معصوم را تحویل این سفارت کبرا بدهند تا به سازمان اوقاف ارسال دارد.

سفارت کبرای شاهنشاهی موقع را مغتنم شمرده ضمن تشکر از اقدام عاجلی که در این باره معمول خواهند فرمود احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

سند شماره ۱۲۴

تاریخ سند: ۱۳۸۵/۱۲/۲۶

فرستنده: وزارت خارجه عربی سعودی

گیرنده: سفارت ایران در جده

موضوع: پاسخ یادداشت سفارت در باب تقاضای مال الاجاره موقوفات

نمره: ۲/۱۵۷۳۱/۲۳/۱/۲۶

ترجمه یادداشت وزارت خارجه عربستان سعودی

شماره ۸۵/۱۲/۲۶ - ۲/۱۵۷۳۱/۲۳/۱/۲۶

وزارت خارجه کشور عربستان سعودی با اظهار تعارفات خود به سفارت شاهنشاهی ایران در جده و بازگشت به یادداشت شماره ۳۱۲۵ مورخ ۱۹۶۶/۲/۷ راجع به تقاضای مال الاجاره موقوفات آل معصوم در مکه معظمه و نیز جبران خسارت اماکنی که در طرح توسعه حرم مطهر مکه قرار گرفته به وزارت فرهنگ و اوقاف ایران که به استناد قانون ایران متولی موقوفات مزبور بعد از درگذشت متولی شناخته می‌شود، احتراماً اطلاع می‌دهد که طبق گزارش مقام مربوط موقوفات مزبور که در مکه معظمه وجود داشت عبارت بود از سه طبقه عمارت و یک فرنان پزی و پنج دکان و یک خرابه که تمام آنها در طرح توسعه حرم خراب گردید و از این موقوفات یک انبار و طبقه بالایی با ملحقات آن در کوی شامیه در سویقه باقی ماند و بهای مستغلات خراب شده از موقوفات مزبور به مبلغ (یک میلیون و سیصد و هشتاد و دوهزار ریال سعودی) برآورد شده است. اما موقوفات موجود در طائف عبارت از یک باغ در کوی سلامه و سفارت مال الاجاره آن را تا سال ۱۳۷۸ هـ دریافت می‌داشت تا آنکه سند شرعی از دادگاه شرعی کبری در مکه معظمه صادر گردید که به موجب آن اداره اوقاف متولی اوقاف مزبور می‌باشد. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

سفارت محترم شاهنشاهی ایران

جده

ج) اسناد متفرقه

تاریخ سند: ۱۹ بهمن ۱۳۱۸

فرستنده: بهمن

گیرنده: شیخ عبدالله سلیمان

موضوع: دزدیدن تعدادی از اطفال بلوچستان ایران توسط گروهی

و انتقال آنها به عربستان به عنوان برده

نمره: ۹۱

عزیزم جناب شیخ عبدالله السلیمان

خیلی میل داشتم قبل از مراجعت به طور خیلی خصوصی و دوستانه با جنابعالی ملاقات نموده و راجع به موضوع زیادی محرمانه، دوستانه نظر دقت شما را جلب نمایم که به طور مقتضی مطالب را به عرض مقامات عالی برسانید. متأسفانه از مکه معظمه مراجعت ننموده بودید و چون با کشتی فردا بایستی به مصر مراجعت کنم این است که به طور تفصیل و خصوصی مطالب را با آقای نجیب بک صالحه مذاکره نمودم که به استحضار جنابعالی برساند. از قرار اطلاعاتی که به اینجانب رسیده است در سنوات اخیر اشخاص فاسدی بعضی از اطفال بلوچستان ایران را دزدیده و به عنوان برده به کشور عربی سعودی آورده‌اند. و لازم به تشریح نیست که این مسأله در صورت صحت چقدرها ممکن است تولید کدورت بنماید. آقای نجیب صالحه نظریات اینجانب را در این موضوع مشروحاً به جنابعالی عرض خواهد نمود و یقین دارم با جلب توجه مقامات مربوطه اقدامات مقتضی و جدی و فوری برای جلوگیری از این امر بعمل خواهد آمد. با انتظار جواب مراتب دوستی خود را تجدید می‌نمایم.

امضا

علی اکبر بهمن

سند شماره ۱۲۶

تاریخ سند: ۱۳۳۸/۲/۱۵

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت خارجه عربی سعودی

موضوع: پیشنهاد انعقاد استرداد مجرمین

نمره: ۱۴۲

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در جده با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه کشور عربی سعودی احتراماً اشعار می‌دارد:

نظر به اینکه انعقاد قراردادهای مربوط به تعاون قضایی و استرداد مجرمین به نحو بسیار مؤثری موجب تسهیل در رسیدگی پاره‌ای از مسائل قضایی می‌گردد و در کشف حقیقت و اجرای عدالت و منع از فرار مجرمین کمک زیادی می‌نماید و نظر به اینکه توسعه روابط و تسهیل وسایل مسافرت بین کشور شاهنشاهی و کشور عربی سعودی عقد چنین قراردادهایی را به منظور حفظ و تأمین کامل حقوق و منافع اتباع طرفین در خاک یکدیگر بیشتر محسوس و در تحکیم روابط حسنه موجود بین دو کشور و مقامات قضایی آنها حسن اثر می‌بخشد، لهذا سفارت کبرای شاهنشاهی ایران از وزارت امور خارجه پادشاهی عربی سعودی خواهشمند است قدغن فرمایند مراتب را به استحضار مقامات قضایی مربوطه برسانند و امیدواراست هرچه زودتر جواب موافقی نسبت به این پیشنهاد دریافت نماید که به وسیله وزارت امور خارجه به استحضار مقامات مربوطه شاهنشاهی برساند.

موقع را برای تجدید احترامهای فائقه مغتنم می‌شمارد.

وزارت امور خارجه محترم کشور عربی سعودی

جده

سند شماره ۱۲۷

تاریخ سند: ۱۳۳۸/۱۰/۲۶

فرستنده: سفارت کشور عربی سعودی در تهران

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: تقاضای اقامت بیش از شش ماه برای اتباع سعودی

نمره: ۲۷۳/۱/۲۳

سفارت کبرای پادشاهی عربستان سعودی با اظهار تعارفات خود به وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران و پیرو یادداشت شماره ۱۰۶/۱/۲۳ تاریخ ۱۳۷۹/۳/۲۴ دربارهٔ اتباع دولت سعودی مقیم خوزستان و شکایت آنها از خودداری مقامات مربوطه شاهنشاهی از دادن اقامت بیشتر از شش ماه در صورتی که به اتباع بعضی از دولتهای خارجی دیگر برای مدت یک سال داده می‌شود و پاسخ آن وزارت محترم در یادداشت شماره ۱۲/۱۴۵۵۶ تاریخ ۱۳۳۸/۸/۳ اشعار می‌دارد که گزارش اداره گذرنامه و اقامت شاهنشاهی حاکی است که مدت یک سال اقامت فقط به رعایای بعضی از دولتهای خارجی بر اساس معامله متقابل داده می‌شود. احتراماً به استحضار می‌رساند که مقامات مربوطه دولت عربی سعودی به عموم رعایای خارجی از جمله اتباع دولت شاهنشاهی که وارد کشور عربستان سعودی می‌شوند برای وهلهٔ اول تتمه مدت شش ماه پس از انقضای مدت روادیدی که از مقامات کنسولی سعودی به آنها صادر شده است اقامت می‌دهند و پس از این اقامت دائمی برای مدت یک سال و پس از انقضای آن برای یک سال دیگر به طور متعاقب داده می‌شود، لذا خواهشمند است اقدامات لازم را نزد مقامات مربوطه شاهنشاهی بعمل آورند تا به اتباع عربی سعودی مقیم خوزستان همیشه برای مدت یک سال اقامت براساس معامله متقابل داده شود.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه خود مغتنم می‌شمارد.

سند شماره ۱۲۸

تاریخ سند: ۳۸/۱۰/۲۵

فرستنده: رئیس اداره گذرنامه روادید

گیرنده: شهربانی کل کشور

موضوع: صدور پروانه اقامت یک ساله جهت اتباع سعودی
نمره:

شهربانی کل کشور

در پاسخ نامه شماره ۸/۴۶۵۹۰ مورخه ۳۸/۱۰/۲۰ اشعار می‌دارد که وزارت امور خارجه با صدور پروانه اقامت یک ساله جهت اتباع دولت سعودی براساس معامله متقابله نظر مخالفی ندارد.

رئیس اداره گذرنامه روادید

۱۰/۲۵

حاشیه:

اداره محترم ششم ملاحظه و پاراف فرمایند.

سند شماره ۱۲۹

تاریخ سند: ۴۹/۱۱/۱۷

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت ایران در جدّه

موضوع: سفر دو تن از شاهزادگان سعودی به ایران جهت شکار
نمره: ۳۸۵۶/۱

سفارت شاهنشاهی ایران - جدّه

پیرو نامه شماره ۳۶۵۸/۱ مورخ ۱۳۴۹/۱۱/۴ راجع به مسافرت والا حضرتین امیر منصور و امیر بدر به ایران اشعار می‌دارد: به طوری که ژاندارمری کل کشور اطلاع می‌دهد نامبردگان که از طریق گمرک ماه شهر به خاک شاهنشاهی وارد شده بودند با یازده دستگاه ماشین و نوزده قبضه اسلحه از طریق مرز شلمچه (در تاریخ ۴ بهمن ماه ۱۳۴۹) از کشور خارج شده‌اند. از طرف وزیر امور خارجه

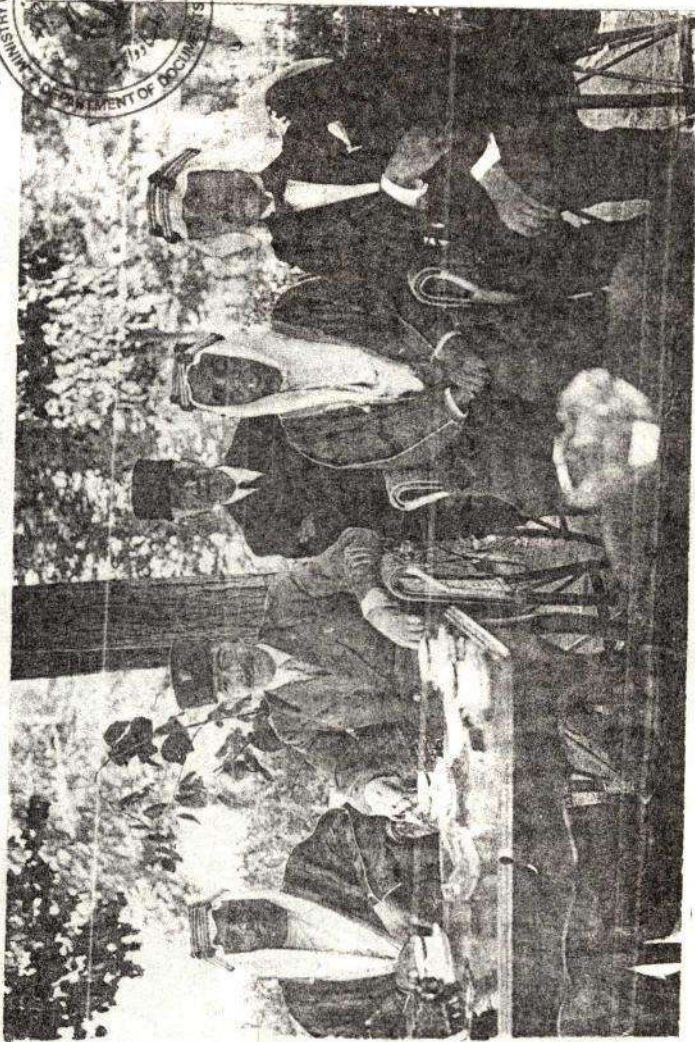
محل امضا

جناب آقای سفیر ملاحظه فرموده‌اند.

۱۳۴۹/۱۱/۲۱

ضمائم



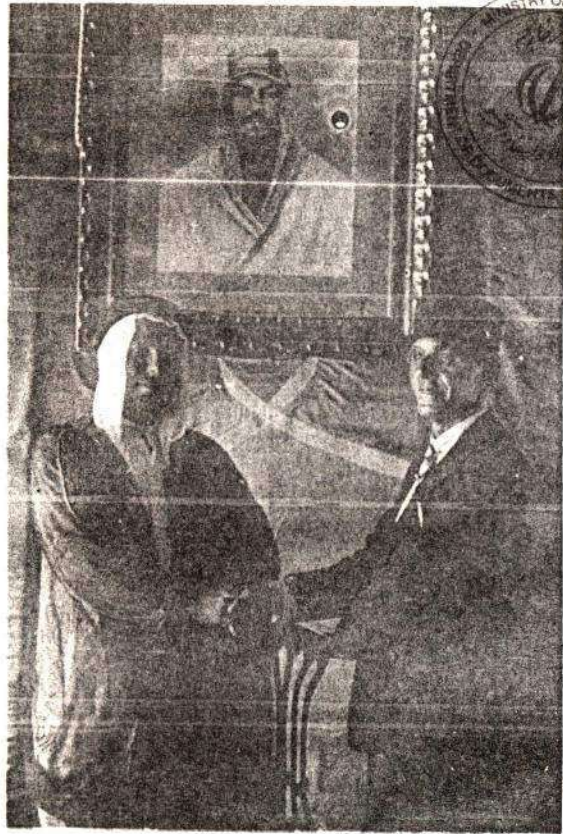


سید احمد
نائب رئیس

جعفر بن محمد
خانیه اول
عماد الدوله
محمد باقر
عماد الدوله

سید علی الدوله
خانیه ۲





در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۰۹ در کعبه در وزارت امور خارجه تهران
بسیار عالی و با احترام به طرفت آقای...



در تاریخ ۲۰ خرداد ماه ۱۳۰۹ در وقت بسیار در کعبه در وزارت
خارجه در کعبه در وزارت امور خارجه تهران

تصاویری از اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم



من محمد بن عبدالمطلب وزير الامم والشؤون العربية في الجمهورية
الجمهورية صامح الجلالة القوية (الطو محمد رضا) جاهلي شاهنشاه ايران
في الكريخ :

السلم عليكم ورحمة الله وبركاته لقد فرحت لنا السيد محمود صالح السقي في يوم العادة من السلم عليكم
المؤرخة في العاشر من شهر ذي القعدة ١٣٨٠ هـ ، فابعد من الجلالة لكم بشكري العتيق على ما لا يحصى فيها
من مصادره (لو وكرج العلاف).

لان في ارباب جلالكم من البر والفضل والفضل ، اولون اولون بان فيكم الكريخ
وكم حاج ارباب البلد لعل في القلوب اسبقون غنا ما همون في الامم علينا .
ونسأل الله تعالى ، ان يعيد لفضائله المودة بينه وبين المسلمين حونا الى المنة على ما وردت
لعل ، وليكونوا ليراد واحدة في سبيل النزول عمه بان في ذلك من طلائعهم ..
والسلم عليكم ورحمة الله .

صدورنا من الملك بكرة في اليوم الخامس عشر من شهر ذي الحجة سنة ١٣٨٠ هـ صبريخ
الموافق لليوم الثاني عشر من شهر مايس سنة ١٩٦١ ميلاديخ .

فرد راجع ببله آنجا و ذکر آنکه با ملک با سلطان ابن سعود بمحضرت جاب در آنجا رسیده و در آنجا شرفیاب گردیده و در آنجا
در آنجا کوه فرات رسیده و کوه برابری که است آن تعریف گفته اند فیما بین علیها ذیله شرح است مخصوص هم که راجع
بوده منوره است میزدانم
نظر به یکدیگر که در کتب معتبره غیر سلطان بنده آنکه که ایصال مرا نقطه تا به عیون که که در دهگاه قشون
و کابیه است و در وقت از مدینه منوره در وقت قصد میکنند و در آنجا تا مدینه را در دیده نمیگرد
بر نظر راه است داده با جناب وزیر مختار بیده که بیشتر که با ملک است که آنکه غایب ملک بیچاره
گفت نمی بر پیشان بگوید فرام و کاشون ماهه در واقع مدینه هستند و در خارج شهر قشون نزدیک
دولت عیون تا مدینه همه گفتن است و همه در است و کابیه است میترسم که بر یک بر تمام
کوهن از این غیر تیر شمشیر بزنند و گویند که از طرف باله است پس اصحاب است که سلطان
با کارهای خود شادمان به دانه تکلف پسیر با که خارج شهر است رسیده کارهای را انجام
شماره تحویل میکنند و در این وقت نیز در جهان نقطه شماره را تحویل از سلطان میدهند
هنوز در از جده تفسیر را با این لیسو در شتر روز بد سجایب رسیده و مقبول و او بر سر است
و چهار روز که جناب وزیر مختار بر او گذر دعای مهر شد تبه نیز سو را از او میروم و اعزام (بجوه)
گشتن یکشنبه روز در جبهه توقف و در جبهه با این لیسو ملاقات شد فوق الاده احترام
و محبت خود و هر دو در میان اظهار رسیدن تقرب بدلت علیه میگرد و ملکیت با است ایران همگی
و بعد سر برانفر شمیم در یکدیگر در محله استند و میمانند از آنجا سخن نمایی و از آن
ما شهرت میدهند اگر محبت و اتم است است اما با بر سر رفته حمل میبرد و دیگر کابیه است
در وقت فر صراحتا بگویم و کا به بر دولت علیه بنویسد که فرعون ترفیع را بحال
و مال و ادلا و حی و حافظ و حاکم و هدایات که تر قیود در این لیسو است به زمانها
بتیغ خود و قبه که ندارند و بهجت میمانند و نیز القبول در دایره را قیود تفسیر میمانند
سخن را بد از دهن خود فوراً جو کر که کام و عالی نیز به کمال اصرار و اصرار معطل که دولت
بلاسر نموده و سخن را بفرستند و در امور چهار قبور چند و دیگر تفسیر خود نیز که میفرستند
محافقت میکنند شهرت مسعدت غلام که محترم اگر خرج در آنجا چهار قبور دارند و از آنجا



فرد از وقت بیده به منوره و بعد از حوت سلطان این محبت را مکرر نوشته و بعد از حوت از مدینه در دیده
و نیز خلاصه است که فرد در تقرب این او دولت علیه احترام کنونی نیز خلاصه است که ملک تبه با او داشته باشم
به صورت این لیسو پیچیدار تفکد از آن خصوصیت خود را با سنده شتر ذلول مضمون بر آورنده و گویند
مستین که که تا مدینه ذیله و ایام با بنده باشند و بر آنجا حرکت از بکره یک رفته چهار روز در آنجا
اندم سپهر تفکد از آن سو اثر را به راجع که در این است فرستاد و بنده لا اتم است مخصوص خود
با او به بیت راجع رخصت از ملک راجع بیشتر پنج منزل است با او بر سر است محبت طول کشید در
راجع چند روز منظر تفکد از آن شدم مستحق مخصوص سلطان که حکومت خود در این اثنا نیز شتر را
و بیشتر و جمله دست نترس شدم و در روز سفر تا غیر آنجا ز غلام زدند که به حسین بن طیبس راجع
حجرات از یک ده بزرگ است که سیح جز در آن وقت میفرستد جزان در پنج و کثرت جزان است
از بزرگی است از بزرگی آب چاه آنهم تیغ و ناگوار به حال برده است حضرت شتر است تیر شده
بقوه ده و در جات بهیچ میفرستد در این اثنا سپهر سلطان با بنده شتر را از قشون و کابیه
بر سر قشون بومینه راجع رسیدند نیز تیر با دو صنف و ده است با تفکد از آن مدینه با نهانی شدم
و حرکت خود در در ششم به عیون رسیدیم و دیگر حجرات میرا این عرض کنی این شتر را در سلاطین
چهار بزرگی نمودند و آورد به حال بد از روز است مراد به امر مدینه و مدینه به حاکم کوشش
نوشته از صدها ملک را در جوف نهاد با قاصد کفص بر سر فرستادم روز بد
که با نهایت شادمانی و اطمینان خطره استند لهذا پیچیدار و ده نفر بیک از قشون سلطان حرکت کوم
در آن محلی میان کتب فرود آمد با ملک در شتر است فرستاد و فرود کوشش کردند
و بر سر آن سلطان هم در آن کوشش کردند که کوشش است خود دادند از آنجا بسبت برینه
منوره حاکم شدیم در خارج در لاره بقدر با بنده قشون و چهار صنف شتر را
در مدینه شریف آمیزان تصور و جمع زبان را از آنکه استیصال است تا بنده و همچنین از وقت
بهین ترفیع است گفته بد از دهن و احترام بزار است هم مستحق طرف طرازی است
مهر حضرت فتح الدین علیه الاف التوجه و انما است شدم روز فایده در آنجا مستحق
دست میزدانم و صف خارج است مخصوص بهیچ حجرات و شتر را به شتر راه نگاه میدهند
خداوند سره آن باین امانت و چنان لایحه حضرت عرف و جمیع در آنجا

۱۲۴
 ته در روز بینه توقف نمود روزی بعد باز دید قبلمطهر حضرت بک حکم نظر شهر و هفتاد و نه روز بعد سران جریه عرض
 و تبریک به طرف مطهر و اندر مردم شدیم بدو از دار قبلمطهر حضرت و عقبه دوسر انجا بیاختن فرستادیم بفرمود
 پس خدمتکاران آورده پوشیدیم و بلا مشاره قبلمطهر صد کردیم بکنده بماند بدمستی و از انجا قبلمطهر
 زیارت نمودیم (از اوصاف باقیه غیر ممکن است) از انجا شد چه نمودیم که فقط پنج کلونه نقاشت قبلمطهر است و
 وانکه سوران که است و ابداً خرابی ندارد و نیست اولاً بلیغی است که هر آن کلونه از طرف باقیه است
 ثانیاً بر فرض اینکه از طرف انها چه باشد دلغج است بعد از آن است و در انجا ریز آماز این ریزه که خط باقیه
 مطهر است و در وقت این نظریه است هر قبلمطهر این خط عظیمی در برکت است و در باقیه
 در وقت در لوله و باقیه شهر بماند و تدادش در تبرک است چهار هزار است اگر قصد است میداشته
 آنکه در دست از کلونه قبلمطهر میرسد بهر حال فقط آماز پنج کلونه نقاشت در وقت قبلمطهر بود
 چه پنج کلونه قبلمطهر است یعنی غلام شهر مردم شریک در شهر بعد کلونه آورد و در بند و دولت
 که اینها را در مردم عزم یافته و تصور میکنم که از کلونه باقیه که قبلمطهر میرسد است خدمتکاران باقیه
 خود هم نبود که در روز و در وقت صرف محفوظ ماند بلاخره روز چهارم بگریم خدمتکاران
 سلطنت را تقریباً سه مرتبه رفتیم که خدمتکاران این زمان شده بودند باقیه شهر آمده بند به تبریک
 برفت نظر نقد از سواره و سایر از خدمتکاران و در وقت نقاشت باقیه سیدان باقیه
 پنج شهر آمدیم که در این اصولی بود و در وقت بعد از بند گرفتن و خدمت نمودند به تبریک
 و کلوران سلطان بوقت حضرت حرمه مشرف شدیم که در این احوال باقیه است چهارت و قبلمطهر
 حرمه با وجود اینکه چندین ماه است که در تصرف ما بقیه است ابداً این سینه است بقیه حرمه
 نیز در نزد اند و در وقت آن موقعی و شکله این اطراف آن نیز دست خورده است فقط در
 آن قبلمطهر که باقیه از قبلمطهر بوده و قالی و مایع بنا برت که است فقط یک نفر از اهل
 مینه ذکر میکرد که قبر عقیل نام از اهالی پیغمبر را که در حرمه حرمه مردن بود است
 خرابی که قبلمطهر بود و باقیه بدو از انجا شنیدند بند و کلونه نقاشت در حرمه حرمه حرمه حرمه
 بوقت بقدر این قول سلام نیست در حال تمام حضرت حرمه ابداً خرابی شده است
 اثبات را هم نمیتوانیم است بماند تصور شود که چه میرسد باشد از احوال در پیغمبر را
 مرتبه حضرت حرمه این عبد الطییب پیغمبر را که زیارت کوم اثبات آن فقط چهارت
 از قبلمطهر و باقیه بند بر و کعبه حرمه یا سه شده و بقدر نقاشت و کلونه حرمه است

تا شنیدیم که هر چه بماند ان گفتم چنانچه است که بر تیره پیغمبر انگونه به ایتنا مرتبه که قبلمطهر
 در صورتیکه مرتبه پیغمبر با این وضع است چه نمود تصور کنیم مرتبه مور پیغمبر بهتر بود و در پیغمبر
 اگر کفایت که اند چه قبا بنبره فقط خود را متوقف کرد انرا این بود حقیقت است هر است قدر در حرمه است
 پیروز زیارت به اردو که سلطان آمده هر روز توقف کند بیخبر نقد انرا ان خصوص سوار شده
 بطرف که رسیدیم شریک در درمکت بویس فرستادند و در پیوسته است در درمکت بویس روز
 هشتم بدو از نظر نیمی جان بیکه متعلقه رسیدیم در راه از آنکه کوه کلونه قبلمطهر در بر شدیم در حرمه
 آثار شرف است در وقت حجت کیم که ده فریده به تبریک نقاشت در حجت تری باشد و
 انرا نیز بدو در است در پیوسته است که که کجا ده سفرکنند زیرا کجا ده با ان حرکت تعصیر شد اعتبار
 بیشتر است در شب و یک روز در کوه نامه با این احوال دراع که با آن رسید بیکه آنم چند روز
 در حرمه فقط گذشتیم با ملک تا چندین موقوفات که بلاخره نسبت مقر و از آنجا که در حرمه
 ملامت شرف با این احوال در در حرمه عبوده بر ضرب بسنم و از آنجا که ملامت با ملک شرف را در
 پیوسته بلاخره مجبور به استغاث و بجزرت از چهار شد زیرا تقوا از این اپرت فقط دادن
 تو میات در خصوص در این نمونه است

۱۱ شهریور ۱۳۰۴
 ۲۹۹۴۴

دولت شاهنشاهی ایران

۱۳۰۶

۲۴ دی ۱۳۰۶

سوال و جوابه البلاغیه

المملکه الحجازیه
السلطنه العبدیه
و ملحقاتها

ملکه مکرمه فی ۲۲ جادی ۱۳۰۶

بسم الله الرحمن الرحیم

البلاغیه پادشاهی به حکومت های محابیه

نصرت و در کمال در هر چه از صحیح و بیادش هر چه از برکتی که در دست حضرت و در
روشنی و شایسته است و در کمال در هر چه از برکتی که در دست حضرت و در
قول بجهت تویم و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست
ملک الحجاز و سلطان نجد و سلطان یمن و در دست و در دست و در دست و در دست
دو تنه یعنی بنی به دو هم صحیح و در دست و در دست و در دست و در دست و در دست
برای که در هر چه از برکتی که در دست و در دست و در دست و در دست و در دست
ملک الحجاز و سلطان نجد و سلطان یمن و در دست و در دست و در دست و در دست
محمد



مقام سید و کرامت قبله امیر خارجه در
اینک با کمال تجدد و احترام بضمیمه منواری (در نامه الف) منطبقه شد
که عین تمهید المال ابن انوار که پس از استعلام بریده بنوینکان دول که در بریده
فرستاده تقدیم شو آئینه و بر قنبر جده و با سفارت مصر که عجز از این
عین این تمهید المال در ترجمه آن را بوزارت قبله امیر خارجه فرستاده اند
پس از که در این تمهید المال خلیج جاب توجه است بطوریکه در خط سیر از آنها
اش ره کرده ام در این تمهید المال ابن انوار که در دست و در دست و در دست
اسلامیه تقاضای فرستادن نمایندگی نموده است که در عجز جمع شده بر این تمهید
رحمت صحیح را رضای شو مذکره و را در دهند از این تمهید المال و اطلاع است
پس از استعلام بر مرشد و جده از لقمه و عهد سابق خود که کتاب و شفا که بعد از
مصرف شده است زیرا بموجب بیانات شفاه در حضور جناب
داین بنده و بموجب تفصیر منتهی در وزارت قبله منتهی در جمع شده
در مجموع سه امر است اول آنست که این تمهید که در برابر این تقاضا که بعد از جمع
در حضور آئینه عجز و تبیین حکم دولت آن قرار آنها نمایند که بعد از
سفر شده است و از قول منتهی است چرا که معلوم شود که بعد از
پیش عجز اعلان نموده است که در این در دست و در دست و در دست
ملقوع شوند امرا مبارک قدر

۱۳ شهریور ۱۳۰۶

۲۱۰۱

۳



وزارت امور خارجه دولت عالی ایران

۲۶ ص ۱۳۰۴

مقام شایسته وزارت امور خارجه
دانشگاه



بسم الله الرحمن الرحيم
اینک بضمیمه عین مرسله نمایندگی این کشور در
درجه این ابدغیبه را در جمیع روزنامه ها
مقرر مصلحت عدم تجویز زیارت بیت الله الحرام
انجارت جرائد است بکلیت نیز اسامی مسلمانان
نمیدهد و البته متوقف شدن حج در این
باین معنی و اما در حجاب و مشغول خواندن است
اسلام را ترویج و حج نماید و تصور نموده است
چنین ابدغیبه اعمال که خود را بمطلبه و خطه
شد تا در این معظن در تعلیه از نوع تقصیر بداند

علی محمد

۱۷ اردیبهشت
۱۳۰۴

۱۵ اردیبهشت
۱۳۰۴

REPRÉSENTANT DE SULTAN
NAJD
EN SYRIE
SOULEMAN MOUCHÉREH

Drouot

معتدل جلالت سلطان نجد

سید سلطان المشعلی

۱۳۰۴

دمشق

السلطان المشعلی

لملا حضرت صاحب السادة فضل جنرال دواته ایران السلیه دمشق و سوریه المعظم

تعلیم سعادت و از ورود الی اعتماد من الملائکة سلطان نجد و خطابه عامه و صدور حجاج بیت الله الحرام
العام المورثه فی الیوم السبع عشرین من شهر شعبان و لکن یكون معلوما الیه دولتم المعظم و حجتها فی کل مکان
من الذین یأمروا بالحج فی هذا العام و حدثت اورد و تبوعنا خطم الیه و بهم مرفاهیه و راحة رعیه و کتم
اعلیه و تأمین وضع الحجاز و تقویت صورة الامور الی بیحیط به علمک و سعادتک الی

انما رجب و شعبان بقدم و فود حجاج بیت الله الحرام من كافة المسلمين فی موسم هذه السنة و تکلیف حج الیه
تأمین راحتهم و المحافظة علی جمیع حقوقهم و تسهیل امر سفرهم الی مكة المكرمة من احدى الموانئ الی یزولون
الیها و هی المیناء او (اللیث) او (القنفة) و قد حکم فیها النظام و استقامت الامن و استقامت امانا منذ دخلها
سیوشا و استتجد من التدابیر فی هذه المراتک جمیع الوسائل الی اقل تأمین راحة الحجاج

و اعدت المحافظة احوالنا الیه لیریه انه لم یجوز اثره کل و المراد الی کان یضمها الحسین فضل الحجاج
الحزیم و الایة صادیه وان ابواب الحجاز مفتوحة لجمیع من یرید القیام بای عمل خیری او اقتصادی
وان الحكومة المحلية مستعدة للقیام بجمیع التسهيلات الی الکیف من یرید القیام بای عمل خیری
و اعدت احوالنا الیه لیریه انه لم یجوز اثره کل و المراد الی کان یضمها الحسین فضل الحجاج
الحزیم و الایة صادیه وان ابواب الحجاز مفتوحة لجمیع من یرید القیام بای عمل خیری او اقتصادی
وان الحكومة المحلية مستعدة للقیام بجمیع التسهيلات الی الکیف من یرید القیام بای عمل خیری

هنا صورة البلاغ الذي اذنت لقيناه عرضنا اسامكم واقبلونا فائق الاحترام والسلام

عظم سلطان نجد
دمشق

اداره

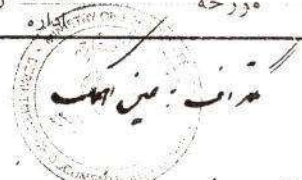


وزارت امور خارجه

نمونه (۶)

سواد: مورخه: وزارت که اصل آن بشماره: ثبت شد:

۲۹ مرداد ۱۳۱۱



مخبرین: مین

این سواد مبادی طرف نزدیک کجور، محضرت با ایام ما بر همه جنین خود منسلت اوست که در شهر کجور
 طرف محضرت تبعاً جواب نامه خود مقرر فرموده تا حکماتی نزد اورده از جانب محضرت
 الحی و پانی و طغنت نلا و خلاف آنکه در محضرت و جهت و جهت کجور دیده
 و عهد و قبله که همین است عهدی تا سه دارند و مانده روابط در آن ضمیر با جهت چهار هزار
 و نام و نامی روانه شده منشا خود ما در عهد و حکمتی باشد در مجموع از نامه که در اول دهر
 ایدر بنا به منصفه که در خواننده گردیدند و در وقت خواننده گردیدند و در وقت که است
 و امر از جهت قرارت را بر سینه جواب این عهد تا نیر که قبله با و مبادی که در زمان
 و عامر جواب مبادی حکماتی را در ۱۳۱۱

نیزت این مبادی را حضرت ایزد با در پیش اندازد و چون بعمر نبه که این محضرت
 همسر را در این مراسم و برابر نمایان بر وزارت امور خارجه ای که فرموده اند

۲۲۲-ل

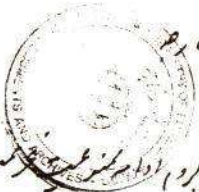
نمونه (۶)



وزارت امور خارجه

اداره

سواد: مورخه: ۱۵ خرداد ۱۳۱۱ وزارت که اصل آن بشماره: ۱۷ ثبت شد: اداره



وزارت امور خارجه

ارشد (۲۵۸۴) راجع بزم (ادامه کلمه) در وقت اعلام بکس
 اعلام اینکجه با غیر و همه خود در صیبه با زوم انجمنه ۱۳۱۱ که در وقت با نظر
 آن وزارت علیه بر وقت خود تقصیر است که با اطلاع صادر باینکه که در وقت از جهت این
 هیچ در چهار جوان است در صیبه بکنه که اصل راجع خود در زمانه در وقت از جهت این

را در وقت اعلام بکس
 کجور

۲۲۲-ل



وزارت امور خارجه

اداره ...

دائرة ...



کمیسیون لغات ...

سفارت ...

چون وزارت امور خارجه ...
منطبقه بر ...
بطوریکه ...

بمیراست ...
[Signature]

نمونه (۱۱)
بتاریخ ۱۹ / ۱۳۰۸
نمونه ۱۵۰۰۰۰ ضمیمه



سفارت شاهنشاهی ایران
در حجاز و نجد



نمونه کالین

نمونه دوسیه

ضمیمه

نوع مسوده

نمونه ۱۰۹

مؤرخه ۸ خرداد ماه ۱۳۰۹

بناست احترام ...
به جبهه ...
از ...
تا ...
عین الملک ...
در ...
که ...
بناست ...
بناست ...
بناست ...

[Signature]



تاریخ شایسته ایران
تبریز

شماره اول
روزنامه ۱۳۱۰



مقام وزارت مبدی امر فارسیه دولت ترکیه

روز ۳۰ فروردین علمبردار ملک این احوال شریفه فرجده شده و در این عصر قهرمانان و بندگان
برکت سفیر را پذیرا فرمودند
در وقت پذیرای از بنده کاتبه محبت و مهر با اظهار شکر و در نمودن نیت شایسته طول کشید و در بیان بارگشایان
صحت شایسته کتب صحیح تبریک بجا بیان شده اید و چون در صحنه شرف شده بر تعداد کتب بجهت تکرار بعد
ایمان اشک از خود میدهم نیز شایسته خود را شکر نماید کان عاجز نماید بیچون در تبصره ای از وقت در وقت
بدون اسج ملاحظه بگردان با بیاید چه در دو پر در اینجا امید آمانه مدارک همی شایسته ملک در وقت صحنه است
روابط با دولت علیه اکتیخ فقط سیر و جواری نیت بلکه در در میان نیت شرکت و همی است که در وقت
از این مقوله بیانات فرمودند و بهره علمبردار صحیح در این وقت شکر بوسه ماسون وزارت امر فارسیه دولت ترکیه
حضور داشته اند نیز از طرف آهوه و کسرت در حضور شده به سفارت عورت نمود
حکم اردو نیت علمبردار بجز عورت فرمودند

۵۳۵
۱۳۱۰ / ۲ / ۱۳
۲۵۸
۱۳۱۰ / ۲ / ۱۳
تاریخ شایسته ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



محمد عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفيصل السعود

ملك المملكة العربية السعودية

الى حضرة صاحب الجلالة الملك رضا شاه بهلوي ملك ايران
اختر عزيز

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته . وبعد فقد تلقينا كتاب جلالتم
المنبي بنقل جناب جبيب الله خان هويدا القائم بأعمال المفوضية الايرانية بجده
من بلادنا وانا بهذه المناسبة نعرب لجلالتكم عن سرورنا من المهمة التي كان
يبد لها جناب القائم بالأعمال المذكور رثمية الروابط والصلات الحسنة بين
البلدين وانه كان مساعدا الاثر للحسن .

اننا نغتنم هذه الفرصة نعرب لجلالتكم عن تمنياتنا بدموم رفاهيتكم
ورفاهية شعبكم الخيبر .

حرفه قصر نابككة المكرمة في هذا اليوم الخامس عشر من شهر محرم
سنة الف وثلاثمائة وثلاث وخمسين هجرية
عبدالرحمن
السعود
محمد



رقم ۸۷۷۷۶
تاریخ ۱۱/۹/۱۱
الوافق ۱۱/۹/۱۱

سازمان عربستان سعودی با تقدیم احترامات به وزارت خارجه باستانی ما متوجرا در پائین یادداشت
شماره ۴/۱۸۸۱/۱۱۰۹۰ من ۴/۱۸۸۱/۲۰ تاریخ ۱۱/۹/۱۱ اعلام میدارد که دولت عربستان سعودی نهایت کوشش خود را برای
معاذت و تامین آسایش، حجاج بنگار میبرد و حجاج ایرانی را نیز مانند دیگر حجاج قبول این معاشرت
و نگاهداری میسازد بهرجهت مایه نیت کجترین زیان و آسیب با ایشان وارد شود. دولت برای سلامت
حجاج تمام تدابیر متقنی را بکار برده و انجمن مخصوصی نیز برای قبول مرابعات حجاج و تامین راحت و آسایش
و تسهیل امور آنان تعیین کرده است.
سفارت سعودی این فرصت را برای تجدید احترامات خاصه مقتضی می شمارد.



۵۲۱ ۲ ۳۱

۱۰۰۰۸
۱۱/۹/۱۱

وزارت خارجه شاهنشاهی - تهران

۱۸۹۵۰
۱۱/۹/۱۱

تاریخ

بنای آری



بنای آری

آری بود ششم فروردین اولیای بگور سعودی قطع شود. به جواب وزارت امور خارجه
تجدید این تاریخ تلف تصحیح و به ترتیب ایران و به ترتیب وزارت امور خارجه
وزارت روابط قطع نمودن این وزارت عراق و انگلند بود. که نظر
ملک جواب ۲۵ و ۲۶

۳۹

۲۳/۱/۱۱

۳۱/۲/۳۵



۸۱
مخبر شاهنشاهی ایران
برای مرافقت امیر قنصل و پسر امیر عبد الله با حسن بیگ
مقرب قنصل الامان تصحیح و مرمت دیوانه‌های اینجانب بنام
پسر شاهنشاهی بطور مقتضی نشر کنم ام تصور میکنم
همینقدر کافیست گزاره‌ها را مربوط به وزارت امیر صاحب
تقدیم کنم

صورت از تلگراف
پوشیده قنصل سفارت شاهنشاهی ایران در جده
شماره ۱۳
تاریخ ۳۱/۲/۳۵

اسامی نمایندگان سیاسی ایران در عربستان سعودی

۱. سفارت ایران در جده در اول فروردین ۱۳۰۹ توسط حبیب الله هویدا (عین الملک) تأسیس شد و مشارالیه تا آذر ۱۳۱۲ وزیر مختار بود.
۲. محمد علی مقدم از آذر ۱۳۱۲ تا تیر ۱۳۱۴ وزیر مختار بود. در آن تاریخ سفارت در جده تعطیل و سفرای ایران در مصر و عربستان سعودی آکر دیته بودند. این وضع تا بهمن ماه ۱۳۲۲ که به علت اعدام یکی از حجاج ایرانی در مکه روابط سیاسی بین دو کشور قطع شد، ادامه داشت.
۳. در سال ۱۳۲۶ هیأت حسن نیتی از طرف دولت عربستان سعودی به ایران آمد و روابط بین دو کشور تجدید و مجدداً از مهرماه ۱۳۲۶ سفرای ایران در مصر و جده آکر دیته شدند.
۴. سفارت ایران در جده به طور مستقل در ۱۸ اسفند ۱۳۲۸ توسط عبدالحسین صدیق اسفندیاری تأسیس شد و مشارالیه تا آبان ۱۳۲۹ وزیر مختار بود.
۵. مظفر اعلم از مرداد ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲.
۶. حسین دیبا از آذر ۱۳۳۲ تا اسفند ۱۳۳۴.
۷. در ۲۴ اسفند ۱۳۳۴ سفارت به درجه سفارت کبرا ارتقاء یافت و محمود صلاحی از آن تاریخ تا شهریور ۱۳۳۷ سفیر بود.
۸. ضیاءالدین قریب از آذر ۱۳۳۷ تا دی ۱۳۴۱.
۹. افراسیاب نوائی از اسفند ۱۳۴۱ تا دی ۱۳۴۲.
۱۰. محمد حسین مشایخ فریدنی از شهریور ۱۳۴۳ تا شهریور ۱۳۴۷.
۱۱. محمد قوام از شهریور ۱۳۴۷ تا اسفند ۱۳۴۸.
۱۲. سرتیپ عباس فرزندگان از اسفند ۱۳۴۸ تا دی ۱۳۵۰.
۱۳. جعفر رائد از دی ۱۳۵۰ تا اول انقلاب اسلامی.
۱۴. هادی صادقی (کاردار موقت) از پیروزی انقلاب اسلامی تا مرداد ۱۳۵۸.

In the Name of God

Iran & Neighbors (Saudi Arabia/1)

*Documents on
Iran & Saudi Arabia Relations*

(1925-1979)

Compiled by: Ali Mohaghegh

The Center for Documents and Diplomatic History

Tehran - 2000